

مکاتبات دول ملکه با دولت ایران

(جلد سوم، عثمانی)

پیشینه چند مکاتبات فرانسه با ایران

به اهتمام

عباسقلی صادقی



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

تهران ۱۳۸۸

*Correspondence of Three Governments  
With the Iranian Government*

vol. 3: Ottoman

With Several Correspondence  
from France with Iran

Compiled by

Abdolkarim Sadeghi



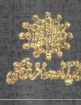
Society for the Appreciation of  
Cultural Works and Dignities

Tehran 2000

کتابخانه دولتی مجلس شورای اسلامی ایران

علوم و معانی

تألیف صادق



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه  
عنوان و پدیدآور  
مشخصات نشر  
مشخصات ظاهری  
فروست  
شابک  
یادداشت  
یادداشت  
یادداشت  
مندرجات  
موضوع  
موضوع  
موضوع  
موضوع  
موضوع  
شناسه افزوده  
شناسه افزوده  
رده‌بندی کنگره  
رده‌بندی دیویی  
شماره کتابخانه ملی

صادقی، عباسقلی، گردآورنده.  
مکاتبات دول ثلاثه با دولت ایران / به اهتمام عباسقلی صادقی.  
تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۸.  
ج: مصور، نمونه.  
سلسله انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی؛ شماره ۴۶۱، ۴۸۹، ۵۰۲.  
(دوره): 978-964-528-103-6 (ج. ۱): 978-964-528-102-9 (ج. ۲): 978-964-528-134-0  
۶۵۰۰۰ ریال: (ج. ۳) 978-964-528-161-6  
پدیدآورندگان ج. ۲: به اهتمام عباسقلی صادقی، بهروز صادقی  
ج. ۲. (چاپ اول: ۱۳۸۶).  
ج. ۳. (چاپ اول: ۱۳۸۸) (فیبا).  
ج. ۱. انگلیس. - ج. ۲. روس. - ج. ۳. عثمانی. -  
ایران -- روابط خارجی -- اروپا.  
اروپا -- روابط خارجی -- ایران.  
ایران -- روابط خارجی -- انگلستان -- اسناد و مدارک.  
انگلستان -- روابط خارجی -- ایران -- اسناد و مدارک.  
ایران -- تاریخ -- قرن ۱۳ و ۱۴.  
صادقی، عباسقلی، گردآورنده  
انجمن آثار و مفاخر فرهنگی  
۱۳۸۸ ص ۲۳۵ الف / ۱۳۹ DSR  
۳۲۷/۵۵۰۴  
۸۵-۴۴۴۵۹ م

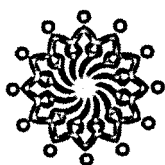
# مکاتبات دُولِ شَلاه با دُولت ایران

(جلد سوم: عثمانی)

به ضمیمه چند مکاتبات فرانسه

به اهتمام

عباسعلی صادقی



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

تهران ۱۳۸۸

سلسله انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی  
شماره ۵۰۴

مکاتبات دول ثلاثه با دولت ایران (جلد سوم: عثمانی)

• به اهتمام: عباسقلی صادقی • ناظر فنی چاپ: کیانوش بیرون‌وند • مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران • نوبت چاپ: اول ۱۳۸۸ • شمارگان ۱۰۰۰ نسخه  
• همه حقوق محفوظ است

• شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۸-۱۰۳-۶ ISBN (Vol. Set): 978-964-528-103-6  
• شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۸-۱۶۱-۶ ISBN: 978-964-528-161-6



دفتر مرکزی: تهران - خیابان ولی‌عصر - پل امیربهادر - خیابان سرگردبشیری  
شماره ۷۱ - تلفن: ۵۵۳۷۴۵۳۱-۳، دورنویس: ۵۵۳۷۴۵۳۰  
دفتر فروش: خیابان انقلاب بین خیابان ابوریحان و خیابان دانشگاه - ساختمان  
فروردین - شماره ۱۳۰۴، طبقه چهارم - شماره ۱۴؛ تلفن: ۶۶۴۰۹۱۰۱

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

مکاتبات با عثمانی ۳ ۶۵۰۰



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

### پیشگفتار انجمن

به نام خداوند جان و خرد  
کرین برتر اندیشه برنگذرد

هر نوشته‌یی که در مقام دعوی یا دفاع بتواند به آن استناد کنند و به یاری آن به اثبات مدّعی برخیزند، سند است. سند تکیه‌گاه است. پاره‌یی از کلمات بر اثر مرور زمان و کاربرد فراوان، معنی اصلی و واقعی خود را از دست داده‌اند. کسانی که نیت خیری نداشته‌اند، کلماتی را برگزیده‌اند که ظاهری خوش دارند و به داروی تلخی، حتّی به زهر هلا‌هلی مانده‌اند که روی آن را روکشی عسلی کشیده‌اند. استثمار در اصل به معنی میوه چیدن است. بهره‌مند شدن معنی ملایم آن و بار از گُرده کسی کشیدن و از رنج دیگران برخوردار شدن، مفهومی که از آن و از کلمهٔ **exploit** مراد است. استثمار هم در لغت به معنی آباد کردن، ارادهٔ آبادسازی و تعمیر است، امّا **colonization** در معنی کنونی آن تصرّف عدوانی است، دولتی قوی، کشوری ضعیف را متصرّف می‌شود و اموال او را غصب و حقوق مردم را پایمال می‌کند. در ورای زیبایی پاره‌یی کلمه‌ها زشت‌ترین پتیاره‌ها چهره نهان کرده‌اند.

کشور ما به گواهی تاریخ و ویرانه‌های هنوز شکوهمند تخت جمشید و مقبرهٔ کوروش، پس از گذراندن سده‌های افتخار آفرین و فرهنگ ساز، به سبب هوسرانی‌های برخی از زمامداران و حرص و ولع گروهی دیگر، مورد تاخت و تازهای مکرّر در مکرّر قرار گرفت و از شکوه باستانی خود فرو کشیده شد، لذا آن



شکوه و عظمت مداوم، با اوج‌ها و حضيض‌هایی روبه‌رو شد. اگر سلطانی مقتدر و دانا و آینده‌نگر بر اریکه قدرت بود، ایرانی از موضع قدرت بر سر مذاکره می‌نشست، به طور برابر با قدرت مداران مقابله می‌کرد و اگر سلطان ناتوان و دهان بین بود و اطرافیانش مسافتی دور از دماغ خود نمی‌دیدند و به اصطلاح «قیصریه» را به یک دستمال که برایشان می‌ماند به آتش می‌کشیدند، در قبال قدرت مداران، همانند بز اخفش سر تکان می‌دادند و گفته باطل آنان را به صورت حق می‌پذیرفتند. تا چندی پیش مردم کشور ما دولت‌های طماع و زورگور را به نام «فرنگ» که گویا از Franc به معنی مغرب زمین به ویژه اروپا می‌خواندند و مردم آن را فرنگی نام داده بودند، هنوز کلماتی نظیر گوجه فرنگی، توت فرنگی، کلاه فرنگی و... در زبان ما رایج است. آن کشور دور دست که از مشروطیت به بعد وارد صحنه کلنجار شد و به اصطلاح ترکان ترکیه از «ینگی دنیا» آمده بود، ریش و قیچی هر دورا به دست گرفت و از صاحب خانه هم صاحب خانه‌تر شد.

قرار بر اطالۀ کلام نیست. اگر بخواهیم زور نگوئیم و به حدّ و حدود خود قانع باشیم و به زورمداران بگوئیم حقیقت همه آن نیست که شما می‌گویید، ما هم مدافع حقّ و حقیقتیم، در محکمه عدل انسانی دلیلی باید بیاوریم که مقبول محکمه باشد. کتابی که تحت عنوان مکاتبات دول ثلاثه، احتمالاً در سه جلد، عرضه خواهد شد، نامه‌هایی است که در دوران افول ردّ و بدل شده است. این مجموعه اسناد به قوی کردن رگ‌های گردن نیازمند نیست، مکاتباتی است که قریب نیم قرن مهم‌ترین رویدادها را - که در قاموس فرنگیان و مردم ینگی دنیا چیزی جز مادیات و داد و ستد سودآور نیست - نشان می‌دهند. اگر نویسندگان این نامه‌ها حدس می‌زدند. و احساس می‌کردند که روزی منویات آنان با حوصله مورد مطالعه واقع خواهند شد و از آن نوشته‌ها اتخاذ سند خواهند کرد، شاید محتاطانه‌تر و مظلوم‌نماتر و رندانه‌تر می‌نوشتند، اما چنین نکرده‌اند. این اسناد برگه‌هایی است که می‌توان به آن‌ها استناد کرد و مدّعی خود را به اثبات رسانید و یا لاقلاً آن‌ها را مطالعه کرد و دریغ و افسوس خورد که چرا فلان جور شد و بهمان جور نشد.

از مؤلفان این اسناد که ساعت‌ها وقت گرامی خود را صرف خواندن و بازنویسی

این اوراق کرده‌اند و آن‌ها را به صورتی مدوّن در اختیار علاقه‌مندان تاریخ گذاشته‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم و امیدوارم گروهی که در این ساحة تاریخ فعالیت می‌کنند، از محتوای این اسناد برای آگاهی بیشتر در روابط با دولت‌ها بهره‌مند شوند.

توفیق ه. سبحانی

عضو شورای علمی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی



## فهرست مطالب

|                                                                                 |    |
|---------------------------------------------------------------------------------|----|
| دربارهٔ جلد سوم: عثمانی .....                                                   | ۱۳ |
| نقشه آذربایجان .....                                                            | ۱۴ |
| نزاع بین ارامنه و تجّار عثمانی .....                                            | ۱۵ |
| عریضه تبعهٔ عثمانی به وکیل وزیرمختار عثمانی .....                               | ۱۵ |
| درخواست رسیدگی به عمل تبعه عثمانی‌ها و اموال وارد شده آنها به گمرک .....        | ۱۸ |
| پیدا شدن اسب تبعه عثمانی در قریه مامان .....                                    | ۲۰ |
| اطلاع به تبعه عثمانی برای گرفتن اسب گمشده‌اش .....                              | ۲۰ |
| دریافت پول ارز از تبعه عثمانی برای دادن به طلبکاران .....                       | ۲۱ |
| کسر آمدن مال التجار توسط جلودار عثمانی .....                                    | ۲۱ |
| طلب تاجر ایرانی از تاجر عثمانی .....                                            | ۲۲ |
| گم شدن اسب تبعه عثمانی و درخواست بهای اسب .....                                 | ۲۲ |
| اختلاف تاجر ایرانی با تاجر تبعه عثمانی .....                                    | ۲۳ |
| درخواست رسیدگی به امور معوقه وکیل شهیندر عثمانی در ساوجبلاغ .....               | ۲۴ |
| درخواست اموال تاجر عثمانی که از حجره او به سرقت برده‌اند .....                  | ۲۷ |
| دریافت حق گمرک از مال التجاره تاجر عثمانی .....                                 | ۲۸ |
| درخواست استرداد مال تاجر عثمانی از تبعه ایران که مال او را سرقت نموده‌اند ..... | ۲۸ |
| عدم پرداخت طلب تاجر عثمانی توسط تاجر ایرانی .....                               | ۲۹ |
| درخواست پرداخت طلب تاجر عثمانی از تاجر ایرانی .....                             | ۳۰ |

- نامہ سفارت عثمانی از تهران و درخواست امور معوقہ عثمانی‌ها ..... ۳۱
- اخبار عدم حضور صاحب‌منصب عثمانی در جلسہ رسیدگی بہ دعاوی تجّار ..... ۳۲
- اختلاف تاجر ایرانی با تاجر عثمانی ..... ۳۲
- نهب و غارت اکراد وان از اہالی سلماس ..... ۳۳
- توقیف اموال ایرانی توسط تبعہ عثمانی در مرز ..... ۳۴
- رفتن مأمور ایرانی بہ وان جهت رسیدگی بہ ادعای تبعہ ایرانی از عثمانی‌ها ..... ۳۵
- پرداخت قروض تبعہ عثمانی توسط تاجر ایرانی ..... ۳۵
- رسیدگی بہ اموال سرقت شدہ تجّار عثمانی ..... ۳۶
- اختلاف جلودار عثمانی با تاجرہای ایرانی ..... ۳۶
- شکوائیہ شہبندر عثمانی از عدم توجہ کارگزاران ایران بہ امور عثمانی‌ها ..... ۳۸
- درخواست رسیدگی بہ امور تاجر عثمانی کہ اکراد ایرانی از او بہ غارت بردہ‌اند ..... ۳۹
- درخواست وزیرمختار عثمانی در مورد رسیدگی بہ امور عثمانی‌ها ..... ۴۱
- غارت شدن تاجر عثمانی در سلماس ..... ۴۳
- دستگیری اشرار و غارتگران مرزی عثمانی کہ اموال ایرانیان را غارت کردہ‌اند ..... ۴۴
- رسیدگی بہ شرارت عثمانی‌ها کہ بہ خاک ایران تجاوز کردہ‌اند ..... ۴۴
- درخواست دستگیری غارتگران ایران کہ بہ خاک عثمانی تجاوز کردہ‌اند ..... ۴۵
- درخواست استرداد طلب تاجر عثمانی از تبعہ روس ..... ۴۷
- اعلام آمادگی باش شہبندر برای شرکت در مراسم خلعت‌پوشان ولیعہد ..... ۴۷
- درخواست اموال تاجر عثمانی کہ در خوی بہ سرقت رفتہ است ..... ۴۸
- درخواست اموال تاجر عثمانی کہ در ایران بہ سرقت رفتہ است ..... ۴۹
- اعتراض بہ وارد شدن سواران ایران کہ در تعقیب اشرار بہ خاک عثمانی وارد شدہ‌اند ..... ۴۹
- پیدانشدن اشرار عثمانی کہ بہ خاک ایران رختہ نمودہ بودہ‌اند ..... ۵۰
- درخواست رسیدگی بہ اموال مسروکہ تاجر عثمانی در کاروانسرای ایران ..... ۵۱
- اقرار قرض ایرانی بہ تاجر عثمانی ..... ۵۲
- اعتراض تجّار عثمانی بہ ناامن بودن راہ‌های ایران از غارتگران ..... ۵۳
- درخواست امن نمودن راہ‌های تجارتي از سارقین و غارتگران ..... ۵۳
- پرداخت وجہ گمرک بہ مال‌التجارہ تاجر عثمانی ..... ۵۵

|                                                                             |    |
|-----------------------------------------------------------------------------|----|
| قبول دعوت افطار از طرف باش شهیندر عثمانی .....                              | ۵۵ |
| قبول پیگیری طلب رعایای ایران از معدنچی عثمانی توسط شهیندر .....             | ۵۷ |
| درخواست سارقین ماهوت‌های تاجر عثمانی .....                                  | ۵۹ |
| شکوائیه از شرارت علی آقا شکاک در خاک عثمانی .....                           | ۵۹ |
| صدور سفارشنامه توسط شهیندر جهت پیگیری امور مقتول ایرانی .....               | ۶۱ |
| درخواست رسیدگی به احجاف مأمورین ایران از کوچ‌نشینان عثمانی .....            | ۶۱ |
| درخواست شهیندر از نایب‌الوزاره در مورد امور معوقه رعایای عثمانی .....       | ۶۲ |
| درخواست رسیدگی به اموال مسروقه تبعه عثمانی .....                            | ۶۶ |
| درخواست پیگیری قشون ایران که در تعقیب اشرار به خاک عثمانی وارد شده بودند .. | ۶۷ |
| درخواست رفع شرارت مرزنشینان ایران از رعایای عثمانی .....                    | ۶۸ |
| درخواست مجدد پیگیری احجاف کوچ‌نشینان عثمانی توسط کارگزاران ایران .....      | ۶۹ |
| معرفی وکیل جدید شهیندر در ساوجبلاغ .....                                    | ۷۱ |
| صدور سفارشنامه برای ایرانی که به خاک عثمانی می‌رود .....                    | ۷۱ |
| درخواست تحویل قیمت مال‌التجاره تاجر عثمانی از حاکم ماکو .....               | ۷۲ |
| درخواست پول احشام عثمانی که به ایرانی فروخته است .....                      | ۷۲ |
| درخواست سارقین عثمانی که به خاک ایران گریخته‌اند .....                      | ۷۳ |
| اعلام آمادگی شرکت در مراسم خلعت‌پوشان ولیعهد توسط شهیندر .....              | ۷۶ |
| درخواست سارقین چاپار در خاک عثمانی که به خاک ایران فرار نموده‌اند .....     | ۷۶ |
| درخواست اجازهٔ خارج شدن اموال تجار عثمانی از گمرک تبریز .....               | ۷۷ |
| تقریرات مکاری عثمانی که در خاک ایران مورد غارت قرار گرفته‌اند .....         | ۷۹ |
| عرض حال تاجر عثمانی به شهیندر که از تاجر ایرانی طلب دارد .....              | ۸۰ |
| دنباله درخواست پیگیری طلب تاجر عثمانی از تاجر ایرانی .....                  | ۸۲ |
| ادامه مکاتبه در مورد درخواست طلب تاجر عثمانی از تاجر ایرانی .....           | ۸۳ |
| درخواست دستگیری سارقین استاد ساعت‌ساز عثمانی .....                          | ۸۳ |
| درخواست تتمه قیمت اموال مسروقه تاجر عثمانی .....                            | ۸۴ |
| درخواست تتمه قیمت مال‌التجاره تاجر عثمانی از سارقین ایرانی .....            | ۸۵ |
| درخواست تتمه مال مسروقه تاجر عثمانی از سارقین ایران .....                   | ۸۶ |

- درخواست تنبیه اشراری که به درب باش شهرداری حمله کرده‌اند. ۸۷
- درخواست استرداد تبعه عثمانی که به خاک ایران گریخته‌اند. ۸۸
- شکایت از علی آقا شکاک مرزنشین که از خاک عثمانی سرقت می‌نماید. ۹۰
- دنباله شکایت از شرارت علی آقا شکاک از خاک عثمانی. ۹۲
- درخواست طلب تجّار عثمانی از تاجر ایرانی. ۹۵
- درخواست طلب تاجر عثمانی از تاجر ایرانی. ۹۶
- اختلاف تاجر عثمانی با تاجر ایرانی. ۹۶
- شکایت مجدد از شرارت علی آقا شکاک در خاک عثمانی. ۹۷
- ادامه مکاتبه در مورد غارت اموال توسط قشون ایران در خاک عثمانی. ۹۸
- قبول شهیندر برای شرکت در مراسم افطاری. ۱۰۰
- درخواست اموال مسروقه تاجر عثمانی. ۱۰۰
- ادامه مکاتبه در مورد شرارت علی آقا شکاک. ۱۰۲
- شکوائیه از دستگیری تبعه عثمانی توسط طلبکاران ایرانی. ۱۰۳
- ادامه مکاتبه در مورد شرارت علی آقا شکاک. ۱۰۴
- شکوائیه از ناامن بودن راه‌ها از راهزنان و غارتگران. ۱۰۵
- درخواست تتمه طلب تاجر عثمانی از ساعدالملک. ۱۰۶
- درخواست طلب تاجر عثمانی از تاجر ایرانی که در اسلامبول قرض کرده بوده است. ۱۰۷
- ممنوعیت ورود نمک به خاک عثمانی و تلافی ایرانی‌ها. ۱۰۷
- دعوت برای شرکت در عید تاجگذاری پادشاه عثمانی. ۱۰۸
- دعوت برای شرکت در مراسم عید تاجگذاری پادشاه عثمانی. ۱۰۹
- ادامه مکاتبه در مورد ممنوعیت ورود نمک به خاک عثمانی. ۱۰۹
- ادامه مکاتبه در مورد درخواست طلب تاجر عثمانی از تاجر ایرانی. ۱۱۰
- سواد کاغذ تاجر عثمانی که از صاحب‌منصب ایرانی طلب دارد. ۱۱۱
- درخواست طلب تجّار عثمانی از تاجر ایرانی. ۱۱۲
- درخواست طلب تجّار عثمانی از صاحب‌منصب ایرانی. ۱۱۳
- اختلاف تاجر موصلی با کارگزار اشنویه. ۱۱۴
- درخواست رسیدگی به امور معوقه شهرداری. ۱۱۶

|                                                                                    |     |
|------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| درخواست طلب تاجر عثمانی از رعایای ایران .....                                      | ۱۱۸ |
| درخواست طلب رعیت عثمانی از رعیت ایرانی .....                                       | ۱۱۸ |
| دعوت از صاحب منصب ایرانی برای شرکت در مراسم تاجگذاری پادشاه عثمانی ...             | ۱۱۹ |
| درخواست پول تاجر عثمانی که در نزد ایرانی به امانت گذاشته بوده است.....             | ۱۲۰ |
| درخواست طلب رعیت عثمانی از تبعه ایرانی .....                                       | ۱۲۰ |
| درخواست اموال تاجر عثمانی که در سردهشت به سرقت برده‌اند.....                       | ۱۲۱ |
| شهادت‌نامه تاجر عثمانی که کارگزاران ایرانی نیل او را به زور می‌خواسته بگیرد.....   | ۱۲۲ |
| درخواست طلب تبعه عثمانی از فرد ساوجبلاغی.....                                      | ۱۲۳ |
| درخواست شفا‌رشنا‌مه از سردار کل برای رسیدگی به امور عثمانی‌های ساکن ساوجبلاغ ..... | ۱۲۴ |
| درخواست اموال تبعه عثمانی که در ایران غارت کرده‌اند .....                          | ۱۲۴ |
| درخواست طلب تاجر بغدادی از تاجر ایرانی .....                                       | ۱۲۵ |
| ادامه مکاتبه در مورد درخواست طلب تجّار عثمانی از تبعه ایرانی.....                  | ۱۲۷ |
| شکوائیه از کارگزاران ساوجبلاغ در مورد عدم رسیدگی به امور عثمانی‌ها .....           | ۱۲۸ |
| شکوائیه از عدم رسیدگی به سرقت اموال از حجره تاجر عثمانی .....                      | ۱۲۹ |
| درخواست رسیدگی به اموال مسروقه تاجر عثمانی در خاک ایران.....                       | ۱۳۲ |
| ادامه مکاتبه در مورد درخواست طلب تاجر عثمانی از تبعه ایرانی.....                   | ۱۳۳ |
| اختلاف آجرپز ایرانی با تبعه عثمانی .....                                           | ۱۳۴ |
| درخواست طلب تاجر بغدادی از رعایای ایران .....                                      | ۱۳۵ |
| گمشدن بارهای مکاری عثمانی در خوی .....                                             | ۱۳۷ |
| سرقت بارهای مکاری عثمانی در خوی .....                                              | ۱۳۷ |
| ادامه مکاتبه در مورد سرقت بارهای مکاری عثمانی در خوی .....                         | ۱۳۸ |
| درخواست طلب تبعه عثمانی از تبعه ایرانی‌ها .....                                    | ۱۳۹ |
| ادامه مکاتبه در مورد سرقت بار مکاری عثمانی در خوی .....                            | ۱۴۰ |
| درخواست اشرار ایرانی که کاروان تجارتی عثمانی را غارت کرده‌اند.....                 | ۱۴۰ |
| دعوت به شرکت در مراسم تاجگذاری پادشاه عثمانی.....                                  | ۱۴۱ |
| درخواست رفع تصرف خانه رعیت عثمانی توسط تبعه ایرانی .....                           | ۱۴۳ |



- درخواست وقت ملاقات شه‌بندر با میرزا موسی مجتهد ..... ۱۴۳
- اختلاف ملکی تبعه عثمانی با تبعه ایران ..... ۱۴۵
- عریضه کارگزار صاحب ملک عثمانی که مورد تعدی قرار گرفته است ..... ۱۴۶
- درخواست اشرار عثمانی که به ایران فرار کرده‌اند ..... ۱۴۶
- اختلاف ملکی تبعه عثمانی با ایرانی‌ها ..... ۱۴۷
- درخواست رفع شرارت ایرانی‌ها که به خاک عثمانی رفته و غارتگری می‌کنند ..... ۱۴۸
- درخواست کرایه اضافی که شتردار ایرانی از عثمانی‌ها گرفته است ..... ۱۵۲
- ادامه مکاتبه در مورد استرداد اشرار عثمانی که به خاک ایران فرار کرده‌اند ..... ۱۵۲
- ادامه مکاتبه در مورد کرایه اضافی که شتردار ایرانی از عثمانی‌ها گرفته است ..... ۱۵۳
- اختلاف معامله تاجر عثمانی با روده‌فروشان ایرانی ..... ۱۵۴
- دعوت از صاحب‌منصبان ایرانی برای شرکت در جشن تولد پادشاه عثمانی ..... ۱۵۷
- شکایت تبعه عثمانی از همسایه ایرانی خود ..... ۱۵۷
- درخواست دستگیری اشرار ایرانی که به خاک عثمانی رخنه می‌کنند ..... ۱۵۸
- اختلاف ملکی تبعه عثمانی با تبعه ایرانی ..... ۱۵۹
- اختلاف ملکی تبعه عثمانی با تبعه ایرانی ..... ۱۶۰
- درخواست اموال غارت شده عثمانی توسط اشرار ایرانی ..... ۱۶۲
- اعلام تحویل تبعه عثمانی به عثمانی‌ها ..... ۱۶۲
- شکوائیه سفارت عثمانی از شرارت مرزنشینان ایرانی ..... ۱۶۳
- اختلاف حساب تبعه عثمانی با تابعین ایرانی در ساوجبلاغ ..... ۱۶۳
- اقرار مبلغ قرض به تبعه عثمانی ..... ۱۶۵
- دعوت از صاحب‌منصبان ایرانی برای افطار ..... ۱۶۵
- اجابت دعوت به افطاری توسط صاحب‌منصب ایرانی ..... ۱۶۷
- ملاقات با شه‌بندر برای دیدار او با ولیعهد ..... ۱۶۷
- رد ملاقات با ولیعهد توسط شه‌بندر عثمانی ..... ۱۶۷
- درخواست طلب تاجر موصلی از فرد اشنویه‌ای ..... ۱۶۹
- درخواست پیگیری امور عثمانی‌ها در خوی ..... ۱۷۰

|                                                                                    |     |
|------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| درخواست امور عثمانی ها که به تعویق افتاده است .....                                | ۱۷۱ |
| درخواست رفع ظلم از تاجر عثمانی .....                                               | ۱۷۲ |
| اختلاف تبعه ایرانی با تبعه عثمانی در مورد سرقت .....                               | ۱۷۳ |
| اختلاف بر سر حق گمرک و راهداری با تاجر عثمانی .....                                | ۱۷۳ |
| اختلاف با شهیندر بر سر اموال .....                                                 | ۱۷۴ |
| صورت اموال غارت شده عثمانی ها توسط پسر علی آقا شکاک .....                          | ۱۷۴ |
| دعوت شهیندر برای شرکت در افطار .....                                               | ۱۷۵ |
| درخواست شهیندر از صاحب منصب ایرانی برای افطار .....                                | ۱۷۵ |
| اختلاف کنسول با چاپار دولت ایران .....                                             | ۱۷۸ |
| درخواست پاکت های کنسولخانه از چاپار ایران .....                                    | ۱۷۸ |
| درخواست دستورالعمل پرداخت کرایه به چاپار .....                                     | ۱۷۹ |
| * درخواست مجازات ساعت ساز .....                                                    | ۱۷۹ |
| * ادامه مکاتبه در مورد مجازات ساعت ساز .....                                       | ۱۸۴ |
| * شکوائیه از چاپاری که بدون اجازه پاکت های کنسولگری را نگهداشته .....              | ۱۸۹ |
| * درخواست نامه و اشیاء کنسولخانه که در نزد چاپار است .....                         | ۱۹۳ |
| * اعتراض به ساعت ساز که به کارمند کنسولخانه توهین نموده .....                      | ۱۹۵ |
| * اظهار عدم اطلاع کنسولخانه از پرداخت کرایه به چاپار .....                         | ۲۰۰ |
| درخواست کنسول برای وقت ملاقات با قائم مقام ولیعهد .....                            | ۲۰۴ |
| اختلاف تاجر فرانسوی با تبعه ایران .....                                            | ۲۰۴ |
| شکوائیه از مزاحمت مأمورین گمرک به چاپار دولت فرانسه .....                          | ۲۰۵ |
| تقریرات چاپاران دولت فرانسه در مورد مزاحمت مأمورین گمرک .....                      | ۲۰۵ |
| * درخواست تتمه طلب ضابط سنت اتین از ساعدالملک .....                                | ۲۰۷ |
| درخواست طلب تبعه فرانسه از ساعدالملک .....                                         | ۲۱۱ |
| * نامه کنسول فرانسه به ژنرال کنسول انگلیس در مورد طلب تبعه فرانسه از تبعه ایران .. | ۲۱۲ |
| درخواست طلب تبعه فرانسه از تبعه ایرانی .....                                       | ۲۱۳ |
| درخواست اجاره ملک تبعه فرانسه از تبعه ایران .....                                  | ۲۱۳ |

- درخواست رسیدگی به کار مردم خسروا و آزاد کردن دختر بچه مسیحی ..... ۲۱۵
- دعوت به مراسم عید امپراطور فرانسه ..... ۲۱۷
- درخواست پاکت‌های کنسولخانه فرانسه از مأمور ایرانی ..... ۲۱۷
- مسافرت کنسول فرانسه به ارومیه و تعیین کنسول انگلیس به جانشینی ..... ۲۱۷
- درخواست پاکت کنسولخانه فرانسه از چاپار ایرانی ..... ۲۱۸

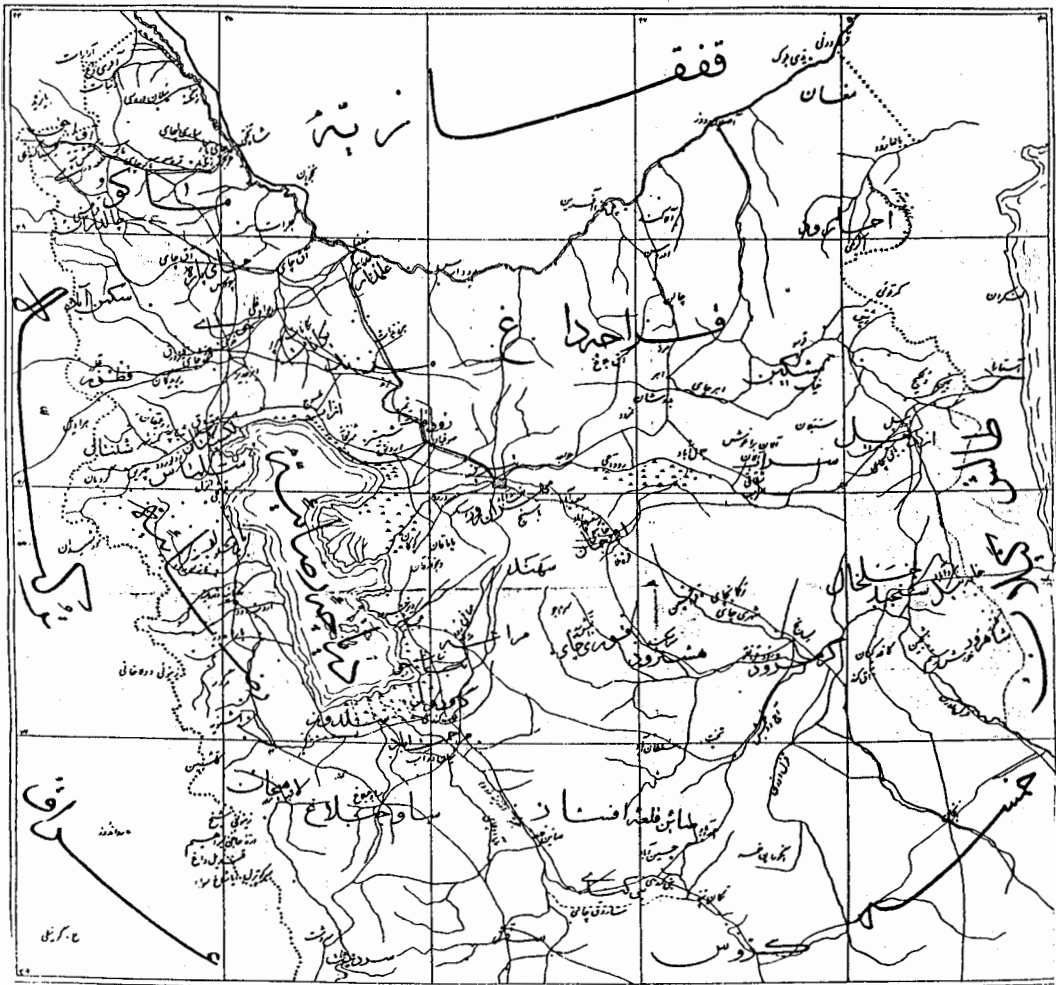
## دربارهٔ جلد سوم: عثمانی

جلد سوم از سری کتاب‌های مکاتبات دُول ثلاثه با دولت ایران، مکاتبات کارگزاران دولت عثمانی در دارالسلطنهٔ تبریز است. این مجلد با راهنمایی استاد محترم جناب آقای دکتر محمدرضا نصیری انجام گرفته که از ایشان سپاسگزارم.

لازم به ذکر است که نامه‌های فرانسه که با علامت ستاره نشانه گذاری شده در اصل نامه‌ها ترجمه‌ای همراه نبوده و این نامه‌ها را سرکارخانم ماری مقدادی از فرانسه به فارسی ترجمه نموده‌اند، بدینوسیله از زحمات ایشان تشکر و قدردانی می‌شود.

عباسقلی صادقی

۱۳۸۶



نقشه سیاسی آذربایجان

## [نزاع بین ارامنه و تجار عثمانی]

خدا یگانا

در باب فقره حضرات ارامنه و فرنگی ها در تاریخ ۸ شهر شعبان المعظم تعلیقه سرکار عالی را زیارت نموده، چونکه سرکار عالی را همیشه در امور اتفاقیه رعایای دولتین علیتین بلا تفاوت جانب داده و التفات کامله را شامل ایشان دیده‌ام، لهذا محض اظهار این مطلب بر خود لازم دیده که واری این عمل نموده و از روی صدق عرض شود [که] بلی در بین این چند روز فدوی به حسب لزوم کمال دقت را در تحقیق این امر نموده و انتهای سعی را بعمل آورده و حقیقت امر چنان است که سرکار جنرال قونسول انگلیس مشروح داشته‌اند. ولی این دو نفر رعیت دولت علیه عثمانی که اسامی ایشان را تصریح فرموده بودید، حقیقت امر به قراری است که معروض می‌شود، بنده هر دو را احضار کرده و تحقیق نمودم، آنکه موسیو دنقا مرقوم شده بود، این شخص مشارالیه هیچ در آن بین نبوده و از خوارج نیز واری نمودم و در قول صادق آمده و حال ترضیه می‌خواهد، و دیگری که موسیو الیاسقو بوده است آن هم در میان آن جماعت بوده ولی به هیچ وجه مداخله در سؤال و جواب و یا حمایت به طرفین نکرده و تماشا می‌کرده است و سهل است که موسیو الیاسقو ابداً چوب به دست گرفتن عادت ندارد، همه می‌دانند و گویا از طرفین نیز به این دو نفر مدعی نبوده باشند. دیگر عرض می‌شود [که] از سبب دعوای اتفاقیه از موسیو الیاسقو پرسیدم که چه طور شد؟ مشارالیه می‌گوید که ما چند نفر با هم می‌آمدیم که در سرکوجه دوجار ارمنی‌ها شده و بی تحاشا ارمنی مزبور به فرنگی مزبور فحش داد، این هم او را زد و سایرین نیز به این مضمون نقل می‌کنند. حکایت به این نحو بود که عرض شد. بتاريخ ۱۲ شهر شعبان المعظم ۱۲۸۲. (عالیجاه مقرب الخاقان سرکار نایب‌الوزاره مطالعه فرمایند. تمستقلیس نقلائیدیس<sup>۱</sup> امضاء Th. Nicoloides).

## [عریضه تبعه عثمانی به وکیل وزیر مختار عثمانی]

عرض استدعای حقیر بدروس ارزنده الرومی تبعه دولت عثمانی به خدمت عالیجاه موسی

۱. تمستقلیس نقلائیدیس وکیل شهیندر دولت علیه عثمانی در تبریز بوده است.



میدارود قیر صاحب وکیل جناب وزیرمختار دولت عثمانی.

صاحباً امیدگاه، پانزده ماه قبل بر این موازی بیست و شش بوشقه اوم به حقیر فرستاده بودند، چونکه انبار نداشتم مال مزبور را در انبار خواجه ماطوس تاجر قراباغی گذاشته تا اینکه هفت ماه قبل یعقوب خان واراکیل برادران خواجه ماطوس به تبریز آمدند که حق و حساب خود را مفروع و طی نمایند، حقیر در ابتدای تابستان انبار کرایه کرده که مال خود را آورده در انبار خود بگذارد، اراکیل و یعقوب خان مال حقیر را ندادند و جواب دادند مادامیکه خواجه استپان برادر خواجه ماطوس از شهر تفلیس نیاید، در انبار را نخواهیم گشود، هرچنگه خواجه ماطوس اصرار کرد که مال مزبور مال مختص بدورس است، به خودش بدهید، باز ندادند و حقیر خود چند دفعه مال خود را خواستم ندادند و در این باب خیرالحاج حاجی صادق دلال باشی و آقاجعفر دلال هم شاهداند و چند دفعه به خواجه ماطوس گفتم که مشتری دارد و مال حقیر خراب می شود، خواجه ماطوس جواب داد چه کنم برادران من صبر می کنند و من هم در این باب به جنرال قونسول عرض کرده ام؛ کمترین هم لابد مانده دو ماه قبل از تحریر عریضه به جنرال قونسول عرض کردم جنرال قونسول رسیدگی فرموده و فرمایش فرمودند که ترا تسلیم سازند، هرچکه کثر بیاید یعقوب خان از عهده بر آید. حقیر یکصد و بیست پوست اوم که عبارت از بیست و شش بوشقه بوده باشد، از جلودار کشیده تحویل گرفته و خواجه ماطوس هم می داند که در انبار خواجه ماطوس گذاشتم، باطلاع عالیجاه نایب جنرال قونسول به موازی نود و شش پوست و بیست و سه گروانکه و نیم تسلیم حقیر شد و مقدار بیست و سه پوست و شانزده گروانکه هم کسر آمد و معلوم است که چیزی خوردنی باشد در جای که زیاد بماند البته کثر خواهد آمد، به جهت اینکه در ابتدای تابستان مال خود را خواستیم، در فصل سال عبارت از تابستان و پائیز بوده باشد، مال حقیر بی صاحب بماند، قطع نظر از این نایب صاحب و چند نفر تاجر که حضور داشتند، دیدند که یک بوشقه خالی بود و چند بوشقه چهارده من چیزی بالا کم آمد و سایر بوشقه و یا سالم بود، نیز معلوم است اوم را خورده و تلف کرده اند. پنج روز قبل بر این رفتم که از جنرال قونسول گری تنخواه اوم کثر آمده را بخواهم، صاحب حسابی به حقیر نشان داد که ده ماه نیم است مال تو در انبار است، دوماه و نیم است که انبار خواجه ماطوس را یعقوب خان ضبط کرده است. باید ضرر دوماه و نیم را یعقوب خان بدهد. حقیر به خدمت نایب صاحب عرض کردم که چنین نیست، حقیر در ابتدای تابستان حالا هفت ماه است، مال خود را از یعقوب خان خواسته ام نداده است. معلوم است که این مال حقیر را که در



این عرض مدت نگاه داشته ندادند، بقدر دویست تومان ضرر به حقیر رسیده است، هم تنزیل داده‌ام و هم مدت شش ماه است که در تبریز محض به جهت این کار معطل و سرگردان مانده خرج زیاده کرده‌ام و هم مال حقیر کُز آمده باعث خسران و خسارت شده‌ام و جنرال قونسول فرموده‌اند که هرچکه از مال تو کُز آمده است باید یعقوب‌خان بتو بدهد، تا حال او را هم نداده‌اند، استدعا دارم که بعالیجاه نایب‌الوزاره اظهار دارند که ایشان هم دو کلمه به جنرال قونسول مرقوم فرمایند که حق کمترین را تمام و کمال گرفته به حقیر برسانند که همه اوقات به دعاگویی عمر و دولت ابد مدت اشتغال خواهم کرد، خداوند عالم سایه مرحمت را از سر حقیر کم نفرماید. لازم بود عرض شد. فی ۲۱ شهر شعبان ۱۲۸۲.

### [درخواست رسیدگی به عمل تبعه عثمانی‌ها و اموال وارد شده آنها به گمرک]

#### فدایت شوم

معروض اینکه به موجب تاریخ حکم جناب جلالت ماب وزیر امور خارجه زبده قدره، قریب به شش ماه است که هیچ قراری در اتمام این دو فقره، یکی عمل اسماعیل یهودی و یکی درباب قاتل و تنخواه یوانی که برادر تومه است، به موجب حکم جناب اجل افخم سردار کل عز شوکته که به اتفاق محصل مأمور و خود تومه مدتی است، آورده و در مجلس سرکار عالی می‌باشد، نگذاردید. اکنون بر حسب لزوم عرض می‌شود در تمامیت این دو فقره آنچه که در نظر است، دو کلمه قلمی فرمائید و دیگر در خصوص عمل گمرک مال التجاره تبعه‌ی دولت علیه عثمانیه که حال حق صدپنج را مباشر گمرکخانه مطالبه می‌نماید، به موافق قرارداد دولتی حق دارند یا نه، و سؤال این فقره را از سرکار عالی می‌نماید که اگر سرکار تصدیق قول مشارالیه را دارید، سندی مرحمت نمائید به عنوان بنده سرکاری، چونکه ده روز قبل از این چندبار مال وارد گمرک شده، نمی‌دهند و مال التجاره تبعه دولت علیه که در گمرک مانده، ضرر و خسران و تنزل قیمت بهم برسد، آنوقت مطالبه ضرر خواهد شد. روز پنج‌شنبه ۲۳ ذی‌قعدة ۱۲۸۲، مطابق با ۲۵ آوریل ۱۸۶۶. (امضاء تمستقلیس نقلائیدس).

درایت شوم معروضی است که بموجب تاریخ علم جانب است

موجب شهادت که هیچ قرار در تمام این هر فقره که عمر سعید بود  
در باب قاهره و خواه بر آن هر برادر است بموجب علم جانب است  
در اتفاق که صدر نام و خود نوشته در وقت آورده در مجلس بر کار چای پاشی که در آن  
بجانب مردم عرفی شود در نهایت این فقره و نظر است که کلیه چیز  
و دیگر در خصوص عمل کردن مال تمام را متوجه دولت غیبه عثمانیه در حالت صحیح  
را با شکر که نمی تواند به میان بیانی قرار داد و لایحه دار و تمام این فقره را  
بنیامین هر اگر کار تصدیقی قولش را به او در هر سند در وقت نمایند بخوانی که  
تأیید می دهد و داد و داد حق می دارند با آن که غرض از تأیید در وقت می دارند  
چون که ده اذر قهر ازین جهت باطل دارد که گفته می شود و این آثار به جهت

در این فقره و خواه بر آن هر برادر است بموجب علم جانب است  
در اتفاق که صدر نام و خود نوشته در وقت آورده در مجلس بر کار چای پاشی که در آن  
بجانب مردم عرفی شود در نهایت این فقره و نظر است که کلیه چیز  
و دیگر در خصوص عمل کردن مال تمام را متوجه دولت غیبه عثمانیه در حالت صحیح  
را با شکر که نمی تواند به میان بیانی قرار داد و لایحه دار و تمام این فقره را  
بنیامین هر اگر کار تصدیقی قولش را به او در هر سند در وقت نمایند بخوانی که  
تأیید می دهد و داد و داد حق می دارند با آن که غرض از تأیید در وقت می دارند  
چون که ده اذر قهر ازین جهت باطل دارد که گفته می شود و این آثار به جهت

### [پیدا شدن اسب تبعه عثمانی در قریه مامان]

سواد نوشته مقرب الخاقان بیگلربیگی که به کرم بیگ کدخدای قریه مامان نوشته‌اند. عایشان کرم بیگ کدخدا را مرقوم می‌شود.

حاجی جواد آدم جلالتماب خدایگانی سردار کل دام اجلاله از دیزه خلیل<sup>۱</sup> آمده بود، در مامان در میان چمن مامان اسب او گم شده بود. عباسعلی بیگ قراسوران را فرستاده بودم اسب او را پیدا کرده بدهد و یقین بدان اسب حاجی جواد را از قریه مامان خواهم گرفت، از قراریکه مذکور شد خودت نوشته بودی اسب پیدا شده است. عایشان رحیم بیگ فراش جناب جلالتماب خدایگانی دام اجلاله را فرستادم، اسب حاجی جواد را به دست رحیم فراش بده و قبض رسیدگی گرفته به جهت اینجانب بفرست، البته کوتاهی نکرده. فی شهر صفر سنه ۱۲۸۳. (محل مهر مقرب الخاقان بیگلربیگی<sup>۲</sup>.)

### [اطلاع به تبعه عثمانی برای گرفتن اسب گمشده‌اش]

سواد کاغذ کرم بیگ کدخدا

برادر مهربان خیرالحاج حاجی جواد، اولاً سلامتی شما است و ثانیاً اعلام به خدمت شما آنست که یک سر اسب کبود از اهل کجآباد به دزدی گرفته‌اند، و سه تومان پول داده‌اند. تشریف بیاوری، همین اسب شما است، صاحبی بکن. باقی والسلام. (محل مهر کرم بیگ کدخدا صفر ۱۲۸۳.)

۱. دیزه خلیل = دیزج خلیل، دهی از دهستان بخش شبستر است.

۲. بیگلربیگی = حاکم، استاندار.

### [دریافت پول ارز از تبعه عثمانی برای دادن به طلبکاران]

سواد برات حاجی خلیل تاجر لک

قبله گاهها

احوالات بنوعی است که در عریضه علیحده قلمی و عرض خدمت عالی شده، و الان هم مجدداً قلمی و عرض می شود که موازی یک هزار و چهارصد و هفده عدد امپریال روسی، در اینجا از زبده التجار المسیحی چلبی اوغلو سوستاپولی اخذ و بازیافت نموده و همین نوشته را که به منزله برات نسخه اولی است، دادم که انشاء الله وجه مزبور الفوق را از حال التحریر به مدت چهل و پنج یوم، عین امپریال راویا عددی امپریال از قرار بیست و یک قرآن نیم در دارالسلطنه تبریز به حواله هرکس که محول نماید، ادا و کارسازی فرموده و همین نوشته را قبض الوصول و اخذ فرما فرمایند و برات دویمی هم داده شده که هر یکی اول برسد، دیگری باطل است. بتاریخ فی ۲۱ شهر صفر المظفر سنه ۱۲۸۳.

### [کسر آمدن مال التجار توسط جلودار عثمانی]

فدایت شوم

در باب حاجی ابراهیم جلودار سیوانی چند روز قبل تحریراً عرض و اظهار نموده که به موجب سند پا به مهر خود حاجی ابراهیم موازی پنجاه و دوبار حمل نموده که صحیح و سالم آورده در تبریز تحویل داده، کسر کرایه خود را بگیرد و یک عدل کسر آورده و همین مطلب را به خدمت سرکار عالی اظهار داشته که قدغن فرموده یک عدل را بدهند و حال در این باره از آن روز جواب از طرف سرکار نرسیده و دو سه روز است که فراشی از جانب سرکار عالی سفارش می آورد که کسر کرایه مشارالیه را بده و اکنون عرض می شود که در باب این عدل جواب به سرکار عالی چه داده اند، بنویسد فدوی نیز از آن قرار رفتار نماید. زیاده زحمتی نیست. ۲۶ شهر صفر ۱۲۸۳. (نقلائیدیس تمستقلیس).

## [طلب تاجر ایرانی از تاجر عثمانی]

سواد برات خیرالحاج حاج عبدالله تاجر خویی

نسخه اول

صاحب معظم، مراتب به قراری است که در این تاریخ در عریضه علیحده عرض و اظهار خدمت شده است می شود، که مبلغ یک هزار و پانصد و شصت و هشت تومان و چهار هزار پول صاحب قران از بابت مال فطوره زبده التجار چلبی حاجبُولی برات خدمت نمودم که انشاءالله الرحمن و تعالی وجه مذکوره فوق را از حال التحریر الی انقضاء وعده شصت و یک روز در دارالسلطنه تبریز به گماشته چلبی مرقوم کارسازی و همین نوشته داعی را قبض وصول نموده و باز یافت فرمایند و اختیار تنزیل از طرف شما می باشد و این چند کلمه بر سبیل برات نامچه قلمی گردید. بتاريخ ۶ شهر ربیع الاول سنه ۱۲۸۳ صحیح است. اول الحاج حاجی عبدالله خویی محل مهرش، وجه برات را در دارالسلطنه تبریز برای دستخط حاجی سیدحسین عالی حضرة عمده التجار والحاج صاحب کرم مهربان حاجی محمد آقا تاجر خویی التفات فرمائید. بتاريخ متن ۱۲۸۳. (محل مهر حاجی عبدالله).

## [گم شدن اسب تبعه عثمانی و درخواست بهای اسب]

عالیجاها رفیع جایگاهها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهار مشتقاً مکرمات.

حاجی جواد نام تبعه دولت علیه عثمانی مذکور داشت مشارالیه بیست روز قبل که از طرف ارزنة الروم عازم تبریز بوده است در قریه مایان یک راس اسب او را به سرقت می برند. مشارالیه به تبریز آمده مراتب را به مقرب الخاقان محمدرضاخان بیگلربیگی عرض می کند. ایشان حکمی نوشته و رحیم بیگ فراش را مأمور می کنند. فراش مزبور کرم بیگ کدخدای مایان و چند نفر دیگر را به تبریز آورده تحقیق می نمایند، مشخص می شود که اسب را در آنجا سرقت کرده اند. پنج تومان در آنجا به حاجی جواد داده و نوشته ازو گرفته اند که هر وقت اسب پیدا شد پنج تومان را گرفته اسب را رد نمایند. ولی از قرار نوشته کرم بیگ که به حاجی

جواد نوشته است، اسب را پیدا کرده و سه تومان مزدگانه خواسته‌اند که اسب را رد نمایند. علیهذا دوستدار سواد نوشته مقرب‌الخاقان مشارالیه را باسواد کاغذ کرم بیگ کدخدا لفاً خدمت سرکار آن مقرب‌الخاقان ارسال داشته زحمت‌افزاست که محصلی مأمور فرمایند رفته اسب مزبور را آورده تسلیم نموده و پنج تومان که داده‌اند، مسترد دارند، یا اینکه پانزده تومان و پنج هزار قیمت اسب را به حاجی جواد مزبور کارسازی داشته و رضامندی او را حاصل سازند. معلوم است قراریکه در اینباب خواهند داد دوستدار از کیفیت آن مستحضر خواهند داشت. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۹ شهر ربیع‌الاولی ۱۲۸۳. (علی بهجت).

### [اختلاف تاجر ایرانی با تاجر تبعه عثمانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب‌الخاقانا عمدة‌الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

آقامحمد باقر نام تاجر ممقانی رعیت دولت علیه ایران، چندی قبل در شهر بورسه<sup>۱</sup> مبلغ شصت تومان پول مجیدیه سفید، مع مرابحه به موجب دو طغرا سند به عطااله بیگ آلائی بیگ‌زاده ساکن بورسه رعیت دولت علیه عثمانی قرض داده و معادل یک‌صد و پنجاه و یک تومان اشیاء مفصله ذیل را از مشارالیه رهن گرفته است:

حلقه الماس، گل الماس زنانه، گوشواره زمرد، بالش اطلس سرخ گلابتون دوخته، ایضاً بالش و دوشک گلابتون دوخته و سفره حریر مال شام گلابتون دوخته با پیشگیر.

بعد مقروض مزبور یازده تومان و شش هزار از مبلغ مزبور کارسازی داشته و معادل این وجه را از آقامحمد باقر مزبور قبض خواسته، مشارالیه قبض نداده و گفته بوده است که در دفتر خود قید کرده‌ام. علاوه بر این عطااله بیگ به موجب نوشته علیحده بیست تومان دیگر به انضمام مرابحه از آقامحمد باقر قرض کرده و یک حلقه گل انگشتر در نزد او رهن می‌گذارد که بعد از مدتی همین بیست تومان را داده و نوشته را دریافت کرده و انگشتر را از آقامحمد باقر می‌خواهد، نداده و گفته بوده است که با سایر اشیاء مرهونه یک‌جا رد خواهم کرد. ولی قریب

۱. بورسه = بروسه = برسا = بروسی، شهری در مغرب شبهه جزیره آسیای صغیر، در جنوب شرقی دریای مرمره است که در اوایل دولت عثمانی چندی پایتخت بوده است.

یک ماه قبل از آنکه آقامحمدباقر از شهر بورسه معاودت کند، مقروض مزبور در خیال سرانجام کردن تتمه شصت تومان طلب او بوده و به خود آقامحمدباقر اظهار نموده بوده است. او در جواب گفته که هنوز در بورسه هستم و عجله مطالبه نخواهم کرد هر وقت ممکن شد کارسازی دارید، که بعد از چند روز عطاالله بیگ خبردار می شود که مشارالیه اشیاء مزبوره فوق را با همان انگشتر برداشته عازم ایران گردیده است. حال دوستدار بر حسب رقیمه سفارت سنیه خدمت سرکار آنمقرب الخاقان زحمت افزاست که آقا محمدباقر مزبور را خواسته و قرار بدهند اشیاء مرهونه را در اینجا تسلیم شهیندرخانه نموده و وکیلی در علیه اسلامبول تعیین نماید. دوستدار هم به جایی که لازم است، خواهد نوشت که تتمه طلب او را به وکیل او کارسازی دارند، یا اینکه سرکار آنمقرب الخاقان قرار دهند، همان یک حلقه انگشتر را که بدون جهت در پیش خود نگاهداشته است، تسلیم دوستدار نماید و سایر اشیاء مرهونه را به سفارت دولت علیه ایران در اسلامبول بفرستند که تتمه وجه طلب او در آنجا عاید شده و اشیاء را پس بگیرند. امیدوارم قراریکه در اینباب خواهند داد دوستدار را اطلاع بدهند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۳ شهر ربیع الاول ۱۲۸۳. (علی بهجت).

### [درخواست رسیدگی به امور معوقه وکیل شهیندر عثمانی در ساوجبلاغ]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمدة الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

عالیجاه محمودبیگ وکیل شهیندر ساوجبلاغ چند فقره مطلب اظهار داشته و قرار انجام آنها را خواسته است. دوستدار فقرات مزبور را ضمناً به تفصیل ذیل درج نموده:

- شش و هفت سال قبل یک راس اسب یک نفر قاطرچی رواندوزی رعیت دولت علیه عثمانی را که به پانزده تومان خریده بوده است در اشنویه سرقت می نمایند، عالیجاه حاجی غفورخان حاکم رسیدگی نموده و یک راس به قیمت هفت تومان و سه هزار و پانصد دینار از دو نفر اهالی اشنویه که نسبت سرقت به آنها داده می شده است گرفته به قاطرچی مزبور می دهد. در ماه صفر گذشته که همان قاطرچی به اشنویه می آید، عبدالله خان و محمدطاهر بیگ نامان کسان نواب امیرزاده کامران میرزا او را گرفته به چوب بسته هفت تومان و سه هزار

و پانصد دینار را حکماً از او پس می‌گیرند.

- چندی قبل حاجی علی نام مصری تبعه دولت علیه عثمانی آمده در اشنویه سکنی گرفته بوده است، ملا فاروق نامی زن مشارالیه را فریب داده و درصدد قتل حاج مزبور بوده است. مشارالیه توهم نموده از آنجا به کرکوک<sup>۱</sup> می‌رود، بعد از رفتن او هرچه اموال و اثاث‌الیهت داشته است، ملا فاروق مزبور با همان زن به معرض ضبط در آورده و خود زنکه را که معقوده حاج مزبور بوده به خلاف شرع صاحب می‌شود.

- سید محمد برزنجی ساکن بغداد رعیت عثمانی که به اشنویه آمده بوده است یک راس اسب مادیان او را با بعضی اشیاء مفصله او در اشنویه به سرقت می‌برند:

عبای سیاه مال مصر ثوب، عمامه سفید ثوب، قبای سبز کشمیر ثوب، وجه نقد لیره عثمانی یک عدد و نصف عدد.

که تا حال قراری در استرداد آنها داده نشده.

- مبلغ چهار تومان نقد و یک عدد لحاف استاد محمد نام حکیم برادوستی<sup>۲</sup> در نزد نیشان نام یهودی ضبط است که از رد نمودن آنها تقاعد دارد.

زحمت افزاست که از ملاحظه فقرات مزبوره خاطر سرکار آن مقرب الخاقان هم شاهد این معنی خواهد که وقوع اینگونه بی‌حسابی و صورت نیافتن آنها عمده به واسطه عدم موافقت و همراهی حاکم و مباشر ولایات با عالیجاه مشارالیه است. لهذا از روی کمال احترام خواهش می‌نماید احکام لازم صادر و محصلی تعیین فرمایند، رفته اولاً وجهی که مشارالیه از قاطرچی رواندوزی به ضرب چوب گرفته‌اند، مسترد داشته و ترضیه او را حاصل سازند. در ثانی اموال حاجی علی نام مصری را از ملا فاروق مشارالیه مسترد داشته و در فقره زن او موافق قانون شریعت مطهره رسیدگی نموده انجام دهند. ثالثاً یک راس مادیان سید محمد برزنجی را با سایر اشیاء او از مرتکبین مسترد و عاید دارند و چهار تومان نقد و یک عدد لحاف استاد محمد برادوستی را که در نزد نیشان نام یهودی ضبط است، مسترد و کارسازی استاد محمد نمایند. امیدوارم احکام مؤکده در این خصوصات بزودی صادر فرموده دوستدار را اطلاع خواهند داد. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۳ شهر ربیع‌الاولی ۱۲۸۳. (علی بهجت).

۱. کرکوک شهری در شمال کشور عراق (بین‌النهرین) و گردنشین است.

۲. برادوست (صومای) بخشی است در شمال غرب ارومیه و سلماس و از مغرب به مرز ترکیه ختم می‌شود.



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

### [درخواست اموال تاجر عثمانی که از حجره او به سرقت برده‌اند]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده‌الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرماً.

در باب وصول و ایصال تنخواه مسروقه سلیمان آقا و ذوالفقار آقا تاجران دیار بکری<sup>۱</sup> رعایای دولت علیه عثمانی که یوم ۲۲ شهر محرم الحرام گذشته، روز روشن بدین تفصیل: خمس منات روسی در کیسه، ایضاً در کیسه امپریال، صاحب قران و ایضاً صاحب قران. وجه نقد از حجره آنها واقعه در کاروانسرای عالیجناب آقا میراسمعیل از خورجین بیرون آورده به سرقت برده‌اند. سفارت سنیّه این دولت علیه مقیم طهران و دوستدار را به واسطه اهتمام و مراقبت تامی که در امور متعلقه به رعایای عثمانی از جانب سرکار آنمقرب الخاقان منظور بود، نهایت اطمینان حاصل بود. ولی از قراریکه معلوم می‌شود، از آن وقت تا حال که از پنجاه روز متجاوز است با وجود اظهار و اصرار مسیو تمستقلیس نقلاندیس وکیل این شهیندرخانه هیچ‌گونه قراری از جانب کارگذاران اینجا در این فقره داده نشده و این همه معطلی مشارالیهما هم در تبریز به جهت وصول تنخواه مزبور علاوه مایه مزید علت گشته است. به قراریکه حال مشارالیهما مذکور می‌دارند سرکار آنمقرب الخاقان ابتداء شش نفر اشخاصی را که البته در امر سرقت مدخلیتی به آنها داده شده محبوس فرموده بوده‌اند، بعد از آن حاجی محمدنام اجاره‌دار کاروانسرای مزبور را خلاصی داده و به فاصله دو روز یک نفر دیگر از آنها را رها نموده و پریروز سه نفر دیگر را از حبس بیرون آورده‌اند. آیا جهت اینکه بدون بناگذاری در وصول تنخواه، آنها را خلاصی داده‌اند چه چیز خواهد بود. بالجمله دوستدار زحمت افزای خاطر سرکار آنمقرب الخاقان است، با وصف محقق بودن سرقت تنخواه آنها در خدمت جناب جلالتماب سردار کل دام مجده‌العالی از مقتضیات انصاف و قرارداد اولیای دولّین علیّین دور خواهد بود که تا حال وصول تنخواه آنها در عهده تعویق مانده و موجب مزید خسارت آنها شود. لهذا از روی کمال احترام خواهشمند است، از جایی که قرار رسیدگی تنخواه مسروقه مشارالیهما را باید بدهند، بزودی داده و دوستدار را مطلع دارند و البته به مقتضای کمال انصاف خودتان راضی بر این معنی نخواهید بود مشارالیهما که

۱. دیاربکر شهری است در ترکیه، واقع در ساحل دجله و نام قدیم آن آمد بوده است.

تاجر معتبری هستند، زیاده از این در اینجا معطل و متحمل ضرر و خسارت شده و از این جهت در امر تجارت آنها اختلال و وهنی به هم برسد. زیاده چه زحمت دهد و حرر فی ۱۵ شهر ربیع الاول ۱۲۸۳. (علی بهجت).

### [دریافت حق گمرک از مال التجاره تاجر عثمانی]

محل مهر جواز میزان تبریز - حواله بار

موازی پانصد و چهل بار مال فتوره از مال زبدهالتجار مسیحی چلبی مانقون رعیت دولت علیه عثمانیه، گمرک معمولی دریافت کرده و در عوض تنخواه طغرا داده شده است، بارهای مزبور را حین ورود میزان بدون مطالبه گمرک تحویل و تسلیم مشارالیه نموده و قبض الواصل گرفته شود، بعد از اتمام قبوضات او را رد کرده، همین نوشته را بگیرم. این چند کلمه جهت یادداشت قلمی شد. باری سه هزار و هفت صد و پنجاه دینار راهداری خوی پای خود مشارالیه می باشد. ۱۵ شهر ربیع الاول ۱۲۸۳. محل مهر عالیجاه میرزا جعفرخان. گمرک این بار در وجه سفارت داده شده است و مانع این بارها نخواهم شد. بتاريخ ۱۵ شهر ربیع الاول ۱۲۸۳. محل مهر عالیجاه احمدعلی بیگ، حواله بار موازی پانصد و چهل بار فتوره متن صحیح است. (سواد مطابق اصل است مهر حاجی آقا الحسینی).

### [درخواست استرداد مال تاجر عثمانی از تبعه ایران که مال او را سرقت نموده اند]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقربالخاقانا عمدهالخواین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

شهادت خاطر سرکار آن مقربالخاقان از فقره لخت شدن و مجروح گردیدن اسمعیل یهودی بغدادی رعیت دولت علیه عثمانی در مراجعت از خاک روس در این طرف مرند، مستعنی از این است که دوستدار به اظهار تفصیل آن زحمت افزای خاطر سرکار اندوستان استظهاری شود، نسبت این فقره که به مکاریان مفصله ذیل:

حاجی محمد، محمدعلی برادر حاجی محمد، محمدرحیم که از کنار ارس گرفته روانه

تبریزش کرده بوده‌اند و محمدعلی گنج‌های که حاجی محمد مزبور او را از مرند همراه کرده است و از قرار مذکور فوت شده.

رعایای دولت علیه ایران داده می‌شده [است]. از قرار مذکور سرکار آن مقرب‌الخاقان سه نفر از آنها را که پیشترها در حبس داشته‌اند، یکی از آنها بواسطه ناخوشی وفات نموده و دو نفر دیگر را به ضامن سپرده‌اند که در وقت ضرورت آنها را حاضر سازند. چون بواسطه دلایل عقلی و تحقیقات خارجی ارتکاب و دخالت آنها در این فقره خالی از قولی نیست، لازم است حالا که خود اسمعیل در تبریز است، همان سه نفر مزبور نیز حضور به هم رسانیده و با رسیدگی و تحقیقات لازمه در اینباب قرار احقاق حق او که این مدت چهار سال در عهده تعویق مانده است، داده شود. لهذا از روی کمال احترام متوقع است قرار بدهند سه نفر مزبور را در هر جا باشند حاضر نموده بطوریکه شرایط قرارداد دولتی و لوازم انصاف اقتضا نماید قراری در احقاق حقوق مشارالیه که علاوه این مدت مدید راهم دهنده‌گی نموده و از کسب و کار خود آواره و سرگردان مانده است داده شود. امیدوارم که بزودی سه نفر مزبور را حاضر نموده دوستدار را اطلاع بدهند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۸ شهر ربیع‌الاول ۱۲۸۳. (علی بهجت.)

### [عدم پرداخت طلب تاجر عثمانی توسط تاجر ایرانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکنتاها مقرب الخاقانا عمده‌الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

خیرالحاج حاجی عبدالله تاجر خویی به موجب یک طغرا برات تجارتی مبلغ یک هزار و پانصد و شصت و هشت تومان از اسلامبول حواله خیرالحاج حاجی محمد آقا تاجر خویی نموده که به وعده شصت و یک روز در اینجا به گماشته چلبی حاجب‌ولی تاجر تبعه دولت علیه عثمانی کارسازی نماید. چند روز است که برات مزبور واصل گردیده و گماشته چلبی مزبور پیش حاج مشارالیه فرستاده که قبولی او را بنویسد، حاج مزبور تا حال از تقبل برات مزبور مسامحه و اهمال ورزیده است. لهذا دوستدار سواد برات مزبور رالفاً خدمت سرکار آنمقرب الخاقان ایفاد داشته با احترام متوقع است که حاج مزبور را خواسته قدغن فرمایند قبولی برات

مزبور را نوشته در عهده تأخیر نیندازد. امیدوارم حاج مشارالیه و حاجی کاظم تاجر سلماسی را که در مراسله جداگانه زحمت داده شده، وادار خواهند فرمود که بدون عذر قبولی دو طغرا برات را بنویسد. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی بیستم شهر ربیع الاول ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر<sup>۱</sup> دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [درخواست پرداخت طلب تاجر عثمانی از تاجر ایرانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقا مکرما.

خیرالحاج حاجی خلیل تاجر لک<sup>۱</sup> چندی قبل بر این در علیه اسلامبول معادل یک هزار و چهارصد و هفده عدد امپریال مال التجاره از چلبی اوغلو سوستاپولی<sup>۲</sup> تاجر تبعه دولت علیه عثمانی به وعده نود و یک روز اتباع نموده بعد از انقضای مدت یک ماه از وعده هم که نتوانسته تنخواه مزبور را در آنجا کارسازی نماید، همان مبلغ را به موجب یک طغرا برات تجارتی حواله خیرالحاج حاجی کاظم تاجر سلماسی شریک خود نموده که به وعده چهل و پنج یوم در تبریز کارسازی گماشته چلبی مشارالیه نماید. حال که پنج و شش روز است برات مزبور واصل گردیده، زبده التجار مسیو پارس تبعه این دولت علیه برات را پیش حاجی کاظم فرستاده که قبولی او را امضاء نماید، ابتدا حاج مزبور می‌گوید که اگر مظنه امپریال را از دو تومان منظور می‌داری قبولی برات را بنویسم، بعد که حاج مشارالیه خیال مسیو پارس را منافی مقصود خود می‌بیند از قبول نمودن وجه برات تقاعد ورزیده تا حال قبولی او را ننوشته و گفته است که وجه این برات در اسلامبول از تنخواهی که در نزد حاجی خلیل مزبور است باید برسد. بنابر آن مسیو پارس مشارالیه کیفیت را از تلگراف به چلبی اوغلو مزبور اعلام داده، در جواب اظهار کرده است که در پیش حاجی خلیل مشارالیه تنخواه نیست باید در تبریز از حاجی کاظم شریک او برسد. لهذا دوستدار سواد برات مزبور را که شانزده روز به وعده آن باقی است لفاً خدمت سرکار آندوستان استظهاری ایفاد داشته از روی کمال احترام

۱. باش شهیندر مقام معادل ژنرال کنسول در زمان حکومت عثمانی‌ها بوده است.

۲. سوستاپول = سواستاپل یا سباستوپول، شهری در جنوب شرقی اوکراین، در جنوب غربی کریمه و بر خلیج سواستوپول (شاخابه دریای سیاه) و بندر و از پایگاه‌های عمده دریایی و سوق‌الجشی است.

زحمت افزاست که خیرالحاج مشارالیه را احضار و قدغن فرمایند قبولی برات را که مراد امر تجارت به آن است نوشته و بعهده تأخیر نیندازد. امیدوارم که معجلاً از قرارداد خود در اینباب دوستدار را مطلع دارند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی بیستم شهر ربیع الاول ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [نامه سفارت عثمانی از تهران و درخواست امور معوقه عثمانی‌ها]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

امروز از سفارت سنیه دولت علیه عثمانی مقیم تهران رقیمه بعهده دوستدار واصل و در تلوان پاکتی از وزارت امور خارجه دولت علیه ایران به عنوان سرکار مقرب الخاقان نزد دوستدار ایفاد فرموده مرقوم داشته‌اند چهار طغرا تعلیقه در خصوص فقرات مفصله ذیل:

[ - ] در رفع مطالبه گمرک زیادی از مال التجاره تبعه و رعایای عثمانی.

[ - ] در پیدا کردن سارق و وصول تنخواه سلیمان آقا و ذوالفقار آقا دیار بکری.

[ - ] در خصوص سرقت اموال اسمعیل یهودی.

[ - ] در فقره قتل برادر ثومه نام ارمنی.

از وزارت مزبوره بعهده سرکار اندوستان استظهاری صادر و درضمن پاکت مزبور ارسال گردیده که باهتمام و توجه سرکار آن مقرب الخاقان قرار انجام فقرات مزبوره داده شود. علیهذا دوستدار پاکت مزبور رالفاً ارسال خدمت نموده از روی کمال احترام خواهشمنداست که اولاً درباب گمرک مال التجاره تبعه این دولت علیه به مباشرین میزان قدغن خواهند فرمود که علاوه بر قرارداد به مطالبه چیزی مزاحم و متعرض آنها نشوند. ثانی چنانکه دوستدار شفاهاً و تحریراً زحمت داده، کسانی که به جهت واریسی سه فقره مطلب اخیری باید در مجلس تحقیق حضور داشته باشند بزودی حاضر ساخته و دوستدار را اطلاع بدهند که واریسی و تحقیقات لازمه در فقرات مزبوره بعمل آید. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۲۳ شهر ربیع الاول ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [اخبار عدم حضور صاحب‌منصب عثمانی در جلسه رسیدگی به دعاوی تجّار]

عالیجاها مجدّت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده‌الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقا مکّرما.

عالیجاه فخامت همراه استوین صاحب جنرال قونسول دولت فخمیه روسیه، چند روز پیش از قرار مراسله در فقره اجلاس مربوط بعمل شراکت مرحوم مشهدی عباس باخیرالحاج فرج‌الله و ملاحظه و معلوم کردن وجوه تمسکات اشخاصی که از شراکت آنها امپریال و غیره به قرار حساب فروش طلبکار بوده‌اند با پول رایج این ولد، بدوستاندار اطلاع داده خواهش کرده بود [که] عالیشان تمستقلیس هم که یکی از وکلای ارباب طلب است منصفی از جانب خود معین نماید که در آن مجلس حضور داشته باشد. دوستاندار در جواب اظهار کرده بود عالیشان مشارالیه خود و در صورت اقتضا یک دو نفر از تجّار را به اتفاق خود خواهد آورد و روز انعقاد مجلس را معین و پیش از وقت بدوستاندار اطلاع بدهند که عالیشان مشارالیه را هم اعلام شود. نیم‌ساعت پیش فرستاده سرکار اندوستان استظهاری به منزل دوستاندار آمده پیغام آورد که حالا اجرای اجلاس در منزل سرکار آن مقرب‌الخاقان فراهم است و عالیشان مشارالیه را هم اخبار شود که حاضر باشد. دوستاندار هم آدم فرستاده مشارالیه را اعلام داده بود. لکن در جواب اظهار کرده که در هم چون اجلاس باید حضور داشته باشد لازم بود یک روز قبل از وقت او را اخبار نمود که در وقت معین از حاضر بودن در مجلس اجلاس عدزی نداشته باشد، من حالا شغل لازمی دارم و نمی‌توانم در آن مجلس حاضر شد. فقره قرار طلب تتمه موکل خود و تنزیل ایام گذشته و ملاحظه و معلوم کردن تفاوت وجه را از این اجلاس خارج می‌دانم. چون اطلاع خاطر سرکار آنمقرب الخاقان در اینباب لازم بود زحمت‌افزا شد. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۲۴ شهر ربیع‌الاول ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [اختلاف تاجر ایرانی با تاجر عثمانی]

عالیجاها مجدّت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده‌الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقا مکّرما.

درباب فقره براتی که حاجی عبدالله تاجر از اسلامبول حواله خیرالحاج حاجی محمدآقا

نموده به سرکار آنمقرب الخاقان از قرار مراسله مورخه ۲۳ همین ماه به عدد ۵ جواباً به مراسله دوستدار قلمی داشته بودند. موافق براتی که از چلبی حاجبؤلی در دست حاج مزبور است دوستدار قدغن نماید گماشته چلبی مزبور یازده عدل مال التجاره را تحویل حاج مزبور نماید تا او هم قبولی برات را بنویسد. مجدداً زحمت می‌دهد چنانکه دوستدار سواد برات حاجی عبدالله را ضمناً فرستاده بود البته از لحاظ سرکار آندوستان استظهاری گذشته که نوشتن قبولی و کارسازی وجه آنرا موقوف بر این نداشته‌اند که هر وقت عدل‌ها را تسلیم کرد قبولی برات را بنویسد. گماشته چلبی مزبور می‌گوید در صورتیکه برات بدون حواله بعهدہ حاجی محمد آقا است از قبول و برگشت کردن برات مزبور بگیرد لامحاله لابد است هم چنین براتی هم که بعهدہ من آورده است، هر نوع تکلیفی از مدلول آن به من راجع خواهد بود در امضای آن موافق قاعده خواه حاج مزبور قبولی برات را بنویسد و خواه برگشت کند حرفی نخواهم داشت. سرکار آنمقرب الخاقان براتی را که قلمی داشته‌اند و در دست حاجی مزبور است به شهیندرخانه ارسال دارند، دوستدار قرار می‌دهد [که] گماشته چلبی حاجبؤلی به همین طور او را امضاء نموده و هر وقت که عدل‌ها وارد تبریز شد به نمره و علامت تسلیم حاجی مزبور نماید. سرکار آنمقرب الخاقان هم قدغن فرمایند [که] حاجی محمد آقا قبولی برات یا برگشت او را نوشته و از عهده تأخیر بیندازد. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۲۹ شهر ربیع الاول ۱۲۸۳. (علی بهجت‌باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [نهب و غارت اکراد وان از اهالی سلماس]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده‌الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

نظر به خواهش سرکار آنمقرب الخاقان که اظهار داشته بودند از اهالی سلماس عریضه داده‌اند [که] عشایر و اکراد تبعه دولت علیه عثمانی من توابع وان امسال از حدود خود تخطی نموده به خاک سلماس برای نهب و غارت گذشته و اموال زیادی از اهالی آنجا و از اهل قافله غارت کرده برده‌اند و عالیجاه مجدت همراه عبدی بیگ سرهنگ که از جانب نواب مستطاب اشرف امجدوالاولیعهده دولت علیه ایران دام اقباله العالی مأمور واری و تحقیق این فقره



است. دوستدار شرحی به حکومت وان نوشت که تحقیقات لازمه در اینباب بعمل آورده در صورتیکه عشایر و اکراد تبعه این دولت علیه از حدود خود تجاوز نموده و مرتکب جسارت و بی‌اعتدالی شده و مالی از اهالی سلماس و از اهل قافله برده‌اند موافق قاعده قرار استرداد آنها را گذاشته و قدغن نمایند [که] بنا به اتحاد و مصافات کامله فیما بین دولتین علیتین من بعد از آنها به خاک دولت علیه ایران تخطی ننموده جرئت ارتکاب اینگونه جسارت و خلاف را نداشته باشند و شرح مزبور را ضمناً ارسال داشت که بتوسط عالیشان مشارالیه ابلاغ دارند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۲۹ شهر ربیع الاول ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهبندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [توقیف اموال ایرانی توسط تبعه عثمانی در مرز]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده‌الخواین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

سرکار آنمقرب الخاقانا از قرار مراسله مورخه ۲۹ ماه ربیع الاول گذشته به عدد ۷ اظهار فرموده بودند [که] عمر آقا مرزک در نزدیکی سرحد در خاک دولت عثمانی در ازاء اینکه علی عسکر سلماسی در سنوات سابقه ادعایی ازو داشته و بدان واسطه باطلاع دیوانخانه وان مبلغی از عمر آقا دریافت نموده بوده است. این روزها به سر قافله که از وان به طرف سلماس می‌آمده‌اند ریخته اهل قافله و بارهای آنها را مراجعت داده برده و نگاهداری کرده است و خواهش سفارشنامه در اینباب به حکومت وان کرده بودند. دوستدار اسناد مرسولی از علی عسکر را ملاحظه نموده شرح مسبوطی در اینباب به جناب فخامت نصاب عبدالله پاشا والی وان نوشت که واری لازم را بعمل آورده در صورتیکه وقوع این فقره صحتی داشته باشد به عمر آقا مزبور قدغن نمایند که متعرض اموال اهل قافله و خودشان نشده و من بعد مرتکب این قسم جسارت و خلاف نشود و شرح مزبور را ضمناً ارسال داشت. که به هر وسیله لازم دانند ابلاغ دارند. زیاده چه زحمت افزا شود. حرر فی دویم شهر بیع‌الآخر ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهبندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [رفتن مأمور ایرانی به وان جهت رسیدگی به ادعای تبعه ایرانی از عثمانی‌ها]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمدہ الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرماً.

درباب مأموریت عالیجاه مجدت همراه عبدی بیگ سرهنگ به طرف سلماس و رفتن او به وان نزد جناب فخامت نصاحب عبدالله پاشا امروز مجدداً شرحی قلمی و اظهار داشته بودند مخصوصاً دوستدار رفتن او را به وان به موجب سفارشنامه علیحده به جناب معزی‌الیه اظهار داشته و خواهش رعایت اهتمام در اظهارات عالیجاه مشارالیه و رفع بی‌اعتدالی اکراد و عشایر از ایشان نماید. علیهذا برحسب اظهار سرکار آنمقرب الخاقان شرح مجددی در اینباب به جناب معزی‌الیه نوشته ضمناً ارسال داشت. البته به مقتضای کمال مصافات دولتین علیتین اهتمام لازم را در انجام اظهارات حسابی عالیجاه مشارالیه مرعی خواهند داشت. زیاده چه زحمت‌افزا شود. حرر فی ۴ شهر ربیع الثانی ۱۲۸۳. (علی بهجت‌باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [پرداخت قروض تبعه عثمانی توسط تاجر ایرانی]

سواد برات نامچه

به عرض می‌رساند شرح حالات در عریضه علیحده به تفصیل عرض شده است، همین دو کلمه هم لازم بود عرض می‌شود، مطلب اینکه موازی پانصد عدد لیره عثمانلو که نصفه حفظاً الاصل دوپست و پنجاه عدد می‌شود، از بابت قیمت جواهرآلات زبده‌التجار الحسینی چلبی انوب و قروبط آقا قومپانه مقروض بودم و در وجه آن به موجب همین عریضه برات خدمت شد که سرکار سامی پانصد لیره عثمانلو و یا وجه آن را به هرکس که ایشان حواله نماید کارسازی فرموده و همین برات را قبض الوصول و اخذ فرمایند. این قطعه نسخه اول است و بارسیدن این، نسخه ثانیه باطل است. حرر فی ۱۲ شهر ربیع الثانی ۱۲۸۳. برات نامچه را در دارالسلطنه تبریز جناب قبله گاهی آقا میرزا محمدحسین خلف جناب مشیرالتجار مرحوم طاب ثراه قبول و کارسازی فرمایند. فی التاریخ. سواد مطابق اصل است. مهر حاجی آقا الحسینی. (محل مهر میرزا علی).

### [رسیدگی به اموال سرقت شده تجّار عثمانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده‌الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

نظر به قرارداد سرکار آنمقرب الخاقان، دوستدار روز هشتم همین ماه به جهت رسیدگی کیفیت سرقت سلیمان آقا و ذوالفقار آقا در منزل سرکار حاضر شد، به واسطه عدم حضور کسانی که در آن مجلس لازم بودند، گفتگویی در اینباب به میان نیامده و بر حسب قرارداد سرکار عالیجناب آقا اسمعیل، حاجی محمد مستاجر و سه نفر از دالاندارها را دو روز پیش به شهیندرخانه آورده و دوستدار در حضور عالیجناب مشارالیه پاره سئوالات از آنها نمود و آنها هم بعضی تقریرات به میان آوردند که به هیچوجه به همدیگر ربطی نداشت و مخصوصاً تقریرات حسینقلی نام با اظهارات سابق سرکار آنمقرب الخاقان منافات زیادی داشت. حقیقت دوستدار را از سئوال و جوابی که با آنها کرد، نهایت حیرت حاصل شد، زیرا محافظت اموال تجّار که از لوازم تکلیف مستاجر و دالاندار است، چگونه می‌شود با وصف محقق بودن سرقت تنخواه مشارالیهما در کاروانسرا، مستحفظین را از کیفیت آن اطلاعی نباشد و حکومت هم قراری در اینباب نگذارد. البته آنمقرب الخاقان نظر به اتّحاد و موالات دولّین علیّین از بذل توجه و اهتمام در وصول و ایصال تنخواه مسروقه تبعه دولت علیه عثمانی از جای لازم خود مضایقه نفرموده زیاده از این به تأخیر این امر رضا نخواهند داد. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۶ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [اختلاف جلودار عثمانی با تاجرهای ایرانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده‌الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

عثمان آقای جلودار سلیمانیه رعیت دولت علیه عثمانی بدوستدار شاکی شد [که] در فصل بهار گذشته که مال‌های خود را روانه تبریز کرده بوده است کسان مقرب الخاقان ساعدالملک سی راس مال او را از کسان او از اینجا تا شهر ارومی کرایه کرده وجه کرایه آنها



را تا ارومی کارسازی کرده بوده‌اند. بعد از رسانیدن بارها به آنجا که دیگر مُستکریان را حقی به مکاری نبوده است بیست و چهار راس مال او را مجدداً بارگیری نموده و چند منزل آن طرف ارومی برده و دوازده روز مال‌های او را نگاهداری می‌کنند. بعد بدون کارسازی وجه کرایه دوازده روز آنها را مراجعت می‌دهند. این روزها جناب قایم‌مقام سلیمانی هم مصحوب جلودار مزبور شرحی قلمی و خواهش قرار وصول وجه کرایه دوازده مال‌های او را نموده است. لهذا با نهایت احترام خواهشمند است قرار بدهند کسان مقرب‌الخاقان معزی‌الیه وجه کرایه بیست و چهار راس مال را که از بابت دوازده روز در پیش خود نگهداری کرده‌اند موافق قاعده به عثمان آقای مزبور کارسازی داشته و از قرارداد خودتان در اینباب دوستدار را اطلاع بدهند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۲۶ شهر جمادی‌الاول ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [شکوائیه شهیندر عثمانی از عدم توجه کارگزاران ایران به امور عثمانی‌ها]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب‌الخاقانا عمده‌الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

دوستدار در ظرف مدت این سه ماه ورود خود به تبریز مکرر حین ملاقات با سرکار آنمقرب‌الخاقان درباب حاضر ساختن برادر تومه نام ارمنی رعیت این دولت علیه خواهش دوستانه از سرکار نموده و به دفعات پیغام داده و در ضمن مراسله مورخه ۲۳ شهر ربیع‌الاول گذشته به عدد ۱۱ که پاکت وزارت امور خارجه دولت علیه ایران را در خصوص چند فقره مطلب متعلقه به رعایای دولت علیه عثمانی خدمت سرکار ابلاغ داشته رسماً به این فقره نیز اشاره نموده بود و تا حال از قرارداد سرکار سهل است از فرستادن مأمور هم اثری ظاهر نشده است. اگر بنا بر این باشد که اظهارات باش شهیندرخانه را به این قسم‌ها مهمل و متروک داشته و به حالت عدم اعتنا بگذارید و در این صورت دوستدار را کمال افسوس از اینکه به مقتضای لازمه تکلیف خود، خود را در زحمت‌افزایی و اظهار تکالیف رسمی مجبور خواهد دید، حاصل خواهد شد. سرکار اندوستان استظهاری تصور بفرمایند آیا به کدام قاعده حقانیت وفق خواهد داد شخصی را که در قاتلیت او احدی را محل حرفی نبوده از حبس بیرون آورده به

ضامن بپارند که احضار او از سه منزلی شهر سه ماه طول انجام گردد و چگونه می‌شود محصلی را که از جانب حکومت مأمور آوردن قاتل مزبور کرده باشند، ظهور علامت و یا او را مانع از انجام خدمت شده و مراجعت کند و یا بعد از این همه تأخیر نیز که علامت مزبور مرتفع گردد خدمت مرجوعه را به تعویق بیندازد. جناب جلال‌الماب وزیرمختار ما مقیم طهران دام مجده‌العالی مکرر قرار فقرات مطالبی را که مخصوصاً از وزارت امور خارجه احکام صادر و ارسال شده است از دوستدار استفسار و تأکید فرموده‌اند. دوستدار هم تا حال بطوری که متضمن نتیجه مواعید شفاهی سرکار بود جواب معروض می‌داشت، ولی تاکنون کمال حیرت را حاصل دارد که با مصافات و اتحاد کامله فیما بین دولتین علیتین، کارگذاران اینجا را چگونه در قرارداد مطالب متعلقه به شهیندرخانه به اهمال و مسامحه منسوب دارد. علیهذا مجدداً از روی کمال احترام متوقع است بزودی محصلی مأمور نمایند رفته قاتل برادر او را تاده روز در شهر حاضر نماید که قراری در اینباب داده شده و این بیچاره زیاده از این در اینجا آواره و سرگردان نماند. امیدوارم بزودی هرچه تمامتر قاتل مزبور را حاضر فرموده بدوستدار اطلاع خواهند داد. والا جوابی قلمی خواهند داشت که دوستدار از آن قرار مراتب را به سفارت سنیه معروض دارد و تومه مزبور را زیاده از این در اینجا معطل نداشته به هرجا که لازم است روانه کند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۲۶ شهر جمادی‌الاول ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

[درخواست رسیدگی به امور تاجر عثمانی که اکراد ایرانی از او به غارت برده‌اند]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده‌الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

عالیجناب آقا سیدعلی حجازی رعیت دولت علیه عثمانی عریضه از ارومی به دوستدار نموده که مبالغی مال‌التجاره از ولایات عثمانی داخل خاک ایران کرده و دو ماه قبل مال‌التجاره را از سمت خوی به اتفاق قافله حمل و نقل ارومی می‌کرده است. در گدوک و ورگه دیزهشت فرسخی ارومی چند نفر از اکراد قطاع‌الطریق رعایای ایران بر سر قافله ریخته معادل هفت صد و چهل و دو تومان و چیزی کسر مال‌التجاره و وجه نقد و ملبوس عالیجناب



مشارالیه را به موجب صورت جداگانه که لفأ ارسال شد نهب و غارت کرده می‌برند. عالیجناب مشارالیه از آنجا به ارومی رفته مراتب را به حکومت آنجا عرض و حالی می‌نماید، با وصف اینکه تمام اموال منهوبه [توسط] یک نفر آدم مقرب‌الخاقان یوسف‌خان شجاع‌الدوله را که همراه همان قافله بوده از مرتکبین مسترد داشته‌اند، قراری در استرداد این مبلغ اموال منهوبه سید مشارالیه نمی‌گذارند. اگرچه سید مزبور خود خیال آمدن به تبریز را داشته ولی به واسطه مرضی که از صدمه غارت و هجوم قطاع‌الطریق به مشارالیه عارض شده بود مقدورش نگشته و تفصیل را از قرار عریضه که چند نفر هم از اهل قافله و غیره شهادت خودشان را در وقوع این فقره و غارت شدن اموال سید مزبور در حاشیه آن قید کرده‌اند، اظهار داشته است. لهذا دوستدار به اظهار مراتب زحمت‌افزای خاطر سرکار آن مقرب‌الخاقان شده از روی کمال احترام خواهشمند است که احکام لازمه مؤکده صادر و محصل شدیدی مأمور فرمایند رفته اموال منهوبه تبعه این دولت علیه را از ناهیین که البته از این قرار حکومت ارومی را از تفصیل این فقره کماینیگی معلومات حاصل است، مسترد داشته عاید دارند. امیدوارم در اینباب از لازمه مراقبت و اهتمام فروگذار نشده و دوستدار را از قرارداد خودتان بزودی مطلع دارید. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۲۶ شهر جمادی‌الاول ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز.)

#### [درخواست وزیرمختار عثمانی در مورد رسیدگی به امور عثمانی‌ها]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب‌الخاقانا عمده‌الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

جناب جلالتماب وزیرمختار ما مقیم طهران دام مجده‌العالی مخصوصاً در ضمن رقیمجات خودشان که در این بار واصل شد مرقوم فرموده‌اند مجدداً درباب وصول تنخواه مسروقه سلیمان آقا و ذوالفقار آقا تاجران دیاربکری از جای لازم خود از وزارت امور خارجه دولت علیه ایران حکم مخصوص بعهد سرکار آنمقرب‌الخاقان صادر و ارسال شده است که به بذل توجه و اهتمام وافی قرار لازم را در اینباب بگذارند. ولی بعد از آنکه دوستدار بر حسب قرارداد سرکار اندوستان استظهاری با حضوری عالیجناب آقا میراسمعیل پاره سئوالات از





اجاره دارودالاندارها نموده و به مراسله مورخه ۱۶ ربیع الثانی بعدد ۱۸ زحمت افزا شد تا حال جوابی از سرکار نرسیده است، گویا در این مدت جهت عدم بناگذاری در این فقره به غیر از ظهور علامت و یا علیت دیگر مظنون نباشد. الحمدلله این روزها که از رفع شدن آن علامت اطمینان حاصل است، مجدداً زحمت می‌دهد که به مراسله مزبوره دوستدار رجوع نموده و قرار وصول و ایصال تنخواه مسروقه مشارالیه را از هرجا که لازم است گذارده و بدوستدار اطلاع بدهند که از آن قرار جواب به سفارت سنیه معروض دارد. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی دویم شهر جمادی الاخری ۱۲۸۳. (علی بهجت‌باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [غارث شدن تاجر عثمانی در سلماس]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده‌الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرماً.

به قراریکه حاجی معروف جلودار کرکوکی رعیت دولت علیه عثمانی مذکور داشت، مشارالیه مال‌التجاره از دیاربکر<sup>۱</sup> بارگیری و روانه تبریز بوده، محمد امین نام برادر او لزوماً دوسه روز از آنها تأخیر کرده و متعاقباً می‌آمده است، تا اینکه شش روز قبل از سلماس بیرون آمده در یک فرسخی اینطرف سلماس پنج نفر قطاع الطريق رعایای ایران، محمد امین مشارالیه را لخت نموده و بدین تفصیل اسب و اسباب و وجه نقد او را غارت کرده می‌برند: اسب راس، تفنگ دولوله انگلیسی، خنجر قبظه [قبضه]، جوال عدد، پستک<sup>۲</sup> ثوب، قبا۱ عربی ثوب، پیراهن ثوب، زیر جامه ثوب، عبا۱ سرخ‌رنگ ثوب، کفش جفت، عمامه عربی<sup>۲</sup> فرد، شال کمر بزرگ ثوب و لیره مجیدیه ۴ عدد.

چون به مقتضای قاعده حقانیت قرار استرداد اموال منهوبه مشارالیه لازم است. علیهذا رحمت افزاست که حکم لازمی درباب استرداد اموال منهوبه مشارالیه به حکومت سلماس قلمی و نزد دوستدار ارسال دارند که مصحوب مشارالیه به حکومت مزبور ارسال دارد که اموال او را عیناً یا قیمتاً مسترد و عاید دارند. امیدوارم حکم مزبور را بزودی قلمی و ایفاد

۱. دیاربکر، شهری در ترکیه واقع در ساحل رود دجله است.

۲. پستک: نیم‌تنه نمدی خشن.

خواهند داشت. زیاده چه زحمت افزا شود. حرر فی دویم شهر جمادی الاخری سنه ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز.)

### [دستگیری اشرار و غارتگران مرزی عثمانی که اموال ایرانیان را غارت کرده‌اند]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمدہ الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

نظر به خواهش سرکار آنمقرب الخاقان، دوستدار رفتن عالیجاه مجدت همراه عبدی بیگ سرهنگ را برای تنبیه و استرداد و اموال منهوبه تبعه دولت علیه ایران از اشرار و قطاع الطريق عشایر سرحدنشین، شرحی به جناب فخامت نصاب عبدالله پاشا والی وان قلمی و مصحوب عالیجاها مشارالیه ارسال داشته بود. این روزها جناب معزی الیه جواب مشروح دوستدار را قلمی و مصحوب یک نفر ضبطیه مخصوص ارسال داشته‌اند، اطلاع خاطر سرکار را لازم دیده و زحمت افزاست که عالیجاه مشارالیه بعد از ورود [به] وان و ملاقات با جناب عبدالله پاشا، جناب معزی الیه محض ملاحظه اتحاد و مسالمت دولتین علّیتین، عالیجاها مجدت همراه بکر آقا معاون خودشان را با یک نفر مدیر به اتفاق عالیجاها مشارالیه روانه سرحد نموده و در خصوص دستگیری اشرار عشایر قاردار که نسبت هرزگی و شرارت و سرقت به آنها داده می‌شده است تاکید زیاد کرده و قرار داده‌اند که اگر از اشرار مزبور به آن طرف سرحد فرار نمایند، عالیجاها معاون کمال اهتمام را بعمل آورده و بگذارد [که] در آنطرف متواری باشند تا کلیتہ دستگیر شده و قرار تنبیه آنها داده شود و بعد نتیجه امر را بدوستدار اطلاع بدهند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۱ شهر جمادی الثانی ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز.)

### [رسیدگی به شرارت عثمانی‌ها که به خاک ایران تجاوز کرده‌اند]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمدہ الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

از قرار مراسله مورخه ۳ شهر حال بعدد ۹ اظهار داشته بودید از حکومت ارومیه خدمت سرکار آنمقرب الخاقان نوشته‌اند که شیرعلی نام ضابط کان رش در آن سرحد اظهار شرارت و خودسری نموده با جمعی به خاک مرگور<sup>۱</sup> آمده حسن‌بیگ نام رعیت دولت علیه ایران را گرفته برده باعث اغتشاش و بی‌نظمی امور سرحد می‌شود و خواهش قرار رفع شرارت او را کرده بود. دوستدار مراتب را به جناب فخامت نصاب قایم مقام وان و حکاری نوشت که رسیدگی و تحقیقات لازمه را در وقوع اینگونه جسارت شیرعلی مزبور بعمل آورده در صورتیکه حسن‌بیگ رعیت ایران و گذشتن شیرعلی مزبور از سرحد و اغتشاش و آشوب او در این طرف صحتی داشته باشد. مشارالیه را از صدور این حرکات ممانعت کرده و قرار مطبوظی در رفع شرارت او بگذارند، والا مراتب را رسیدگی نموده اظهار دارند. بعد از آنکه از جانب جناب معزی‌الیه جوابی رسید، البته خاطر سرکار آنمقرب الخاقان را مطلع و مستحضر خواهد داشت. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی یازدهم شهر جمادی‌الآخر سنه ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [درخواست دستگیری غارتگران ایران که به خاک عثمانی تجاوز کرده‌اند]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده‌الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرماً.

مراتب سلم و صفوت حاصله فیما بین دولتین علیتین که منظور اولیای دولت طرفین است، البته در هر حال لازم خواهد گرفت [که] حتی‌المقدور در رعایت شرایط موالات و موافقت و همراهی حکام و مأمورین سرحدیه با یکدیگر اهتمامات و مساعی وافیه معمول گردد. چنانچه مراقبت و مواظبت جناب فخامت نصاب عبدالله پاشا والی وان و سایر حکام و مأمورین سرحدیه این دولت علیه را در انجام امور و مطالب متعلقه به رعایای دولت علیه ایران در خاک عثمانی اعم از اظهارات کارگذاران آذربایجان و عرض و استدعای خود صاحبان مطلب دلیل پیشرفت این مقصود می‌توان قرار داد، ولی به قراریکه جناب معزی‌الیه موافق مشروحه مورخه ۱۸ شهر ربیع‌الثانی گذشته اظهار داشته‌اند حکام و مباشرین بلده خوی و غیره

۱. مرگور نام یکی از دهستان‌های ارومیه است.

واقعۀ در جوار سرحدّ بالعکس مطالب اظهاری مقرون به حقانیت جناب معزی‌الیه را در حالت تعویق گذارده، سهل است، به جواب اظهارات ایشان هم مبادرت نمی‌نمایند. حتی در چند فقره مطلب که سابقاً بنا به خواهش جناب معزی‌الیه از جانب جناب جلال‌تماب سردار کل دام مجده‌العالی و سرکار آنمقرب‌الخاقان احکام اکیده به مقرب‌الخاقان اسکندرخان<sup>۱</sup> حاکم سابق خوی صادر شده بوده است، مقرب‌الخاقان مشارالیه اجرای آنها را به حالت تعطیل گذارده و به طورهای غرض‌آمیز معامله می‌نموده‌اند. چنانچه دفع اشرار از حدود سرحدّیه و منع حرکات متعدیه آنها از عابرین و متردّین عشایر دولت علیه عثمانی را غیرمعتبر می‌انگاشته‌اند و هم‌چنین به قراریکه از روی تحقیق و موافق مضبطه نامه اظهار داشته‌اند مهدی و اسمعیل نامان شکاک ساکنین قریه‌الوری و علی و عیسی نامان از طایفه محمدیگلو و سی نفر علیحده که در خاک ایران وزیر حمایت احمدآقا پسر علی آقا شکاک به سر می‌برند، در نزدیکی قریه هندیوان به سر چند نفر از اهل قطور قریه‌هیس علیا ریخته و زیباری نام ولد ابراهیم قطوری را به قتل رسانیده و چهار نفر اشخاص مفصله را مجروح ساخته و بعضی اموال و وجه نقد آنها از قرار تفصیل جداگانه که لفّا ارسال شد، غارت کرده برده‌اند:

خدا ویردی قطوری، قاندرلوئی ایضاً، محمدهیس علیایی و خلیل ایضاً. و قریب دوماه قبل قطاع‌الطریق مشارالیه هم موازی یکصد و بیست راس اغنام اهالی قریه گیرلوئیک واقع در خاک عثمانی را جبراً و عنفاً کشیده برده‌اند که از حکومت مزبور استرداد اموال و اغنام منهبه و وجه نقد رعایای دولت علیه تا حال گذاشته نشده است. لهذا دوستدار نظر به اظهار جناب معزی‌الیه به اظهار مراتب پرداخته و زحمت‌افزای خاطر سرکار آن دوستان استظهاری است که احکام لازمه مؤکده بعهدۀ حکومت خوی و سایر ایالات واقعۀ در حدود سرحدّیه صادر و ارسال فرمایند که موافق قرارداد دولتی و اقتضای قوانین حقانیت در رفع بی‌اعتدالی عشایر سرحدّ‌نشین اهتمام و مراقبت کامل مرعی دارند و مخصوصاً در استرداد اموال و اغنام و وجه نقد منهبه تبعه دولت علیه عثمانی و ترضیه ورثه دم و اخذ دیات مجروحین موافق قانون شرع مطاع احکام اکیده صادر و محصل مخصوص مأمور فرمایند که اموال آنها را از مرتکبین مسترد داشته و قبض رضانامه آنها را به شهبندرخانه اقامه دارند. امیدوارم قرار لازمی در اینباب داده به دوستدار اطلاع بدهند که از آن قرار به جواب جناب معزی‌الیه بپردازد. زیاده

۱. اسکندرخان سردار حاکم خوی و مراغه بوده است.

چه زحمت دهد. حرر فی ۱۱ شهر جمادی الاخری ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [درخواست استرداد طلب تاجر عثمانی از تبعه روس]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقا مکرما.

از سفارت خانه ما مقیم طهران در باب وصول و ایصال شش صد و چهل تومان طلب مسیو فلیر اوغلی طرابزنی رعیت دولت علیه عثمانه از آقا عبدالعلی ولد حاجی علی محمد قراباغی رعیت دولت بهیه روسیه، شرحی مرقوم داشته بودند. به قراریکه عالیجاه مسیو تمستقلیس مذکور داشت گویا پیشترها مبلغ چهارصد تومان از بابت طلب مشارالیه با اطلاع جنرال قونسولگری دولت مشارالیه از حاجی علی محمد والد مقروض مزبور به سرکار آنمقرب الخاقان عاید شده است. لہذا با کمال احترام متوقع است قبول زحمت فرموده و کیفیت این فقره را بدوستان اطلاع بدهند که از آن قرار جواب سفارت سنیه را معروض دارد. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۲ شهر جمادی الاخری ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [اعلام آمادگی باش شهیندر برای شرکت در مراسم خلعت پوشان ولیعهد]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقا مکرما.

جهت تبریک خلعت پوشی نواب مستطاب شاهزاده والاتباء ولیعهد دولت علیه ایران دام اقباله العالی روز چهارشنبه چهاردهم در خلعت پوشان<sup>۱</sup> دوستان را هم اعلام و دعوت فرموده بودید. دوستان نظر به اتحاد و یک جہتی دولتین علّیتین بر خود فرض می شمارد که

۱. خلعت پوشان باغی نزدیک شهر تبریز است که مراسم خلعت پوشی در آنجا انجام می گرفت و اکنون به دانشگاه تبریز واگذار شده است.

در این قبیل مواد از اظهار مراسم دولت خواهی خود به وجهی فرو نگذارد. انشاءالله تعالی روز مزبور در خلعت پوشان حاضر شده لوازم تبریک و تهنیت را بجا خواهد آورد. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۲ شهر جمادی الثانیه ۱۲۸۳. مقرب الخاقان عمده الخوانین العظام دوستان استظهار مشفق مکرم نایب الوزار هادام مجده ملاحظه فرمایند. (علی بهجت).

### [درخواست اموال تاجر عثمانی که در خوی به سرقت رفته است]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

مال التجاره از مسیو قوره سی تبعه دولت علیه عثمانی در حمل فیض الله مکاری مراغه [ای] از طرابزان به طرف تبریز نقل کرده بوده اند. روز بارگیری از قریه ظهرآبادشش فرسخی خوی حین طلوع آفتاب قریب سی نفر قطاع الطريق بر سر کاروان ریخته و بعد از زد و خورد بسیار با مکاریان دو لنگه از مال مسیو قورسی مزبور که بیست و هشت توپ ماهوت اعلی بوده و بدین تفصیل: لنگه نمره ۸۷ ع<sup>۱</sup> ... لنگه نمره ع ... قیمت آنها است غارت کرده برده اند. این فقره مشهود خاطر سرکار آندوستان استظهاری است که بدون بناگذاری از جانب حکومت در رفع این همه هجوم و غارت و ارتکابات جسورانه قطاع الطريق در این طرف سرحدّ خوی که متوالیاً به ظهور می رسد، یوماً فی یوم بر جسارت آنها افزوده و هر روز مایه مرارتی برای کارگذاران اینجا حاصل خواهد شد و از قرائنی که مشخص است اکثر این اشار از اهل ماکو می باشند، حتی در این مقدمه نیز رعایای ظهرآباد مرتکبین را ماکویی به جا آورده بوده اند که بعدی التحقیق معلوم خواهد شد. لهذا با نهایت احترام متوقع است محصلی که بتواند این امر را کفایت بدهد معجلاً مأمور و روانه دارند رفته و عین مال منهوبه یا قیمت او را از مرتکبین که البته رعایای ظهرآباد را از حالت آنها معلوماتی حاصل است مسترد دارد. امیدوارم به مأموری که روانه خواهند داشت در انجام این فقره از تاکیدات لازمه مضایقه نفرموده و دوستدار را اطلاع بدهند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۲ شهر جمادی الاخری ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [درخواست اموال تاجر عثمانی که در ایران به سرقت رفته است]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

اگرچه در باب لخت شدت اسمعیل یهودی با آن همه معلومات واضحه سه ماه پیش از این در جواب مراسله دوستدار انصافی نداده و فقراتی قلمی داشته بودید که جز تأخیر احقاق حق مشارالیه متضمن مقصودی نبود. ولی دوستدار تا حال در طبق اظهار شفاهی سرکار اندوستان استظهاری چنانچه در ضمن مراسله مورخه ۲۳ شهر ربیع الاول گذشته بعدد ۱۱ هم زحمت افزا شده است. منتظر حاضر ساختن سارقین یهودی مشارالیه است که صدق و صحت ارتکاب آنها و سرقت تنخواه اسمعیل مزبور با حضور آنها مشخص و مدلل شود. اکنون باز به جهت رفع اطاله مطلب زاید می داند که پیش از اظهار مرتکبین باظهار جواب فقرات مندرجه در مراسله سرکار آن مقرب الخاقان پردازد. و مجدداً از روی کمال احترام متوقع است بطوریکه تعهد فرموده اید زیاده از این احضار سه نفر مرتکبین را به جهت رسیدگی و تحقیقات لازمه که معتقد علیه سرکار باشد به تأخیر نینداخته و از پنج سال متجاوز به معطلی و سرگردانی اسمعیل مزبور رضا ندهد. امیدوارم بزودی قراری در اینباب بگذارند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۲۰ شهر جمادی الاخری ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [اعتراض به وارد شدن سواران ایران که در تعقیب اشرار به خاک عثمانی وارد شده اند]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

قشونی که برای تنبیه اشرار عشایر سرحدنشین به ریاست عالیجاه عبدی بیگ سرهنگ مأمور حدود بود، به قراریکه جناب جلالتماب والی ولایت از اضروم موافق مشروحه مورخه دویم همین ماه رجب المرجب مرقوم داشته اند چند دسته از سواره و پیاده قشون مزبور به بهانه تعقیب اشرار عشیرت کاردار به خلاف قاعده از سرحد تجاوز نموده تا قریه بستکی از



نواحی بردرش واقعه در محال کوار من توابع وان هجوم برده قریب چهل و پنج راس اغنام اهالی قریه مزبوره را غارت کرده و سر یک نفر چوپان را بریده می‌برند که این قبیل حرکات از مأمورین ایران در نهایت مرتبه مغایر اتحاد دولتین علّیتین و منافی اصول و قرارداد طرفین خواهد بود، وانگهی اینگونه بی‌مبالاتی آنها در حق سکنه آن سمت حدود که طایفه اکراد و مردمان وحشی هستند، بدیهی است به جزیی غفلت منتج مرارت کلی برای کارگذاران طرفین خواهد بود و خواهش تنبیه کسانی را که از حدود تجاوز نموده‌اند و استرداد اغنام منهوبه و پیدا شدن قاتل و قرار لازم در ترضیه ورثه دم فرموده‌اند. هم‌چنین جناب قایم‌مقام وان و حکاری نیز تفصیلی مشتمل بر کیفیت این فقره قلمی نموده اظهار داشته‌اند که اغنام مزبوره از ناهبین مسترد شده ولی قراری در پیدا شدن قاتل و تنبیه متجاسرین هنوز گذاشته نشده است. لهذا دوستدار به اظهار مراتب پرداخته زحمت‌افزای خاطر سرکار اندوستان استظهاری است که اولاً حکم مؤکدی در رفع اینگونه حرکات جسورانه مأمورین ایران صادر و در عدم تخطی آنها از حدود قدغن شدید بفرمایند و ثانیاً درباب پیدا کردن قاتل چوپان و رضامندی اولیای دم قراری که موافق حقانیت است، گذارده و بدوستان اطلاع بدهند که از آن قرار مراتب را به جای لازم خود اظهار دارد. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۷ شهر رجب المرجب ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شه‌بندر دولت علیه عثمانیه در تبریز.)

### [پیدا نشدن اشرار عثمانی که به خاک ایران رخنه نموده بوده‌اند]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده‌الخواین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

دوستان سواد مراسله سرکار آنمقرب الخاقان را مورخه سیّم جمادی‌الآخری گذشته به عدد ۹ که درباب شیرعلی نام ضابط کان رش قلمی داشته بودند به جناب فخامت نصاب عبدالله پاشا قایم‌مقام وان و حکاری فرستاده و خواهش قرار رفع شرارت او را نموده بود. حال به قراریکه جناب معزی‌الیه تحقیقات لازمه در اینجاب بعمل آورده اظهار داشته‌اند که بالذات در داخل سنجاق وان و حکاری محل موسوم به کان رش و شیرعلی نام نبوده است که قرار رسیدگی و رفع شرارت او گذاشته شود. لهذا سواد مراسله جناب معزی‌الیه را ضمناً بر این

مزید اطلاع خاطر سرکار ارسال داشته و زحمت افزاست که سرکار اندوستان استظهاری مجدداً تحقیق بفرمایند اگر محل مزبور جزو سایر حکومت باشد، اظهار دارند تا بر طبق آن قراری که لازم است داده آید. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۷ شهر رجب‌المجرب ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [درخواست رسیدگی به اموال مسروقه تاجر عثمانی در کاروانسرای ایران]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده‌الخواین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمات.

مراسله مورخه ۱۱ همین ماه سرکار آنمقرب الخاقان در فقره تنخواه مسروقه سلیمان آقا و ذوالفقار آقا رسید از فقرات مندرجه آن استحضار حاصل گردید. ماحصل اظهار سرکار این بود که از صدق ادعای مشارالیهما و ارتکاب دالاندار و اجاره‌دار چیزی خدمت سرکار اندوستان استظهاری معلوم نشده است. اولاً دوستدار تا این مرتبه اعتراض در امور متعلقه به رعایای عثمانی با این همه اتحاد و موالات دولتین علیتین از انصاف سرکار اندوستان استظهاری بعید می‌داند که چگونه فقره سرقت تنخواه آنها را در مراسلات خودشان به عنوان عدم صحت و معلومیت ادعای آنها مندرج می‌سازند و حال آنکه همان روزها که تنخواه مشارالیهما به سرقت رفته حکومت را اطلاع داده بوده‌اند. عالیجاه محمدصادق خان داروغه و فراشباشی جناب جلالتماص سردار کل دام مجده‌العالی و چند نفر دیگر از جانب حکومت در کاروانسرای عالیجناب مشارالیه حاضر و تحقیقات لازمه بعمل آورده به خصوص قدر اصل تنخواه آنها را که همراه آورده بوده‌اند، با تنخواه موجودی آنها اعم از آنکه در حجره داشته و به سایرین سپرده بوده‌اند، همه را به موجب دفتر موازنه نموده و از هر جور چه قدر بودن تنخواه آنها را فرداً فرداً از آنها سئوال نموده همان وجوهی را که در مراسله سابق دوستدار قید شده از اصل تنخواه آنها کسر دیده و همه اظهارات آنها را در استنطاق موافق واقع به جا آورده بوده‌اند که با وصف اینها عنوان عدم صحت و معلومیت تنخواه آنها در مراسلات صدق نخواهد شد. ثانیاً در خصوص تحقیق مرتکبین این فقره که نظر به اظهار سرکار مشارالیهما به پاره ملاحظات نسبت ارتکاب را به یک نفر از دالاندارها داده بوده‌اند که از او

هم تاویل بعمل آورده و اثری از ارتکاب و دخالت او به ظهور نرسیده بود و پیشترها به واسطه عدم واریسی در منزل سرکار آنمقرب الخاقان چند نفر از دالاندارها را به اتفاق اجاره‌دار به شهیندرخانه فرستاده و دوستدار هم‌پاره سئوالات از آنها نموده و عدم ارتباط تقریرات آنها را خدمت سرکار نوشته بود. اظهار داشته بودند آنها که مردمان عوام هستند. واضح است تقریری که مربوط باشد نتوانند کرد و از کیفیت تقریرات آنها سئوال کرده بودند. منظور از مربوط نبودن حرف‌های آنها به یکدیگر نه این بود که لازمه عوامی است بلکه به خیال ابراء ذمت خودشان گفتند ضبطیه که از وان همراه اینها بود، یک شب در کاروانسرا خوابیده و احتمال در این معنی مداخله داشته باشد و حال آنکه بعد از تحقیق ملزومی آنها شد که ضبطیه بالذات داخل تبریز نشده و از یک منزلی مراجعت نموده بوده است و هم‌چنین در سایر فقرات که بالتکرار ضد تقریرات آنها ظاهر بود، بالجمله دوستدار با وصف محقق بودن سرقت تنخواه آنها روز روشن در کاروانسرای عالیجناب مشارالیه و آن همه معلومات حکومت چنانکه از سفارت سنیه کیفیت قرارداد این امر کراراً استفسار و تاکید می‌شود زاید از تکلیف خود می‌داند که مجدداً در مسروقیّت تنخواه آنها تحقیق بعمل آورد و یا علاوه بر این دلیل و مینه اقامه دارد. بر فرض که اجاره‌دار و دالاندار مرتکب سرقت نباشند قرار دستگیری مرتکبین و وصول و ایصال تنخواه مشارالیهما از جای لازم خود که راجع به تکلیف حکومت است البته گذارده و دوستدار را اطلاع خواهند داد. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۷ شهر رجب المرجب ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [اقرار قرض ایرانی به تاجر عثمانی]

مبلغ سی و هشت هزار و پانصد و سی و نه غروش<sup>۱</sup> لیره از قرار یکصد و یک غروش قرض اینجانب است که بعد از انقضای مدت چهل و پنج یوم تمام تسلیم و کارسازی چلبی خضر دولت اوغلی کرده و نوشته خود را دریافت نمایم. ۲۳ شهر رجب المرجب ۱۲۸۳. صحیح اول العباد عباس تبریزی محل مهرش. سواد مطابق اصل است مهر حاجی آقا.

۱. غروش = قروش واحد مسکوئ است.

### [اعتراض تجّار عثمانی به ناامن بودن راه‌های ایران از غارتگران]

ترجمه عریضه تجار تبعه دولت علیه عثمانی متوقفین تبریز که به شهیدرخانه دولت علیه تقدیم کرده‌اند. اشخاص امضاکننده این عریضه که خدمت سرکار فخامت آثار جنرال قونسول دولت علیه عثمانی تقدیم می‌نمایند، عرض می‌کنند که مدتی است خاصه در این روزها دسته دسته قطاع‌الطریق و دزد، قوافل و کاروان‌ها را در خاک ایران زده و از مال تجّار غارت کرده و می‌برند که از این جهت غایت خسارت به تجّار وارد می‌آید، چون برای این بنده‌گان از این بابت نهایت تشویش حاصل و چاره رفع این فقره را در اختیار دولت ایران می‌دانیم، علیهذا به عرض مراتب پرداختیم و امیدواریم که سرکار جنرال قونسول این فقره را که هم خلاف خیر دولت مشارالیه و هم خلاف منفعة تجارت است انشاءالله العالی به نظر کارگذاران دولت مشارالیه پیشنهاد خواهند کرد هرگاه دولت مشارالیه بعد از این در خصوص حمایت و امنیت تجارت که روزبه روز سلب اطمینان می‌شود این بنده‌گان را خاطر جمع خواهند داشت سرکار جنرال قونسول به این بنده‌گان اطلاع بدهند، والا این بندگان مجبوراً پیش از آنکه طول و تأخیر قرار رفع این کیفیت علاوه خسارت ما باشد، در خیال چاره کار خود بوده و تکلیف خودمانرا بدانیم، بالجمله این بندگان امیدوارم هستیم که این عرض در حضور سرکار جنرال قونسول موقع قبول یافته و به رسیدگی و انجام این فقره نظر دقت تلفت باشند. فی ۱۳ شهر شعبان‌المعظم ۱۲۸۳ و فی شهر کالون اول ۱۸۶۶، برادران و شرکاء قومپانیه خریطونیدی، تمستقلیس نقولایدیس، الیاسقو، شریک قومپانیه طوبنه، قوره سی، افکید، پاریس، شریک قومپانیه قارتالی و فورستی.

### [درخواست امن نمودن راه‌های تجارتی از سارقین و غارتگران]

عالیجاها مجددت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده‌الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

این اوقات به واسطه نهب و غارت قطاع‌الطریق در خاک آذربایجان مترددین و قوافل را به حدّی سلب اطمینان از تجّار تبعه دولت علیه عثمانی متوقفین تبریز شده که عریضه در



اینباب بدوستدار تقدیم و استدعا کرده‌اند اگر از جانب کارگذاران اینجا معجلاً قراری در رفع اینگونه مفاسد گذاشته نخواهد شد قبل از آنکه به تجار مزبور خسارت کلی از این فقره وارد آید تا می‌توانند این محذور را از خود دفع نمایند. دوستدار هم سواد عریضه آنها را به سفارت دولت علیه عثمانی مقیم طهران ایفاد داشته و برای اطلاع خاطر سرکار آنمقرب الخاقان ترجمه آنها در ضمن مراسله ارسال داشته از روی کمال احترام زحمت‌افزا است محافظه اموال تجار مشارالیه که از لازمه تکلیف آندولت علیه می‌باشد، بدیهی است قراری که مستلزم امنیت طرق و شوارع و اطمینان تجار است در رفع تعرض قطاع‌الطریق عنقریب خواهند گذارد که از این فقره تجار مزبور را آسودگی حاصل آید. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۹ شهر شعبان‌المعظم ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [پرداخت وجه گمرک به مال‌التجاره تاجر عثمانی]

موازی دویست و ده بار مال فتوره از مال موسی چلبی تبعه دولت علیه عثمانیه گمرک آن تمام و کمال حسب‌الحواله اینجانب در وجه برات جناب معیرالملک داده شده، انشاءالله‌العالی بعد از ورود گمرک بارهای مزبور را بدون مطالبه گمرک داده و قبض رسید جهت سند دریافت شود و باری سه هزار و هفت‌صد و پنجاه دینار راهداری خوی بعهده خود موسی چلبی است و دخل به وی ندارد. تحریراً ۲۴ شهر شعبان‌المعظم ۱۲۸۳. محل مهر عالیجاه میرزا جعفرخان. سواد مطابق اصل است مهر حاجی آقا الحسینی.

### [قبول دعوت افطار از طرف باش شهیندر عثمانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده‌الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرماً. شب بیست و هفتم این ماه مبارک را خواهش کرده بودند که افطار را در خدمت سرکار آندوستان استظهاری صرف نماید، ملاقات سرکار که در نظر دوستدار مأسوای عمده‌ایست، به



هر وسیله طالب نیل این مقصود است، ولی به واسطه کثرت مشغله سرکار کمتر درصدد زحمت‌افزایی و تصدیع است، انشاءالله العالی شب مزبور را که مخصوصاً اعلام کرده‌اند مزاحم شده و خاطر خود را قرین مسرت و ابتهاج خواهد داشت. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۲۳ رمضان المبارک ۱۲۸۳. (علی بهجت. مقرب الخاقان عمده‌الخواین العظام دوستان - استظهار مشفق مکرم نایب‌الوزاره دام مجده ملاحظه فرمایند.)

### [قبول پیگیری طلب رعایای ایران از معدنچی عثمانی توسط شهبندر]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده‌الخواین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

در طبق مراسله مورخه سیم همین ماه شوال المکرم بعدد ۲۰ سرکار که درباب وصول مطالبات سه نفر رعایای ایران از استاد دیمطری معدنچی رعیت دولت علیه عثمانی قلمی شده بود دوستدار از جنرال قونسولگری روس خواهش سفارشنامه به حکومت اردوباد کرده بود که شرح لازمی درباب وصول و ایصال مطالبات مشارالیه از استاد دیمطری به هرکس لازم دانند بنویسند که به اطلاع دیوانخاندار اردوباد رسیدگی نموده در صورتیکه مشارالیه حق دارند گرفته و عاید یحیی خان و طاطوس که از جانب استاد مراد حاصل برادر خود هم وکالت دارند، نمایند. از جنرال قونسولگری مزبور شرحی بعالیجاه نچالنیک اردوباد نوشته و پیش دوستدار فرستاده‌اند، اینکه در ضمن مراسله ایفاد خدمت سرکار اندوستان استظهاری نموده و زحمت‌افزا است [که] قدغن نمایند طاطوس مزبور وکالت نامه را به ثبت و مهر شهبندرخانه و اگر لازم داند به امضای جنرال قونسولگری مزبور هم برساند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۷ شهر شوال المکرم ۱۳۸۳. (علی بهجت‌باش شهبندر دولت علیه عثمانیه در تبریز.)





### [درخواست سارقین ماهوت‌های تاجر عثمانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده‌الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

درباب دولنگه ماهوت مسروقه مسیو قوره سی تبعه این دولت علیه که از قرار مراسله مورخه ۱۱ شهر رجب‌المرجب به عدد ۶ اظهار کرده بودید [که] احکام لازمه صادر و محصل مأمور شد که بعد از مراجعت او دوستدار را از کیفیت انجام امر مستحضر دارید. از اینکه سرکار آنمقرب‌الخاقان از نتیجه مأموریت محصل که حال زیاده از سه ماه است رفته و چند روز می‌شود [که] مراجعت نموده است دوستدار را اطلاعی نداده‌اند، کمال حیرت را حاصل دارد و به قراریکه مسموع دوستدار گردید مرتکبین دولنگه ماهوت مزبور معلوم و نواب والاتبار معین‌الدوله حاکم خوی متعهد دستگیری آنها شده بوده‌اند. به واسطه اینکه تاکنون از کیفیت امر دوستدار را اطلاعی نداده‌اند ناچار از این خواهد بود [که] در این قبیل مواد واضحه که انجام آن بدین مرتبه و تفصیل منجر شده و عاقبت به حالت عدم اعتنا می‌ماند مراتب را به سفارت سنیه مقیم طهران بنویسد. باز لازم دید زحمت‌افزا و مستفسر شود که عدم دستگیری مرتکبین و استرداد مال مسروقه را از آنها در ظرف این مدت سه ماه ونیم البته جهتی خواهد بود. خواهش دارم دوستدار را از چگونگی آن مطلع دارند تا تکلیف خود را از آن قرار معلوم دارد. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۴ شهر ذی‌قعدة الحرام ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [شکوائیه از شرارت علی آقا شکاک در خاک عثمانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده‌الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

جناب فخامت نصاب عبدالله پاشا قایم‌مقام وان و حکاری از قرار مراسله مورخه ۱۵ شهر شوال گذشته در طبق اظهار سرحدّ دار و ضابط حدود قطور قلمی داشته‌اند علی آقا شکاک که جسارت و شرارت او در سرحدّ مشهود کارگذاران طرفین است، به محض استخلاص از حبس

و ورود به میان طایفه خود اشرار و قطاع‌الطریق عشیرت شکاک را به دله‌دزدی و غارت اموال مردم محرک شده و هر روز مصدر انواع هرزگی در سرحد هستند. از جمله در ماه گذشته قریب صد نفر از اشرار عشیرت مزبوره به تحریک مشارالیه به قریه استران و قایله لیق من توابع وان به جهت غارت هجوم برده و دوستان راس از قریه استران و پانصد راس از قریه قایله لیق اغنام و دواب اهالی آنجاها را دوانیده برده‌اند که با وجود کمال اهتمام اولیای دولّین علیّین در انتظام امور سرحدّی و رفع شرارت و هرزگی مسفدین ظهور این قسم بی‌مبالاتی مشارالیه و تجاوز کسان او از سرحدّ و ارتکاب نهب و غارت آنها از رعایای این دولت علیه نهایت منافات را خواهد داشت. اگرچه بالذات تکلیف حکومت ارومی است که قرار سدّ راه اشرار و ظهور و خلافتکاری‌های مشارالیه و کسان او را بگذارند، ولی جناب معزی‌الیه و عالیجاه میرزا هاشم وکیل شهیندر دولت علیه ایران مقیم وان در رفع این قبیل معاملات غیر لایقه آنها و استرداد اغنام منهوبه شرحی به نواب والاتباع معین‌الدوله نوشته و مصحوب آدم مخصوصی ارسال کرده بوده‌اند. نواب معزی‌الیه ابداً به نوشتجات ایشان اعتبار ننموده و جواب آنها را هم قلمی نداشته بودند که فی‌الواقع این نوع معاملات نواب معزی‌الیه از طرز قاعده دانی ایشان بعید و از تعویق قرارداد کارگزاران اینجا در چند فقره مطلب سرحدّی که متضمن خواهش احقاق حقوق تبعه دولت علیه عثمانی و رفع حرکات جسورانه اشرار عشایر متوقفین خاک ایران بوده، نهایت تعجب حاصل و تکلیف خود را در این مواد به جا نمی‌آورد. علیهذا از روی کمال احترام خواهشمند است [که] احکام لازمه صادر و مأمور مخصوص روانه دارند که رفته هفت صد راس اغنام و دواب اهالی قریتین مزبورین را از علی‌آقا و کسان او مسترد داشته و قبض رضا نامه آنها را به شهیندرخانه اقامه دارند، و لازم می‌داند [که] خاطر سرکار آن مقرب‌الخاقان را از این فقره مطلع دارند، از دهی که پانصد راس اغنام و دواب دوانیده و ببرند در صورتیکه در طبق تظلم آنها معجلاً از جای لازم خود قراری در استرداد اموال منهوبه آنها گذارده نشود، دور نیست آنها هم در ازاء اینگونه حرکات اشرار مزبوره به خیال مقابله به مثل بوده و بر زحمت و مرارت کارگزاران طرفین بیفزایند. بدیهی است سرکار آن مقرب‌الخاقان بزودی قرار رفع این قبیل بی‌مبالاتی اشرار را گذارده و از استرداد اغنام مزبوره و انجام سایر مطالب اظهاری دوستدار که متعلق به امور سرحدّی است خاطر دوستدار را قرین اطلاع خواهند داشت تا مراتب را به جناب معزی‌الیه قلمی دارد. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۴ شهر ذی‌قعدة الحرام ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

## [صدور سفارشنامه توسط شهبندر جهت پیگیری امور مقتول ایرانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

نظر به مراسله مورخه دویم همین ماه ذی قعده الحرام بعدد ۲۳ سرکار آن مقرب الخاقان که درباب روانه شدن عالیشان فرج الله بیگ گلام امور خارجه به ارضروم وکاله از جانب وراثت ملاحسین رعیت ایران که در ارضروم مقتول شده قلمی و خواهش سفارشنامه به ایالت ارضروم کرده بودید. دوستدار شرحی لازم درباب وصول و ایصال مطالبات حاجی مقتول مزبور و فقره قتل او خدمت جناب جلالتماب والی ولایت ارضروم نوشته و اینکه در ضمن مراسله ایفاد خدمت سرکار آندوستان استظهار می کرد که بعالیشان مشارالیه داده و روانه مقصدش دارند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۴ شهر ذی قعده الحرام سنه ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهبندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

## [درخواست رسیدگی به احجاف مأمورین ایران از کوچ نشینان عثمانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا عمده الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

دوستدار چندی قبل بر طبق اظهار عالیجاه میرزا محمود وکیل شهبندر خوی درباب معامله متعدّیه کسان نَوّاب والاتبّار معین الدوله<sup>۱</sup> در مطالبه زیادی از اغنام و گوسفندان رعایای دولت علیه عثمانی وارده به خاک خوی خدمت سرکار آندوستان استظهاری سفارش کرده و خواهش صدور حکم در استرداد ماخوذی زیادی و عدم تخلف از معمولی ایّام سابقه نموده بود. این روزها جناب فخامت نصاب عبدالله پاشا قایم مقام وان و حکاری نیز تفصیلی مشتمل بر تعدی کسان نَوّاب معزی الیه در اینباب قلمی و اظهار داشته اند [که] عشایر حیدرانلو و تفوری متوطنین محال وان که هر سال اغنام خودشان را به جهت قشلامشی به ناحیه سکمان آباد

۱. احمد میرزا ملقب به معین الدوله پسر دهم عباس میرزا نایب السلطنه دارای مناصب متعدد مثل حاکم گلپایگان و خوانسار و استرآباد و خوی و ارومیه بوده است.

من محال خوی می آورده‌اند، از قرار عادت متداوله در هر صدراس گوسفند پنج راس به ارباب مراتع و یک تومان وجه نقد ضابطانه کارسازی می‌کرده‌اند. امسال هم که به قرار معمولی سنوات ماضیه حق‌المرتع و ضابطانه اغنام وارده به محال مزبور را پیشکی داده بوده‌اند. نَوَاب معزی‌الیه به خلاف معمول چند نفر مأمور فرستاده و موازی دویست و هفتاد راس گوسفند به اعتبارشش راس در هر صد راس و سی تومان وجه نقد علیحده جبراً و عنفاً از صاحبان اغنام اخذ نموده‌اند که به هیچ قاعده انصاف وفق نخواهد داد. علیهذا لازم دید که از تفصیل وقوع اینگونه تعدیات در حق تبعه این دولت علیه در آن صفحات رسماً خاطر سرکار آنمقرب الخاقان را مطلع داشته و خواهش احقاق حق آنها را نماید. این روزها که نَوَاب معزی‌الیه در تبریز تشریف دارند، قرار دهید [که] قدغن نمایند اغنام و تنخواه زیادی که در اینباب از رعایای عثمانی کسان ایشان دریافت کرده‌اند، مسترد دارند و بطوریکه لازم است مراتب اتحاد دولتین علیتین و لوازم قانون مقرر را رعایت نمایند. امیدوارم بزودی قرار این امر را داده و دوستدار را مطلع خواهند داشت. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۴ شهر ذی‌قعدة الحرام ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [درخواست شهیندر از نایب‌الوزاره در مورد امور معوقه رعایای عثمانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

دوستدار در عرض این مدت ورود خود به تبریز که قرار انجام مطالب متعلقه به شهیندرخانه را یک یک از قرار مراسلات رسمی از مقرب‌الخاقان میرزا عبدالوهاب‌خان نایب‌الوزاره خواسته و به واسطه تعویق قرارداد و اهمال و مسامحه مقرب‌الخاقان مشارالیه در امور شهیندرخانه از برای هریک از مطالب مزبوره مراسلات متعدده قلمی داشته است. [پارگی‌نامه] این اکثری از مطالب اظهاری این شهیندرخانه تاکنون به حالت تعویق مانده بلکه بعضی از مراسلات دوستدار را جواب هم ننوشته‌اند که دوستدار [پارگی‌نامه] جهت در تکلیف خود کمال حیرت را حاصل داشت. حال لازم دید که مجدداً به هریک از مطالب معوقه شهیندرخانه اشاره و اطلاع خاطر آن مقرب‌الخاقان دوستان استظهاری را از تفصیل

اظهارات خود که از قرار مراسلات مفصله ذیل بمقرب‌الخاقان مشارالیه نوشته است رجوع دارد:

[ - ] در فقره وجه نقد و اموال اسمعیل یهودی بغدادی از قرار مراسله آخر شهیندرخانه مورخه بیستم شهر جمادی‌الآخر گذشته بعدد ۳۰ خواهش احضار مرتکبین شده است. اگرچه به مراسله مزبوره جوابی قلمی نداشته‌اند ولی مقرب‌الخاقان نایب‌الوزارها مکرر [شفاهتاً] شافهتاً گفتند مرتکبین را که معلوم داشته بودند در شرور به سر می‌بردند از جنرال قونسولگری روس خواسته‌اند. در شهر شوال که از جنرال قونسولگری مشارالیه تحقیق شد جواب دادند در اینباب از جانب مقرب‌الخاقان مشارالیه به قونسولگری اظهاری شده است و از قرار معلوماتی که شهیندرخانه بعمل آورد، ایام ماه مبارک را مرتکبین در قریه شانجان ارونق<sup>۱</sup> بوده‌اند.

[ - ] در فقره یوانی نام ارمنی که در حین عزیمت به خاک عثمانی مشارالیه را در راهدارخانه خوی به قتل رسانیده و مبلغی وجه نقد و اموال او و برادرش تومه نام را به غارت برده‌اند. مقرب‌الخاقان نایب‌الوزاره در جواب مراسله شهیندرخانه از قرار مراسله مورخه ۲۹ شهر جمادی‌الآخری گذشته بعدد ۱۳ تعهد حاضر کردن مرتکبین را نموده بود. بعد از دو ماه حین مأموریت دونفر غلامان امور خارجه به جهت سایر مطالب به خوی در طبق خواهش و مذاکره شهیندرخانه برای حاضر ساختن قاتل و مرتکبین این فقره هم حکم صادر شد که طهماسب نام قاتل را آورده محبوس دارند و در دستگیری دو سه نفر مرتکبین غارت هم با وجود آنکه در حوالی خوی به سر می‌برده‌اند و پیشترها تومه مزبور عبا و لحاف خودشان را در نزدیک نفر از آنها دیده و شناخته بوده است، قرار داد شده.

[ - ] در باب استرداد تتمه تنخواه مصطفی رواندوزی<sup>۲</sup> که تفصیل آن در ضمن مراسلات ذیل مندرج است: مراسله بتاریخ ۱۳ شهر ربیع‌الاول بعدد ۶، ایضاً بتاریخ ۱۶ شهر ربیع‌الآخر بعدد ۱۹. هر دو بی‌جواب است، به مراسلات مزبوره رجوع و قرار استرداد تتمه تنخواه مسروقه مصطفی مشارالیه را بگذارید.

[ - ] در فقره اموال منهوبه آقاسید علی حجازی از قرار مراسله مورخه ۲۶ شهر جمادی‌الاولی بعدد ۲۰. از مقرب‌الخاقان نایب‌الوزارها جواب مشعر به مأموریت محصل رسیده بعد از مراجعت مأمور شهیندرخانه را هیچ‌گونه اطلاعی نداده‌اند.

۱. شانجان ارونق، دهی از دهستان خامنه‌بخش شستر وارونق از بلوکات مرند و مرکز آن شستر است.

۲. رواندوز شهری، در غرب پیرانشهر در خاک عراق است.

- [ - ] درباب قتل رناری نام قطوری<sup>۱</sup> و مجروح شدن چهارنفر از رعایای عثمانی و غارت بعضی اموال آنها، مراسله بتاریخ ۱۱ شهر جمادی الاخری بعدد ۷.
- [ - ] جواب مراسله را که چه قراری داده شده، قلمی نداشته‌اند.
- [ - ] در فقره دولنگه ماهوت مسروقه مسیو قوره سی رعیت عثمانی، مراسله بتاریخ ۱۲ شهر جمادی الاخری بعدد ۲۹.
- [ - ] جواب مشعربه مأموریت محصل از مقرب‌الخاقان نایب‌الوزارها رسیده، بعد از مراجعت مأمور که شهیندرخانه را اطلاعی ندادند. مراسله مجدد بتاریخ ۴ شهر ذی قعده الحرام بعدد ۴۰ نوشته شده و جوابی نرسیده است.
- [ - ] درباب شرارت کاک علی آقا شکاک و تجاوز آنها از حدود و غارت هشت صد راس اغنام اهالی قریتین قافله لیق و استران، مراسله بتاریخ ۴ شهر ذی قعده الحرام بعدد ۲۱. جواب مراسله را چه قراری داده شده، قلمی نداشته‌اند. بعد از آنکه خاطر انمقرب الخاقان دوستان استظهاری از فقرات مندرجه در مراسله مزبوره که به جز خواهش احقاق حقوق تبعه این دولت علیه متضمن مطلب خارج از قاعده نبوده است اطلاع کامل حاصل شد. انصاف خواهند داد که مقرب‌الخاقان مشارالیه با همه مصافات و اتحاد دولتین علّیتین به هیچ وجه روی اقدام و موافقت در انجام و تسویه امور شهیندرخانه نداشته و به دفع الوقت می‌گذرانیده است. حال زحمت‌افزا شده با نهایت احترام اتمام و انجام مطالب مزبوره را از اهتمام و مراقبت آن مقرب‌الخاقان دوستان استظهاری متوقع و امیدوار است که انشاءالله تعالی از بذل مساعی جمیله در مواد مذکور فروگذار ننموده و از کیفیت قرارداد خودتان دوستدار را مطلع خواهند داشت. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۷ شهر ذی‌حجه الحرام ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز.)

۱. قطور بخشی در آذربایجان غربی و نزدیک مرز ترکیه است.





### [درخواست رسیدگی به اموال مسروقه تبعه عثمانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان  
استظهارا مشفقاً مکرمًا.

درباب معادل شش صد تومان تنخواه مسروقه سلیمان آقا و ذوالفقار آقا تاجران دیاربکر  
رعایای دولت علیه عثمانی مقرب الخاقان میرزا عبدالوهاب خان نایب الوزاره در جواب  
مراسله دوستدار شرحی مورخ بتاریخ ۱۴ شهر شعبان المعظم گذشته به عدد ۱۸ قلمی و در  
ضمن مراسله مزبوره در طبق اظهارات دوستدار فقراتی درج کرده اند که کمال منافات را با  
مدلول مراسلات سابقه دارد، از جمله همانروز سرقت تنخواه که مشارالیهما حکومت را اطلاع  
داده بودند، حکومت بواسطه تحقیق صحت و سقم سرقت تنخواه آنها، عالیجاه محمد  
صادق خان داروغه و فراشباشی جناب جلالتماب سردار کل را بدون سابقه و اطلاع مشارالیهما  
به جهت تعیین مقدار تنخواه موجودی و ملاحظه کردن نوع و جور وجوه آنها به حجره  
مشارالیهما که در کاروانسرای عالیجناب آقا میراسمعیل بوده است فرستاده و لازمه تحقیقات  
را بعمل آورده بوده اند که عین همان وجوه مفصله در مراسله مورخه ۱۵ شهر ربیع الاول  
گذشته به عدد ۷ دوستدار را از اصل و جمع تنخواه آنها گردیده و همه اظهارات آنها را در  
استنطاق موافق واقع به جا آورده بوده اند که مقرب الخاقان مشارالیه در همان مراسله آخری  
اظهار داشته اند مأمورین حکومت بعد از آنکه تنخواه موجود سلیمان آقا را صورت خواسته و  
ملاحظه کرده اند، از و برادرش پرسیده اند که آیا غیر از این باز در حجره تنخواه دارید یا نه.  
گفته بودند نداریم. ولی بعد از تفحص از توی رختخواب برادر سلیمان آقا یک فقره تنخواه  
بیرون آمده بوده که این معنی را دلیل اطلاع برادر او از سرقت تنخواه قرار می داده اند و حال  
آنکه پیش از تاریخ همان مراسله مکرر از طرفین سئوال و جواب بعمل آمده و ابداً به اظهار  
این فقره که محض دست آویز ابطال حق بین تبعه این دولت علیه است در مراسلات سابقه  
نپرداخته بودند که تازگی آن فقره در مراسله آخری بعد از همه سئوال و جواب قبل دوستدار  
را متحیر داشت. هم چنین صحت سرقت تنخواه مشارالیهما را با آن همه وضوح غیر معلوم  
انگاشته و ارسای و تحقیقات را به حکومت تبریز راجع داشته بودند که دوستدار بعد از ملاحظه  
مراسله مزبوره و معلوم داشتن این قسم تصویب و اغماض مقرب الخاقان مشارالیه در امور

تبعه عثمانی در اینباب گفتگوی مجدد را با ایشان مناسب ندیده و تفصیل مراتب را به سفارت سنیه این دولت علیه مقیم تهران نوشته بود. تا چند روز قبل از سفارت سنیه مأموریت آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری به اداره امور خارجه اینجا مرقوم و اظهار داشته اند که به اهتمام و مراقبت لازمه آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری قرار انجام امور معوقه شهیندرخانه بزودی صورت انجام حاصل خواهد کرد. لهذا بواسطه عمده بودن امر و این همه تعویق آن به اظهار مراتب پرداخته از روی کمال احترام متوقع است قرار وصول و ایصال تنخواه مزبور را از جای لازم خود بزودی داده و دوستدار را مطلع دارند که از آن قرار کیفیت امر را به سفارت سنیه اظهار دارد. امیدوارم از مراقبت و توجه خودشان در این فقره که قریب یکسال است در عهده تعویق است مضایقه نخواهد داشت. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۷ شهر ذی حجه الحرام ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### درخواست پیگیری قشون ایران که در تعقیب اشرار به خاک عثمانی وارد شده بودند

عالیجاها مجددت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرماً.

دوستدار کیفیت تجاوز قشون ایرانی به بهانه تعقیب اشرار عشایر کاردار به آن طرف سرحد و نهب و غارت اغنام رعایای عثمانی و قتل یک نفر چوپان را به وجه اجمال در ضمن مراسله مورخه ۱۷ شهر رجب المرجب گذشته به عدد ۳۲ مندرج و خواهش تنبیه متجاسرین و ترضیه اولیای دم را از مقرب الخاقان میرزا عبدالوهاب خان نایب الوزراء کرده بود که تا حال با همه تکرار و تذکار دوستدار در انجام این فقره از چگونگی قرارداد دوستدار اطلاعی نداده اند. اکنون بر حسب مراسله مجدد جناب فخامت نصاب عبدالله پاشا قایم مقام وان و حکاری و موافق مضبطه نامه که از مجلس تحقیق قضاء کوار خدمت جناب معزی الیه تقدیم نموده اند و سواد آن در ضمن مراسله خودشان ارسال داشته اند، اطلاع خاطر آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری را از تفصیل مراتب لازم دیده زحمت افزا است، در شهر مزبور که مقرب الخاقان اسداله خان به اتفاق احمد آقا پسر علی آقای شکاک با هزار نفر از پیاده نظام و

اکراد شکاک به جهت تنبیه اشرار عشایر سرحدنشین در محال برادوست اقامت داشته یک روز قریب شش صد نفر از سرباز و اکراد را در معیت خود یک فرسخ و نیم مسافت به آن طرف سرحد سوق داده در حوالی قریه بستکی از نواحی بردرش واقعه در قضاء کوار رمه اغنام اهالی قریه مزبوره را غارت نموده و حاجی نام چوپان ولد حسو را به قتل رسانیده و با اغنام منهوبه به برادوست مراجعت می‌کنند. بعد یک نفر وکیل ضبطیه از قضاء مزبور مأموراً نزد نواب والاتباع معین الدوله آمده و هفت راس از اغنام مزبوره را که تلف کرده بوده‌اند، تمه را تسلیم وکیل مشارالیه می‌نمایند. البته مشهود خاطر آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری است که به موجب شروط مقرر دولتین علّیتین ارتکاب اینگونه بی‌مبالاتی و حرکات جسورانه مأمرین ایران در خاک عثمانی در چه درجه منافی و تنبیه مرتکبین و متجاسرین از لوازم رعایت مشروط مقرر منظور است. لهذا با کمال احترام خواهش دارم اوّلاً به طوری که مقتضی است قرار تنبیه و تریه کسان را که موجب این قبیل بی‌نظمی در سرحد شده بگذارند. ثانیاً موافق قانون شرع مطاع قرار رضامندی ورثه مقتول مزبور را که منحصر به یک نفر میرک نام پسر اوست بزودی داده و دوستدار را مطلع نمایند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۷ شهر ذی حجه الحرام ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [درخواست رفع شرارت مرزنشینان ایران از رعایای عثمانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتهاها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

جناب فخامت نصاب عبدالله پاشا قایم مقام وان و حکاری در این مدت ورود دوستدار به تبریز در ضمن اکثری از نوشتجات خودشان که به شهیندرخانه نوشته‌اند، از هرزگی و دله‌دزدی اشرار عشایر سرحدنشین خاک ایران و از حرکات ناشایست و جسارت متوالیه آنها اشاره و خواهش قرار رفع شرارت آنها را در رأس حدود می‌نمایند. اگرچه دوستدار هم تفصیل اظهارات جناب معزی‌الیه را رسماً به مقرب الخاقان عبدالوهاب خان نایب‌الوزارها قلمی و خواهش قرار رفع بی‌مبالاتی اشرار مزبور را کرده است، ولی به واسطه عدم ممانعت حکام و سرحدداران این طرف بر جسارت آنها افزوده و هر روز در خاک عثمانی از ارتکاب انواع

قتل و نهب فروگذار نکرده و اغنام و دؤاب رعایای عثمانی را غارت کرده به خاک ایران می‌گذرانند. از جمله این روزها هم در طبق عریضه عالیجاه علی آقا مدیر قضاء ابغای من توابع وان اظهار داشته‌اند در شهر شوال گذشته از عشیرت حیدرانلو متوطنین نواحی قضاء مزبور اغنام و دؤابی که از حوالی اواجق عبور می‌داده‌اند، از کسان پسران مرحوم علیخان ماکویی چند نفر بر مستحفظین اغنام هجوم برده یک نفر از آنها را به قتل رسانیده و بدین قرار: گوسفند رمه، گاو باجل و ریسمان.

از اغنام و دؤاب آنها را غارت نموده و چهل منات روسی وجه نقد از آنها دریافت می‌دارند. هم‌چنین علی آقا شکاک و کسان او هم در حوالی قطور رمه از اغنام خانواران عشیرت مزبوره غارت کرده برده‌اند که این قسم جسارت اشرار ایرانی در سرحد و خاک دولت عثمانی منافی مراتب کمال سلم و مصافات دولتین علّیتین خواهد بود. لهذا از روی کمال احترام متوقع که احکام لازمه مؤکده با مأموریت محصل مخصوص صادر و قرار استرداد اموال و دؤاب منهوبه رعایای عثمانی را از مرتکبین داده و دوستدار را اطلاع بدهند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۸ شهر ذی حجه الحرام ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [درخواست مجدد پیگیری اجحاف کوچ‌نشینان عثمانی توسط کارگزاران ایران]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتهاها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقا مکرما.

دوستدار در طبق اظهار عالیجاه میرزا محمود وکیل شهیندر خوی خواهش قرار رفع معامله متعّیه کسان نؤاب والاتبّار معین الدوله و استرداد ماخوذی زیادی از اغنام و گوسفندان رعایای دولت علیه عثمانی وارده به خاک خوی، مکرّر حین ملاقات از مقرب الخاقان میرزا عبدالوهاب خان نایب‌الوزارها کرده و بعد به واسطه تعویق و تأخیر ایشان در تمشیت این فقره رسماً بر حسب مراسله جناب فخامت نصاب عبدالله پاشا قایم مقام وان و حکاری که از روی تحقیقات لازمه قلمی داشته بودند و کیفیت این فقره را در ضمن مراسله مورخه چهارم شهر ذی‌قعدة الحرام گذشته به عدد ۴۲ به مقرب الخاقان مشارالیه نوشته بود که عالیجاه مجدت

همراها میرزا معصوم منشی اوّل در جواب مراسله دوستدار بر طبق اظهارات نَوّاب معزی‌الیه شرحی قلمی و اظهار داشته است رعایای عثمانی که بدون اذن و خودسر به خاک خوی آمده بوده‌اند، نَوّاب معزی‌الیه اعلام داشته‌اند یا از آنجا بکوچند یا اینکه قرار معمولی را بدهند. آنها به رضای خودشان در هر صد راس پنج راس گوسفند داده بوده‌اند و وجه نقدی هم علاوه برقرار سابق از آنها دریافت نداشته‌اند. دوستدار لازم دید به ایراد جواب مراسله عالیجاه مشارالیه خدمت آن مقرب‌الخاقان دوستان استظهاری زحمت‌افزار شود، اوّل چنانکه دوستدار در ضمن مراسله سابقه هم اشاره کرده صاحبان اغنام که ابتدا حق‌المريض<sup>۱</sup> و ضابطانه اغنام وارده به خاک خوی را کارسازی کرده بوده‌اند، چگونه می‌شود در این صورت بی‌اذن و خود سرآمده باشند. ثانیاً نَوّاب معزی‌الیه که در هر صد راس پنج راس گوسفند از آنها گرفته‌اند، اگر به رضای خودشان می‌دادند دیگر از چه رو منجر به عرض و شکایت می‌شد. ثالثاً این پنج راس را که در سنوات ماضیه معمول نبوده است حکومت خوی از آنها بگیرد، آیا لازمه هم‌جواری و اتحاد دولّتين علیّتين مقتضی این معنی بوده که در وسط زمستان آنها را مجبور به کوچیدن کرده و عنفاً آن همه گوسفند و وجه نقد از آنها دریافت دارند و علاوه بر این دو روز قبل جناب معزی‌الیه در ضمن نوشتجاتی که مصحوب ضبطیه مخصوص واصل شد، مجدداً تفصیلی مشتمل به تعدی کسان نَوّاب معزی‌الیه و گرفتن اغنام و وجه نقد علیحده از اهالی عشیرت تگوری متوطنین قضاء محمودی واقعه در خاک عثمانی قلمی و خواهش استرداد وجه نقد و اغنام سابقی و لاحقی و قرار رفع معامله و رفتار خلاف قاعده حکومت خوی را نموده‌اند. علیهذا دوستدار صورت وجه نقد و اغنام ماخوذی از رعایای عثمانی را که مؤخرأ از حکومت خوی دریافت داشته‌اند، لفاً ارسال نموده از روی کمال احترام خواهشمند است، بعد از آن که اظهارات نَوّاب معزی‌الیه را در جواب مراسله دوستدار به نظر دقت ملاحظه نمودند از روی انصاف و قاعده حقانیت احکام لازمه و محصل مخصوص مأمور و روانه خواهند داشت که وجه نقد و اغنامی که نَوّاب معزی‌الیه به خلاف قرارداد و معمولی سنوات ماضیه سابقاً و لاحقاً از رعایای عثمانی دریافت داشته‌اند، به اطلاع مأمورین سرحدیّه آن طرف مسترد و قبض آنها را به شهیندرخانه اقامه دارند. امیدوارم قرار درستی در رفع تعدیات حکومت خوی نسبت به رعایای عثمانی بزودی داده دوستدار را از کیفیت آن مطلع

۱. مريض، مأوای گوسفند به شب را گویند.

دارند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۸ شهر ذی حجه الحرام ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [معرفی وکیل جدید شهیندر در ساوجبلاغ]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتهاها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا مهربانا.

دوستدار بعد از وفات مرحوم محمود بیگ وکیل شهیندر ساوجبلاغ به تجار و تبعه دولت علیه عثمانی که در ساوجبلاغ دادوستد و تجارت دارند، قلمی داشته بود به جهت واری امور خودشان یک نفر از تجار را منتخب نمایند تا علی الحساب امور متعلقه به رعایای عثمانی را به اظهار حکومت آنجا قرار انجام بدهد. حال از قرار عریضه تجار مشارالیه که به شهیندرخانه اقامه داشته اند عالیجاه سلیم آقا تاجر موصلی را برای کفالت امور تبعه و رعایای عثمانی منتخب و استدعا صدور احکام لازمه را در اینباب به حکومت ساوجبلاغ نموده اند. علیهذا دوستدار هم بر طبق عریضه تجار مشارالیه عالیجاها مشارالیه را موقتاً به وکیل شهیندر ساوجبلاغ معین کرده و خدمت آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری زحمت افزا و خواهشمند است که احکام لازمه در وکالت عالیجاه مشارالیه به تسویه و انجام امور متعلقه به رعایای عثمانی به حکومت ساوجبلاغ صادر نموده و نزد دوستدار ارسال دارند که به جهت عالیجاها مشارالیه فرستاده شود. امیدوارم بزودی احکام را صادر کرده به شهیندرخانه ارسال خواهند داشت. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۱ شهر ذی حجه الحرام ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [صدور سفارشنامه برای ایرانی که به خاک عثمانی می رود]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتهاها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا مهربانا.

آن مقرب الخاقان دوستان استظهاری از قرار مراسله مورخه ۱۲ شهر حال ذی حجه الحرام

به عدد اوّل درباب عزیمت پانوس نام سنندجی ولد قرمز به صامصمون<sup>۱</sup> به جهت آوردن اعیال و اطفال اهرام نام مسیحی رعیت دولت علیه ایران که در آنجا فوت شده است، خواهش سفارشنامه به کارگذاران آنها نموده بودند. اینک شرحی لازم در اینباب و وصول و ایصال مطالبات حسابی متوفی مزبور به جناب قایم مقام صامصمون نوشته و در ضمن مراسله ایفاد داشت که به مشارالیه داده و روانه مقصدش نمایند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۴ ذی حجه الحرام ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [درخواست تحویل قیمت مال التجاره تاجر عثمانی از حاکم ماکو]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرم ما مهربانا.

پارسال یک لنگه مال التجاره از عالیجاه مسیو تمستقلیس در حمل حاجی محمد مکاری در خاک ماکو به سرقت رفته بود. یک ماه پیش مقرب الخاقان میرزا عبدالوهاب خان نایب الوزاره اظهار داشتند که قیمت یک عدل مسروقه را از حکومت ماکو تحصیل کرده آورده اند و قرار دادند بیست و یک تومان که از آن بابت به عالیجاه مشارالیه عاید خواهد شد، آورده و تسلیم نمایند. چون از قرار اظهار عالیجاه مشارالیه تا حال ایصال مبلغ مزبور در عهده تعویق افتاده است. علیهذا از روی کمال احترام خواهشمند است قرار دهند مبلغ مزبور را آورده تسلیم شهیندرخانه نمایند. زیاده چه زحمت افزا شود. حرر فی ۱۴ شهر ذی حجه الحرام ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [درخواست پول احشام عثمانی که به ایرانی فروخته است]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرم ما مهربانا.

۱. صامصمون = سامسون، بندر و شهری در شمال ترکیه در ساحل دریای سیاه است.

چهار سال قبل اولیا نام ساکن قریه داش کسن من توابع بایزید<sup>۱</sup> موازی شش صد و بیست و هفت راس گوسفند هر راس از قرار یک تومان قیمت به محمد و کربلایی سلیم نامان خویی رعایای ایران فروخته بود که ادای تنخواه او را به دفع الوقت انداخته و مدتی او را معطل داشته بودند. مشارالیه با سفارشنامه از جانب کارگزاران عثمانی به حکومت خوی عارض و استدعای وصول و ایصال طلب خود را از مشارالیهما کرده بود. حکومت مزبور هم قراری در احقاق حق مشارالیه که از لوازم سلم و صفوت دولتن علیتین است نمی دهد. حتی پارسال از جانب سفارت سنیه مقیم طهران هم بر طبق اظهار ایالت ارضروم در اینباب مراسله رسمی به وزارت امور خارجه دولت علیه ایران تقدیم شده و از آنجا به کارگزاران تبریز راجع داشته بودند. مع ذلک تا حال از انجام و قرارداد ایشان در این مدت هیچگونه معلوماتی حاصل نیست. این روزها جناب فخامت نصاب علی کمالی پاشا قایم مقام بایزید به واسطه این همه تعویق در تمشیت این فقره و عرض حال مجدد اولیا مشارالیه، شرحی به دوستدار قلمی و از قرارداد این امر استفسار کرده اند. علیهذا به اظهار مراتب زحمت افزای خاطر آن مقرب الخاقان دوستان استظهاری گشته از روی کمال احترام متوقع است که البته نظر به اظهار سفارت در اینباب از وزارت امور خارجه به کارگزاران اینجا نوشته اند اگر قراری داده شده دوستدار را از کیفیت آن مطلع دارند، والا احکام لازمه صادر و مأمور مخصوص روانه دارند که شش صد و بیست و هفت تومان قیمت اغنام ابتیاعی را از مشارالیهما به حیظه وصول رسانیده و بیاورد. امیدوارم بزودی از صدور حکم و مأموریت محصل مضایقه نداشته از قرارداد خودتان دوستدار را مطلع دارند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۶ شهر ذی حجه الحرام ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [درخواست سارقین عثمانی که به خاک ایران گریخته اند]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتهاها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرّماً مهرباناً.  
در دهه اول همین ماه ذی حجه الحرام که چند نفر قطاع الطریق در محل موسوم به چوله دره

۱. بایزید: شهری مرزی در ترکیه و مقابل مرز بازرگان ایران است.



دو منزل آن طرف ارضروم پوسته دولتی را نقد از تنخواه دیوان و مال تجار مبالغی وجه نقد به غارت برده‌اند، امروز از جانب جناب جلال‌التماب محمد رشید پاشا والی ولایت ارضروم دام مجده‌العالی شرحی مشتمل بر کیفیت این فقره که مبتنی بر قدر تنخواه منهوبه و گرفتاری دو نفر از مرتکبین و گذشتن سایر مرتکبین از سرحد اواجق به خاک ایران است واصل و در گرفتاری و استرداد تنخواه منهوبه از آنها تأکید تمام فرموده و مرقوم داشته‌اند بعد از وقوع این قضیه سواری که برای گرفتاری مرتکبین مأمور بوده‌اند سراغ آنها را در این طرف ارضروم گرفته تا به محل موسوم به قزل دیزج به تعاقب آمده و بعد از آنکه محقق کرده بودند مرتکبین از سرحد عبور کردند، چگونگی را به مأمورین سرحدیه این طرف معلوم داشته و گرفتاری آنها را خواسته بوده‌اند که همین تفصیل را ایالت ارضروم از قرار مراسله رسمی به کارپرداز خانه دولت علیه ایران مقیم آنجا هم اطلاع داده است. ولی دو نفر از مرتکبین که حسین نام ایروانی ولد حاجی محمد و عباس نام اواجقی باشند، از سایرین عقب مانده و در حوالی قضاء الشگرد دستگیر شده‌اند که تفصیل این فقره و اسامی مرتکبین در مقام تحقیق از حسین مزبور واضح و مبرهن شده است. لهذا دوستدار برای مزید اطلاع خاطر آنمقرب‌الخاقان دوستان استظهاری ترجمه استنطاق نامه مجلس تحقیق قضاء مزبور را در ضمن مراسله ایفاد داشته و زحمت افزا است بعد از آنکه از کیفیت امر اطلاع بهم رسانیدند بزودی هرچه تمامتر محصلین کارآمد به جهت گرفتاری و دستگیری مرتکبین مأمور و روانه دارند آنها را در هر جای خاک ایران که البته رحیم آقا پسر مرحوم خلیفه قلیخان بواسطه سابقه معرفت از جای و مکان آنها اطلاع خواهد داشت، با مشارالیه به تبریز بیاورند تا قراری که مستلزم عهود و شروط مقرر در استرداد مبلغ یک‌صد و هشتاد هزار غروش تنخواه منهوبه از آنها باشد، داده شود. امیدوارم نظر به عمده بودن این امر از اهتمام و مساعی معجله در اینباب به وجهی مضایقه نکرده دوستدار را از کیفیت قرارداد خودشان بزودی مستحضر دارند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۲۱ شهر ذی‌حجه‌الحرام ۱۲۸۳. (علی بهجت باش شه‌بندر دولت علیه عثمانیه در تبریز.)





### [اعلام آمادگی شرکت در مراسم خلعت پوشان ولیعهد توسط شهیندر]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

برای تبریک خلعت پوشی نواب مستطاب شاهزاده والاتبار ولیعهد دولت علیه ایران دام اقباله العالی روز دوشنبه ۲۳ این ماه ذی حجه الحرام در خلعت پوشان دوستدار را هم اعلام و دعوت کرده بودند، انشاء الله تعالی روز مزبور چنانچه در سه ساعت و نیم از دسته<sup>۱</sup> گذشته وقت معین کرده اند، در خلعت پوشان حاضر شده و لوازم تبریک و تهنیت را بعمل خواهد آورد. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۲۲ شهر ذی حجه ۱۲۸۳. عالیجاه مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناه مقرب الخاقان دوستان استظهارا مشفق مکرم میرزا ابراهیم خان مطالعه نمایند. (علی بهجت، حاجی آقا الحسینی).

### [درخواست سارقین چاپار در خاک عثمانی که به خاک ایران فرار نموده اند]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

مراسله مورخه عَرَه همین ماه محرم به عدد ۲ آن مقرب الخاقان دوستان استظهاری در جواب رسیده دوستدار واصل و از مضمونش اطلاع حاصل آمد. به واسطه مدلول مراسله مزبوره جواب اظهارات دوستدار را چندان موافق دیده نمی شد. ایراد جواب و تجدید خود را از لوازم دیده زحمت افزاست. اظهار داشته اند که تقریرات حسین نام گرفتار و اظهارات چاپار سفارت انگلیس را با بعضی اطلاعات خودشان که به وسایل سایره کسب کرده اند، منافی دیده اند که تفصیل اطلاعات مزبوره را اظهار نداشته و مآخذی بر آنها قرار نداده بودند. اولاً اگر اظهارات دوستدار که از روی تحقیقات حاصله به ولایت ارضروم و بیانات آن طرف

۱. دسته: در ساعت های جیبی سابق کوک ساعت مقابل عدد دوازده بوده و به کوک ساعت دسته می گفته اند. بنابراین دسته معادل عدد دوازده بوده است و سه ساعت و نیم از دسته گذشته یعنی سه ساعت و نیم از ظهر گذشته، به نقل از محمد تقی انوشه یکی از تجار.

قلمی داشته است در جنب اطلاعات آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری که گویا به محض مذاکره اطراف استماع فرموده‌اند به دقت ملاحظه می‌گشت. اظهارات دوستدار در کمال قوت بنظر آمده [و به] بسیار مذاکرات اطراف ترجیح داده می‌شد. ثانیاً دوستدار ندانست نسبت استحضارات علیحده به توسط چاپارانگلیس بدوستدار و درج شدن این حرف زاید و خارج از مطلب در مراسله چه راهی خواهد داشت. دوستدار چنانکه تفصیلی در ضمن مراسله سابق خود درج کرده و چگونگی مطلب را بیان نموده است. مادام ظهور خلاف آن بطور بین در همان عقیدت خود را سخ و بطوریکه در مراسله خود احضار رحیم آقا پسر خلیفه قلی‌خان را که از قرار تقریرات حسین مزبور که سابقه معرفت و آشنایی با مرتکبین داشته و البته محل تواری آنها در خاک ایران بی‌اطلاع نخواهد بود، خواهش کرده است. و آن مقرب الخاقان دوستان استظهاری ابداً در مراسله خودشان به حاضر ساختن او اشاره نکرده‌اند. باز بنا به ملازمه تکلیف خود خواهشمند شده ماسوی می‌دارم که در دستگیری مرتکبین آنچه لازمه تاکید است به مأمور فرموده و مشارالیه را عجلتاً به تبریز خواهند خواست تا با حضور او تحقیقات و واری بعمل آید. امیدوارم از اهتمام و مساعی وافیه در اینباب به وجهی فروگذار نکنند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی سیم شهر محرم الحرام ۱۲۸۴. مهرعلی بهجت‌باش شهبندر دولت علیه عثمانیه در تبریز (عالیجاه مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناه مقرب الخاقان دوستان استظهاری مشفق مکرم میرزا ابراهیم خان نایب اول وزارت امور خارجه مطالعه نمایند).

### [درخواست اجازه خارج شدن اموال تجار عثمانی از گمرک تبریز]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهاریا مشفقاً مکرم.

دوستدار فقراتی را که چندی قبل درباب ممانعت غیرمحقانه مباشرین میزان تبریز از بیرون آوردن بارهای عالیجاه چلبی در ضمن مراسلات سابقه خود که به مقرب الخاقان میرزا عبدالوهاب خان نایب‌الوزاره قلمی نموده، مندرج داشته بود که در دفع ایستادگی بیجای مباشرین حالایی میزان از بیرون آورده تتمه بارهای عالیجاهان چلبی و مسیو قارمالی تبعه



دولت علیه عثمانی کافی می‌دانست. به همین لحاظ چند روز پیش بتوسط عالیجاه میرزا حاجی آقا منشی شهبندرخانه تفصیلی خدمت آن مقرب‌الخاقان دوستان استظهاری پیغام داده و به مقتضای لازمه انصاف ذاتی آن مقرب‌الخاقان دوستان استظهاری با بودن اسنادی که در دست عالیجاهان مشارالیهماست، در قدغن از ممانعت آنها به وجهی دوستدار راجهت تردید و تأملی مظنون نبود، ولی جای تأسف است که پاره اظهارات خارج از قاعده مباشرین میزان را در مقابل اسناد مزبور واقعی گذارده بوده‌اند. دوستدار فرض خود دانست پیش از آنکه مقرب‌الخاقان میرزا نصرالله از تبریز حرکت بکند، عجالاً خواهش قرار تعیین قدر تتمه مطالبات عالیجاهان مشارالیهما را به ملاحظه قبوض از آن مقرب‌الخاقان دوستان استظهاری نماید و به قراریکه مسموع دوستدار گردید مقرب‌الخاقان مشارالیه این روزها در جناح حرکت است. لهذا از روی کمال احترام خواهشمند است قرار بگذارید پیش از حرکت مقرب‌الخاقان مشارالیه حساب عالیجاهان مشارالیهما باطلاع گماشته طرفین معلوم و قدر طلب آنها مشخص شود تا قراری که لازم شد داده آید. امیدوارم بزودی جواب مراسله را که مشعر بر کیفیت قرارداد خودتان است نگاشته و دوستدار را اطلاع بدهند. زیاده چه زحمت دهد. فی ۲۷ شهر محرم ۱۲۸۴. عالیجاه مجدد و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناه مقرب‌الخاقان دوستان استظهار مشفق مکرم میرزا ابراهیم‌خان نایب اول وزارت امور خارجه مطالعه نمایند. (علی بهجت باش شهبندر دولت علیه عثمانیه در تبریز.)

### [تقریرات مکاری عثمانی که در خاک ایران مورد غارت قرار گرفته‌اند]

یادداشت تقریرات حاجی عباس مکاری بغدادی که به شهبندرخانه دولت علیه عثمانی شاکی بوده و به تاریخ ۱۲ شهر صفرالمظفر ۱۲۸۴ به کارگذاری مهام خارجه آذربایجان تقدیم می‌شود. مشارالیه از شهبان با دو نفر آدم خود که از طرف صومای و برادوست عازم ارومی بوده تخمیناً هشت فرسخ به ارومی مانده دو ساعت از شب ۱۹ شهر محرم گذشته در گودکی که اسم آن رانمی داند، چهارنفر سواره و چهارنفر پیاده از اکراد به سراو ریخته و ده راس قاطر او را نگهداری و خورده اشیایی که داشته‌اند همه را واکرده و مبلغ هشتاد تومان وجه نقد او را از توی خورجین کوچکی که داشته با اشیاء مفصله:

شال مشهد دو طاقه، سرداری ماهوت دو ثوب و جوال دو عدد.

بیرون آورده و دو راس از قاطرهای او را سوا نموده و می‌برند. مشارالیه صبحی قاطرها را مصحوب آدم‌های خود به طرف تبریز روانه کرده و خود به ارومی رفته و مراتب را خدمت نواب شاهزاده معین‌الدوله عرض می‌کند. نواب معزی‌اله که تفصیل را از خارج رسیدگی می‌نموده‌اند از قرار مذکور مصطفی آقای میرآلای در اینباب به میرزا محمود منشی گفته بوده است [که] چهارنفر سواره از اکراد شکاک که دو نفر از آنها اسب سفید و یکی اسب کهر و دیگری اسب سیاه سوار بودند من دیدم [که] به طرف برادوست می‌رفتند. یحتمل مشارالیه آنها را شناخته باشد. بدین جهت قاسم‌بیگ نام را برای استرداد اموال و وجه نقد و قاطرهای منهوبه مشارالیه پیش علی آقای شکاک مأمور نموده و یک تومان هم خرجی به حاجی عباس التفات می‌کنند. مأمور مزبور مشارالیه را به اتفاق خود به میان ایل مزبور برده و روز ورود به پیش علی آقا که مأمور دو سه ساعت فاصله از او مقدم بوده به محض رسیدن حاجی عباس به نزد آنها، علی آقا حکم می‌کند که دست او را بسته و پاهای او را بند می‌گذارند. بعد او را لخت نموده و در دم چادرها در گودی تا سینه به خاک می‌کنند و زیاده از حد اذیت و آزار می‌رسانند که این ادعای تو محض از راه تهمت است. چنانکه چهارنفر از اکراد تو را به همراهی چهارنفر دراویش دیده‌اند که از عمادیه می‌آمده‌ای نه قاطر داشته‌ای و نه چارواداری و همان چهارنفر زوراً به این اقرار شهادت می‌دهند. بعد از آن احمد آقا پسر علی آقا و چند نفر دیگر چوب زیاده به مشارالیه زده و قاسم‌بیگ که مأمور انجام امر او بوده چند تا سنگ بزرگ به پشت گردن او می‌زند که چرا به مردم افترا زده‌ای و هفت قران هم که در جیب او بوده در آورده و بعد به او گفته بوده است من به واسطه اینکه ترا نکشند آن سنگ‌ها را از برای اسکات آنها بتو زدم. بدین قرار مشارالیه را سه روز آنجا نگهداری کرده و از هیچ‌گونه اذیت و آزار فروگذار نمی‌کنند، حتی از چند جا داغ هم می‌گذارند. مشارالیه که جان خود را در معرض هلاکت دیده بطوری که منظور آنها بوده نوشته از قول او نگاشته و به مهر جمعی می‌رسانند که او را کسی لخت نکرده و مالی از او نرفته است و همه این ادعاها از راه افترا و تحریک معاندین علی آقا بوده. بعد از آن او را رها می‌نمایند که یک سر به تبریز آمده و به شهیندرخانه شاکی است. حال که انجام این امر هم بعهد قلیخان محول خواهد بود اگر موافق قاعده حقانیت قراری داد فیها. والا قاسم‌بیگ مزبور را لازم است که روانه تبریز نموده و واری و تحقیقات لازمه در اینباب بعمل آمده قراری که مقتضی است داده آید.

## [عرض حال تاجر عثمانی به شهیندر که از تاجر ایرانی طلب دارد]

سواد عرضحال عالیجاه مسیو الیاسقو

عریضه داشت

اَوَّلُ التَّجَارِ مَسِیو الِیاسقو تاجر تبعه دولت علیه عثمانی خدمت جناب جلالتماب باش  
شهیندر دولت علیه عثمانی بهجت افندی.

که چندی قبل به سرکار عالی عرضحال شده بود که در خصوص عمل میرزا حسن میلانی<sup>۱</sup>  
که سرکار عالی و سرکار شوکتمدار میرزا ابراهیم خان نایب اول وزارت جلیله امور خارجه  
قرار داده بودید که اجلاس بشود و حقیر در آن عمل اجلاس نمودیم. از قرارداد اجلاس  
سرکار عالی مخبر هستند که میرزا حسن گفت بنده وقتی که خواستم از اسلامبول عازم این ولد  
باشم از بابت قرض هایم کفیل داده ام به اذن سفارت دولت علیه ایران و اهل اجلاس قرار  
گذاشتند که این کفیل نامه را از اسلامبول بیاورد. چند یوم قبل آمد و خبر داد که آن کفیل نامه  
آمده است. باز دوباره اهل اجلاس به مجلس اجلاس جمع شدند، کفیل نامه را نگاه نمودم و  
دیدم به قوت آقا علی اکبر شکویی که تبعه دولت روس است کفیل داده و تذکره گرفته آمده  
است. این کفیل نامه دخلی به قرض های میرزا حسن نداشت. اهل اجلاس که از طرف میرزا  
حسن حرف می زدند، آنها گفتند که این کفیل نامه است که قرار گذاشته ایم، دیگر چه حرف  
دارند. و آن اشخاصی که از جانب ما حرف می زدند، جواب دادن که این کفیل نامه به کار ما  
نمی رسد و بایست در کفیل نامه قید بشود که به اذن صاحب نوبه کفیل نامه بیاورد، به مالازم  
نیست که میرزا حسن با تذکره آمده است یا بی تذکره. بعد اهل اجلاس متفرق شده و رفتند.  
لهذا عرض بنده این است اشخاصیکه از جانب ما حرف می زدند گفتند که از قرار قانون دولت  
باید که در کفیل نامه امضای مسیو سواستلی هم باشد نه امضای آن دارد و نه در کفیل نامه قرار  
داده است که این مبلغ به مسیو سواستلی قرض دارد. بنده به وجه آن کفیل شده ام، هیچ کدام در  
کفیل نامه ننوشته اند و در این صورت این کفیل نامه را هیچ کسی قبول نمی کند به جهت آنکه از  
قرار قانون نامه خارج است. لهذا چون که اهل اجلاس مطابق نشدند در این مدت تنخواه مسیو  
سواستلی که عبارت باشد از مبلغ هفت صد و چهل و هفت عدد لیره طلای عثمانی در پیش

۱. میلان، دهی از دهستان حومه بخش اسکو شهرستان تبریز است.



میرزا حسن مانده است. ماندن این تنخواه به کار مسیو سواستلی ضرر می‌رساند و بایست تا حال تنخواه او را وصول کرده بودیم که به کار او برسد و از این جهت که تا حال تنخواه او نرسیده بنده از جانب مسیو سواستلی پروتست می‌کنم که در اجلاس اوّل قرار گذاشته بودیم که کفیل نامه به قرار قانون بیاورد، والا تنخواه را ردّ نماید و کفیل نامه که آورده به قرار قانون نبود از برای خودش این قرار گذاشت که چند یوم به عقب افتد. بنده از سرکار عالی توقع می‌کنم که حکم فرموده این تنخواه را با تنزیل ایام گذشته مع مصارف اخذ نمایند. زیاده عرض ندارد. فی ۲۸ شهر ربیع الاول ۱۲۸۴. (امضای عالیجاه مسیو الیاسقو).

### [دنباله درخواست پیگیری طلب تاجر عثمانی از تاجر ایرانی]

عالیجاها مجدّت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتهاها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرّماً.

عالیجاه مسیو الیاسقو تاجر تبعه دولت علیه عثمانی که به موجب یک طغرا نوبه پرداز<sup>۱</sup> مبلغ هفت صد و چهل و هفت عدد مجیدید طلا از عالیشان میرزا حسن تاجر میلانی مطالبه می‌کند. آن مقرب الخاقان دوستان استظهاری نظر به بعض افادات عالیشان مشارالیه قرار دادند که روز سیّم شهر محرم الحرام گذشته در منزل انمقرب الخاقان دوستان استظهاری مجلسی از طرفین منعقد و قرار شد عالیشان میرزا حسن که مدعی بود حین عزیمت از اسلامبول به این طرف برای قروض خود کفیلی به سفارت ایران سپرده است. صورت مصدق این کفالت نامه را که معتقد علیه منصفین طرفین شود آورده و اقامه دارد. چندی قبل مجدداً بر طبق اعلام انمقرب الخاقان دوستان استظهاری مجلس دیگر مرتب و سواد کفالت نامه که از اسلامبول ارسال داشته بودند، ابراز شده و به ملاحظه منصفین طرفین رسیده بود. بواسطه اینکه وجه نوبه مزبور به موجب مضمون سواد این کفالت نامه بر ذمه کفیل او وارد آید مقبول و معتقد علیه عالیجاه مشارالیه و منصفین طرف او نبوده است، خلاف افادات عالیشان مشارالیه را ظاهر نموده و عالیجاه مسیو الیاسقو هم احقاق حق خود را بعد از انقضای سه ماه ایّام مهلت به موجب عرض حالی که به باش شهبندری تقدیم کرده می‌نماید. لہذا سواد و عرض حال عالیجاه مشارالیه را

۱. نوبه پرداز = قسط.

ضمناً ارسال داشته و از روی کمال احترام خواهشمند است که قرار دهند عالیشان میرزا حسن زیاده از این از نگاهداری وجه مزبور باعث ضرر و خسارت صاحب طلب نشده و ادای قرض خود را به تعویق نیندازد. امیدوارم بزودی قرار این امر را داده و دوستدار را مطلع دارند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۱ شهر ربیع الآخر ۱۲۸۴. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [ادامه مکاتبه در مورد درخواست طلب تاجر عثمانی از تاجر ایرانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتانها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

دوستدار در باب وصول وجه یک طغرا نوبه پرداز مطلوبی عالیجاه مسیو الیاسقو مراسله بتاریخ ۱۱ شهر حال ربیع الآخر بعدد ۱۳ به آن مقرب الخاقان دوستان استظهاری نوشته و احقاق او را خواسته بود. از اینکه تا حال نه از قرارداد آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری اثری ظاهر و نه جوابی در اینباب قلمی داشته‌اند دوستدار را کمال تعجب حاصل آمده عالیجاه مشارالیه هم مجدداً بواسطه تعویق قرارداد این امر و تأخیر اجرای احقاق حق خود عرض حالی تقدیم و حقیقت خود را پروتست نموده است. لهذا زحمت افزای خاطر آن مقرب الخاقان دوستان استظهاری گشته و متوقع است [که] زحمت کشیده، عالیشان میرزا حسن را قدغن نمایند که از عهده وجه نوبه مزبور برآمده و زیاده از این به تأخیر نیندازد. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۲۳ شهر ربیع الآخر ۱۲۸۴. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [درخواست دستگیری سارقین استاد ساعت ساز عثمانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتانها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

مشروحه جوابیه آن مقرب الخاقان دوستان استظهاری مورخه ۱۴ این ماه بعدد ۱۲ واصل

و از فقرات مندرجه آن اطلاع حاصل آمد. اظهار داشته‌اند [که] مرتکبین اموال استاد سرکیس ساعت‌ساز هم اشاری هستند که این روزها در خاک ارومیه و آن صفحات در دو پوست از قوافل رعایای ایران اسب و سایر اموال به غارت برده‌اند و از قرار تحقیقات نواب شاهزاده والاتبار معین‌الدوله حاکم خوی و ارومیه اسامی مرتکبین را که می‌گویند در آن طرف در نزد جلاد نام به سر می‌برند معلوم و در ضمن مراسله درج کرده به اهتمام و مراقبت مأمورین و سرحدداران دولت علیه خواهش استرداد اموال رعایای ایران را نموده بودند. بنا به اظهار آن مقرب‌الخاقان دوستان استظهاری دوستدار شرحی که لازم بود در اینباب مصحوب آدم خود به جناب فخامت نصاب عبدالله پاشا متصرف لوار وان و حکاری نوشته و تفصیل اظهارات آن مقرب‌الخاقان دوستان استظهاری را اطلاع داد. بعد از آنکه از جانب جناب معزیه در این خصوص جوابی حاصل کرد برای استحضار خاطر آن مقرب‌الخاقان دوستان استظهاری به مقام زحمت خواهد آمد. زیاده چه تصدیع دهد. حرر فی ۱۷ شهر جمادی‌الاولی ۱۲۸۴. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [درخواست تتمه قیمت اموال مسروقه تاجر عثمانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتهاها مقرب الخاقانا دوستان استظهاریا مشفقاً مکرمًا.

آنمقرب‌الخاقان دوستان استظهاری نظر به شکایت قاسم علی شتردار که در ضمن مراسله مورخه ۱۷ همین ماه جمادی‌الاولی به عدد ۱۳ خواهش ایصال شانزده تومان تتمه کرایه مشارالیه را که در عوض سه توپ چیت و یک توپ و نیم مدقال تتمه مال مسروقه عالیجاه چلبی نگاهداری شده نموده و اظهار داشته‌اند مالی که از عالیجاه مشارالیه در این طرف سرحد به سرقت رفته و به اهتمام و مراقبت عالیجاه پاشاخان سرحددار مرتکبین دستگیر و مال منهوبه مسترد گردیده است، دور از قاعده حقانیت است که عالیجاه مشارالیه وجه مزبور را نگاهداری نماید. در جواب زحمت‌افزا است آنمقرب‌الخاقان دوستان استظهاری خود انصاف بدهند در این صورت که مرتکب معلوم و در دست بوده است، داعی به عدم استرداد تتمه مال از او چه بوده و اگر تعمیق می‌کردند به مقتضای قاعده شکایت شتردار را از عالیجاه مشارالیه خالی از

اعتبار و عالیجاه مشارالیه را در نگاهداری تمام قیمت تتمه مال محق می‌دانستند. معهذا دوستدار محض خواهش آنمقرب‌الخاقان دوستان استظهاری عالیجاه مشارالیه را به تعهدی که در ایصال تتمه مال مسروقه کرده بودند متقاعد و قدغن کرد شانزده تومان تتمه کرایه شتردار را کارسازی نمود. بدیهی است آنمقرب‌الخاقان دوستان استظهاری هم بزودی قرار استرداد و ایصال تتمه مال مسروقه عالیجاه مشارالیه را داده و دوستدار را مطلع خواهند ساخت. زیاده چه زحمت دهد. فی ۲۴ شهر جمادی‌الاولی ۱۲۸۴. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [درخواست تتمه قیمت مال‌التجاره تاجر عثمانی از سارقین ایرانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب‌الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرماً.

دوستدار اوایل ورود آنمقرب‌الخاقان دوستان استظهاری به تبریز دریاب تتمه تنخواه منهوبه مصطفی رواندوزی رعیت دولت علیه عثمانی در جزو مطالب مندرجه در ضمن مراسله مورخه ۷ شهر ذیحجه‌الحرام به عدد ۴۳ اشاره و به رجوع به مراسلات سابقه‌باش شهینداری خواهش استرداد آنرا کرده بود. آنمقرب‌الخاقان دوستان استظهاری که از کیفیت امر استحضار به هم رسانیده و حقیقت او را معلوم داشتند، به احضار چند نفر از اسفهلانی<sup>۱</sup> ها تعهد قرار استرداد تتمه تنخواه او را نموده و از آن وقت تا حال به واسطه ترافع و تشاجری که در رسیدن تمام تنخواه منهوبه به محمدحسین بیگ مأمور این فقره و انکار او از این معنی فیما بین مشارالیه و اسفهلانی‌ها دایر بود، استرداد تتمه تنخواه را به تشخیص این فقره موقوف داشته و این مدت را به امرار وقت از معطلی و سرگردانی مصطفی مزبور صرف نظر کردند. دیروز بطوریکه سفارش کرده بودند چنان مستفاد می‌شد که جهت این همه تأخیر در کفایت امر او به دست آوردن وسیله در ترضیع حق او بود که دوستدار را کمال تعجب از این قسم اقاویل حاصل آمده و در تکلیف خود متحیر است که در عرض این مدت بعد از همه تعهدات و مواعید در تمشیت امر او به این قبیل وسایل متمسک شده و جواب مراسلات دوستدار را به تأخیر

۱. اسفهلان، روستایی نزدیک تبریز است.

بیندازند. علیهذا با نهایت احترام متوقع است که به مقتضای نصف و حقانیت، زیاده بر این به معطلی مومی‌الیه راضی نشده و قرار استرداد تتمه تنخواه او را بزودی بگذارید و الا جواب مراسلات دوستدار را بدون تأخیر بنویسد که از آن قرار کیفیت را به جای لازم خود اطلاع بدهد. زیاده چه زحمت دهد. فی ۲۵ شهر جمادی‌الآخره ۱۲۸۴. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [درخواست تتمه مال مسروقه تاجر عثمانی از سارقین ایران]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتانها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقا مکرما.

پیش از وصول مراسله آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری که مدلول آنرا به پیغام اعلام داشته بودند دوستدار با استبعاد از قاعده‌دانی و نصف آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری در آن قسم پیغام در ضمن مراسله مورخه شهر جمادی‌الآخری سر بسته معذویت خود را از قبول آن پیشنهاد به خاطر آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری [اظهار] داشته و احقاق صاحب مطلب را خواسته بود. بعد که مضمون پیغام را در ضمن مراسله رسمی مندرج دید بر حیرت و افسوس خود افزوده و تمسک به معاذیری را که در هیچ جا در ابطال حق احدی بدین وضوح مظنون نمی‌شود دون لازمه مراتب اتحاد و مسالمت دولتین علیتین منظور کرد. این فقره واضح است که نهب شدن اموال مصطفی و دخالت اسفهلانی‌ها را در ارتکاب آن بر حسب تحقیقات جناب جلالتماب سردار کل جای حرفی نیست، ولی با عدم علم جناب معظم‌الیه به رعیت عثمانی بودن او آنطور حکم ایشان را دست‌آویز قرار دادن جای تعجب است و صدور آن که به ملاحظه رعیت ایران بودن او بوده است، واضح است. در این صورت سند قرار دادن حکم مزبور را معنایی نتوان داد، حال جهت این همه تردید در استرداد تتمه اموال اگر استناد به قراردادی که به اظهار آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری جناب معظم‌الیه داده‌اند، عدم مقبولیت آن به جهات عدیده از بدیهیات است و اگر مجهولیت قدر اموال او است، دوستدار نمی‌داند اصول و قاعده این مملکت در تشخیص و تفریق این قبیل دعاوی بچه چیز مبتنی است و حال آنکه بطوریکه دوستدار در مراسله مورخه ۱۶ شهر ربیع‌الآخر ۱۲۸۳ اظهار

داشته است، جناب قایم مقام رواندوز کیفیت دعوی او را رسیدگی و قدر مال و وجه نقد او را از روی مضبطه محقق نموده به باش شهبندری اعلام داشته است. علاوه بر این ها اگر قطع و فصل امر را موافق انصاف لازمه اهتمام خودشان دارند، مضمون عریضه ریش سفیدان اسفهلان را که چند روز پیش عالیشان محمدحسن بیگ در منزل جناب فخرالمجتهدین حاجی میرزا باقر مجتهد سلمه الله العالی ابراز و به نظر چند نفر رسانیده بود کافی می دانند که اسامی مرتکبین در همان عریضه مندرج و حاوی کیفیت امر است، بالجمله اگرچه دوستدار تفصیل امر را به سفارت سنیه معروض داشته است ولی با حقانیت ذاتی آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری ظهور اینگونه اغماض علنی را در این فقره ناگوار و متأسفانه به ایراد جواب زحمت افزا و مامول می دارد که زیاده از این طالب اطاله ذیل این مطلب نشده و بزودی قرار بدهند که مشارالیه را روانه دارد. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی دویم شهر رجب المرجب ۱۲۸۴.

(علی بهجت باش شهبندر دولت علیه عثمانیه در تبریز.)

### [درخواست تنبیه اشراری که به درب باش شهبندری حمله کرده اند]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتهاها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقا مکرمًا.

دوستدار کیفیت حرکت جسورانه و به غایت خلاف چهار نفر از اشرار را که پریروز مقارن غروب در دم درب باش شهبندری مست و لاابالی و بدون جهت به ملازم دوستدار چسبیده و ساعت او را از بغلش درآورده و باکسان و قراول های باش شهبندری و قراول خانه با قمه و طپانچه به عربده و ستیزه برخواسته بودند، شبانه از آدم آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری پیغام داده [که] با دستگیری سه نفر دیگر از آنها خواهش تنبیه و تأدیب لایق در حق آنها نموده و در این انتظار بود که بزودی از قرارداد لازمی خودشان دوستدار را مطلع خواهند داشت. تا حال به واسطه اینکه از جانب آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری خبری نرسید دوستدار ناچار و برحسب لزوم نظر به اهمیت این امر ناگوار که به هیچ وجه خود را در این موقع به تأخیر اجرای قرار متعجل متقاعد نمی تواند داشت به مقام مزاحمت برمی آید که اگر کارگذاران اینجا در مواد دایره خود را به تسویه آن مکلف می داند، دوستدار متحیر است که با

موالات و اتحاد دولتین علّیتین کدام جهت است که در این فقره با وصف گرفتاری یک نفر از اشرار و معلومیت سایرین آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری را مانع از اجرای قرار آن گشته و تا امروز نتیجه که از اخبار فوری دوستدار به آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری حاصل گردیده چه چیز است و اگر مبنای عمل به اهمال و مسامحه است، دوستدار می توان چاره رفع آنرا یک آن قبل حاصل کند و زاید نمی داند زحمت بدهد که دوستدار از غایت اعتنا به این امر عمده در صورتیکه آنها را در ازاء این قسم بی مبادلاتی معجلاً و باطلاع باش شهبندری مورد تنبیه بلیغ ندارند، مراتب را کمابینگی از تلغراف به سفارت سنّیه مقیم طهران معروض داشته و مسئولیت را بر عهده کسانیکه در اجرای حق بین باش شهبندری به اغماض و تغافل می گذرانند موقوف دارد. متوقعم که بزودی هرچه تمامتر سه نفر دیگر را در هرجاست به دست آورده و بعد از آنکه ساعت ملازم باش شهبندری را مسترد داشتند، از قرارداد تنبیه آنها دوستدار را اطلاع بدهد. زیاده چه زحمت دهد. فی ۱۳ شهر رجب ۱۲۸۴. (علی بهجت باش شهبندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [درخواست استرداد تبعه عثمانی که به خاک ایران گریخته اند]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتهاها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

دوستدار بر طبق مراسله مورخه ۱۷ شهر جمادی الاولی به عدد ۱۴ آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری که اظهار داشته بودند چهار طایفه از طرف حکاری هریک باهفت صد نفر جمعیت به محال صومای و برادوست ریخته چند پارچه دهات و اموال سکنه آنجا و غیره را غارت کرده برده اند. مراتب را به جناب فخامت نصاب عبدالله پاشا متصرف لواء وان و حکاری قلمی داشته بود، از قرار جوابی که در اینباب از جناب معزی الیه رسیده به اظهار آن زحمت افزاست که حکام و مأمورین سرحدیه این دوست علیه چنانکه مشهودخاطر آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری است، هیچ وقت در تمهید لواعب آسودگی و حفظ امنیت و رفع موجبات بی نظمی سرحد فروگذار نداشته و حتی المقدور تدابیر و اهتمامات لازمه را به کار برده اند و اگر احیاناً از عشایر دولت علیه در مقابل حرکات خودسرانه اشرار و قطاع الطريق





آن طرف در صرافت تلافی آن بوده‌اند در تحصیل اسباب آن دفاع آن به وجهی خودشان را متقبل و تقاعد راضی نکرده از هر جهت طالب نظم امر سرحد و سرحدنشینان طرفین می‌باشد و در این فقره که تفصیلی از خوی بدان لباس به موقع تحریر گذارده‌اند، کلیه متضمن خلاف و مناسبتی به حقیقت حال نداشته است، بلکه به واسطه عدم مبالغت علی آقا شکاک و کسان او از هیچ‌گونه شرارت و تخطی که مدلول مراسله مفصله به عدد ۲۷ دوستدار از شرح و بسط علیحده در این مراسله مشعر است، مأمورین سرحد به این دولت علیه را ملجاء و مجبور بر این نموده که در جاهای لازم در داخله ملک خود برای حفظ خاک و تبعه دولت متبوعه خودشان جمعی از نفر عام و ضبطیه ترتیب داده و راه تخطی و تجاوز و اضرار علی آقا و اعوان او را مسدود دارند و نسبت این دعوی را که از هریک چهار طایفه به تعداد هفت صد نفر جمعیت نموده و به محال صومای و برادوست به غارت گذشته‌اند به جز اینکه وسیله در پرده کشی اعمال علی آقا به دست آورده شود، محمولی دیگر قرار بتوان داد. به آن جمله به قراریکه جناب معزیه در این فقره اظهار داشته‌اند دوستدار عدم اصل و اساس این نسبت را از واضحات دانسته به ایراد و جواب به مقام مزاحمت برآید. زیاده چه تصدیع دهد. فی ۱۹ شهر رجب ۱۲۸۴. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز.)

### [شکایت از علی آقا شکاک مرزنشین که از خاک عثمانی سرقت می‌نماید]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتهاها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقا مکرما.

خاطر آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری را از کیفیت شرارت و قتل و غارت لاحقی علی آقا شکاک که در ضمن مراسله جداگانه مندرج است اطلاع کامل حاصل شده و معلوم خواهند کرد، سبکی که مومی‌الیه پیشنهاد نموده و از هیچ‌گونه بی‌مبالاتی و جسارت خود دست‌بردار نیست، بالأخره بیچه مراتب طرفین را دوچار زحمت و مرارت عمده خواهد کرد و دوستدار به اقتضای تکلیف مأموریتی خود فرض می‌داند پیش از آنکه از صدور بعضی حرکات متجاوزانه علی آقا در سرحد و خاک این دولت علیه غائله به ظهور برسد، آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری را به مسدود داشتن راه تعدی و تطاول مومی‌الیه با

استرداد منهوبات سابقی والاحقی رسماً تکلیف و توقع نماید، به قراریکه این روزها جناب فخامت نصاب عبدالله پاشا متصرف لواء<sup>۱</sup> وان و حکاری اظهار داشته‌اند مومی‌الیه علاوه بر آنچه از محالات و دهات خاک این دولت علیه اموال و اغنام اهالی آنجاها را که در ضمن مراسلات عدیده به تفصیل آنها اشاره گشته به نهب و غارت برده است، از سکنه و اهالی دهات واقعه در قضاء الباق موافق مضبطه نامه که از مجلس قضاء مذکور تقدیم شده بدین تفصیل علناً عوامل و اموال آنها را غارت نموده است:

از مال فرد ساکن قریه ناز جاموش. از مال اردتین ساکن قریه ناز رنجیر گاو آهن سه حلقه. از مال سنو ساکن قریه مزبوره گاو و الاغ.

از مال بابا ساکن قریه هرلسان جاموش و گاو. از مال باخجو ساکن قریه ناز جاموش. از مال حسین ساکن قریه هرلسان انبر، تفنگک، خنجر، نمد، گلیم و خورجین. از مال عدو ساکن قریه ناز جاموش. از مال ندل ایضاً جاموش. از مال قصو ساکن قریه هاردل اوره گاو. از مال نادروس ساکن قریه به صوره‌دیر جاموش. اگرچه چند روز قبل خاطر معزی‌الیه بتوسط عالیجاه میرزا محمود وکیل شهیندر خوی خواهش استرداد آنها را از نواب شاهزاده والاتباع معین‌الدوله کرده‌اند ولی برای مزید اطلاع خاطر آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری از این قسم تاخت‌تاز علی‌آقا و کسان او که حکام و مأمورین سرحدیه آن دولت ابداء و مطلقاً به مقام چاره رفع آن نیستند مزاحم شده متوقع است بطوریکه کراراً خواهش نموده قرار موکدی در استرداد اموال سابقی والاحقی رعایا و تبعه این دولت و رفع فتنه و آشوب مومی‌الیه از راس حدود و تنبیه او گذارده، ماده شرارت و بی‌نظمی او را مقطوع سازند. بدیهی است به ملاحظه کمال مصافات حاصله فیما بین دولتین علّیتین که هم‌شان همیشه مصروف انتظام امر و رفع موجبات اختلال و تمهید اسباب آسودگی تبعه طرفین است از قرارداد لازم در اینباب مضایقه و فروگذار ننموده و دوستدار را مطلع دارند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۹ شهر رجب‌المرجب ۱۲۸۴. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز.)

### [دنباله شکایت از شرارت علی آقا شکاک از خاک عثمانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان  
استظهارا مشفقاً مکرمًا.

جناب فخامت نصاب عبدالله پاشا متصرف لواء وان و حکاری از غُره این ماه  
رجب المرجب باز تفصیلی از شرارت و هرزگی و بی‌مبالاتی علی آقای شکاک که متوالیاً به  
ظهور می‌رسد در ضمن مراسلات عدیده خودشان مندرج داشته‌اند که اطلاع خاطر  
آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری را از خلاصه اظهارات جناب معزی الیه لازم دیده به مقام  
مزاحمت برمی‌آید. با همه گفتگو و مذاکراتی که بعد از ورود آنمقرب الخاقان دوستان  
استظهاری در خصوص رفع حرکات خودسرانه مشارالیه مبادله شده و به تعیین مأمور  
مخصوص به تسویه دعاوی و مطالب دایره لازمه همت گماشته گشته و من غیر مامول [معمول]  
قرار انعقاد مجلسی که بر حسب خواهش مخصوصه نواب شاهزاده والاتبار معین الدوله حاکم  
خوی و ارومیه در موقع ترتیب بود از آن طرف برهم خورده و نواب معزی الیه عازم تبریز  
شدند. اقتضا می‌کرد که بعد از آن علی آقای مزبور دست از تعدی و تطاول خود کشیده دارد  
ولی بالعکس به طوریکه لازمه جبلت او است، با اتفاقات سابقه، دقیقه و آنی از خیال تاخت و  
تاز آسوده نبوده و به تازگی هم به فاصله پنج و شش روز از عزیمت نواب معزی الیه به تبریز  
جمعیتی از اشرار و قطاع‌الطریق فراهم نموده به تخطی از حدود و قتل و غارت اموال رعایا و  
تبعه این دولت علیه مصمم بوده. ابتدا در حوالی قریه دیلمندی از توابع قضاء کوار به چند نفر  
از اهالی قریه مزبوره برخورد و یک نفر از آنها را به قتل رسانیده و چند نفر دیگر را مجروح  
و زخم‌دار می‌نمایند. بعد قریب یک هزار نفر سواره و پیاده به ریاست قاسم آقا پسر خود  
مأمور تاخت و تاز قضاء مذکور می‌کند که قاسم آقای مومی‌الیه با جمعیت مزبوره مسافت  
یک فرسخ و نیم از سرحد تخطی نموده در ناحیه دیری به قریه زیریل هجوم برده بعد از قتل  
یک نفر و مجروح ساختن چند نفر دیگر که اهالی ناحیه شاموری از این مقدمه مطلع شده و  
برای معاونت اهل ده و مدافعت اشرار می‌رسند. از آنها هم دو نفر را کشته و یک نفر دیگر را  
زخم‌دار نموده و مراجعت می‌کنند. هم‌چنین از طایفه شکاک تابعین علی آقا و به تحریک او  
جمعیتی مستعد به طرف قضاء الباق هجوم آور شده بعد از مجادله زیاده که در آنجا کاری

نتوانسته‌اند کرد صدوپنجاه نفر سواره و زیاده از پنجاه نفر پیاده از آنها به طرف قریه منگل آباد واقع در قضاء مذکور عطف عنان نموده و از پانصد راس تجاوز اغنام اهالی آنجا را که غارت کرده می‌برده‌اند. یک نفر مأمور با بعضی اهالی دهات که در تعاقب بوده‌اند، اسب مأمور مزبور و چهار نفر مستحفظین او را نیز زخم‌دار نموده و قریب چهل راس از اغنام را گذاشته و مابقی را گذرانیده برده بوده‌اند و به همین قرار از قضاء قطور هم بدین تفصیل:

از قریه ساتلو گاو و ماده گاو. از قریه قشقه بولاغ ایضاً. از قریه زیریل از مال فیض الله اسب. از قریه گرلو یک اغنام مویشی و دواب اهالی دهات مفصله را غارت کرده برده‌اند. حقیقت این قسم بی‌اعتدالی علی‌آقای مزبور که علی‌الاتصال مصدر انواع شرارت و هرزگی است چنانکه پیشتر حین مذاکره به انعقاد مجلس در سرحد در حضور جمعی از مأمورین طرفین که عالیجاها مصطفی‌آقای میرآلای هم حاضر بوده جهت این همه جسارت و خودسری علنی از علی‌آقا سؤال و به مسئولیت آن تهدید شده بوده است. در جواب اظهار داشته بر موجب اسناد متعدده که در دست دارم در وقت ضرورت ذمت خود را با ابراز اسناد مزبوره به وجه سهل بری و مسئولیت آن را به عهده نواب معزی‌الیه راجع توانم داشت. فقط از خود او دیده نشده بلکه حکام و مأمورین سرحدیه آن دولت را که مایه تحریک و ترغیب او هستند دخیل تقویت و رعایت در ارتکابات او می‌توان قرار داد که از این قرار به هیچ وجه چاره رفع اختلال و اغتشاشات امور سرحدیه متصور احدی نبوده و جمیع زحمات و تدابیر که در حصول نظم و امنیت آن سمت به کار برده شود سودی نبخشیده و به هدر است و مادامیکه علی‌آقای مزبوره در آن صفحات توطن دارد دور نیست که به واسطه تخطیات و تعدیات خارج از تحمل او، اقدام و اقبال عشایر و ایلات این دولت علیه به معامله متقابله، نتایجی را که به غایت منافی منظور مسالمت دستور اولیای دولتین علیتین است مورت شده و کارگذاران طرفین را به زحمت و مرارت کلی دوچار سازد. پس بنابراین چنانکه دوستدار هم به سفارت سنیه مقیم طهران معروض داشته هرچه زودتر به تبعید علی‌آقای مزبور از توطن در راس حدود که حالاً و ملاً مستلزم محسنات و آسودگی سرحدنشینان طرفین است انساب و اسلم خواهد بود [که] آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری با عرض خدمت اولیای دولت متبوعه خود قرار می‌دهند که بعد از استرداد همه مسروقات و منهوبات خانه و کوچ مومی‌الیه و کسان او را در آن سمت کوچانیده و در جایی دوردست از سرحد اقامت دهند که در این صورت طرفین را فراهم شدن اسباب امنیت و آسودگی در سرحد قویاً مامول [معمول] و موجبات رفع گفتگو و مناقشات به



خیر حصول خواهد پیوست. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۹ شهر رجب المرجب ۱۲۸۴.  
(علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز.)

### [درخواست طلب تجار عثمانی از تاجر ایرانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتهاها مقرب الخاقانا دوستان  
استظهارا مشفقاً مکرماً.

عالیجاها مسیو الیاسقو و مسیو پارس و مسیو قوره‌سی تجار تبعه دولت علیه عثمانی از  
قرار سه طغرا تمسک مبلغ یک هزار و یکصد و پنجاه و شش تومان و چهار هزار و چهارصد  
دینار بدین موجب: تمسکی به اسم عالیجاها مسیو الیاسقو از دهم شهر ربیع‌الثانی گذشته به دو  
قسط، قسط اول به موعده یک ماه و نیم و قسط دوم به موعده دوماه. ایضاً به اسم عالیجاها مسیو  
پارس از دوم شهر صفر المظفر گذشته به موعده یک ماه و نیم. ایضاً به اسم قومپانیه طونبه از  
هفتم شهر ربیع‌الاولی گذشته به موعده ۴۵ روز. از خیرالحاج حاجی محمد تقی بنکدار  
مطالبات دارند که مدتی است از موعده مقرر تمسکات مزبوره منقضی و مقروض مزبور در  
ادای وجه مطالبات مشارالیهما اهمال و کوتاهی می‌نماید. مشارالیهما از قرار عرض حالی که به  
باش شهینداری تقدیم کرده‌اند اظهار داشته‌اند مکرر که مطالبات خودشان را از حاجی  
مشارالیه مطالبه کرده‌اند به امروز و فردا گذرانیده و این روزها جواب داده است به واسطه  
وهنی که در کارش حاصل است، تجار مزبوره از نصف مطالبات خودشان دست برداشته و  
نصف دیگر را بعد از هجده ماه به ضمانت حاجی محمدعلی نام دریافت دارند. چون تجار  
مزبوره به این قسم جواب او که محض یک نوع دسیسه و تزویر از برای حیف مال آنها منظور  
کرده نمی‌توانند از حقوق خود صرف نظر کرده و استدعا نموده‌اند [که] دوستدار قرار بدهد که  
با نگاهداری حاج مزبور حجره او بسته شده و دفاتر او ضبط گردد تا اینکه به انعقاد مجلسی  
تحقیقات لازمه بعمل آمده و قراری که مستلزم شد در وصول مطالبات آنها داده آید. علیهذا با  
کمال احترام متوقع است بعد از آنکه تمسکات مزبوره ملحوظ آنمقرب الخاقان دوستان  
استظهاری شد بدون تأخیر حاج مزبور را احضار و در صورتیکه از ایفای وجه مطالبات  
عالیشانان مشارالیهما تقاعد ورزد امروزه قرار بدهند حجره او باطلاع باش شهینداری ممهور و

هرچه دفاتر محاسبات او است ضبط شود تا موافق قاعده قراری در اینباب داده آید، امیدوارم بزودی از قرارداد لازمی خودشان دوستدار را مطلع دارند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی غره شهر شعبان المعظم ۱۲۸۴. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز.)

### [درخواست طلب تاجر عثمانی از تاجر ایرانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتهاها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

میرزاعلی تبریزی عامل مرحوم حاجی نورمحمد آقای مشیرالتجار به موجب یک طغرا نوشته پرداز تجارتنی مبلغ یک هزار و چهارصد عدد مجیدیه طلا از بابت قیمت مال فطوره ابتیاعی خود مقروض تاجر تبعه این دولت علیه می باشد. مشارالیه پیش از آنکه قرار ایصال وجه نوشته مزبور را بدهد از اسلامبول عازم تبریز شده و در بین راه وفات کرده است. حال نوشته مزبور را به باش شهیندری اقامه داشته مستدعی وصول و ایصال وجه آن شده اند. لهذا سوادى از نوشته مزبور لفاً ارسال داشته و با نهایت احترام خواهش دارم بطوریکه بر حسب نوشتجات متعدده از مرحوم مشیرالتجار جمیع قروض اسلامبول میرزاعلی مومی الیه برعهده اوست، قرار بدهند [که] معادل وجه نوشته مزبور از متروکات و املاک مشیرالتجار ضبط شده و در عوض طلب تبعه این دولت عاید گردد. بدیهی است هرچه زودتر از قرارداد منصفانه خودشان در اینباب فروگذار نکرده دوستدار را مستحضر خواهند داشت. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی سیم شهر شعبان المعظم ۱۲۸۴. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز.)

### [اختلاف تاجر عثمانی با تاجر ایرانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتهاها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

میرزاعلی نام گماشته و عامل مرحوم حاجی نورمحمد آقای مشیرالتجار که از جانب

مرحوم مزبور در اسلامبول دادوستد و تجارت داشته اوقاتی که در اسلامبول بوده به موجب یک طغرا برات تجارتی مبلغ پانصد عدد مجیدیه طلا از بابت طلب قومپانیه چلبی انوب و قرايط آقا تبعه دولت عليه عثمانی بعهده عالیشان میرزا محمد حسین پسر مرحوم مزبور حواله نمود بوده است. بعد از وصول برات مزبور به تبریز که عالیشان مشارالیه قبولی او را نمی نویسند و میرزا علی مزبور هم در عزیمت از اسلامبول به تبریز در بین راه وفات می کند و برات مزبور در دست قومپانیه مذکور می ماند. حال برات را نزد دوستدار فرستاده و خواهش قرار وصول وجه آنرا با یک صد و چهل و هشت عدد ونیم مجیدیه طلا که به موجب دفتر تتمه طلب قومپانیه مزبور از میرزا علی مومی الیه است نموده اند. لهذا سواد برات مزبور را لفاً ارسال داشته و از روی کمال احترام متوقع است به طوریکه بر حسب نوشتجات متعدده از مرحوم مشیرالتجار جمیع قروض اسلامبول میرزا علی مومی الیه برعهده مشیرالتجار مرحوم است، قرار بدهند [که] معادل وجه طلب قومپانیه مزبور را از مخلفات و متروکات و املاک مرحوم مزبور ضبط نمایند که در عوض طلب قومپانیه به تبعه این دولت علیه عاید شود. امیدوارم بزودی از قرارداد لازم در اینباب مضایقه ننموده و دوستدار را مطلع دارند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی سیم شهر شعبان المعظم ۱۲۸۴. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز.)

### [شکایت مجدد از شرارت علی آقا شکاک در خاک عثمانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتهاها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرماً.

تفصیل تعدیات و تخطیات علی آقا شکاک بطوریکه در مراسلات سابقه به کیفیت آنها اشاره گشته است. در هر مراسله مشعر از شرح و بسط مکرر است، چنانکه به تازگی هم اظهار داشته اند اختصاراً خاطر آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری را از چند فقره قتل و غارت مومی الیه که بدین تفصیل و علاوه بر جسارت قبل اوست:

- قضیه طاهر با چند نفر رفقای خود از طایفه هناری کسان علی آقای شکاک هزار و هشت راس از اغنام عشیرت هر لوش متوقفین حضاء الباق به غارت آورده اند.



- سی نفر سواره و چهل و پنج نفر پیاده کسان علی آقا حین غارت اغنام عشیرت میلان دو نفر آدم به قتل رسانیده و پنج نفر را مجروح ساخته و سه راس اسب از آنها کشته و قریب پانصد راس گوسفند به غارت آورده‌اند.

- پنجاه شصت نفر از کسان علی آقا به قریه راویان من توابع قطور هجوم برده و اغنام اهالی آنجا را به غارت آورده‌اند.

- علی آقا مزبور که قریب دویست نفر سوارهای خود به قریه آتش سه فرسخی باش قلعه به غارت فرستاده بوده است. دو نفر از ذکور و دو نفر از اناث به قتل رسانیده و جمع اغنام و انعام و اموال و سایر اشیاء اهالی قریه مزبور را به غارت آورده‌اند.

- جمع کثیری از کسان علی آقا به قریه قاشقول من قراءالباق ریخته ششصد و سی راس گوسفند اهالی آنجا را به غارت آورده‌اند.

لازم دید زحمت‌افزا و از روی کمال احترام مستفسر است که آیا خیال و تدبیر اندوستان اسظهار مشفق مکرم در رفع این همه شرارت و هرزگی علی آقای مزبور که آنی از تاخت و تاز دهات و عشایر این دولت علیه و قتل نفس آسوده نیست، به چه چیز بسته است. دوستدار را از کیفیت آن و قرار استرداد مبالغی اموال و اشیاء منهبه ازو مطلع دارند تا تکلیف خود را از آن قرار معلوم و مراتب را به جای لازم خود اظهار دارد. زیاده چه زحمت‌افزا شود. حرر فی ۲۲ شهر شعبان‌المعظم ۱۲۸۴. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز.)

### [ادامه مکاتبه در مورد غارت اموال توسط قشون ایران در خاک عثمانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقا مکرم.

دوستدار بر طبق مدلول مراسله مورخه دویم شهر رجب گذشته به عدد ۱۷ آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری که متضمن مقوله تجاوز و تخطی سواره و جمعیت با دستیاری و مراقبت ضبطیه و نوکر از خاک این دولت علیه به این طرف سرحد و غارت چند اوبه و ده و ظهور بی‌اعتدالی از آنها بود شرحی به جناب فخامت نصاب عبدالله پاشا متصرف لواء وان و حکاری قلمی داشته بود. در جواب اظهار داشته‌اند [که] با کمال توجه خاطر و مراقبت



کارگزاران و مأمورین سرحدیه این دولت در حصول نظم و امنیت حدود که آحاد ایلات و عشایر عثمانی را هیچ وقت جرئت و جسارت ارتکاب بی اعتدالی و بی مبالاتی مشهود نبوده است، جای تعجب است که تحقیقات نواب شاهزاده والاتبار معین الدوله حاکم خوی وارومی در نسبت این قبیل فقرات به نوکر و مأمور دولت به کدام مأخذ مربوط و مبتنی خواهد بود. معهذا مضایقه از آن ندارند که در حین انعقاد مجلس در سرحد جمع دعاوی و بیانات را به موقع مذاکره بگذارند چون اطلاع خاطر آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری از اظهارات جناب معزی الیه لازم بود زحمت افزا گردید. زیاده چه تصدیع دهد. حرر فی ۲۳ شهر شعبان المعظم ۱۲۸۴. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [قبول شهیندر برای شرکت در مراسم افطاری]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

شب بیست و دویم این ماه مبارک را از دوستدار دعوت نموده بودید که افطار را در دولت منزل آن مقرب الخاقان دوستان استظهاری صرف و از ملاقات مسرت ایات محظوظ و مبتهج گردد. بدیهی است در این شبها که ملاقات اندوست مشفق مکرم را از هر جهت طالیم، انشاءالله تعالی شب مزبور را زحمت افزا شده و لازمه سرور را حاصل خواهد کرد. زیاده زحمتی ندارد. ۱۷ شهر رمضان ۱۲۸۴. (علی بهجت).

### [درخواست اموال مسروقه تاجر عثمانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری در جواب رسیده دوستدار از قرار مراسله مورخه دهم شهر شعبان المعظم گذشته به عدد ۲۵ درباب یک لنگه مال التجاره مسیو تمستقلیس که در حمل حسین آقا مکاری در قریه قراغینی به سرقت برده اند اظهار داشته بودند احکام لازمه به عهده

نایب‌الحکومه خوی صادر و محصل مأمور کردند که در صورت صدق مراتب مرتکبین را بلا تأمل و تعلل به دست آورده عین مال یا قیمت آنرا دریافت و عاید سازند. مکاری مزبور که بعد از دوماه معطلی در قراعینی و خوی مراجعت کرده است مذکور می‌دارد مشارالیه که از اینجا روانه خوی شده همراه مأمورین به قراعینی می‌رود در آنجا مشخص می‌کنند صفرعلی و علی‌اکبر نامان کسان آقاخان آیرملو لنگه مزبور را برده و به خانه آقاخان سپرده بوده‌اند که پیشترها حسین آقا کیفیت امر را از حاجی اسد نام آدم خود به آن مقرب‌الخاقان دوستان استظهاری اظهار داشته بوده است. با وجود این قراری در استرداد آن داده نشده و بعد از چند روز بر حسب احضار نواب شاهزاده والاتبار معین‌الدوله حسین آقا و آقاخان و مأمورین و مکاری روانه خوی شده و بعد از تحقیق امر در آنجا هم نواب معزی‌الیه به مکاری می‌گویند پنجاه تومان در عوض قیمت لنگه مزبور گرفته و نوشته بدهد. نایب‌الحکومه خوی از مبلغ مزبور می‌خواهد بیست تومان کسر کند، مکاری قبول نکرده و روانه تبریز می‌شود. مجدداً آدمی فرستاده او را از این طرف گدووک سیدحاجی معاودت داده و باز به همان قرار خواسته بودند سی تومان داده نوشته بگیرند. به واسطه عدم تمکین مکاری کمال تغییر و بی‌حسابی هم در حق او بعمل آورند، ناچار عازم تبریز می‌شود. دوستدار از آنمقرب‌الخاقان دوستان استظهاری استفسار می‌کند که با وجود تحقق و تبیین امر و معلومیت مرتکبین حاصلی که از مأموریت محصل مرتب می‌بایست بود چه چیز بوده که دوستدار با وصف اعتقاد و تعهد آنمقرب‌الخاقان در استرداد یک لنگه مزبور بدین مرتبه ظهور عدز و عدم حقانیت از حکومت خوی را در این امر مامول [معمول] نمی‌کرد. متوقعم در اینباب تکلیف دوستدار را معین کرده اطلاع بدهند که با همه وضوح امر و معطلی مکاری مزبور اسکات او را به چه چیز حاصل سازد و جواب مراسله دوستدار را که متضمن قراردانی شد قلمی و ارسال دارند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۱ شهر شوال ۱۲۸۴. (علی بهجت‌باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز.)

## [ادامه مکاتبه در مورد شرارت علی آقا شکاک]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

باش شهبندری این دولت علیه که از بیست ماه قبل تا حال تفصیل تعدّیات و قتل و غارت علی آقا شکاک و سایر اشرار و قطاع‌الطریق عشایر ایرانیه متوقفین راس حدود را در ضمن مراسلات مختلفه التواریخ مندرج داشته و خواهش رفع غوایل و اغتشاشات و قطع و فصل دعاوی و مطالب سرحدّیه را نموده. در عرض این مدت ابداً خیال کارگزاران اینجا را که مفهوم دفع و ازاله موجبات اختلال و تمهید اسباب آسودگی تبعه و رعایای طرفین باشد به جایی بسته ندیده است به جز اینکه در هر چندی وسیله و عذری را دست‌آویز و مدتی تعطیل و تعویق امر قرار داده و درصدد امرار وقت باشند اقدام و موافقتی ظاهر نگردیده. چنانکه پیشترها هم دوستدار از عرض و اظهار حقیقت کیفیت به سفارت سنیه این دولت علیه مقیم طهران مجبورگشت بر حسب مذاکره لازمه در آنجا ملفوفه فرمان مبارک و احکام اکیده در این خصوص صادر و ارسال شد که به مراقبت و اهتمام اینجا بدون جواز هیچ‌گونه تأخیر قرار رویت و تسویه مطالب و دعاوی مزبوره داده آید، با وجود این تاکنون که زیاده از یک ماه است خبر وصول احکام مزبوره به دوستدار رسیده باز اثری از اقدامات آن طرف مشاهده نشده و مدلول آنها به موقع مذاکره گذاشته نگشته است. البته آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری ملتفت این معنی هستند اشرار مزبوره که از چندی قبل بی‌مانعی به طور دلخواه و به حرص تمام هرچه توانسته‌اند از قتل و غارت و بی‌مبالائی فروگذار ننموده‌اند. مادامیکه مورد تنبیه سخت و بلیغ نشده و به سزای اعمال خودشان نرسند به هیچ‌وجه دست از تعدی و تجاوز و قاحت‌بار کوتاه و کشیده نخواهند داشت. چنانکه در شهر جمعی الاخری گذشته جمعیتی از اشرار مزبوره کسان علی آقای مومی الیه و به تحریک او که در یک دفعه از چند پارچه دهات واقعه در قضا‌های کوار و الباق و قطور مبالغی اموال و اغنام و انعام آنها را غارت کرده و چند نفر را به قتل رسانیده بودند و دوستدار همان اوقات تفصیل آنرا در ضمن مراسله مورخه ۱۹ شهر رجب گذشته به عدد ۲۷ به آن مقرب‌الخابان دوستان استظهاری اظهار داشت به واسطه تسامح و تماهلی که روا داشته شد بر جسارت و خودسری آنها افزوده و به فاصله چهل روز از

این مقدمه مجدداً ابدال نام آدم علی آقا با چهل و پنجاه نفر از سرحد تخطی کرده و پانصد و پنجاه راس گوسفند اهالی قریه قشقه بلاغ را برداشته به این طرف گذرانیده‌اند و نظر بر اینکه صاحبان اغنام مزبوره از آن وقت تا حال هرچه تظلم نموده‌اند قراری در استرداد اغنام منهوبه و یک صد و پنجاه راس گاو و ماده گاو آنها که سابق در مراسله مزبوره به کیفیت آن اشاره رفته داده نشده است. این روزها چند نفر از کدخدای و ریش سفیدان قریه مزبور به تبریز آمده و عارض و متظلم هستند. لهذا دوستدار فرض خود دانست که دفعه دیگر به موجب مراسله رسمیه از قرارداد که در انعقاد مجلس مقرر به انجام مطالب و دعاوی مزبوره منظور کارگذاران اینجاست استفسار نموده و بزودی هرچه تمامتر از آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری جواب حاصل کرده و به سفارت سنیه اطلاع دهد. متوقع معجلاً دوستدار را از کیفیت قرارداد خودشان مطلع دارند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۲۶ شهر ذی حجه الحرام ۱۲۸۴. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [شکوائیه از دستگیری تبعه عثمانی توسط طلبکاران ایرانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتهاها مقرب الخاقانا دوستان استظهاریا مشفقاً مکرمًا.

جناب فخامت نصاب عبدالله پاشا متصرف لوار وان و حکاری از قرار شرحی که دو روز قبل واصل گشت بر طبق عرض و شکایت کسان ذیل:

اسمعیل ولد اسحق، رحیم ولد رضا و موشی ولد ابراهیم؛ از طایفه یهود ساکنین باش قلعه اظهار داشته‌اند که مومی الیهم و یک نفر مهتی نام ولد اسحق رفیق آنها که یک ماه ونیم قبل در مراجعت از تفلیس و عزیمت به موطن خودشان وارد سلماس شده بوده‌اند، هرچهار نفر مزبور را در آنجا به بهانه اینکه در باش قلعه از یک نفر ضعیفه طلبی داریم گرفته و حبس نموده‌اند. بعد از اخذ ده تومان وجه نقد و یک لوله تفنگ و بعضی اشیاء علیحده سه نفر مزبور را خلاص و مهتی مسطور را الان هم در حبس دارند. حقیقت دوستدار کمال حیرت را از این معنی حاصل دارد که اولاً مأمورین سرحدیه این مملکت به چه حق و به کدام قانون رعایای این دولت علیه را خودسر و بی پروا گرفته و از هیچ گونه اذیت و آزار در حق آنها فروگذار نموده

و محبوسشان می‌دارند و به خلاف حساب وجهی از آنها دریافت داشته و اموال آنها را ضبط می‌نمایند. ثانیاً این فقره را معنایی نمی‌دهد که به دست آویز ادعایی از یک رعیت این دولت علیه متعرض دیگران شدن و مجازات خواستن چه راهی خواهد داشت. البته آن مقرب‌الخاقان دوستان استظهاری کمابینگی ملتفت وقاحت این قسم حرکات خلاف انسانیت می‌باشند و تنبیه و تادیب کسانی را که مرتکب بی‌مبادلاتی می‌شوند، متحیم می‌شمارند. متوقع است [که] بزودی حکم موکد صادر و مأمور مخصوص روانه نمایند که رفته و مهتی مزبور را از حبس بیرون آورده و وجه نقد و سایر اشیایی که از آنها جبراً گرفته‌اند مسترد و قرار تنبیه مرتکبین را بطوریکه لازم است کاملاً داده و دوستدار را اطلاع بدهند. بدیهی است معجلاً از صدور حکم و فرستادن مأمور مضایقه ننموده، قرار این فقره را بزودی خواهند داد. زیاده چه زحمت دهد. فی ۱۱ شهر محرم الحرام ۱۲۸۵. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز.)

### [ادامه مکاتبه در مورد شرارت علی آقا شکاک]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتهاها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

در اواخر سال پارس‌نیل ۱۲۸۳ که علی آقا شکاک<sup>۱</sup> یک فقره اموال و دُواب و عوامل زراعت چند نفر از سکنه قضاء‌الباق را علناً غارت کرده و آورده بود چند روز بعد از آن نواب شاهزاده والاتباع که در تبریز بودند رقعۀ به دوستدار قلمی و اظهار داشتند [که] بعد از رفتن [به] خوی قدغن خواهد کرد [که] اموال و عوامل منهوبه را مسترد دارند و دوستدار هم بنویسد چند راس اسب و قاطر آقا اسمعیل جلودار اصفهانی را که در پیش اکراد آن طرف بوده تسلیم دارند. دوستدار مخصوصاً عالیشان حاجی خلیل آقا را روانه نمود که به محض ورود به وان لازمه تفحص بعمل آمده است و قاطرهای مومی‌الیه را تماماً تسلیم او نموده بودند. ولی نواب معزی‌الیه به طوریکه در اینباب به دوستدار نوشته و قرار داده بودند در استرداد تمام اموال و عوامل منهوبه مزبوره توجهی نداشته و علی آقا مزبور قدری از اشیاء و چند راس از دُواب را

۱. شکاک، قبیله‌ای گُرد است که در سرحد ایران و ترکیه سکونت دارند.

نگاهداری کرده و ردّ نکرده بود که دوستدار تفصیل تتمه منهوبات را در ضمن مراسله مورخه ۱۹ شهر رجب المرجب گذشته به عدد ۲۸ مندرج و خواهش قرار استرداد آنها را نموده است. از آن وقت تا حال که قراری داده نشده بلکه به هیچ وجه پرداخت نگردیده است. صاحبان مال مجدداً به متصرفی وان عارض و استدعای استرداد تتمه اموال خودشان را نموده‌اند که جناب عبدالله پاشا دو روز قبل شرحی در اینباب قلمی و از کیفیت قرارداد این فقره استفسار نموده‌اند. لهذا از روی کمال احترام زحمت‌افزا است که آنمقرب‌الخاقان دوستان استظهاری همین یک فقره را که خود نواب معزی‌الیه از کیفیت وقوع آن کمال اطلاع را داشته و به موجب نوشته متعهد انجام آن شده‌اند و تا حال تمشیتی داده نشده باشد میزان کار می‌توانید قرارداد که از مأمورین سرحدیه دولت علیه ایران در امور اتفاقیه مراقبتی ظاهر بوده یا مسامحه روا داشته می‌شود. خواهش دارم ایام عاشورا هم که گذشت و عجلتاً جای هیچ‌گونه عذر باقی نماند و بزودی هرچه تمامتر قرار و واریسی و تحقیق مطالب و دعاوی رعایای این دولت علیه را در طرف سرحدّ گذارده و راضی بر این معنی نشوند که قرار استرداد مبالغی اموال منهوبه آنها و تنبیه اشرار و متجاسرین آن طرف این همه تعویق حاصل کرده و رعایا و دهاتی بیچاره هر روز اسیر یک نوع صدمه و قتل و غارت اشرار باشد و این دفعه به طوریکه در عرض این پنج و شش روز منتظر وصول جواب شافی و اقدامات حسنه در فقرات و مطالب مزبوره است، امیدوار است هیچ‌گونه تعویق و تأخیر را جایز نداشته و بزودی دوستدار از اهتمامات خودشان در اینباب مطلع خواهند کرد. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۱ شهر محرم الحرام ۱۲۸۵. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [شکوائیه از ناامن بودن راه‌ها از راهزنان و غارتگران]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرماً.

امین نام مکاری سلیمانیه که در اوایل همین ماه صفرالمظفر به اتفاق قافله از سمت محال هشتروند بار خرما به اردبیل می‌برده است، میان قریتین آق بلاغ و توم آغاچ مقارن طلوع صبح چهارنفر سواره و یک نفر پیاده علی‌الغفله به سر مومی‌الیه که به جزیی فاصله از قافله عقب بوده ریخته و تفنگی به طرف او خالی کرده و یک راس قاطر او را دوانیده می‌برند. مومی‌الیه



همانروز رفته مراتب را به فرضی بیگ نام ضابط آنجا حالی می‌نماید. اگرچه مشارالیه مرتکبین را به جا آورده بوده است ولی می‌گوید قوه اینکه قاطر را از آنها مسترد کنم ندارم. مکاری مزبور ناچار روانه تبریز شده و استشهدنامه هم از اهل قافله در وقوع این فقره و بردن قاطرش به باش شهبندری تقدیم کرده و مستدعی استرداد قاطر منهوبه است. لهذا از روی کمال احترام زحمت‌افزا و متوقع است بزودی حکم لازمی صادر و مأموری معین کنند که به صحابت مکاری روانه شده و قاطر او را از مرتکبین مسترد و عاید داشته و نوشته رضامندی او را گرفته بیاورد. امیدوارم بزودی از صدور حکم و تعیین مأمور مضایقه نخواهند کرد که مکاری مزبور را از این جهت معطلی زیاده حاصل نشود. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۴ شهر صفرالمظفر ۱۲۸۵. (علی بهجت باش شهبندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [درخواست تتمه طلب تاجر عثمانی از ساعدالملک]

عالیجاه مجدت و نجات همراهها فخامت و مناعت اکتهاها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

دوستدار که از قرار مراسله مورخه غُره شهر محرم الحرام گذشته به عدد اوّل خواهش وصول و ایصال وجه طلب عالیجاه مسیو افتکید را از مرحوم ساعدالملک<sup>۱</sup> کرده بود. چند روز قبل قرار ایصال اصل طلب عالیجاه مشارالیه را داده ولی در رسانیدن تنزیل ایام گذشته آن که تا روز وفات مرحوم مزبور موافق قرار و قانون متداول عبارت از یک صد و بیست و دو تومان هفت هزار است مساهله شده و تا حال تعویق حاصل نموده است. لازم دید مجدداً زحمت‌افزار شود بطوریکه مشهود خاطر آن مقرب الخاقان دوستان استظهاری است، زیاده از این که تأخیر ایصال تنزیل ایام گذشته وجه طلب عالیجاه مشارالیه به قاعده وفق نخواهد داد قدغن نمایند وجه مزبور را از هر جا که لازم است تحصیل نموده و عاید دارند. و دوستدار را از قرارداد خودتان در اینباب مطلع نمایند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۴ شهر صفرالمظفر ۱۲۸۵. (علی بهجت باش شهبندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

۱. میرزا احمد خان ملقب به ساعدالملک یگانه فرزند میرزا تقی خان امیرکبیر از زن اوّلش بود و در سال ۱۲۷۷ ق. ریاست قشون آذربایجان را داشت.

## [درخواست طلب تاجر عثمانی از تاجر ایرانی که در اسلامبول قرض کرده بوده است]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان  
استظهارا مشفقا مکرّما.

عالیشان میرزاعباس تاجر تبریزی به موجب یک طفرا تمسک مبلغ سی و هشت هزار و  
پانصد و سی و نه غروش در اسلامبول از چلبی خضر دولت اوغلی قرض کرده و پیش از آنکه  
وجه نوشته را تمام و کمال کارسازی دارد از اسلامبول عازم تبریز شده است. صاحب طلب  
مزبور این اوقات تمسک را با وکالت نامه معتبر که به مهر سفارت دولت علیه ایران مقیم دربار  
این دولت علیه هم رسیده نزد عالیشان مسیو قارطالی تاجر تبعه عثمانی فرستاده که وصول  
نموده و ارسال دارد. عالیشان مشارالیه هم مکرّر به میرزا عباس مزبور پیغام فرستاده و به مقام  
مطالبه برآمده [، و او] قراری نداده است. بنابراین در اینباب عریضه به باش شهرداری تقدیم و  
مستدعی وصول و ایصال تتمه وجه نوشته مزبور [را] شده است. لهذا با نهایت احترام متوقع  
است زحمت کشیده و عالیشان میرزاعباس را احضار و قدغن نمایند بدون تأخیر و درنگ تتمه  
وجه نوشته مزبور را که هشت هزار و دویست و چهل و یک غروش رایج این دولت علیه است  
با تنزیل ایّام گذشته آن از مشارالیه دریافت نموده و تسلیم باش شهرداری کنند که عاید وکیل  
صاحب طلب مزبور شده و زیاده از این تعویق حاصل نکند. امیدوارم بزودی قرار امر را داده  
و دوستدار را مطلع خواهند کرد. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۷ شهر صفرالمظفر ۱۲۸۸.  
(علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز.)

## [ممنوعیت ورود نمک به خاک عثمانی و تلافی ایرانی‌ها]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان  
استظهارا مشفق مکرّما.

نظر بقرارداد عمومی که ادخال نمک و مملحات از خارج به ممالک محروسه این دولت  
علیه چنانچه آن مقرب الخاقان دوستان استظهاری هم اطلاع دارند، قدغن و در تحت

ممنوعیت قویه و در صورت ظهور خلاف اعم از رعایای دولت علیه و تبعه سایر دول که گماشتگان رسومات بر وفق دستور و قانون مقررہ مأمور ضبط مملحات معمولی و مصادره آن می‌باشند. جناب جلالت‌ماب حاجی احمد پاشا والی ولایت جلیله ارضروم دام مجده‌العالی بر طبق اظهار متصرفی بایزید مرقوم فرموده‌اند این روزها از طرف سرحداری اواجق به بهانه اینکه پیشترها چند بار نمک که در گذرانیدن از سرحد اواجق به خاک عثمانی به معرفت مأمور رسومات و قیر سردار گرفته شده است. به خلاف حساب عبور کاروانی را که از بایزید عازم وان بوده‌اند از آن سمت مانع و به مطالبه بعض تکالیف و عوارض محدثه چندبار اهالی کاروان را با دواب آنها در آنجا توقیف نموده‌اند. چون ظهور این قسم رفتار و حرکت از سرحداری مزبور در حق اهالی کاروان که رعایای این دولت علیه‌اند به غایت خلاف و منافعی قاعده است، لهذا از روی کمال احترام زحمت‌افزا و متوقع است که حکمی لازم بعهدہ سرحداری آنجا صادر و به اولین وسیله ارسال دارند که متعرض بارهای اهالی کاروان نبوده و اگر چیزی از آنها گرفته باشند رد کنند و مؤکداً آنها را از تصدی و مباشرت این قبیل بی‌حسابی‌ها محترز و متنبه داشته و قدغن نمایند من بعد حرکت خودشان به طریقه مستلزم مراتب دوستی و موالات دولتین علّیتین است، مبتنی محلی دارند. امیدوارم بزودی از صدور و ارسال حکم خاطر دوستدار را مطلع خواهند داشت. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۲۸ شهر صفرالمظفر ۱۲۸۵. (علی بهجت باش شه‌بندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [دعوت برای شرکت در عید تاجگذاری پادشاه عثمانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکنتها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقا مکرمًا.

روز پنج‌شنبه ۱۳ این ماه حریران رومی که عید سعید جلوس همایون سرکار اعلیحضرت قوشوکت پادشاه کل ممالک محروسه عثمانی خَلَدَ اللَّهُ مُلْكُهُ و سلطانه است. بدیهی است نظر به مراتب کمال صفوت و موالات حاصله فیما بین دولتین علّیتین طرفین را انبساط و سرور از حلول عید سعید در حد مساوات خواهد بود. علیهذا به مقام مزاحمت برآمده خاطر آن مقرب‌الخاقان دوستان استظهاری را مطلع می‌دارد که دوستدار روز مزبور را از اشخاصی که

برای تبریک و تهنیت قبول زحمت خواهند کرد، در باش شهرداری رسماً پذیرا خواهد بود و در این قبیل اعیاد که عمده حصول استفاضه از خدمت لازم‌المسرت دوستان فخام است. خواهش دارم شب جمعه پنجم شهر ربیع‌الاول را زحمت کشیده و نیم‌ساعت بعد از غروب در باش شهرداری صرف شام و خاطر دوستدار را از فیض صحبت خودشان مسرور دارند. زیاده زحمتی ندارد. فی ۲۹ شهر صفر ۱۲۸۵. (علی بهجت).

### [دعوت برای شرکت در مراسم عید تاجگذاری پادشاه عثمانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراها مقرب‌الحضرة‌العلیه دوست مکرم مهربانا. روز پنج‌شنبه چهارم شهر ربیع‌الاول که عید سعد جلوس همایون سرکار اعلیحضرت قویشوکت پادشاه کل ممالک محروسه عثمانی خلدالله ملکه و سلطان می‌باشد. بدیهی است آن دوست مکرم مهربان هم حصول انبساط و سرور را از حلول این عید سعید لازمه دوستی و مودت خودشان می‌دانند. خواهشمندم شب جمعه پنجم شهر مزبور را قبول زحمت کرده و نیم‌ساعت بعد از غروب آفتاب در باش شهرداری صرف شام و از لقای بهجت‌افزای خودشان خاطر دوستدار را مسرور دارید. زیاده زحمتی ندارد. فی غُره شهر ربیع‌الاول ۱۲۸۵. (علی بهجت).

### [ادامه مکاتبه در مورد ممنوعیت ورود نمک به خاک عثمانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراها مقرب‌الحضرة‌العلیه دوست مکرم مهربانا. دوستدار مراسله بتاريخ ۲۸ شهر صفر‌المظفر گذشته درباب قدغن بودن حمل و نقل نمک از خارج به ممالک محروسه این دولت علیه خدمت آن مقرب‌الخاقان نوشته و از مراتب مفصلاً آگاهی داده و خواهش نموده بود که حکمی لازم به سرحداری اواجق قلمی دارند. هنوز جواب مراسله مزبوره را آن مقرب‌الخاقان نداده و معلوم نکرده‌اند که در فقره مزبوره چه قرار داده و چه حکم صادر کرده‌اند. مجدداً این روزها از متصرفی وان بدوستدار نوشته‌اند کاروانی که دروان نمک آنها را بطریق قانون مقرر ضبط کرده‌اند در ازاء آن از طایفه تقوری یک‌صد و دوازده راس و از طایفه میلانی هشتاد و چهار راس عوامل باری که همراه کاروان

مزبور معاودت کرده بودند در خوی به طریق گروکشی ضبط نموده‌اند. به جهت استرداد عوامل مزبوره جناب جلالتماب والی ولایت ارزنة الروم به کارپردازی دولت علیه ایران اعلام نموده از کارپردازی به مأمورین دولت ایران نوشته شده است که عوامل مزبوره را تماماً و کمالاً به صاحبانش رد نمایند. علیهذا از آن مقرب الخاقان خواهش می‌شود که حکم مؤکدی صادر فرموده و محصل مخصوص روانه دارند برود مال‌های مزبوره را گرفته و رد کنند و اگر به جهت فقره نمک حرفی داشته باشند در ارزنة الروم کارپرداز دولت علیه ایران با جناب معظم له گفتگو خواهند کرد. در صورتیکه از طرف اهالی ایران بنای گروکشی را می‌گذارند از آن طرف نیز به این مقام‌ها خواهند آمد و این امر که به خلاف قانون دولتی است، تسلسل خواهد یافت و باعث مرارت مأمورین دولتین علّیتین خواهد بود. امیدوار است بزودی احکام لازم را صادر و محصل را مأمور دارند و دوستدار را اطلاع دهند. زیاده زحمت است. تحریراً فی ۱۸ شهر ربیع الاول ۱۲۸۵. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

### [ادامه مکاتبه در مورد درخواست طلب تاجر عثمانی از تاجر ایرانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتتاماً مقرب الخاقانا دوستان استظهاراً مستشفقاً مکرماً.

دوستدار را کمال حیرت از ملاحظه مراسله جوابیه مورخه بیستم شهر حال آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری که در باب تمه طلب چلبی خضر دولت اوغلی از عالیشان میرزا عباس قلمی داشته بودند حاصل آمد. اظهار داشته‌اند از عالیشان میرزا عباس که در اینباب تحقیق کرده‌اند، او خود را به موجب تمسکی که در دست است به چلبی خضر مقروض نمی‌داند و می‌گوید تاریخی که در تمسک مرقوم است مدتی بعد از انقضای آن او در اسلامبول بوده، اگر چلبی خضر ازو طلبی داشت، مطالبه و دریافت می‌نمود و نمی‌گذاشت طلب او را نداده به تبریز بیاید. مجدداً زحمت‌افزاست که اولاً عالیشان مشارالیه مکرر مقروض بودن خود را به تمه وجه تمسک مزبور در حضور دوستدار اقرار نموده و قرارداد تا یک هفته کارسازی دارد، بعد که تخلف نمود و مراتب به آنمقرب الخاقان اظهار شد، مشارالیه را خواسته باز در مجلس خودشان که جمعی حاضر بوده‌اند بدین اقرار معترف بوده. منتها چنانچه

دوستدار هم گفته و اظهار داشته بوده است من هم معادل ده و دوازده مجیدیه طلا از چلبی خضر مشارالیه ادعا دارم و در صحت تمسک حرفی نیست. حال چگونه است که می‌گوید خود را به تتمه وجه تمسک مزبور مقروض نمی‌دانم و آنمقرب‌الخاقان هم با وصف مراتب مزبوره سخنی را که هیچ‌وقت در مقابل سندی قوی اعتبار نتوان کرد در مراسله رسمیّه درج می‌نمایند. ثانیاً که متمسک عذر به انقضای مدتی از تاریخ تمسک است زحمت می‌دهد، سند مزبور و جوهری که در ظهّر آن وجه ضمن شده است، مگر به ملاحظه آنمقرب‌الخاقان نرسیده که با وصف بودن میرزا عباس در اسلامبول و گذشتن هجده ماه از نوشته چهل و پنج روزی خود که از فقره آخری معلوم است چلبی مشارالیه نتوانسته است تمام وجه تمسک مزبور را استیفا دارد و اگر از عزیمت او به تبریز اطلاع بهم می‌رسانید، چنانچه مفهوم امضای سفارت آندولت علیه هم وکالت‌نامه را بر این است البته تا طلب خود را اخذ نمی‌کرد مانع می‌آمد. بالجمله عالیشان مشارالیه را به هیچ‌وجه نمی‌رسد که در اینباب به ترتیب مجلس اجلاس و تعیین منصف از طرفین معتذر شده و حق تاجر تبعه ایندولت را بدین وسایل بتعویق بیندازد و دوستدار خود را بدون تعلق شرط و قیدی به مطالبه و تحصیل تتمه وجه طلب تاجر مزبور و تنزیل ایام گذشته آن مکلف دیده و سواد سند مزبور را هم ارسال داشته با کمال احترام متوقع است بطوریکه وجه مزبور را وصول نموده در کارگذاری حاضر دارند و قدغن نمایند [که] تنزیل ایام گذشته آن را هم وصول کرده به اطلاع باش شهبندری عاید وکیل صاحب‌طلب مزبور دارند و زیاده از این راضی بتعویق وجه طلب مزبور نشوند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۲۲ شهر ربیع‌الاول ۱۲۸۵. (علی بهجت‌باش شهبندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

[سواد کاغذ تاجر عثمانی که از صاحب‌منصب ایرانی طلب دارد]

سواد عریضه عالیجاه مسیو افکیدی

عرضه داشت

اول التجار و اصلاکی افکیدی خدمت سرکار فخامت آثار باش شهبندر دولت علیه عثمانی درباب طلبی که از مرحوم حاجی نورمحمد آقا مشیرالتجار داریم، چون از قرار معلوم پسران مرحوم مشارالیه جمیع مخلفات و اثاث‌البیت خانه را حراج نموده و خانه و باغچه که از

مرحوم مزبور مانده به مبلغ یک هزار و چهارصد و پنجاه تومان به آقا میرزا اسدالله پسر قوام‌الدوله<sup>۱</sup> فروخته‌اند. لهذا استدعا از باش شهبندری اینکه به سرکار مقرب‌الخاقان نایب‌الوزاره اظهار دارند [که] وجه اشیاء و خانه مزبور را از بابت وجه طلب کمترین ضبط نموده و نگاه دارند. اگر بعد از رسیدگی‌های لازم در طلبکاری خود از مرحوم مزبور محق شد، تنخواه را از بابت طلب به کمترین بدهند، والا به خودشان تسلیم دارند. زیاده عرض ندارد. حرر فی ۱۲ شهر ذی قعدة الحرام ۱۲۸۵.

### [درخواست طلب تجار عثمانی از تاجر ایرانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

بیشتر درباب مطالبات چند نفر از تجار تبعه دولت علیه عثمانی از میرزا علی نام گماشته و عامل مرحوم حاجی نور محمد آقای مشیرالتجار که بر حسب نوشتجات متعدده از مرحوم مزبور [که] جمیع قروض اسلامبول میرزا علی مومی‌الیه بر عهده او بوده است، شرحی به تاریخ بیستم شهر شعبان ۱۲۸۴ بعدد ۳۱ و ۳۲ خدمت آنمقرب الخاقان نوشته و به ارسال سواد استادی که در دست ارباب طلب است، خواهش قرار وصول و ایصال وجه مطالبات آنها را از متروکات مرحوم مزبور کرده بود. از اینکه تا حال از جانب آنمقرب الخاقان قراری در اینباب داده نشده و این روزها مجدداً عالیجاه مسیو اقلیدی و مسیو قوره‌سی به تقدیم عرض حال و عالیجاه مسیو ورت هم وکالۀ از جانب یک نفر تاجر رعیت این دولت از تأخیر قرارداد این امر به مقام شکایت برآمده‌اند. لهذا سوادى از عرض حال مزبور لفاً ارسال داشته زحمت افزاست که بعد از ملاحظه و اطلاع بر مدلول عرض حال مزبور هرگونه اقدام و اهتمامی که در اینباب معجلاً به کار خواهد برد خاطر دوستدار را از کیفیت آن مطلع دارند. زیاده چه زحمت دهد. فی ۲۹ شهر ذی قعدة الحرام ۱۲۸۵. (علی بهجت باش شهبندر دولت علیه عثمانیه در تبریز.)

۱. میرزا عباس‌خان ملقب به قوام‌الدوله سرهنگ و رئیس تلگرافخانه آذربایجان بوده و در سال ۱۲۹۵ ق. به منصب سرتیپی نایل آمد.

## [درخواست طلب تجّار عثمانی از صاحب‌منصب ایرانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرّماً.

محمد آقا نام از تبعه دولت علیه عثمانی که از دو سه سال قبل در بلده خوی اقامت داشته، عریضه به باش شهبندری داده و شکایت می‌کند مشارالیه که پیشترها در طهران بوده مبلغی تنخواه در آنجا به موجب تمسک عالیجاهان محمدباقرخان سرهنگ خوبی و عباسقلی‌خان سیستانی داده. عالیجاهان مشارالیهما هم برات کشیده بوده‌اند که طلب او را در خوی کارسازی دارند. بعد از رسیدن مشارالیه به خوی که ادای وجوه مطالبات او را به تأخیر انداخته بوده‌اند، با رضا با کسان عالیجاهان مشارالیهما تمديد معامله کرده تا اینکه خود آنها به خوی آمده و باز در رسانیدن مطالبات او دفع‌الوقت نموده به امروز و فردای گذرانیده‌اند. هم چنین حاجی آقا نام آدم عباسقلی‌خان هم شصت تومان از محمد آقای مزبور قرض کرده بعد از مدتی همان حاجی آقا نام آمده و مشارالیه را با نوشتجات و اسنادی که داشته است برداشته به جهت تفریغ حساب به منزل محمدباقرخان می‌برد و مشارالیه را تا سه ساعت از شب گذشته به یک بهانه در آنجا معطل می‌کنند بعد بی محاسبه برخواسته به منزل خود می‌آمده است به سر مشارالیه ریخته و او را از چند جا زخم کاری زده و بدین تفصیل: نشان شیرخورشید طلا عدد، ساعت طلا دستگاه، مجیدیه طلا ۳ عدد، امپریال ۲ عدد، ایضاً وجه نقد، کمر مطلا، کارد کمر قبضه، قبا‌ی نظامی ماهوت ثوب، کلچه پوشی ماهوت ثوب، عبای نجفی، کفش و چوبوق، تمسک محمدباقرخان، تمسک عباسقلی‌خان، تمسک حاجی آقا و تمسک علی آقا شکاک. وجه نقد و ملبوس و اسناد او را غارت کرده می‌برند.

بعد از آن او را با حالت مُردَنُ به منزل عباسقلی‌خان برده و تا هشت ماه دیگر مشغول معالجه و مداوا بوده است که بعد از صحت یک چشم او هم که از صدمه ضربه مرتکبین مجروح شده بوده است معیوب می‌گردد. از این قرار معلوم خاطر آن مقرب‌الخاقان دوستان استظهاری خواهد بود چنانچه در این مقدمه قویاً پای تحریک و دخالت حاجی آقای مومی‌الیه در میان است، خاطر عالیجاهان مشارالیهما هم البته از این تمهید خالی از اطلاع نخواهد بود. علیهذا صورت مطالبات مشارالیه را که از این قرار است [که] در ذیل مندرج کرده: از



محمدباقرخان سرهنگ ع<sup>۱</sup>، از عباسقلی خان ع... از حاجی آقا نام ع...، از علی آقای شکاک ع... و در عرض راه چهارنفر سواره گرد مجبوراً کاغذی به مشارالیه مهر کرده‌اند.

از روی کمال احترام زحمت‌افزا و خواهشمند است حکم لازم و مؤکد صادر و مأمور مخصوص روانه فرمایند رفته اولاً وجوه مطالبات او را اصلاً و فرعاً از عالیجاه محمدباقرخان سرهنگ که تمسک قدیم او از طرفین در خوی سپرده به میرزا رضانام حکیم است و از سایرین وصول و ایصال دارد. و ثانیاً حاجی آقای مزبور را که موافق اقرار خود در پیش دو نفر از اهل خوی و شهادت آنها در محضر یکی از علمای آنجا [که] مرتکب این قسم جسارت شده و به عزم قتل محمدآقا مزبور بوده است به تبریز بیاورد تا حضوراً قرار واری و اخذ دیات شرعیه او داده شده و احقاق حق و مکافات لازمه این امر بعمل آید. امیدوارم از صدور حکم مؤکد و روانه داشتن مأمور خاطر دوستدار را قرین اطلاع دارند. زیاده چه زحمت دهد.

حرر فی هشتم شهر ذی حجه الحرام ۱۲۸۵. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانیه در تبریز.)

### [ اختلاف تاجر موصلی با کارگزار اشنویه ]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتهاها مقرب الخاقانا مخلصان استظهارا عالی مشفقاً معظماً.

خواجه بطروس نام تاجر موصلی رعیت دولت علیه عثمانی که از مدتی قبل در اشنویه مشغول تجارت است قدری نیل آورده بوده است که در آنجا به فروش برساند. عالیجاه آقایگ یاور مباشر اشنویه یک‌من نیل از مومی الیه به قیمت نازل خواسته او هم به واسطه اینکه ضرر می‌کرده است نداده. از این جهت چند نفر آدم فرستاده خواجه مزبور را از حجره‌اش کشیده و یک‌من نیل او را هم به روز می‌برند. همین که او را پیش عالیجاه مشارالیه حاضر می‌کنند بنای دشنام و فحش گذارده به کسان خود حکم می‌کند او را به حدی چوب‌کاری می‌نمایند که از هوش می‌رود و مبلغ هجده تومان و پنج هزار و پانصد دینار پول نقد هم که در بغل داشته بیرون می‌آورند. خواجه مزبور استشهادی در اینباب از چند نفر گرفته

۱. اعداد سیاق بود و خوانده نشد.



روانه ارومیه شده و پانزده روز از صدمه چوبکاری در آنجا ناخوش می‌شود و از اینکه حکومت آنجا قراری در تظلم او نداده، به این حالت در آنجاها امر تجارت او از پیش نمی‌رفته است. ناچار عازم تبریز شده به اقامه استشهادنامه مزبور به باش شهرداری در مقام شکایت و دادخواهی است. لهذا سواد استشهادنامه مزبور را لفاً ارسال خدمت سرکار آنمقرب الخاقان نموده از روی کمال ارادت زحمت‌افزاست قدغن نمایند [که] حکم لازم بعهده مأمور مخصوص صادر گردیده و مصحوب خواجه مزبور فرستاده شود تا قرار استرداد وجهی که از بغل او در آورده‌اند با قیمت یک‌من نیل داده شده و ترضیه او در ازاء حرکت خلافی که آقاییگ مشارالیه و کسان او صادر گردیده کاملاً بعمل آمده، رعایای دولت علیه عثمانیه به مقتضای کمال اتحاد و مصافات دولتن علیتین بتواند در ممالک آندولت علیه به آسودگی و بدون تعرض و مزاحمت بعضی مردم عاری از علم به اصول و قواعد مقرر فیما بین به امر تجارت خودشان اشتغال ورزند. امیدوارم بزودی از صدور حکم مؤکد در اینباب مضایقه نفرمایند. زیاده زحمت عرض ندارد. حرر فی ۲۲ شهر جمادی‌الاولی ۱۲۸۶. (تمستقلیس نقل‌اندیس).

### [درخواست رسیدگی به امور معوقه شهرداری]

یادداشت باش شهرداری به کارگذاری مهام خارجه بتاريخ ۸ شهر ربیع‌الاول ۱۲۸۷.  
 [-] استاد حسن نام ساوجبلاغی پسر استاد صالح به موجب یک طغرا سند شرعی دوباب خانه خود را در ساوجبلاغ الی مدت دوماه در عوض یک‌صد ونود تومان در نزد کاک احمدنام رواندوزی رعیت دولت علیه عثمانی بیع شرط گذاشته حال زیاده از ده ماه می‌شود که از موعد بیع شرط نامچه انقضا یافته و مقروض مزبور نه قراری در ایصال وجه استقراضی خود داده و نه خانهای مُبَّعَه را واگذار کاک احمد مزبور می‌نماید. چون صاحب طلب مومی‌الیه بواسطه تأخیر وصول وجه طلب خود حکم شرعی جداگانه هم در واگذاری خانهای [خانه‌های] میبعه به خود صادر کرده بنابر آن قدغن فرمایند در اینباب حکمی به حکومت ساوجبلاغ صادر گردد و قراری که لازم است در ایصال وجه طلب مومی‌الیه با مرابحه ایام گذشته آن از مقروض مزبور بدهند. والا خانهای [خانه‌های] مزبور را تخلیه نمایند که به معرض فروش

رسیده و قیمت آنها عاید صاحب طلب شود و حکم مزبور را به باش شهبندری ارسال دارند که از خود عارض ابلاغ گردد.

[۱-] در باب سه بار مازوج<sup>۱</sup> خضر نام رواندوزی رعیت عثمانی که پارسال کسان محمد آقا و شیخه آقا در سمت لایجان<sup>۲</sup> از مومی‌الیه به غارت برده‌اند، اگرچه همان اوقات در طبق اظهار باش شهبندری شرحی از کارگذاری بمقرب‌الخاقان شجاع‌الدوله نوشته و مصحوب خضر مزبور ابلاغ گردیده بود، ولی مثمر‌ثمر نشده و نخواستہ بودند قراری در استرداد سه بار مازوج و احقاق حق مومی‌الیه بدهند. حال مجدداً آمده از تعویق این امر شکایت می‌نمایند، قدغن نمایند حکم موکدی در اینباب به حکومت ساوجبلاغ صادر گردیده و مصحوب عارض مزبور فرستاده شود تا عین سه بار مازوج یا قیمت آنها را از کسان محمد آقا و شیخه آقا مسترد و ایصال دارند.

[۲-] به قراریکه عالیجاه سلیم آقا وکیل شهبندری ساوجبلاغ اظهار داشته است، ذوالنون نام موصلی رعیت عثمانی که در سردشت مشغول تجارت است چندی قبل کسان رسول آقای ربطی حجره او را بریده سیصدویست تومان وجه نقد از حجره او برده‌اند و در مقام تفتیش ارتکاب کسان مشارالیه تحقیق پذیرفته، ولی بواسطه عدم استقلال امر حکومت آنجا قراری در گرفتاری مرتکبین و استرداد وجه مسروقه داده نشده است. قدغن نمایند حکم لازمی صادر و به باش شهبندری ارسال شده بتوسط عالیجاه سلیم آقا ابلاغ گردیده قرار دستگیری مرتکبین و استرداد وجه مزبور از آنها داده شود.

[۳-] استاد محمدگوی سنجاغی رعیت دولت علیه عثمانی مقداریست من شوره<sup>۳</sup> در ساوجبلاغ به آقا محمدتقی نام همدانی داده بوده است که برده در سردشت تسلیم شریک او نماید. محمدتقی مزبور شوره را تغریط کرده بالآخره که امر فیما بین آنها منجر به مرافعه و قسمی به استاد محمد راجع گردیده است. با وصف این محمدتقی مزبور قراری در ایصال بیست من شوره نداده و به تعلل می‌گذرانند. در اینباب هم حکمی صادر نمایند [که] به مقتضای قانون شرع ادعای استاد محمد مزبور را کفایت بدهند.

۱. مازوج = مازو، بار درختی است و بدان پوست را دباغی کنند و یک جزو از اجزای مرکب هم هست.

۲. لاریجان = لایجان = لاهیجان، ناحیه‌ای است در جنوب آذربایجان غربی بین ساوجبلاغ (مهاباد) و اشنویه.

۳. شوره جسمی است سفید متبلور (KNO<sub>۳</sub>) شبیه نمک که در شوره‌زارها حاصل شود، و آنرا مصنوعاً هم تهیه کنند و برای ساختن باروت بکار رود.

## [درخواست طلب تاجر عثمانی از رعایای ایران]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا مخلصان استظهارا مشفقاً معظماً.

درباب طلب عالیجاه مسیواقکیدی از مرحوم آقا نصیر و قرار ایصال آن از قیمت خانه و باغچه [آن] مرحوم سرکار آنمقرب الخاقان می‌دانید از دوسال متجاوز است که مذاکره این فقره فیما بین باش شهبندری و کارگذاری امتداد بهم رسانیده و در عرض این مدت مکرر از وزارت امور خارجه دولت علیه ایران احکام لازمه بعهده سرکار آنمقرب الخاقان صادر و تقدیم شده، با وصف این هنوز کفایت این امر در معرض تأخیر است. چون سفارت سنیّه این دولت علیه مجدد از وزارت مزبوره حکم موکدی در اتمام این معنی گرفته به باش شهبندری ارسال و تأکید فرموده‌اند که در اوّل وسیله به مراقبت لازمه قرار فروش خانه مزبور داده شده و قیمت آن در عوض وجه طلب عالیجاه مشارالیه عاید گردد و علیهذا حکم مزبور را لفاً ارسال خدمت سرکار آن مخلصان استظهاری داشته و از روی کمال احترام زحمت‌افزا و خواهشمند است به وجهی مرعی دارند که بزودی قرار ایصال وجه طلب عالیجاه مشارالیه از آن بابت داده شده از تطویل ذیل این مطلب فراغت حاصل آید و ضمناً متوقع است از وقتی که خانه مزبور ضبط و به اجاره داده شده است، قرار دهند وجه اجاره آن مدت را هم عاید مسیواقکیدی دارند. زیاده چه زحمت دهد. فی ۱۶ شهر ربیع الاول ۱۲۸۷. (تمستقلیس نقلانیدیس).

## [درخواست طلب رعیت عثمانی از رعیت ایرانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا مخلصان استظهارا مشفقاً معظماً.

دوستدار که به موجب یادداشت مورخ به تاریخ هفتم این ماه دربای طلب کاک احمد نام رواندوزی رعیت دولت علیه عثمانی از استادحسن زرگر ساوجبلاغی زحمت‌افزا گردیده خواهش صدور حکم و تعین مأمور به جهت وصول و ایصال وجه طلب او کرده بود. حکمی از جانب جناب جلالت‌ماب سردار کل دام اقباله‌العالی صادر لیکن علاوه بر آنکه مأمور مخصوص

معین نفرموده‌اند، در ضمن حکم تصریح کرده‌اند که مقروض مومی‌الیه قرار ایصال طلب او را از نقد یا جنس بدهد و حکم را پیش دوستدار ارسال داشته بودند که از خود عارض ابلاغ گردد. چون حکم مزبور در طبق شکایت کاک احمد مرقوم و در مقابل به تفصیلی که مومی‌الیه از تأخیر وصول وجه این طلب در این مدت بیان و تظلم می‌نماید کافی دیده نمی‌شد. لزوماً در ضمن این مراسله پس فرستاده از روی کمال احترام به مقام مزاحمت برمی‌آید در صورتیکه مقروض مزبور کمال قدرت را به ادای وجه استقراضی خود دارد، وانگهی دوباب خانه خود را بیع شرط گذاشته و دیگر صاحب طلب به چه ملاحظه باید در عوض وجه طلب خود جنس بگیرد و یا در روانه داشتن مأمور به جهت وصول و ایصال وجه طلب حسابی او تأملی روا داشته شود. متوقعم قرار دهد حکم مجددی در اینباب بعهد مأمور مخصوص صادر شود و به اتفاق مومی‌الیه روانه گردیده طلب او را که تا حال بی‌جهت و از راه لجاج بعهد تعویق انداخته با مراحه ایام گذشته آن از استاد حسن وصول نموده عاید دارد والا خانهای [خانه‌های] مُتَبِعَه را به معرض فروش آورده و قیمت آنها را از بابت طلب کاک احمد کارسازی کند. امیدوارم حکم مزبور را بزودی صادر و با مأمور به باش شهبندری بفرستند که به اتفاق عارض روانه گردیده و زیاده از این مومی‌الیه به جهت این امر در اینجا معطل نشود. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۹ شهر ربیع‌الاول ۱۲۸۷. (تمستقلیس نقلانیدیس.)

#### [دعوت از صاحب منصب ایرانی برای شرکت در مراسم تاجگذاری پادشاه عثمانی]

عالیجاها مجدت و فخامت اکتناها مقرب الخاقانا مخلصان استظهارا مشفقاً معظماً.  
روز شنبه ۱۳ این ماه حزیران رومی مطابق روز ۲۵ ماه جاری ربیع‌الاول که عید جلوس همایون سرکار اعلیحضرت قویشوکت پادشاه کل ممالک محروسه عثمانی خَلَدَ اللَّهُ مُلْكَهُ و سلطانه می‌باشد، به جهت اطلاع خاطر سرکار آنمقرب الخاقان از حلول این عید سعید که نظر به لوازم صفوت و اتحاد حاصله فیما بین دولتین علّیتین طرفین را کمال سرور و انبساط از این معنی به حصول خواهد پیوست به مقام مزاحمت برآمده که دوستدار روز مزبور را از اشخاصی که برای تبریک و تهنّیت قبول زحمت خواهد کرد در شهبندرخانه پذیرا خواهد بود. زیاده چه زحمت دهد. فی ۲۱ شهر ربیع‌الاول ۱۲۸۷. (تمستقلیس نقلانیدیس.)

[درخواست پول تاجر عثمانی که در نزد ایرانی به امانت گذاشته بوده است]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا مخلصان  
استظهارا مشفقاً مکرماً.

حاجی عباس نام کرکوکی رعیت دولت علیه عثمانی اظهار می‌دارد [که] مشارالیه چند روز قبل در ساوجبلاغ یک کیسه پول که عبارت از هفتاد تومان باشد، به حاجی میرزا عبدالغفور نام ساوجبلاغی سپرده و یک روز بعد رفته [که] کیسه را باز یافت دارد. حاج مرقوم مدعی گردیده شب هنگام حجره او را بریده کیسه حاجی عباس را برده‌اند. مراتب که بتوسط وکیل شهرداری ساوجبلاغ به حکومت اظهار شده نه تحقیقاتی که در ادعای حاجی مزبور لازم بوده بکار برده‌اند و نه در پی تجسس و گرفتاری مرتکب بوده‌اند. ناچار حاج مومی‌الیه عازم تبریز گردیده به باش شهرداری شکایت می‌نماید. علیهذا از روی کمال احترام زحمت‌افزا و متوقع است حکم لازم و موکدی بعهده مأموری که البته به جهت وصول و ایصال وجه طلب احمد عزیز از استاد حسن ساوجبلاغی روانه خواهند کرد، صادر فرمایند که به اتفاق عارض مرقوم رفته قرار استرداد امانت او را هم از حاجی عبدالغفور که هیچ‌گونه قرینه و علامت بر صدق ادعای او دلالت نداشته بدهد. والا مرتکب را دستگیر نموده و امانت او را مسترد دارند. امیدوارم بزودی از صدور حکم و تعیین مأمور مضایقه نفرموده و خاطر دوستدار را با ایراد جواب قرین استحضار دارند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی هشتم شهر ربیع‌الثانی ۱۲۸۷. (تمستقلیس نقلائی‌دیس).

[درخواست طلب رعیت عثمانی از تبعه ایرانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا مخلصان  
استظهارا مشفقاً مکرماً.

آنمقرب الخاقان مخلصان استظهاری در طبق مراسله مورخه ۱۹ شهر ربیع‌الاول باش شهرداری دایر به فقره طلب احمد عزیز رواندوزی از استاد حسن ساوجبلاغی که دوستدار خوااهش صدور حکم و تعیین مأمور به جهت وصول و ایصال وجه طلب او کرده بود، حکمی از

جانب جناب جلالتماب سردار کل دام مجده‌العالی بعهده نایب‌الحکومه ساوجبلاغ صادر و ارسال داشته بودند. دوستدار نظر به تأملی که جناب معظم‌له در روانه داشتن مأمور به جهت این فقره داشتند، دیگر اصرار ننموده همان حکم را مصحوب عارض مومی‌الیه ارسال داشته بود. به قراریکه عالیجاه سلیم آقا وکیل شهیندر ساوجبلاغ و خود احمد عزیز نوشته‌اند، علاوه بر آنکه قبل از شکایت عارض مزبور به باش شهینداری قرار ایصال دویست و یک تومان تمام وجه طلب او را از جنس می‌دادند، بعد از ابلاغ حکم که بر وفق مدلول آن می‌بایست وجه طلب او را نقداً از مقروض مزبور وصول کرده برسانند یا دوباب خانه او را که موافق بیع شرط نامچه شرعی متعلق به احمد عزیز بوده فروخته در عوض وجه طلب او ایصال دارند، معادل یکصد و چهار تومان جنس از بابت طلب به سر احمد عزیز ریخته و اسناد او را جبراً و عنفاً از دستش گرفته و یازده تومان وجه نقد هم به رسم ده یک ازو دریافت داشته‌اند. مومی‌الیه در مقابل این قسم حرکت متعدیانه حکومت ساوجبلاغ به جز اینکه تسلیم بشود، چاره‌ای نداشته و تظلم خود را به باش شهینداری کرده است. بنابر آن مراتب را به جهت اطلاع خاطر سرکار آنمقرب‌الخاقان اظهار داشته از روی کمال احترام خواهش صدور حکم مجدد و تعیین مأمور می‌نماید که رفته اجناس مزبوره را به استاد حسن ردّ نموده بر حسب مدلول حکم سابق وجه طلب احمد عزیز مزبور را ازو که قادر به ادای وجه استقراضی خود می‌باشد وصول نموده برساند. والا خانهای [خانه‌های] مُبَیَّعَه را به معرض فروش آورده و قیمت آنها را در عوض طلب احمد عزیز عاید دارد و زاید نمی‌داند زحمت بدهد که اگر این دفعه باز تردیدی در روانه داشتن مأمور و قبول خواهش حسابی دوستدار روا داشته شود، ناچار می‌گردد مراتب را من غیره قابلیت به سفارت سنیه این دولت علیه مقیم طهران معروض دارد. متوقعم بزودی جواب مراسله را قلمی داشته خاطر دوستدار را از قرارداد خودشان در اینباب مستحضر دارند. زیاده چه زحمت دهد. فی بیستم شهر ربیع‌الثانی ۱۲۸۷. (تمستقلیس نقلائیدیس).

### [درخواست اموال تاجر عثمانی که در سردهشت به سرقت برده‌اند]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا مخلصان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

دربار سیصدویست تومان تنخواه مسروقه ذوالنون نام موصلی رعیت دولت علیه عثمانی



که در سردشت کسان رسول آقای ربطی<sup>۱</sup> از حجره او برده‌اند، در طبق خواهش دوستدار حکمی بعهده مقرب‌الخاقان مظفرالدوله<sup>۲</sup> صادر کرده بودند. حکم مزبور که به توسط وکیل شهپندری ساوجبلاغ ابلاغ گردیده، مقرب‌الخاقان مشارالیه حکم را ضبط نموده بواسطه تأهل ذوالنون مزبور در سردشت که بدین جهت او را از تبعیت دولت عثمانی خارج می‌انگاشته‌اند از رسیدگی امر او بتوسط مأمور دولت مشارالیه امتناع نموده و جواب کرده‌اند. با این حالت صاحب مطلب لابد مانده و مکتوبی مشعر بر این معنی از عالیجاه سلیم آقا وکیل شهپندری ساوجبلاغ گرفته عازم تبریز شده است. علیهذا زحمت‌افزا و از روی کمال احترام خواهشمند است قرار دهند حکم مجددی در اینباب به مأموریت یک نفر بعهده مقرب‌الخاقان مشارالیه صادر شده و ایشان را ملتفت نمایند که تبعیت شخص موصلی‌الاصل به محض تأهل تبدیل پیدا نکرده و این معنی در هیچ مستلزم امتناع از رسیدگی و احقاق امر او نمی‌شود و تأکید نمایند قرار استرداد تنخواه مسروقه ذوالنون مومی‌الیه را از کسان رسول آقای مزبور که در مقام تفتیش ارتکاب آنها تحقیق پذیرفته بگذارند. امیدوارم از لازمه تأکید در مدلول حکم مضایقه ننموده بدوستدار اطلاع دهند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۲۸۷».

(تمستقلیس نقلائیدیس.)

### [شهادت‌نامه تاجر عثمانی که کارگزاران ایرانی نیل او را به زور می‌خواسته بگیرد]

سواد استشهادنامه

استشهاد استخبار و استعمال می‌رود

از مؤمنین ایمان دار و مسلمین حق‌گذار از بزرگ و کوچک بر اینکه هرکس اطلاع کامل دارد که عالیجاه رفیع جایگاه آقاییگ یاور حاکم اشنویه از خواجه پطروس تاجر مسیحی یک من نیل را به هشت تومان خواسته است و خواجه پطروس مزبور در جواب گفته است: از نه تومان کم نمی‌دهم. فلهذا حاکم مزبور فحش و دشنام داده است و حکم کرده است مشهدی عباس فراشباشی او با سه نفر دیگر خواجه پطروس را زیاده از حدّ و حصر چوب‌کاری

۱. ربط، دهی از دهستان کلاس بخش سردشت است.

۲. میرزا ابراهیم خان (پاشاخان مکرری) مقلب به مظفرالدوله دارای منصب سرتیپی فوج خمسه بوده است.

کرده‌اند که بی‌هوش افتاده است و مبلغ هجده تومان و پنج‌هزار و پانصد دینار از پولش بیرون آورده‌اند و بعد آمده به شهر ارومی پانزده روز به جهت آن چوب‌کاری ناخوش شده است. هرکسی اطلاع کامل دارد این کاغذ را با مهر خود مزین و ممهور نماید، این کلمه بر سیل استشهد نامچه قلمی گردید. حرر فی ۲۷ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۸۶. المطلع بذالک خواجه بطروس تاجر موصلی محل مهرش، آقارضا تاجر همدانی محل مهرش، آقامحمد تاجر موصلی محل مهرش، عالیشان آقا احمد محل مهرش، آقاخان حداد محل مهرش، اسدالله بزاز محل مهرش، ملک‌کریم محل مهرش، المطلع بمافیه خواجه داود تاجر موصلی محل مهرش، الشاهد بذالک خواجه ایرمیا موصلی، الشاهد بذالک خواجه یعقوب تاجر کرکوک، شاهد دیگر به خط یهودی نوشته.

### [درخواست طلب تبعه عثمانی از فرد ساوجبلاغی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا مخلصان استظهارا مشفقا مکرمًا.

مصطفی آقا پسر عالیجاه سلیم آقا وکیل شهیندر ساوجبلاغ به باش شهیندری شاکی است، مشارالیه که به موجب سند معتبره مبلغ یکصد و هشتاد تومان از استاد رحیم نام مسگر ساوجبلاغی طلب دارد مدتی است از موعد سند منقضی و مقروض مزبور قدری از آن بابت کارسازی داشته در ایفای تنه آن خودداری و مسامحه نموده به اظهار حکومت آنجا باز قراری داده نشده است، هم‌چنین مبلغ نه تومان در ساوجبلاغ از دانیال نام طلبکار است که او هم در ادای وجه استقراضی خود تعلل می‌کند. علیهذا با نهایت احترام زحمت‌افزا و متوقع است قرار دهند در وصول و ایصال وجه مطالبات مصطفی آقا مشارالیه از مومی‌الیهما حکمی بعهده غلامی که مأمور ساوجبلاغ است صار نمایند تا به مأموریت او وجه مطالبات مشارالیه با تنزیل ایام گذشته از آنها بحیطه وصول رسیده و عاید گردد. امیدوارم بزودی حکم مزبور را صادر و بدوستان اطلاع دهند. زیاده چه زحمت‌افزا شود. حرر فی ۸ شهر جمادی‌الاولی ۱۲۸۷. (تمستقیس نقلائیدیس).

## [درخواست سفارشنامه از سردار کل برای رسیدگی به امور عثمانی‌های ساکن ساوجبلاغ]

یادداشت به کارگذاری مهمان خارجه بتاريخ ۲۵ شهر جمادی‌الاولی ۱۲۸۷. عالیجاه سلیم آقا که به سمت وکیل شهبندری در ساوجبلاغ اقامت دارد، قرار دهند که حکمی از جانب جناب جلالت‌ماب سردار کل دام مجده‌العالی بعهدہ مقرب‌الحضرة العلیه میرزا حسن که این دفعه به نیابت حکومت ساوجبلاغ مأمور است صادر و تأکید شود که در مطالب اظهاری عالیجاه مشارالیه متعلقه به رعایا و تبعه دولت علیه عثمانی و تسویه آنها بر وفق قاعده حقانیت لازمه موافقت و مراقبت ظاهر ساخته و انجام هریک از مواد اتفاقیه را موقوف بر این نکند که راجع به تبریز شده هم از برای صاحبان مطلب ایراث زحمت و خسارت نموده و هم طرفین را دچار گفتگو و سؤال و جواب زیاده نماید و حکم مزبور را به باش شهبندری ارسال دارند که به وسیله لازم ابلاغ گردد.

## [درخواست اموال تبعه عثمانی که در ایران غارت کرده‌اند]

عالیجاها مجدت و نجدت همراه‌ها فخامت و مناعت اکتناها مقرب‌الخاقانا دوستان استظهار را مشفقاً مکرم.

عالیجاه مجدت و نجدت همراه طاهریگ رئیس مجلس تجارت وان که به جهت تسویه و انجام بعضی مطالب و دعاوی ایلات و عشایر متوقفین خاک وان از اکراد و طوایف ساکنین این طرف مأمور و وارد خوی شده از قراریکه به دوستدار نوشته و اظهار داشته است یکی از مطالب مرجوعه بعهدہ عالیجاه مشارالیه فقره لخت شدن یک نفر ملازم عسکریه نظامی در محل موسوم [به] یارنس از توابع ارچش است که پنج ماه قبل بر این با کوچ و عیال خود از اضروم عازم وان بوده و اسعد و سعدو تلو نامان از اکراد ماکو با چند نفر رفقای خودشان بعالیجاه مشارالیه برخورد و معادل سیصد و چهل تومان اموال و اشیاء او را نهب و غارت کرده به ماکو آورده‌اند. پیشتر که سراغ و حالت و حالت سارقین را معلوم و کیفیت امر را به حکومت ماکو اظهار داشته بوده‌اند، مقرب‌الخاقان حاجی محمود پاشا بعد از اجرای بعضی تحقیقات

وقوع سرقت و آوردن اموار منهویه مزبوره را به طرف ماکو معلوم و محض کرده شرحی در اینباب به عبدالرحمن آقا نام آدم خود نوشته و به تحصیل قدری از اموال مزبوره هم تصریح نموده است که به هیچوجه ارتکاب کسان مرقوم و پیدا شدن مال را تردیدی باقی نخواهد گذاشت. علیهذا از روی کمال احترام زحمت افزا و خواهشمند است قرار دهند که حکم قطعی و مؤکدی در اینباب بعهدہ حکومت ماکو صادر و مأمور مخصوص معین فرمایند که رفته در خوی عالیجاه مشارالیه را ملاقات و از آنجا روانه ماکو شده اموال و اشیاء منهویه را تماماً از مرتکبین مسترد و تسلیم نمایند و هم چنین حکمی هم بعهدہ مقرب الخاقان شجاع الدوله صادر نمایند که به ملاحظه حقوق هم جواری و مسالمت کامله نهایت مراقبت و اهتمام را ظاهر ساخته و مطالب اظهاری عالیجاه مشارالیه را بزودی قرین انجام دارد. امیدوارم هرچه زودتر احکام مزبوره را صادر و مأمورین را معین کرده بدوستان اطلاع دهند. زیاده چه زحمت دهد. حرر ۱۰ شهر دی قعدہ الحرام ۱۲۸۸. (علی بهجت).

### [درخواست طلب تاجر بغدادی از تاجر ایرانی]

عالیجاها مجدت و نجات همراها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهار را مشفقاً مکرماً.

آقا محمد مهدی تاجر بغدادی رعیت دولت علیه عثمانی عریضه بدوستان داده شکایت کرده است که مشارالیه معادل یک عدل نیل به حاجی سلطانعلی نام و پسر او کربلایی نجفعلی فروخته و قیمت آنرا که عبارت از دویست و بیست و شش تومان و شش هزار دینار باشد به وعده دوماه ونیم تمسک سپرده اند. در دویم شهر رمضان المبارک گذشته که وعده تمسک منقضی بوده به واسطه نبودن حاجی سلطانعلی در تبریز صاحب طلب مشارالیه وجه تمسک را از کربلایی نجفعلی مطالبه می نماید، وعده ایصال آنرا به حضور پدرش داده مدتی او را در سر می گردانید، بالاخره معلوم می شود که خود حاجی سلطانعلی رفته در خانه جناب حاجی میرزا اسمعیل بست نشسته و پسرش هم متواری شده است. لهذا از روی کمال احترام زحمت افزا و مستفسر است که آیا حکومت این شهر چند محل و موقع را به اسم بست قبول کرده و از تسلط به چه قبیل اشخاص که به آنجا اسیران می نمایند غیر متمکن می باشد. اگر این

چاپا محمد زینب میرزا حسن خان قزوینی که با سمرقند  
چاپا محمد زینب میرزا حسن خان قزوینی که با سمرقند

از کار داد و لطیف ساکنین نظیر فامور و دارنده شده اند که در سمرقند  
از کار داد و لطیف ساکنین نظیر فامور و دارنده شده اند که در سمرقند

مهر و نیت شدن که خبر خدمت محکم بنظر در هر سویم بایس از توابع در پیش است و بخواه خبر این  
مهر و نیت شدن که خبر خدمت محکم بنظر در هر سویم بایس از توابع در پیش است و بخواه خبر این

اسعد و سعد و دلقو نامان از کار داد و ما که با چند نفر در خوشان چاپا شده بر جوده سلسله چهره  
اسعد و سعد و دلقو نامان از کار داد و ما که با چند نفر در خوشان چاپا شده بر جوده سلسله چهره

نسب و خارت کرد با کار داده نه بر سر و راجع و حالت یقین با معلوم نیت امر که کتات که چاپا شده  
نسب و خارت کرد با کار داده نه بر سر و راجع و حالت یقین با معلوم نیت امر که کتات که چاپا شده

معتوب امان جان حاکم محمد با جان جود از ابر معنی کتات و دفع سرف و دارنده امان نموده بر سر و راجع  
معتوب امان جان حاکم محمد با جان جود از ابر معنی کتات و دفع سرف و دارنده امان نموده بر سر و راجع

و محض کرده شمر در این سلسله از کتات نام امان خود شده و بنصیر قری از امان نموده بر سر و راجع  
و محض کرده شمر در این سلسله از کتات نام امان خود شده و بنصیر قری از امان نموده بر سر و راجع

در کتاب کن بر قوم و پیدایش امان را در سلسله سلسله که کتات است و پیدایش امان را در سلسله  
در کتاب کن بر قوم و پیدایش امان را در سلسله سلسله که کتات است و پیدایش امان را در سلسله



است که امثال همین حاجی سلطانعلی را هم تصاحب کنند، از این قرار بایست تجّار تبعه عثمانی راه دیگر در تجارت خودشان پیش گیرند والا انصاف آنمقرب‌الخاقان دوستان استظهاری شهادت بدهد خیال این جور اشخاص از بست رفتن سوای اینکه منوط به کلاه برداشتن مردم باشد، بسته به امری می‌تواند بشود. متوقعم یا حاجی مرقوم و پسر او را حاضر فرموده قرار وصول و ایصال وجه تمسک را از آنها بدهند و یا اینکه قرار دهند اجناس حجره و خانه آنها ضبط و در عوض طلب مزبور به فروش رسیده عاید شود. امیدوارم بزودی قرار لازم و محکمی داده باش شهرداری را مستحضر دارند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۱ شهر ذی‌قعدة ۱۲۸۸. (علی بهجت).

### [ادامه مکاتبه در مورد درخواست طلب تجّار عثمانی از تبعه ایرانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب‌الخاقانا دوستان استظهار را مشفقاً مکرّماً.

باش شهرداری در طبق مراسله جوابیه مورخ سیم شهر رجب‌المرجب ۱۲۸۸ به عدد ۳ کارگذاری که در خصوص عمل حاجی ملاکریم و مطالبات تجّار تبعه دولت علیه عثمانی از و قلمی داشته بوده‌اند، مراتب را مفصلاً چنانکه میل خاطر آنمقرب‌الخاقان دوستان استظهاری هم این بوده به سفارت سنیه دولت متبوعه معظمه خود معروض داشته از وضع کیفیت اطلاع داده بود. همان اوقات که سفارت سنیه این فقره را با وزارت امور خارجه به موقع مذاکره گذاشته بوده تا حال محض ملاحظه این معنی که شاید حاجی ملاکریم مثقل نتایج مالی اینکار گردیده و به اکتفا به این همه تعویق در ایصال مطالبات مزبوره نیت و خیال خود را تبدیل نموده به صراحت رسانیدن مطالبات مزبوره برآید، نمی‌خواسته است آنچه مقتضی بوده در اینباب به مقام سخت‌گیری برآید. تا این روزها به علت عدم ظهور هیچ‌گونه اقدامی از جانب حاجی مزبور مجدداً با وزارت امور خارجه مذاکرات لازمه بعمل آورده و وزارت مشارالیها هم به ملاحظه عدم جواز این همه تأخیر و تعلل در وصول و ایصال مطالبات مزبوره از حاجی ملاکریم شرح مبسوط و مؤکدی بعهد آنمقرب‌الخاقان نوشته و ابلاغ آنرا به سفارت سنیه مشارالیها واگذار نموده که سفارت سنیه هم شرح مؤکدی در اینباب قلمی و با پاکت وزارت

امور خارجه به باش شهبدري ارسال و در مطالبه قرار وصول و ايصال وجه مطالبات مزبوره در طبق همان حکم تأکيد زياد فرموده و به اعلام اقدامات سريعانه آنمقرب الخاقان در اين خصوص اشاره نموده است. فلهذا پاکت وزارت امور خارجه را که مورخ بتاريخ بيستم شهر ذی قعده الحرام گذشته است در ضمن اين مراسله ارسال خدمت آنمقرب الخاقان داشته از روی کمال احترام متوقع است بعد از ملاحظه حکم مزبوره ملفوفات آن که البته محظور است منظوره سابقه در اقدامات خودشان را بکلی مرتفع و از اعتنا به حرفها و معاذير واهيه حاجی ملاکريم صرف نظر خواهند فرمود و بزودی بدون اینکه حاجی مزبور و پسرش را موقع فرصتی باقي بگذارند، حاضر و قرار سخت و مؤکدی به وصول و ايصال وجوه اقساط گذشته مطالبات تبعه دولت عليه از آنها بدهند که زياده از اين حقوق تجار مشاراليهم در معرض تأخير نماند اميدوارم بطوریکه در رقيمه وزارت امور خارجه صريحاً قيد شده هرچه زودتر از اجرای تشبثات و اقدامات سريعانه و مأثرانه خودشان در اين خصوص مضايقه نفرموده و باش شهبدري را اطلاع دهند. زياده زحمت دهد. حرر في ۱۸ شهر ذی الحجه الحرام ۱۲۸۸.

در ثانی زحمت می دهد هم چنین در باب وجه نقد و اشیاء مسروقه از شهبدرخانه هم که به هیچ وجه اظهارات مکرره باش شهبدري محل دقت و اعتنا کارگذاری نمی شود، باز از وزارت امور خارجه حکم مؤکدی بعهده آنمقرب الخاقان صادر و به باش شهبدري ارسال شده که اینک به ضمیمه حکم مزبور تین ابلاغ داشته بمقام مزاحمت برمی آید که تتمه وجه نقد و اشیاء مسروقه را به هر وسیله که لازم بدانند مسترد فرموده و عايد دارند و زياده از اين راضی به تأخير انجام اين فقره نشوند. حرر في تاريخ الفوق. (علی بهجت).

### [شکوائيه از کارگزاران ساوجبلاغ در مورد عدم رسيدگی به امور عثمانی ها]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرماً.

نظر به دوستی و کمال اتحاد اين دو دولت عليه جای افسوس است که حکومت آذربایجان در عرض اين چند سال قرار مضبوطی در رفع ظلم و تعدی فاحش که از مباشرين ساوجبلاغ به طرق مختلفه در حق رعایای دولت عليه عثمانی وارد می شود نداد. از جمله در خصوص عدم

مطالبه راهداری از امتعه و مال التجاره تبعه دولت علیه که در تبریز ابتیاع و گمرک قراردادی آنرا یک جا کارسازی نموده از گمرک‌خانه اینجا جواز می‌گیرند، مباشرین ساوجبلاغ باز در آنجا تنگ گرفته تا به هرجا که پیشرفت داشته باشد به اسم راهداری و غیره از آنها وجهی دریافت می‌دارند و حال آنکه مکرر در اینباب از وزارت جلیله امور خارجه دولت علیه ایران در طبق اظهارات سفارت سنیه این دولت علیه به کارگذاران اینجا احکام مؤکده صادر گردیده و به علت عدم اجرای مجازات لازمه حکومت آذربایجان در حق مباشرین مومی‌الیه‌م دست از اینگونه بی‌مبالاتی نخواسته‌اند بردارند چنانکه چندی قبل خواجه سمعان نام تاجر موصلی که در تبریز موازی بیست و سه عدل ابریشم خریده و از سرحد سمت ساوجبلاغ می‌خواسته است حمل و نقل خاک دولت علیه نماید با وصف بودن جواز گمرک خانه تبریز در دست او مباشرین آنجا به جهت مطالبه مبلغی راهداری در هر بار قریب دوماه است نگذاشته‌اند عدل‌های مزبور را راه بیندازد و بدین واسطه مبلغی ضرر و خسارت به خواجه مومی‌الیه وارد آورده‌اند. بنابر آن تجار تبعه دولت علیه عثمانی مقیمین ساوجبلاغ شرحی مشعر به ظلم و تعدی مباشرین آنجا در حق آنها و به خصوص در این ماده نوشته به باش شهرداری ارسال داشته‌اند. علیهذا از روی کمال احترام زحمت‌افزا است این روزها که سلیم آقا وکیل شهیندر آنجا وفات یافته قرار دهند که سریعاً احکام لازمه مؤکده در جمیع امور و خصوص تجارت تبعه دولت علیه بعهد هرکسی که لازم است با حکم جداگانه مؤکدی درباب راه انداختن بارهای ابریشم خواجه مومی‌الیه بدون مطالبه راهداری و غیره و استرداد خسارت وارد از توقیف بارهای مزبور صادر و زودتر به باش شهرداری ارسال فرمایند که به صحابت آدم مخصوصی ابلاغ گردد. امیدوارم عجله احکام مزبور را صادر فرمایند تا بعد قرار کلیه رفع این قبیل بی‌حسابی و تعدی مباشرین آنجا داده آید. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۲۳ شهر ذی‌الحجه الحرام ۱۲۸۸. (علی بهجت).

### [شکوائیه از عدم رسیدگی به سرقت اموال از حجره تاجر عثمانی]

جناب فخامت و مناعت نصایب کفایت و کفالت انتساباً محبان اعتضادامشققاً مکرم‌ما معظم‌ا. این محبتین درباب اموال و اشیاء متفرقه مسروقه از حجره خواجه خوکز که به تاریخ ۱۹



علی‌احمد میرزا بنی است سرانجامت در ترک با مسرت یافتن و در آن  
 بایشان بنده در طبق ارکانه جاسه مورخه جمعه شهر ربیع الثانی ۱۲۸۸ بعد از کار گذار و در خدمت محترم و کرامت

بنده دولت علیه عثمانی در وقت داشتند و در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 بنده دولت علیه عثمانی

بغضت بنده دولت علیه عثمانی در وقت داشتند و در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 با وزارت امور خارجیه در وقت داشتند و در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 باینجه توفیق در احوال مطابقت برده است چنانکه در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 آنچه شکر کرد بنده باینجه توفیق در احوال مطابقت برده است چنانکه در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 امور خارجیه در وقت داشتند و در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 مطابقت برده است چنانکه در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 و گذارنده در وقت داشتند و در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 قرار و عمل در وقت داشتند و در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 در این خصوص در وقت داشتند و در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 در ضمن آن در وقت داشتند و در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 ان حاجت مطهرات نظاره و در وقت داشتند و در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 صرف نظر خوانده نمود و در وقت داشتند و در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن



بنده دولت علیه عثمانی در وقت داشتند و در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 با وزارت امور خارجیه در وقت داشتند و در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 باینجه توفیق در احوال مطابقت برده است چنانکه در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 آنچه شکر کرد بنده باینجه توفیق در احوال مطابقت برده است چنانکه در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 امور خارجیه در وقت داشتند و در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 مطابقت برده است چنانکه در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 و گذارنده در وقت داشتند و در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 قرار و عمل در وقت داشتند و در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 در این خصوص در وقت داشتند و در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 در ضمن آن در وقت داشتند و در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 ان حاجت مطهرات نظاره و در وقت داشتند و در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن  
 صرف نظر خوانده نمود و در وقت داشتند و در آن سر است ایضا چنانکه در غیر این وقتان در آن

شهر ذی‌قعدة الحرام ۱۲۸۸ به نمره ۶ شرحی در تکمیل مراسلات سابقه خدمت آنجناب فخامت نصاب قلمی داشته، کمال حیرت را حاصل دارند که تا حال با گرفتاری سارق و استرداد بعضی از اموال داعی چه بوده که به هیچ وجه بذل توجهی در استرداد تمه مال خواجه خوکز و مسیو نظر رعایای این دودولت از مرتکبین نفرموده و به مراسله مزبوره جوابی قلمی نداشته‌اند و حال آنکه در ضمن مراسله مزبوره خاطر آنجناب فخامت نصاب را از محظوراتی که از تأخیر انجام این امر متصوّر بود مطلع و ملتفت داشته و علاوه بر آن این دوستدار یعنی جنرال قونسول دولت علیه روسیه اصالةً و وكالةً از قبل عالیجاه مجدّت و فخامت اکنتاه باش شهنبدر دولت علیه عثمانی به ملاحظه عدم اهتمام و مراقبت مقرب‌الخاقان نایب‌الوزاره در اینباب از آنجناب فخامت نصاب شفاهاً خواهش نمود که مرتکبین مزبوره را از منزل مقرب‌الخاقان مشارالیه بیرون آورده در جای دیگر حبس نمایند و هرچه زودتر این جنرال قونسولگری‌ها منتظر ظهور اثرات و نتیجه اقدامات ماثرانه آنجناب فخامت نصاب بود که برعکس آن توجه خودشان را به هیچ وجه در عرض این مدت معطوف انجام این امر نفرموده با وصف استعفا و استنکاف مقرب‌الخاقان مشارالیه از کفایت این فقره قدغن نفرمودند و مرتکبین در جایی که از حبس آنها ثمری عاید بتواند باشد و اموال و اشیاء مسروقه از آنها مسترد گردد نگاهداری شوند، تا اینکه از قرار مذکور روز عاشورا نظر به تشویق و تحریک بعضی از گماشتگان کارگذاری بعضی از سفیدپوش‌ها رفته سه نفر مرتکبین مفصلة‌الاسامی فی‌ذیل: میرزا محمد، رضا و خلیل. را از منزل مقرب‌الخاقان مشارالیه بیرون آورده و سر داده‌اند. چون این فقره که گماشتگان کارگذاری مخصوصاً پیش از وقت چنان تدبیری در استخلاص آنها در نظر داشته‌اند به دلیل واضح می‌تواند به معرض ثبوت برسد، به این معنی که مقرب‌الخاقان مشارالیه با وصف علم و اطلاع کامل به این مطلب که هر ساله این سفیدپوش‌ها بعضی از مقصرین را از پاره محال مستخلص می‌کرده‌اند، چنانچه سال گذشته همین فقره در منزل مقرب‌الخاقان مشارالیه در حق قاتل بهرام جلودار جنرال قونسولگری دولت علیه روسیه وقوع به هم رسانید به چه ملاحظه امسال سه نفر مزبور را که مادام قرار استرداد جمیع مسروقات از آنها احتمال تخلیه سبیل و استخلاص آنها نمی‌رفت، در چنان روز در منزل خود نگاهداشته و شرایط احتیاط و دقت کامل را در ماده آنها رعایت ننموده، فلذا اکنون که مرتکبین مزبوره در ضمن کمال بی‌احتیاطی بلکه به تشویق و تحریک گماشتگان کارگذاری گریبان خودشان را متخلص داشته و به این جهت حقوق صاحبان مال به معرض تلف و تضییع

افتاده، حقاً و قانوناً باید قرار استرداد تتمه اموال مسروقه آنها از جایی که این همه تأخیر را در کفایت این امر جایز دیده و بالأخره در تحت کمال بی احتیاطی و عدم دقت آنها را از تسلط حکومت کنار انداخته، داده شود. این محبت بر حسب تکلیف مأموریت خود لازم دیدیم که این فقره را در ضمن این مراسله رسمیه خاطر نشان آنجناب فخامت نصاب کرده و خواهش خود را در کفایت و تمشیت سریعانه این امر به قرار مذکور مؤکد نمایم. امیدواریم بطوریکه زحمت‌افزار شده‌ایم قرار استرداد تمام مسروقات را از جایی که لازم بدانند بزودی داده و جواب این مراسله را برای استحضار این محبت از قرارداد خودتان در اینباب قلمی فرمائید. زیاده چه زحمت داده شود. حرر فی ۱۳ شهر محرم الحرام ۱۲۸۹. مهر جنرال قونسولگری دولت علیه روسیه مقیم تبریز. و (علی بهجت).

### [درخواست رسیدگی به اموال مسروقه تاجر عثمانی در خاک ایران]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرماً.

باش شهبندری در خصوص اموال حاجی علی آقا نام ماردینی رعیت دولت علیه عثمانی که چندسال قبل در اتفاق خواجه هارون شریک او در نزدیکی قریه قراتپه به سرقت برده بوده‌اند، شرحی بتاریخ ۲۳ شهر ربیع الاول ۱۲۸۵ به کارگذاری قلمی و مآل جواب آنراهم که از کارگذاری به باش شهبندری نوشته شده به باب عالی معروض داشته بود به قراریکه در طبق عریضه حاجی مرقوم مجدداً از باب عالی مرقوم فرموده‌اند، مراتب به تفصیل و کیفیتی است که در ضمن مراسله مزبوره کارگذاری مندرج گردیده بلکه همان اوقات تمام اموال منهوبه مزبوره از مرتکبین مسترد و نصف آن که متعلق به خواجه هارون مومی‌الیه بوده عاید او گردیده و حصه حاجی مرقوم به واسطه نبودن مأموری از جانب دولت علیه در تبریز به رسم امانت تسلیم عالیجاه حاجی میرزا هاشم‌خان شده بوده است که باید از عالیجاه مشارالیه مطالبه شود. لهذا نظر به مدلول امر نامه عالی خدمت آنمقرب الخاقان زحمت‌افزاست به واسطه اینکه نصف اموال مزبوره عاید خواجه هارون مومی‌الیه گردیده، البته حصه حاجی مرقوم هم تحصیل شده خواهند بود، رسیدگی فرموده در صورتیکه به عالیجاه مشارالیه تسلیم شده باشد

مطالبه نمایند. و الا قرار استرداد آن را از مرتکبین داده و به باش شهرداری اطلاع دهند تا از آن قرار مراتب معروض باب عالی گردد. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۳ شهر صفرالمظفر ۱۲۸۹. (علی بهجت).

### [ادامه مکاتبه در مورد درخواست طلب تاجر عثمانی از تبعه ایرانی]

عالیجاه مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقا مکرما.

در باب طلب عالیجاه مسیو افتکیدی از مرحوم آقا نصیر و فقره خانه مرحوم مزبور که از بابت وجه طلب عالیجاه مشارلیه منظور خواهد شد شرحی بتاریخ ۲۹ شهر شوال المکرم ۱۲۸۸ قلمی و اظهار داشته بودید که اگرچه صاحب طلب نوشته بدهد که در مدت معینی خانه مزبور را به رعایای دولت علیه ایران فروخته تنخواه آن را از بابت وجه طلب خود بردارد، خانه را واگذار صاحب طلب خواهید کرد که خود به معرض فروش برساند. دوستدار مراتب را به سفارت سنیه این دولت علیه مقیم طهران اطلاع داده بود به قراریکه در جواب اظهار فرموده اند این فقره را با وزارت جلیله امور خارجه دولت علیه ایران مذاکره و در طبق آن حکمی بعهدہ آنمقرب الخاقان صادر و به باش شهرداری ارسال داشته اند که بعد از اخذ نوشته مزبور از وکیل مسیو افتکیدی کارگذاری هم سندی در انتقال خانه از بابت طلب مزبور به صاحب طلب بسپارد که بتواند از روی آن خانه را به معرض فروش برساند اینک حکم مزبور را در ضمن این مراسله ارسال داشته زحمت افزاست وکیل عالیجاه مشارالیه حاضر است نوشته مزبور را بدهد. آنمقرب الخاقان هم زحمت کشیده و سندی در انتقال خانه قلمی و به مهر کارگذاری به وکیل صاحب طلب بسپارند تا از روی آن خانه مزبور به فروش رسیده و زیاده از این ذیل گفتگوی این مطلب تطویل به هم نرساند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۳ شهر صفرالمظفر ۱۲۸۹. (علی بهجت).

## [اختلاف آجرپز ایرانی با تبعه عثمانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشققا مکّرما.

مشهدی حسن نام آجرپز به موجب نوشته شرعی پا به مهر خود که به نظر آنمقرب الخاقان رسیده مقدار چهل هزار از آجر پخته بعالیجاه مسیو نظر قرویانس تبعه دولت علیه عثمانی به بیع سلف فروخته تنخواه آنرا دریافت داشته است. بیست روز قبل که موعد مقرر نوشته مزبور انقضا یافته بوده است، بواسطه تأخیر و تعلل مشهدی حسن مومی الیه در کارسازی آجر دوستدار خدمت آنمقرب الخاقان پیغام داده خواهش کرد قدغن نمایند یا آجر یا قیمت آنرا موافق مدلول نوشته از قرار مظنه روز از مومی الیه دریافت دارند. در مقابل بواسطه اینکه مشهدی حسن مزبور هم نوشته به مهر عالیجناب آخوند ملایحی به مبلغ پنجاه و هشت تومان از عالیجاه مشارالیه ابراز کرده و مدعی این است که عالیجاه مسیو نظر نوشته مزبور را در عوض قیمت چهل هزار آجر که چهارماه قبل به بیع سلف خریده به او سپرده است، آن مقرب الخاقان تا حال در انجام این امر تأمل داشته اند. چون وضع کار صورت دیگری هم پیدا نموده به این معنی [که] مشهدی حسن مزبور علاوه بر آنکه ایفای حق مسیو نظر را به تعویق انداخته، نوشته هم به تلیس و تقلب به اسم او جعل کرده است. علیهذا لازم دید کتباً بمقام مزاحمت برمی آید اولاً آنمقرب الخاقان ملاحظه نمایند [که] آیا ادعای آجرپز مومی الیه در این معامله که بدون اخذ قیمت مُبیع چهل هزار آجر مقروض او شده می تواند معمولاً و رسماً متضمن معنای بیع سلف گردد، وانگهی در ضمن نوشته که به مسیو نظر سپرده قید کرده باشد که اگر در سر وعده نرساند قیمت آنرا از قرار مظنه روز کارسازی دارد. ثانیاً واضح است مشهدی حسن در گرفتن نوشته مزبور اگر صحت داشت تنها اکتفا به مهر عالیجناب مشارالیه ننموده و اعتبار آنرا چنانچه معمول و مسلم است به قول و امضای خود مسیو نظر حاصل می کرد. اگرچه خیلی مستعبد و مایه کمال افسوس است که آنمقرب الخاقان چنان نوشته جعلی و تلیس را اعتباری منظور داشته و از این جهت احقاق حق تبعه دولت علیه را به مفروض تأخیر بگذارند. ولی محض رفع تردید و اقتناع آنمقرب الخاقان دوستدار از این یکی هم مضایقه ننموده و عالیجاه مشارالیه را تکلیف کرده که رفته از عالیجناب آخوند ملایحی استفسار کرده بوده است که اگر

عالیجناب مشارالیه در وقتی از اوقات او را دیده و از او اقراری شنیده باشد بیان نماید. در جواب گفته که من تو را تا حال رویت نکرده و از مدتی قبل از شخصی بدین قیافه و لباس در هیچ ماده اقراری شنیده‌ام. نظر به مراتب مزبوره که در کمال وضوح تقلب آجریز مرقوم را ظاهر می‌سازد، امیدوارم از روی انصاف و حقانیت قدغن فرمایند بدون هیچ‌گونه تردید و تأمل مشهدی حسن مزبور را مجبور به دادن چهل هزار آجر یا قیمت حالیه نموده و در ازاء این قسم تقلب یقین و آشکار او، تنبیه و مجازاتی شایسته در حق او بعمل آورند تا خیال سایرین هم از این قبیل تقلبات منصرف گردد. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۲۲ شهر صفرالمظفر ۱۲۸۹. (علی بهجت).

### [درخواست طلب تاجر بغدادی از رعایای ایران]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتهاها مقرب الخاقانا دوستان استظها را مشفقاً مکرماً.

عالیشان آقامحمد مهدی تاجر بغدادی به موجب یک طغرا تمسک مبلغ پنجاه و سه تومان و پنج هزار و پانصد دینار از استاد حسین و استاد آقامحمد صباغان تبریزی به ضمانت یکدیگر طلبکار است، چند روز قبل که موعد تمسک مزبور منقضی شده عالیشان مشارالیه برای مطالبه وجه مزبور فرستاده شخصی در دکان آنها بوده ذکر کرده است که مومی‌الیهما چند روز می‌شود دکان خود را برچیده و در اینجا نیستند و از این جهت وجه طلب عالیشان مشارالیه به معرض تأخیر افتاده. لهذا از روی کمال احترام زحمت‌افزا است قدغن فرمایند صباغان مومی‌الیهما را پیدا کرده وجه طلب تاجر تبعه دولت علیه را از آنها وصول و عاید بدارند و اگر چنانکه از تبریز به خارج رفته باشند بقدر طلب او از خانه و مخلفات آنها ضبط کرده و قرار وصول و ایصال وجه مزبور را از آن بابت بدهند. امیدوارم که موکداً قدغن فرمایند که لازمه تفحص و تجسس را از آنها بعمل آورده از اهماامات لازمه در اینباب فروگذار ننمایند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۵ شهر ربیع‌الاول ۱۲۸۹. (علی بهجت).

عالمی جہت سے ہرگز نہیں ہوتا کہ کسی نے ایک شخص کو  
عاشق نہ کہ جس سے ہرگز نہیں ہوتا کہ کسی نے ایک شخص کو

بہترین نصیحت کی کہ یہ ملک است چند روز قبل ہر روز  
بہترین نصیحت کی کہ یہ ملک است چند روز قبل ہر روز

بہترین نصیحت کی کہ یہ ملک است چند روز قبل ہر روز  
بہترین نصیحت کی کہ یہ ملک است چند روز قبل ہر روز

بہترین نصیحت کی کہ یہ ملک است چند روز قبل ہر روز  
بہترین نصیحت کی کہ یہ ملک است چند روز قبل ہر روز

بہترین نصیحت کی کہ یہ ملک است چند روز قبل ہر روز  
بہترین نصیحت کی کہ یہ ملک است چند روز قبل ہر روز

بہترین نصیحت کی کہ یہ ملک است چند روز قبل ہر روز  
بہترین نصیحت کی کہ یہ ملک است چند روز قبل ہر روز

### [گمشدن بارهای مکاری عثمانی در خوی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

فقره یکصد و بیست تومان تتمه وجه کرایه خورشید و احمد نامان مکاریان عثمانی از بابت دو لگنه مال التجاره مفقوده در گمرک خانه تبریز پیش از آنکه دوستدار حسب الاحضار عازم در سعادت شود، فیما بین باش شهرداری و کارگذاری در موقع مذاکره بوده و به انعقاد مجلسی مرکب از چند نفر تجار معتبره در کارگذاری فقدان دولنگه مزبور در گمرکخانه کمال تحقیق و ثبوت بهم رسانیده و بر طبق آن مکرر از باش شهرداری در وصول و ایصال وجه مزبور از جای لازم خود خدمت آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری اظهار شده و علاوه احکام متعدده هم در اینباب از وزارت امور خارجه دولت علیه ایران بعهدہ آنمقرب الخاقان صادر گردیده است. معهذا قرار انجام این فقره تا حال در معرض تأخیر مانده و چون مکاریان مزبور مجدداً در این خصوص عریضه به باش شهرداری داده و از تأخیر احقاق حق خودشان تظلم نموده اند، علیهذا از روی کمال احترام به مقام مزاحمت برآمده متوقع است اهتمام و توجهی که در کار است مرعی فرموده وجه کرایه مکاریان مزبور را از هر جا که لازم است وصول نموده به باش شهرداری عاید دارند. امیدوارم زیاده از این راضی به تعویق این امر نبوده و بدون رجوع آن در ثانی به طهران و ایراث زحمت گفتگو در آنجا کفایت آنرا زودتر حاصل سازند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۲۷ شهر ربیع الاول ۱۲۸۹. (علی بهجت).

### [سرقت بارهای مکاری عثمانی در خوی]

مقرب الخاقانا عمده الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

از قراریکه عالیجاه سواج اوغلی به این جنرال قونسولگری معروض داشته است، موازی یک بار مال فتوره او را که در حمل سلیمان آقا ندر مکاری رعیت دولت علیه عثمانی بوده در تاریخ ۲۸ شهر ربیع الاول گذشته در میان خیابان خوی به سرقت برده اند. مکاری مشارالیه به حکومت خوی عرض کرده و از حکومت چند نفر سوار را به جهت مال مسروقه تعین کرده



بودند. سارقین را پیدا نکرده مگر یک جفت چارُق از مال سارقین در محلی که مال مزبور را سرقت نموده بودند، مانده بوده است. از قراریکه مکاری اظهار داشته است، گویا چاروق مزبور از مال سواره جمعی عالیجاه عباسقلی خان بوده، زیرا که در نزدیکی آنجا چمنی است که اسب‌های سواره مزبوره در آنجا تعلیف می‌کردند. در هر صورت دوستدار با احترام تمام زحمت اظهار می‌دارد که حکم مؤکدی صادر و محصلی مأمور نمایند [که] مال مسروقه و سارقین را از حکمران خوی مطالبه کند و بزودی زود محصل مزبور را معین بکنند که به تعجیل رفته و مال مسروقه را به دست بیاورد. لازم بود زحمت داد. زیاده چه زحمت بدهد. تحریر آ فی ۸ ربیع‌الثانی ۱۲۸۹. (هنری میخائیل جونس).

### [ادامه مکاتبه در مورد سرقت بارهای مکاری عثمانی در خوی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقا مکرما.

سلیمان آقا جلودار رعیت دولت علیه عثمانی که چند عدل مال‌التجاره به نشان و علامت قومپانیه تودور [کومپانیه تئودور] سواجی اوغلی<sup>۱</sup> از ارضروم به تبریز حمل می‌داده، بواسطه سرقت دو عدل از آنها شبانه در سر خیابان خوی، مبلغی وجه کرایه جلودار مزبور به تعویق افتاده و از این جهت مومی‌الیه عریضه به باش شهرداری داده و شکایت می‌نماید. چون لازم است در پیدا کردن سارق و استرداد دو عدل مزبور کمال اهتمام و مراقبت از طرف حکومت بعمل آمده و صاحب مال هم بر طبق آن اطمینانی از پیدا شدن عدل‌ها حاصل نموده و تمه وجه کرایه سلیمان آقا را کارسازی دارد. علیهذا از روی کمال احترام زحمت‌افزا و متوقع است چنانکه از جنرال قونسولگری دولت فخمیه‌انگلیس هم در اینباب به کارگذاری مهم خارج اظهار داشته‌اند، احکام لازمه مؤکدی به حکومت خوی صادر نمایند تا لوازم تفحص و تجسس را بعمل آورده و قرار استرداد دو عدل مزبور را از سارقین بدهند و از صدور احکام مزبوره باش شهرداری را مطلع دارند تا قرار مطالبه و وصول و ایصال تمه وجه کرایه جلودار مومی‌الیه داده آید. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۰ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۸۹. (علی بهجت).

۱. سواج اوغلی، تاجر یونانی از تجار مشهور در آذربایجان بوده است.

## [درخواست طلب تبعه عثمانی از تبعه ایرانی‌ها]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

در ضمن مراسله مورخه ۱۱ این ماه قلمی داشته‌اند حاجی ملاکریم و پسرش را که بر طبق احکام وزارت امور خارجه حبس و نگاهداری نموده‌اند. چنین اظهار می‌دارد که باید قرار ایصال مطالبات تبعه دولت علیه عثمانی ازو در طهران داده شود و بدین جهت خواسته‌اند دوستدار مراتب را به سفارت سنیه این دولت علیه مقیم طهران اظهار دارد. در ایراد جواب از روی کمال احترام زحمت‌افزاست حکم آخری وزارت امور خارجه که بتوسط باش شهبندری ابلاغ گردید، دال و مشعر بر این نبود که تنها به آن قسم نگاهداری حاجی مزبور اکتفا شده و به این طور اظهارات و بهانه‌جویی‌های او اعتقاد کرده شود بلکه مدلول حکم مزبور بر این است که تا درجه آخر از سخت‌گیری و تشدد برای وصول مطالبات مزبوره ازو فروگذار نشده و بدون قبول این قبیل معاذیر واهی که از بدو امر پیشنهاد و متمسک گردیده، مطالبه قرار ایصال مطالبات تبعه دولت علیه ازو در اینجا بعمل آید و به تفصیلی که البته در نظر آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری است، فقراتی هم در ضمن حکم مزبور مندرج بود که راه این قسم معاذیر را برای حاجی مزبور مسدود می‌نمود. با وصف مراتب مزبوره دوستدار زاید می‌داند که مذاکرات سابقه و گفتگوهای گذشته را در اینباب به عرض سفارت سنیه رسانیده تکرار نماید. ولی محض قبول خواهش آنمقرب الخاقان مضایقه ندارد که سواد مراسله مزبوره را به سفارت سنیه ارسال دارد و ضمناً دوستدار هم از آنمقرب الخاقان خواهشمند است از استماع اینگونه اعتذارات غیرقبولی از حاجی مزبور اعراض و به اظهار اهتمام و مراقبت زیاد به وصول و ایصال مطالبات مزبوره مقید باشند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۴ ربیع الثانی ۱۲۸۹. (علی بهجت).

## [ادامه مکاتبه در مورد سرقت بار مکاری عثمانی در خوی]

عالیجاه فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقا مکرما. درباب دو عدل مال التجاره که یک ماه قبل در قرب خوی به سرقت رفته و از این جهت صاحب مال مبلغی وجه کرایه سلیمان آقا جلودار رعیت دولت علیه عثمانی را نگهداری نموده است، عالیجاه مجدت و فخامت اکتناه جنرال قونسول دولت فخمه انگلیس نظر به شکایت صاحب مال و دوستدار بنا به اظهار جلودار مومی الیه از نگاهداری وجه کرایه او خواهش صدور حکم و تعیین مأمور برای استرداد دو عدل مسروق از کارگذاری کرده و حتی دوستدار در ملاقات با جناب فخامت و نبالت نصاب صاحب دیوان متوقع شد که در اینباب با تلگراف به حکومت خوی اعلام و تأکید شود، قبول نموده و به آنمقرب الخاقان هم خبر فرستادند. با وصف این به قراریکه از خوی بدوستدار اظهار داشته‌اند تا حال مأمور و حکمی در اینباب به خوی نرسیده است. چون دوستدار چند روز است به اطمینان اینکه مأمور و حکم فرستاده شده، جلودار مومی الیه را هم روانه خوی کرده و در آنجا منتظر می‌باشد، علیهذا مجدداً زحمت‌افزاست قدغن نمایند مأمور این فقره امروز و فردا روانه شده دو عدل مزبور را از مرتکبین مسترد کرده و تسلیم جلودار مومی الیه نمایند و اگر جلودار از آنجا رفته باشد، عدل‌ها را به تبریز بیاورد تا به صاحبش رسیده و وجه کرایه جلودار دریافت شود. زیاده چه زحمت دهد. فی سیم شهر جمادی‌الاول ۱۲۸۹. (علی بهجت).

## [درخواست اشرار ایرانی که کاروان تجارتی عثمانی را غارت کرده‌اند]

جناب فخامت و نبالت نصابا کفایت و کفالت انتسابا دوستان استظهارا مشفق مکرّم معظمّا. پارسال دوازده نفر از اشرار و قطاع‌الطریق ساکنین اواجق و چالدران به خاک دولت علیه عثمانی عبور کرده و در محلی موسوم به خان درسی فیما بین ارضروم و قارص چند نفر تاجر تبعه دولت علیه را لخت و به قدر دو هزار و پانصد لیره طلا وجه نقد و دوبار امتعه و اشیاء آنها را غارت نموده و بعضی را قتل و بعضی را مجروح ساخته به اواجق مراجعت نموده بوده‌اند. البته خاطر آنجناب فخامت نصاب هم قرین اطلاع است که دوستدار سال گذشته بعد از ورود

خود به تبریز بر طبق اظهارات ایالت جلیله ارضروم و سفارت سنیه این دولت علیه مقیم طهران مراتب را در ضمن مراسلات رسمیه متعدده به کارگذاری مهام خارجه اظهار و مطالبه گرفتاری مرتکبین و استرداد وجه نقد و اموال منهوبه را نموده، تا اینکه دوماه قبل حسن بیگ غلام امور خارجه را که به جهت دستگیری مرتکبین و استرداد اموال منهوبه مأمور و روانه داشته بودند، سه نفر از مرتکبین غارت اموال تجار مزبور را گرفته به تبریز آورده است. ولی در این چند روز به هیچ وجه کارگذاری مهام خارجه از اقدامات خود به استرداد اموال منهوبه مزبوره نخواست است به باش شهرداری اطلاعی بدهد. چون تأخیر این امر زیاده از این متضمن تضییع حقوق تجار مومی‌الیهام است، علیهذا از روی احترام مخصوص زحمت‌افزا و متوقع است قدغن فرمایند سه نفر مرتکبین مزبور در تحت حفظ حکومت به کمال دقت و احتیاط نگاهداری شده و به باش شهرداری اعلام نمایند که قرار استنطاق آنها در همین روزها داده شده و اموال منهوبه مزبوره از آنها مسترد گردد. امیدوارم از لازمه توجه و اهتمام در این باب مضایقه نفرمایند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۵ شهر شوال المکرم ۱۲۸۹. (علی بهجت.)

### [دعوت به شرکت در مراسم تاجگذاری پادشاه عثمانی]

مقرب‌الخاقانا عمده‌الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.  
روز [چهار] چارشنبه ۱۳ این ماه حریران<sup>۱</sup> رومی که عید جلوس میمنت مانوس سرکار اعلیحضرت قویشوک شاهنشاه کل ممالک محروسه عثمانی خَلْدَالْهُ مُلْکُلَه و سُلْطَانِه می‌باشد. نظر به لوازم یک جهتی و اتحاد کامله فیما بین دولتین علّیتین که چاکران طرفین را در تحصیل موجبات انبساط و سرور از حلول این عید سعید تفاوتی منظور نخواهد بود، خاطر آن مقرب‌الخاقان را قرین اطلاع داشته و ضمناً زحمت‌افزاست دوستدار روز مزبور را از اشخاصی که برای تهنیت قبول زحمت خواهد کرد در شهیندرخانه رسماً پذیرا خواهد بود. زیاده زحمت‌افزائی نمی‌شود. فی ۲۵ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۹۰. (علی بهجت.)

۱. حریران. ماه نهم از سال سریانی بین ایاز و تموز است.



### [درخواست رفع تصرف خانه رعیت عثمانی توسط تبعه ایرانی]

مقرب الخاقانا عمده الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرماً.  
 بر طبق مراسله مورخه دوم شهر محرم الحرام باش شهرداری درباب یک قطعه خانه و باغچه ایتیاعی خواجه نظر مسیحی رعیت دولت علیه عثمانی که به خلاف حساب و بدون سند میرزا محمود تفنگدار در آنجا می‌نشیند، بمقرب الحضرة العلیه میرزا جوادخان رجوع نمودید. این فقره را از روی حقانیت بموجب قبالة ممهور به مهر دیوانخانه که در دست خواجه مومی‌الیه است، قرین انجام دارد. پیشتر میرزا محمود را یک دو دفعه در کارگذاری حاضر و تحقیق کردند، نتوانست سندی در حقیقت خود ابراز و طرف مقابل را ملزم دارد. با وصف این پیش از آنکه قراری در اینباب بدهد به خارج رفته و چند روزی است که مراجعت نموده. آنمقرب الخاقان دوستان استظهاری قدغن نمی‌نمایند [که] احقاق حق خواجه نظر را بعمل آورده زیاده از این در عهده تأخیر نگذارند. چون از قرار مذکور میرزا محمود چند روز دیگر از تبریز خواهد رفت و انجام این فقره باز تعویق حاصل خواهد کرد. علیهذا متمنی است موکداً قدغن نمایند میرزا محمود را وادار و مجبور کنند که زیاده از این به طفره و تعلل نگذرانیده و فقره خانه و باغچه مزبور را با تمام برساند. زیاده چه زحمت دهد. فی ۲۷ ربیع الثانی ۱۲۹۰. (علی بهجت).

### [درخواست وقت ملاقات شهبندر با میرزا موسی مجتهد]

مقرب الخاقانا عمده الخوانین العظاما دوستان استظهارا مشفقاً مکرماً.  
 دوستدار نظر به ملاحظه جهت جامعه اسلامیة همواره در مواقع مقتضیه از اظهار شرایط اخلاص واردات نسبت به سلسله جلیله علماء عظام کثرالله امثالهم دقیقه فرو نگذاشته و در اوقات لازمه به ملاقات ایشان سبقت کرده و مستفیض شده است. به همین لحاظ در نظر دارد از جناب افاضت و افادت نصاب حاجی میرزا موسی مجتهد سلمه‌الله تعالی که تازه از عتبات عالیات تشریف آورده‌اند، ملاقاتی حاصل سازد. ولی پیش از وقت لازم دید به توسط آنمقرب الخاقان از این معنی اطلاع حاصل کند که آیا جناب معزی‌الیه هم بازدید دوستدار را

مقرب شاه، عمره انچه این لطافت را  
روز چهارشنبه ۱۳ این ماه عزیزان در محراب عید مجلس نیست <sup>شکر</sup> <sup>مقصود</sup> <sup>نظر</sup> <sup>کلی</sup> <sup>مجلس</sup>

و دولت شش کلمه ملک محروسه غلام محمد و محمد سلیمان <sup>نور</sup> <sup>نظر</sup>

بچه ها مانند کاه نه فایده مین در حقین در حاکمان طرفین <sup>نور</sup> <sup>نظر</sup> <sup>تصدیق</sup>

در قبول این عیدیه تغافل و غفلت نخواهد بود <sup>نور</sup> <sup>نظر</sup> <sup>تصدیق</sup> <sup>مجلس</sup>

در روز پنجشنبه در کافه <sup>نور</sup> <sup>نظر</sup> <sup>تصدیق</sup> <sup>مجلس</sup> <sup>۱۲۹۱</sup> <sup>۱۵۱</sup> <sup>۲۵</sup> <sup>شهر</sup>

بر خودشان لازم خواهند دید یا نه؟ قبول زحمت فرموده از این فقره استعلام و به دوستدار اطلاع دهند. زیاده چه زحمت دهد. فی ۹ جمادی الاولی ۱۲۹۰. (علی بهجت).

### [اختلاف ملکی تبعه عثمانی با تبعه ایران]

تصدقت شوم کمترین داود رعیت دولت علیه عثمانیه.

کمترین دَر دَر مرحوم یوسف خان مسیحی نصف خانه میرزا طاطاوس پسرکشیش که در نزد دیگری بیع شرط بود و بیع لزوم به هم رسانیده بود، ابتیاع کرده و حالا صاحب خانه که نصفش مال اوست راضی نمی شود که کمترین از دری که در حصّه او واقع است، تردد نمایم. حرفش این است که از طرف حصّه خود دری واکن و تردد از در خودت بکن. کمترین نیز از طرف حصّه خود دری وا کرده و بقدر ده تومان خرج نموده، حالا چند نفر از اهالی مسلمان و چند نفر از ارامنه از راه لجاجت به همسایه های مسلمان و غیره تعارف و رشوه داده اند که شما مانع شوید نگذارید از اینجا [در] وا کند و آمده در کمترین را خراب کرده و گرفته اند. از قراریکه می گویند چند نفر از مسلمانان رفته به جناب شریعتمدار آقایی حجة الاسلام عرض کرده اند که صاحب این دَر مشروبات به مردم می فروشند، اگر به سبب مشروبات این طور عمل را با کمترین می نمایند، چرا چندین سال که با حاجی ملاعلی اکبر همسایه بودم و بقدر یکصد قدم بالاتر از این در خانه داشتم، مانع نمی شدند و حالا از یک طرف صاحب همین خانه که نصفش مال اوست، نمی گذارد که از دری که در حصّه او افتاده تردد نمایم و از یک طرف دری که از طرف حصّه خودم وا کرده ام، همسایه ها آمده خراب کرده و گرفته اند. در این صورت کمترین معطل مانده [ام]. پر و بال ندارم که به آسمان پرواز کنم و در اینباب عالیجاها میرزا حاجی آقا میرزای جناب جلالتماب افندی<sup>۱</sup> هم خدمت سرکار عرض کرده است، کیفیت و گذارش حقیقتش این بود که خدمت با رفعت سرکار عالی عرض گردید، بعد از آن حکمش با سرکار عالی است که موافق عدالت بفرمایند. تحریراً فی هفتم شعبان المعظم سنه ۱۲۹۱.

۱. افندی: به طریق احترام به بزرگان ترک اطلاق شود و نیز به آخر نام رجال افزوده شود.



### [عریضه کارگزار صاحب ملک عثمانی که مورد تعدی قرار گرفته است]

به عرض حضور عظمت و شوکت دستور جناب جلالتماب باش شهیندر دولت علیه عثمانی مقیم دارالسلطنه تبریز می‌رساند، مقرویچ مقدس بابک اوغلی ساکن وان. بنده را مرحوم موسی طوماس در حال حیات خود روانه سلدوز نزد پسر خود حاتم فرستاد که در آنجا مشغول خدمت بوده باشد. بعد از فوت مشارالیه حاتم بدارالسلطنه تبریز آمد و امر عمل قریه کهریزه ملک خودشان را به بنده سپردند، بعد از آمدن ایشان رعایای قریه تپه ملک عالیجاه نجفقلی خان به تحریک عالیجاها مشارالیه که سابقاً هم عداوتی داشت اغنام و احشام خودشان را به صیفی‌کاری و زراعت قریه کهریزه ریخته و چرانیده آنچه لازمه ضرر و خسارت بود رسانیدند. رعایای قریه مزبوره به جهت خسارت خودشان دو و سه راس مال از آنها آورده نگه داشته بودند که خسارت وارده را داده و مال‌های خودشان را به برند. فردای آن محمدتقی نام آدم عالیجاها نجفقلی خان با کدخدای قریه تپه و به اتفاق سی چهل نفر آدم به سرده ریخته و آنچه فضاهی بود بر سر رعایا و بنده آوردند و محمدتقی مشارالیه با کدخدا بر سر بنده تفنگ کشیده و زیاده کوتک‌کاری نموده بعد به حکم خودشان بنده را از ده بیرون نموده و کشیده مال‌های خودشان را بردند و به بنده گفتند اگر یک‌ساعت در این جا بمانی ترا خواهیم کشت، بنده از ترس جان عمل خود را گذاشته به تبریز آمده حال عرض حال می‌نماید که هرگاه به آن دو نفر آورده و تنبیه کامل نباشد، هرگز برای بنده ممکن نمی‌شود که دوباره مراجعت کرده و بر سر عمل خود برود، از مروّت باش شهیندر دولت علیه عثمانی بعید است این‌طور ظلم در حق یک نفر رعیت فقیر نمایند و یا قصد جان او را منظور دارند، من بعد مختارند و زیاده چه عرض نماید. فی سلخ جمادی‌الثانی ۱۲۹۱.

### [درخواست اشرار عثمانی که به ایران فرار کرده‌اند]

جناب جلالت و نبالت ما با فخامت و مناعت نصابا دوستان استظهار معظم. از قایم مقامی رواندوز اظهار داشته‌اند [که] شیخ آقا نام از عشیرت بلباس چندی قبل فتح‌اله نام رواندوزی را لخت کرده و مبلغی مال او را به غارت برده بوده است. از قایم مقامی

مذکور که به مقام دستگیری او برآمده بوده‌اند، مرقوم هفت ماه قبل از آن طرف فرار کرده و خود را به میان ایل مامش انداخته و به دستگیری چند نفر از مامش‌ها به صدد تاخت و تاز اموال تجار و متردین که از رواندوز به ساوجبلاغ آمد و شد دارند، بوده است. قایم مقامی مذکور بر طبق عرض حال جمعی از تجار و مکاریان تبعه دولت علیه عثمانی که در عرض این هفت ماه بواسطه تعرض شیخ آقا و نیز رفقای او جرئت غزیمت به ساوجبلاغ نداشته‌اند، شرحی به باش شهبندری نوشته و سواد عرض حال مذکور را هم فرستاده و اظهار کرده است [که] شیخ آقا مرقوم که از جمله اشار و محض تقضی از چنگ حکومت، خود را به میان ایل مامش انداخته و از تعرض و مزاحمت به تجار و قوافل آسوده نیست، قرار داده شود [که] مرقوم از طرف حکومت ساوجبلاغ دستگیر شده به سرحدداران دولت علیه تسلیم کرده و هم‌چنین رفقای او را که از طایفه مامش می‌باشند، از محل عبور کاروان و قوافل تبعید نمایند تا متردین به آسودگی و امنیت آمد و شد کرده و از تجارت خود باز نمانند. لهذا از روی کمال ارادت و احترام زحمت‌افزا و خواهشمند است قرار دهند حکم مؤکدی صادر شود، حکومت ساوجبلاغ اولاً مرقوم شیخ آقا را به هر وسیله بتواند دستگیر کرده به سرحدداران دولت علیه عثمانی تسلیم سازد. ثانیاً رفقا و هم‌دستان او را هم که از طایفه مامش می‌باشند، مورد تنبیه کامل کرده و آنها را از سرحد و محل عبور قوافل دور کنند. امیدوارم زودتر حکم لازم صادر و به باش شهبندری اطلاع دهند. زیاده زحمت‌افزا نمی‌شود. حرر فی شهر محرم الحرام ۱۲۹۵. (باش شهبندر دولت علیه عثمانی در تبریز).

### [اختلال ملکی تبعه عثمانی با ایرانی‌ها]

مقرب‌الخاقان معتمدالسلطانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

به خصوص چند پارچه ملک واقع در ساوجبلاغ که عباس آقامکری در مقابل یک هزار و سیصد و چهل و سه تومان در پیش مسیو نظر قوریانس تبعه این دولت علیه بیع گذاشته و عبدالرحمن آقا مدعی یک ربع از املاک مزبوره می‌باشد، چند روز قبل در کارگذاری با حضور عالیجاه مجدت همراه میرزا حاجی آقا منشی اول باش شهبندری و مستدعین رسیدگی و تحقیقات لازمه بعمل آورده و قرار دادند [که] پارسال املاک مزبوره را هرکس در تصرف

داشته به همان حالت باقی باشد تا گفتگوی طرفین بر حسب قانون شرع مطاع قطع و فصل گردد، ولی بنحویکه دوستدار از مسیو نظر مومی‌الیه متأسفاً مسموع داشت، عبدالرحمن آقا به خلاف قرار داد کارگذاری از مقرب‌الحضرة باباخان آقا نایب میراخور نوشته گرفته به ساوجبلاغ فرستاده است که کسان او را در استیفای وجه اجاره املاک مداخله ندهند. دوستدار را کمال تعجب از این فقره حاصل است، قراریکه بر حسب موافقت طرفین داده شده و منتظر ختام آن بایست شد، مقرب‌الحضرة مشارالیه را داعی چیست که به محض قول عبدالرحمن آقا به ساوجبلاغ نوشته فرستاده و به مقام منع مداخله کسان مسیو نظر به املاک مزبوره برآید. لهذا در کمال صراحت خدمت آن مقرب‌الخاقان زحمت می‌دهد که دوستدار لزوماً کیفیت این فقره را به عرض سفارت کبری این دولت علیه خواهد رساند تا مراتب را به وزارت امور خارجه اظهار داشته و از آنجا برای رسیدگی و تسویه مطالب متعلقه به باش شهبندری جدی معین نمایند و عجلتاً از روی کمال احترام متوقع است قرار دهند یک ربع از املاک مزبوره که فیما بین عباس آقا و عبدالرحمن آقا محل نزاع است، محصول و وجه اجاره آن بدون مداخله غیر در ضبط کارگذاری مهام خارجه باشد تا گفتگوی آنها بر حسب قاعده شرع انور قطع گردد و سه ربع دیگر در دست کسان مسیو نظر بوده حاصل و وجه اجاره آنرا اخذ نمایند. بدیهی است بطوریکه زحمت داده حکم لازم در این خصوص صادر و عباس آقا و عبدالرحمن آقا را مجبور خواهند کرد که هرچه زودتر به امر مرافعه اقدام نمایند. زیاده چه زحمت‌افزا شود. حرر فی ۲۶ شهر رجب‌المرجب ۱۲۹۵. (علی بهجت باش شهبندر دولت علیه عثمانی در تبریز).

[درخواست رفع شرارت ایرانی‌ها که به خاک عثمانی رفته و غارتگری می‌کنند]

جناب فخامت و مناعت نصابا دوستان استظهارا مشفقاً مکرماً.

از ولایت جلیله وان اظهار داشته‌اند عشایر ایرانیه که علی‌التوالی در راس حدود به انواع طرق متعرض دهات واقعه و ایلات مسکونه در خاک دولت علیه عثمانی هستند. در این قرب زمان چند نفر از کسان و اتباع تیمور آقا عروسانلو به سمت حکاری گذشته و از قریتین پالچقلی علیا و سفلی مبالغی اموال و اشیاء و دواب چند خانوار را غارت کرده باین طرف



گذرانیده‌اند. تفصیل اموال منهوبه را فرستاده و طلب استرداد آنها را به باش شهرداری محول فرموده‌اند. صورت اموال مذکوره را ضمناً ارسال خدمت آنجناب دوستان استظهاری داشته زحمت افزاست، خاطر آنجناب از ملاحظه صورت مذکور قرین اطلاع خواهد بود که اشرار مزبور بنای تعدی و جسارت را به حدی رسانیده‌اند که علناً به معموره دهات هجوم کرده و به غارت اشیاء خانگی و اثاث البیت مبادرت می‌نمایند. چون ظهور این قسم خودسری و بی‌مبالائی آنها عمده به علت کمال بی‌قیدی و اغماض روسای آنها است. و داد و اتخاد کامل دولتین علیتین به هیچ‌وجه وقوع اینگونه حرکات را تجویز نخواهد کرد. لهذا از روی کمال احترام خواهشمند است قرار دهند حکم لازم و مؤکدی صادر و مأموری روانه داشته شود [که] رفته اموال منهوبه را از مرتکبین مسترد داشته و باطلاع کارگزاران سرحدیه این دولت علیه به صاحبان آنها تسلیم سازد. امیدوارم از صدور حکم و اعزام مأمور زودتر دوستدار را مطلع دارند تا از آن قرار به جواب رقیمه ولایت مشارالیهما بپردازد. زیاده چه زحمت دهد. فی ۱۳ شهر رمضان ۱۲۹۵. (علی بهجت باش شهیندر دولت علیه عثمانی در تبریز).

صورت اموال و دَوّابی که کسان تیمور آقا عروسانلو از قریتین پالچقلی علیا و پالچقلی سفلی غارت کرده‌اند.

از قریه پالچقلی علیا:

از مال مصطفی: چادر یکباب، گندم، دیگ عدد، مجموعه عدد، نمد ۳ تخته، گلیم ۲ تخته و گاو ۲ راس.

از مال نادو: گاو راس، ماده گاواراس، گلیم تخته، نمد تخته، دیگ عدد و چادر یکباب.

از مال حسو: چادر یکباب، گلیم ۴ تخته و نمده تخته.

از مال جهانگیر: گلیم ۴ تخته، نمد ۵ تخته، گاو ۳ راس، ماده گاو ۲ راس و گندم.

از مال حسنی کدخدا: گلیم ۳ تخته، نمد ۳ تخته، چادر دوباب و گندم.

از مال اورال: چادر یکباب و گاو راس.

از مال محمودبیگ: گاو راس، چادر یکباب، نمد ۳ تخته و گلیم ۳ تخته.

از مال ملاعلی: چادر یکباب، گاو راس، نمد ۴ تخته، گلیم ۵ تخته، طاس ۴ عدد، مجموعه

۳ عدد، گندم و ماده گاو راس.

از قریه پالچقلی سفلی:

از مال اسمعیل کدخدا: گاو با بار ۵ راس، نمد ۶ تخته، گلیم ۷ تخته، قالی ۲ تخته، دیگ



عدد، مجموعه ۲ عدد، طاس ۵ عدد، ظروف مس ۵ پارچه، خورجین پر از اشیاء.  
از مال بشیر: گاو ۲ راس، ماده گاو ۲ راس، نمد ۷ تخته، گلیم ۶ تخته، تبر ۶ عدد و جل  
اسب ۳ عدد.

از مال سلیمان: گندم، اسب راس، تفنگک لوله و گاو راس.  
از مال اوفو: گاو با بار ۳ راس، نمد ۳ تخته و گلیم ۲ تخته.  
از مال علی: مادیان با بار ۲ راس، گاو با بار ۴ راس و گندم.  
از مال حسو: گاو راس، گلیم تخته، نمد ۳ تخته و دیگ ۲ عدد.  
از مال عیسو: خیک روغن عدد، خیک پنیر عدد، گاو راس، گلیم تخته، نمد تخته و چادر  
۴ باب.

### [درخواست کرایه اضافی که شتردار ایرانی از عثمانی ها گرفته است]

جناب فخامت و مناعت نصابا دوستان استظهارا مشفقا مکرما.  
صادق نام شتردار خویی چندی در وان و آن صفحات مشغول بارکشی به جهت اردوی  
دولت علیه عثمانی بوده به قراریکه بدو ستدار قلمی داشته اند، مبلغ پانزده عدد مجیدیه طلا زیاده بر  
اجرت خود دریافت داشته است که باید رد کند. چون مومی الیه این روزها در تبریز است، از روی کمال  
احترام خواهشمند است قدغن فرمایند ضامن از شتردار مذکور بگیرند مادامیکه وجه زیادی  
مأخوژی را رد نکرده است از تبریز نرود. امیدوارم بطوریکه زحمت داده است، قدغن  
خواهند فرمود از شتردار مومی الیه اطمینان حاصل کنند تا قرار استرداد وجه مزبور ازو داده  
شود. زیاده چه زحمت افزا شود. فی سیم شهر شوال المکرم ۱۲۹۵. (علی بهجت).

### [ادامه مکاتبه در مورد استرداد اشرار عثمانی که به خاک ایران فرار کرده اند]

جناب فخامت و مناعت نصابا دوستان استظهارا مشفقا مکرما.  
شیخ آقا نام از عشیرت بلباس دوسال قبل در خاک دولت علیه عثمانی منشأ بعضی شرارت  
گردیده و از آن طرف فرار کرده به میان طایفه مامش آمده، محمد آقا رئیس طایفه مزبوره او

را حمایت و نگاهداری نموده بود. دوستدار بر طبق اظهار قایم مقامی رواندوز در ردّ و اعاده او شرحی بتاريخ ۱۱ شهر محرم الحرام ۱۲۹۴ به کارگذاری قلمی داشته و از حرکات تعرضیه او به کاروان و قوافلی که از خاک عثمانی به ساوجبلاغ و از ساوجبلاغ به آن طرف آمد و شد می‌کردند، اطلاع داده و خواهش گرفتاری او را کرده بود. کارگذاری به وجهی از اقدامات خود به این مطلب استحضار نداده و حتی به جواب مراسله باش شهبندی نیز پرداخت ننموده. این روزها به قراریکه از ساوجبلاغ به دوستار نوشته‌اند، مرقوم شیخ آقا در سمت لایجان به تقویت محمد آقا مامش جمعی به سر خود فراهم آورده مشغول نهب و غارت اموال تجار و سایر متردّین می‌باشد. از جمله در اواخر ماه مبارک رمضان کاروانی که از موصل می‌آمده است، با جمعیت به سر کاروان ریخته سه بار مال التجاره خواجه منصور موصلی رعیت این دولت علیه را به غارت برده است. لهذا اطلاع خاطر آن جناب فخامت نصاب را از کیفیت هرزگی و شرارت فراری مزبور لازم دیده، احتراماً به مقام مزاحمت برآمده و خواهشمند است، مرقوم که از جمله مشاهیر اشرار و خود فراری از خاک دولت عثمانی [است].

اولاً به جهت امنیت آن صفحات البته آن جناب دوستان استظهاری گرفتاری او را فرض دانسته و تدبیری که به جهت دفع و تعرض او مقتضی باشد سریعاً به کار خواهند برد. ثانیاً اموالی که مرقوم در این مدت دو سال از رعایا و تجار این دولت علیه غارت کرده، قرار استرداد آنرا با سه بار مال التجار خواجه منصور مومی الیه داده و به خصوص ردّ و اعاده او به خاک این دولت علیه احکام مؤکده بعهده حکومت ساوجبلاغ و محمد آقا مامش صادر و مأمور مخصوص روانه فرمایند رفته بعد از استرداد اموال منهوبه او را از میان طایفه مزبوره کوچانیده و در سرحدّ به کارگذاران این دولت علیه تسلیم سازد. امیدوارم از لازمه اهتمام و مراقبت مضایقه نفرموده و دوستدار را از صدور حکم و روانه داشتن مأمور اطلاع دهند. زیاده چه زحمت افزا شود. فی ۱۵ شهر شوال المکرم ۱۲۹۵. (باش شهبندر دولت علیه عثمانی در تبریز).

[ادامه مکاتبه در مورد کرایه اضافی که شتردار ایرانی از عثمانی‌ها گرفته است]

جناب فخامت و مناعت نصابا دوستان استظهارا مشفقاً مکرّماً.  
به خصوص استرداد پانزده عدد مجیدیه طلا از کربلایی صادق شتردار خویی که دوستدار



قبض وجه مزبور را فرستاده و به ملاحظه آنجناب فخامت نصاب رسیده و بعالیجاه مجدت همراه میرزا حاجی آقا منشی فرموده بودند که شتردار مذکور را به ضامن سپرده‌اند تا پانزده روز سندی که می‌گوید در مقابل قبض مذکور دارد ابراز کند یا اینکه پانزده مجیدیه را بدون حرف بدهد. امروز از باش شهرداری آدمی خواسته و قبض مذکور را پس فرستاده‌اند و دوستدار از پس فرستادن قبض مذکور چنان استنباط می‌کند که قرارداد سابق تغییر پذیرفته. لهذا مجدداً لازم دید به مقام مزاحمت برآید، کربلایی صادق مرقوم که وجه مزبور را زیاده بر اجرت خود دریافت داشته و از جانب قوماندانی اردوی همایون در استرداد آن بعهدہ دوستدار رقیمه صادر گردیده است، خواهشمند است قدغن فرمایند بطوریکه سابق هم فرموده‌اند وجه مزبور را ازو مسترد کرده به باش شهیندر بفرستند و اگر مومی‌الیه سندی در مقابل قبض مذکور دارد در لفّ مراسله جوابیه از کارگذاری ارسال فرمایند [تا] دوستدار ملاحظه نماید هرگاه سندی است که راه مطالبه و استرداد وجه مزبور را ازو مسدود می‌دارد چه بهتر والا امیدوارم به عدزهای غیرموجه او التفات نفرموده مؤکداً قدغن خواهند کرد پانزده مجیدیه را ازو استرداد نمایند. زیاده چه زحمت افزا شود. فی ۱۷ شهر شوال المکرام ۱۲۹۵. (علی بهجت).

### [اختلاف معامله تاجر عثمانی با روده‌فروشان ایرانی]

خواجه اندری تبعه دولت علیه عثمانی که به موجب یک طغرا قونطورات [کنترات] نامه سی هزار روده گوسفند از جماعت ذهتاب ادعا می‌کرد، حسب الامر بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم سالار لشکر مدظله‌العالی با حضور عالیجاه موسیو ریتار وکیل باش شهیندر دولت مشارالیهما و مدعی مزبور جماعت ذهتاب احضار و لازمه تحقیقات بعمل آمده و معلوم و محقق شد که آن قونطورات نامه اصلاً صورت صحّت نداشته و مبنی بر علت و غرض بوده است. به علت اینکه خواجه اندری دو فقره قونطورات نامه ابراز داشت که یکی مورخه شهر رجب‌المرجب سنه ۱۳۰۰ و عبارت از ده هزار روده و دویمی ۲۰ شهر شعبان‌المعظم سنه ۱۳۰۰ تاریخ داشت که سی هزار روده بود که در هر دو قید شده بود که جماعت ذهتاب در ظرف یک سال به مرور روده بدهند و خواجه اندری هم به مرور پول بدهد. اولاً تاریخ قونطورات نامه دویمی که بعد از ده ماه از تاریخ قونطورات گذشته آورده به امضای



کارگذاری رسانیده قلم زده واضح بود که خود وکیل شهیندر هم تصدیق نمود. ثانیاً بعد از رسانیدن به امضا که دو ماه به اتمام وعده مانده است، دو سطر دیگر با خط علیحده در حاشیه قونطورات نامه علاوه نوشته است که این قرارداد از ابتداء سنه ۱۳۰۱ تا آخر سال داده خواهد شد که هر بی سوادى ملاحظه کند خواهد دانست که بعد علاوه شده است. با وجود این همه عیوبات واضح که دلیل بر عدم صحت آن قونطورات نامه بود به جهت اثبات عدم صحت آن در صورت و صحت گذاشته. سؤال شد که از این دو فقره قونطورات چه رسیده و چه مانده است؟ جواب داد که فقره اولی که عبارت از ده هزار [روده] باشد تماماً پرداخت شده. بعد که این قونطورات دویمی نوشته شده است یک هزار و سیصدتا [روده] را داده اند. باز سؤال شد، جهت چه بوده است [که] در ظرف مدت یک ماه ده هزار روده تحویل شد اما در مدت ده ماه که اقلأ در این شهر روزی استمراراً قریب دویست راس گوسفند کشته می شود روده اینها یک هزار و سیصد شده؟ علاوه بر این هرگاه قرارداد این قونطورات نامه شما نرسیده بود، وقتی که بعد از ده ماه آورده به امضا رسانیدی چرا اظهار نداشتی. بس معلوم است این قونطورات نامه در میان خودتان مبنی بر مصلحتی بوده است. به علت اینکه یک ماه بعد از اتمام مدت قونطورات نامه این کار در دست خود ذهتاب ها بود و آدم شما هم همیشه در اینجا بوده است. یا باید به شما داده باشند و یا اینکه به کس دیگر فروخته باشند. هرگاه به مشتری دیگر داده اند اظهار داشته و مدلل نمایند تا از عهده بر آیند. خواجه اندری جواب داد که به من نداده اند و به کس دیگر هم ندیده و نشنیده ام که فروخته باشند. علاوه بر این تفصیل یک ماه قبل که در این باب وکیل شهیندر اظهار داشت و جماعت ذهتاب احضار و حکم شد که بعد از تحقیق مراتب در صورتیکه ذهتاب ها از قرارداد خودشان تخلف کرده باشند حکماً گرفته شود. جهت چه بود که آدم شما راضی نشد؟ بالجمله معلوم و محقق شد که خواجه اندری جز پانزده تومان که در اوّل معامله به رسم مساعده داده است، به هیچ وجه حق و ادعایی ندارد و چنانچه خود خواجه اندری هم در حضور وکیل شهیندر مقرر و مُعترف گردید و حسب الامر مقرر شد که ذهتاب ها پنج تومان هم علاوه بر پانزده تومان داده به کلی قطع گفتگو و ادعا نمایند. ۲۲ شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۰۱. صورت مجلس از قرار تفصیل است که با حضور کمترینان، رسیدگی و تحقیقات کامل بعمل آمد. محل مهر مقرب الخاقان میرزا احمدخان لشکر نویس، محل مهر بنده درگاه هاشم، (مقرب الضرة آقا محمد ابراهیم رئیس التجار).

## [دعوت از صاحب‌منصبان ایرانی برای شرکت در جشن تولد پادشاه عثمانی]

مقرب‌الخاقانا دوست مشفق مکرما.

روز شنبه هفدهم این ماه که عید ولادت با سعادت سرکار اعلیحضرت قویشوکت پادشاه کل ممالک محروسه عثمانی خَلْدَاللهُ مُلْکُهُ و سُلْطَانِه می‌باشد. لازم دانست حسب‌الرسم از حلول این عید سعید اطلاع داده و مزاحمت برساند که دوستدار روز مزبور را از چهار ساعت به غروب آفتاب مانده تا وقت غروب در باش شهبندری با لباس رسمی از اشخاصی که برای تبریک و تهنیت قبول زحمت کرده و تشریف خواهند آورد پذیرا خواهد بود. زیاده زحمت نمی‌دهد. فی ۱۴ شهر شعبان‌المعظم ۱۳۰۳. مهرعلی بهجت باش شهبندر دولت علیه عثمانی در تبریز. (مقرب‌الخاقان دوست مشفق مکرّم حاجی میرزا معصوم خان نایب اول کارگذاری مهام خارجه مطالعه نمایند).

## [شکایت تبعه عثمانی از همسایه ایرانی خود]

مقرب‌الخاقانا دوست مشفق مکرما.

یحیی نام زرگر تبعه دولت علیه عثمانی شکایت می‌کند اوهان نام قراجه‌داغی که با مومی‌الیه در یک کوچه خانه دارند، پیشتر از خانه خود خیلی خاک به وسط کوچه ریخته و روزهای بارندگی آب باران در جلو خاک جمع شده و پنج دیوار خانه یحیی مزبور از این جهت رطوبت کشیده و دیوار مشرف به خرابی است. و پشت همان دیوار که اوطاق مسکونی یحیی مرقوم است، اگر دیوار معیوب برداشته نشود خود به خود افتاده صدمه دیگر نیز حادث خواهد کرد. چون ریخته شدن خاک به وسط کوچه باعث شکست دیوار گردیده است، لازم است اوهان مزبور بر حسب قاعده از عهده مخارج برداشتن دیوار و تعمیر آن برآید. لهدا زحمت‌افزا و خواهشمند است اوهان مزبور را حاضر کرده قدغن نمایند دیوار خانه یحیی را برداشته و از نو تعمیر کرده به حالت اولیش بیاورد. بدیهی است بنحویکه خواهش کرده قدغن نموده بدوستدار نیز اطلاع خواهید داد. زیاده چه زحمت دهد. فی ۱۵ شعبان ۱۳۰۳. (مقرب‌الخاقان دوست مشفق مکرّم حاجی میرزا معصوم خان نایب اول کارگذاری مهام خارجه مطالعه نمایند. علی بهجت).

## [درخواست دستگیری اشرار ایرانی که به خاک عثمانی رخنه می‌کنند]

فدایت شوم

سالهاست چند نفر از مشاهیر اشرار در حدود ماکو و اواجق<sup>۱</sup> مصدر انواع شرارت و غارت می‌شوند. دوستدار هرچه بر طبق اظهارات ولایت جلیله ارضروم و متصرفی بایزید به موجب مراسلات رسمیه خواهش گرفتاری و دفع شر آنها را از حکومت آذربایجان کرده، حمایت و تصاحب خوانین ماکو و اواجق مانع از اجرای این مقصود گردیده و بلکه در پاره مواقع به درجه ثبوت رسیده است که خوانین مذکور عوض ترهیب و تهدید اشرار مزبور را به تخطی و تجاوز ترغیب و تشویق کرده و از این جهت اسباب بی‌نظم و اختلال در سرحد فراهم می‌آورند. چنانکه این روزها بر حسب تلگرافی که از ولایت جلیله ارضروم بر طبق تحقیقات و متصرفی بایزید به باش شهبندی رسیده اظهار داشته‌اند حکومت ماکو و اواجق حمزو نام فراری از خاک عثمانی را که از چندین سال قبل شغل و عملش به غارتگری و قتل نفس منحصر و چندین دفعه از خاک عثمانی اموالی نهباً به این طرف گذرانیده و گرفتاری او را دوستدار کراراً متمنی شده است. یا طاهر نام جنگانلو و احمدگر نام جلالی مورد نوازش و ملاطفت داشته و خلعت داده و به تعلیمات مخصوصه به تجاوز و غارت از خاک عثمانی ترغیب می‌نموده‌اند. ولایت جلیله ارضروم اگرچه تدابیر وافیه و اقدامات مقتضیه را در سد طرق تجاوزات آنها به کار برده و دستورالعمل‌های لازم به متصرفی بایزید در اینبات داده است، ولی معذک ظهور این قبیل اطوار و حالات مأمورین سرحدیه ایران را منافی شرایط کمال وداد و اتحاد دولتین علیتین دانسته اظهار داشته‌اند. البته حکمرانی آذربایجان در این فصل به مقتضای رعایت لوازم احتیاط از اغتشاش امور سدحدی لازم خواهد دانست که به صدور احکام مؤکده در حفظ نظم حدود، مأمورین سرحدیه را از حرکات مغایر موجبات سلم و صفوت باز داشته و مخصوصاً در جلوگیری اشرار مزبوره و اتباع آنها تأکیدات لازمه را بعمل آورند. فلهمذا دوستدار خود را مکلف دانست از مدلول تلگراف ولایت جلیله مشارالیها خاطر رفت ظاهر جنابعالی را قرین استحضار داشته و متمنی شود [که] توجهات مؤثره در اینباب گردد. امیدوار است به مقتضای کمال اعتنا و اهتمامی که در رعایت هر قسم شرایط انتظام و انضباط خاصه

۱. اواجق: بخشی است در آذربایجان غربی نزدیک مرز ترکیه.

در نقاط سرحدیه منظور دارند، از صدور احکام مؤکده و مشدده در این خصوص خاطر دوستدار را مستحضر بفرمایند تا از آن قرار به جواب تلگراف ولایت جلیله مشارالیها بپردازد. زیاده زحمت عرض ندارد. فی ۱۹ شهر شعبان المعظم ۱۳۰۳. (علی بهجت).

### [اختلاف ملکی تبعه عثمانی با تبعه ایرانی]

مقرب الخاقانا دوست مشفق مکرما.

عالیجاه مجدت همراه میرزا حاجی آقا منشی اول باش شهرداری از فقره گفتگوی حدود هوزه بران بازنجناب<sup>۱</sup> تفصیلی برای دوستدار مذکور داشت که عجلتاً لازم نمی‌داند بیانات او را مشروحاً در ضمن این رسیده مندرج سازد. ولی چون مقدمه این مشاجره از چند سال قبل فیمابین مالکین قریتین مذکورتن مسبوق بوده و مالک سابق هوزه بران به استناد علایم معینه و مرکوزه در میان آن دوده و معمولی سنوات سابقه و دلالت و تأیید مضامین نوشتجات قدیمه و جدید باین معنی و عدم تکون هیچ‌گونه منازعه از ده سال قبل به آن طرف سنگ عظیم آهن کوبیده را حد فاصل در بین اراضی قریتین مذکورتن دانسته و مزارع و مراتع واقعه از محاذی آن سنگ به طرف موزه بران را متصرفی املاک سابقه هوز بران دیده بود. از این جهات مالک زینجناب در مدت چهار و پنج سال ادعا و مشاجره خود بنحوی توانسته بود راه مداخله و تجاوز از سنگ مزبور به طرف هوزه بران پیدا کرده و زمینی را از تصرف زارعین آنجا انتزاع نماید. از پارسال به این طرف که عالیجاه مشارالیه محض تحصیل طلب خود و اطمینان از رفع گفتگوی منازعه در خصوص حدود آنجا، نصف هوزه بران را ابتیاع نموده است. آیا داعی چه می‌تواند شد، حکمی که در عوض آن چهار و پنج سال به ضرر مالک هوزه بران صادر و از تصرف او زمینی منتزع نشده بود، اکنون با همه شرایط عدالت فطری و نصفیت جبلّی جناب مستطاب اجل اکرم امیرنظام دام اقباله العالی [که] در حق عالیجاه مشارالیه می‌شود و مأمور روانه گردد اراضی متصرفی هوزه برانی‌ها را که آلان زراعت در آنجاها دارند از تصرف آنها درآورده و به زینجنایی تسلیم نمایند. البته ارباب خبرت بهتر می‌دانند آن اوقات ملفوفه فرمان مبارکی که بتوسط وزارت جلیله امور خارجه مشعر به منبع تخطی طرفین و رعایت حدود

۱. هوزه بران و زینجناب، از روستاهای اطراف اسکو می‌باشد.

قدیمه قریتین مذکور تین صادر شده بوده است، جمیع ملاحظات را در ضمن داشته است مگر حالا که عالیجاه مشارالیه سمت مالکیت در قریه مزبوره پیدا کرده رنگ مسئله منازعه تغییر یافته یا اینکه طرفین از قانون شریعت مطهره می‌خواهند گردن بیچند. بالجمله دوستدار از فرط تأسف خود در اینباب هنوز خدمت جناب مستطاب معظم‌له نتوانسته است مزاحمت برساند. و بدو از آن مقرب‌الخاقان استعلام می‌کند آیا جهت محرومیت میرزا حاجی آقا از آن حقوقی که هر حکومت علی‌السویه از آحاد و افراد سکنه یک مملکت باید منظور بدارد چه چیز است. و آن علت و مانعی که مالک سابق هوزه بران را چهار و پنج سال از هم‌چنان مظلومیت نگاه داشته و در زمان او با شرع زمینی از هوزه بران حکم جاری نگردید چه خواهد بود، زحمت کشیده تحقیق نموده بدوستدار معلوم نمایند. زیاده زحمت نمی‌دهد. فی ۲۱ شهر شعبان‌المعظم ۱۳۰۳. (مقرب‌الخاقان دوست مشفق مکرم حاجی میرزا معصوم خان نایب اول کارگذاری مهام خارجه مطالعه نمایند. علی بهجت.)

### [اختلاف ملکی تبعه عثمانی با تبعه ایرانی]

مقرب‌الخاقانا دوست مشفق مکرم.

خواجه داود مسیحی تبعه دولت علیه عثمانی به موجب دو طغرا اجاره‌نامه شرعی معادل دو ثمن<sup>۱</sup> از سرای فتحعلی بیگ را به مدت سه سال از مالکین آنجا اجاره کرده حال شش ماه است از ابتدای اجاره و استجاره می‌گذرد. با وصف اینکه موجرین مبلغی به رسم پیشکشی از وجه اجاره دریافت کرده‌اند تا حال در تسلیم دو ثمن مذکور به طفره و تعلل گذرانیده و از این جهت سبب خسران خواجه داود شده‌اند. لهذا بر حسب شکایت او زحمت‌افزا و خواهشمند است مومی‌الیه دو طغرا اجاره‌نامه و قبض و جوه ایفادی خود را بنظر آن مقرب‌الخاقان خواهند رسانید. قرار دهند آنهایی که این دو سهم را اجاره داده‌اند حاضر و موکداً قذغن نمایند دو سهم مذکور را بالتساوی به خواجه داود تسلیم کرده و آنچه از اول اجاره حقوق او بوده و در پیش هر کسی باشد، گرفته و مسترد دارند. زیاده زحمتی ندارد ۲۲ شعبان ۱۳۰۳ (علی بهجت.)

۱. ثمن = یک هشتم.





## [درخواست اموال غارت شده عثمانی توسط اشرار ایرانی]

مقرب الخاقان دوست مشفق مکرّما.

دوستدار به موجب مراسله مورّخه ۱۲ شهر ربیع الاول گذشته به آن مقرب الخاقان زحمت داده بود اشخاص ذیل:

در باز، سلیمان، یوسف، محمد، حاجو، تیمو. از کسان یوسف خان شمسکی دوازده راس گاو و دو راس اسب که از قریه اسکپاک من توابع وان غارت کرده به قطور گذرانیده‌اند. حکمی صادر نمایند منهویات مذکور را از مرتکبین مسترد داشته در سرحدّ تسلیم نمایند. در جواب به ولایت جلیله وان نیز اطلاع داده بود [که] صاحبان اموال را اخبار نمایند رفته مال خود را مطالبه کنند. به قراریکه از ولایت جلیله مشارالیهما مرقوم می‌دارند صاحبان منهویات را مصحوب یک نفر ضبطیه روانه قطور کرده و شرحی هم به مباشر قطور نوشته بوده‌اند که گاو و اسب آنها را مسترد و عاید دارند. در قطور جهت انفصال میرزا زکی خان را علّت تعویق استرداد اموال آنها قرار داده و به ورود مباشر جدید معلق داشته، ضبطیه و صاحبان اموال را دست خالی برگردانیده‌اند. چون مرتکبین نهب اشخاصی هستند معلوم و مال‌ها را هم به قریه راویان قطور آورده قسمت کرده‌اند. فلّهذا بر حسب اظهار ولایت مشارالیهما خواهشمند است بعهده حکومت خوی حکمی صادر نمایند [که] مأمور مخصوص از آنجا روانه دارد و رفته اشخاص مرقومه را در قطور بدست آورده و دوازده راس گاو و دو راس اسب منهوب را از آنها مسترد و در سرحدّ باطلاع مأمورین آن طرف عاید داشته و زیاده از این قرار این فقره را بعهده تعویق نگذارند. بدیهی است از صدور حکم مؤکد و ارسال آن خاطر دوستدار را مستحضر خواهید داشت. زیاده زحمتی ندارد. فی ۲۸ شعبان ۱۳۰۳. (علی بهجت‌باش شهیندر دولت علیه عثمانی در تبریز).

## [اعلام تحویل تبعه عثمانی به عثمانی‌ها]

سواد مراسله جوابیه سفارت کبری عثمانی به وزارت جلیله خارجه مورّخه ۲۷ شهر ربیع الاولی ۱۳۰۷.

آنجناب جلالتماب بواسطه مراسله مورخه ۴ شهر جمادی الاولی ۱۳۰۶ نمره ۱۹ در خصوص قاسوی جلاد اظهاراتی فرموده بودند و دوستدار از آنچه لازم بود به مقامات لازمه در این خصوص نگارش داد و وکلای عظام دولت علیه متبوعه دوستدار هم به اقتضای سلم و صفت موجوده بین دولتین علّیتین حکم به اعاده قاسوی مرقوم فرموده‌اند و اعاده شد، زیاده زحمت است.

### [شکوائیه سفارت عثمانی از شرارت مرزنشینان ایرانی]

سواد مراسله سفارت کبری عثمانی به وزارت جلیله خارجه است مورخه ۷ شهر ربیع الثانی ۱۳۰۷.

از قراریکه از باب عالی به سفارت کبری تلگراف شده است و والی ولایت جلیله وان نیز شرحی نوشته‌اند از عشیرت عروسان که در قصبه ماکو بالفعل سکنی دارند اسمعیل آقا ولد قورد آقا با آدمهای خود احمدبن برو را که از اهل قریه تَسْتَشَه واقعه در قضای محمودیست به قتل رسانیده‌اند و عشیرت مرقومه همواره تجاوز به خاک دولت علیه عثمانیه می‌کنند و این نوع اعمال شنیعه را مرتکب می‌شوند و اکنون دولت علیه عثمانیه مامول قوی می‌دارد که از جانب دولت علیه ایران حکم اکید صریح صادر آید که قاتل‌ها را به دست بیاورند تا به جزای افعال نامرضیه خودشان استرضای اولیای دم و کارگذاران دولت علیه در آن مورد بعمل آید و بعد از این هم نوعی مأمورین دولت علیه ایران از عشیرت مرقومه جلوگیری نمایند که نتوانند دیگر این نوع شقاوتها به ظهور برسانند و انتظام حدود را مختل سازند زیاده چه زحمت دهد.

### [اختلاف حساب تبعه عثمانی با تابعین ایرانی در ساوجبلاغ]

فدایت شوم

از جانب جناب باش شهبندری بر حسب خواهش طوما افندی شهبندری اظهار شده است جهت تفریق حساب مقرب الحضرت فتح‌الله خان و مشارالیه، بنده که وکیل فتح‌الله خان هستم، ساوج بلاغ می‌روم، تفریق حساب بکنم. اولاً بعد از اظهار عرض این مطلب به کارگذاری و

اظهار کارگذاری به باش شهرداری و اظهار باش شهرداری به طوما افندی، مشارالیه خواهه هارطون نظر بیکوف را وکیل کرد که تفریق حساب بکنند. وکیل مزبور در کارگذاری حاضر شده با حضور جناب جلالتماب آقای وکیل الملک و جناب باش شهرداری و بنده گانعالی بعد از آنکه باش شهرداری صحت وکالت نامهچه مشارالیه [را] تصدیق نمود، خواهه هارطون قبول وکالت کرد بعد از آنکه یک مجلس در کارگذاری و یک مجلس در باش شهرداری [برگزار گردید]. بعد از گفتگو حقانیت فتح خان در فسخ اجازه معلوم شد و جواب طلب مشارالیه معلوم گشت و صورت مجلس به امضی کارگذاری و باش شهندر رسید. طوما افندی محض طفره خواهه هارطون را بدون اینکه حق عزل داشته باشد از وکالت عزل کرده از باش شهندر استدعا کرده خودش حاضر شود و تفریق حساب بکند. بعد از حصول اجازه دید راه طفره نماند، حالا این مطلب را پیش آورده که بنده می روم در ساوجبلاغ تفریق حساب بنمایم. اولاً این کار ابتداء در کارگذاری مطرح و مذاکره شده است و عمل معلوم گشته. ثانیاً بنده با استناد اینجا و تا حال جهت تحقیق این کار با حضور وکیل طوما افندی دو مجلس که یکی در کارگذاری و یکی در باش شهرداری به قرار رسمیت شده و صورت مجلس امضی شده. ثانیاً ممکن است از جایی مثل ساوجبلاغ بگویند عمل را باید برد در تبریز تمام کرد. ولی تا حال نشده است بگویند کار در مرکز کل تمام نشود و باید ببرند به جزو تمام کند. رابعاً بنده مأمور خدمت دیوان هستم و نمی توانم بروم. خامثاً چون طوما افندی خود مدعی است و از جانب دولت علیه عثمانیه مأمور دیگر در ساوجبلاغ نیست و مجلس هم از رسمیت خارج می شود و هم حکم کن نمی شود. مستدعیم به باش شهرداری اظهار فرمایند که طوما افندی یا خود و یا وکیلش حاضر شده در اینجا تفریق حساب را بکنند. ولی چون طوما افندی می بایست مبلغ پانصد تومان مقرری پنج ساله فتح الله خان را با فرع گذشته بدهد و تتمه طلب او هم از پانصد هشتادشش تومان کمتر است و قریب سیصد کسری بده کار می شود، طفره خود را صرفه می داند. مستدعیم هرگاه طوما افندی طفره زده و حاضر نشد مجلس رسمی گردد. اولاً تتمه طلب مشارالیه درست معلوم شود و آنچه تنخواه فتح الله خان زیاده بر طلب اوست به خودش رد شود و بعد به حساب پانصد تومان مقرری رسیده گی فرمایند. سوای این به تنخواه که در کارگذاری توقیف شده است، تتمه طلب فتح الله خان را از مشاراله مقرر فرمایند از سایر مطالبات مشارالیه در ساوجبلاغ توقف نمایند. زیاده عرضی ندارد. ۴ شهر رمضان المبارک ۱۳۰۷ عرض شد. (جعفرقلی).

## [اقرار مبلغ قرض به تبعه عثمانی]

نسختین

باعث تحریر آنکه مبلغ سه هزار و بیست هفت تومان نه هزار یک شاهی به موجب تمسکات از قرار تفصیل ذیل که مقرب الحضرت حسن آقا ولد مرحوم خضر آقاى دھوکری مقروض است، بتاریخ غُره شعبان ۱۳۰۵ بغایت یکسال به اسم عبدالاحد افندی متوفا مبلغ دو هزار چهارصد تومان بتاریخ ۱۵ رمضان ۱۳۰۵ بغایت شش ماه به اسم طوماس بگ شصت دو تومان شش قران یازده شاهی بتاریخ غره ذی قعدة ۱۳۰۵ بغایت هشت ماه به اسم طوماس بگ پنج صد سی یک تومان به موجب قبض بتاریخ ۲۹ شوال ۱۳۰۶ به اسم طوماس بگ سی چهارم تومان دو قران شش شای دو حصه طلب عبدالحد افندی متوفا وکیل شهیندري و یک حصه طلب عالیجاه طوماس بگ است. تمسک دو هزار چهارصد تومان پیش عالیجاه توما افندی شهیندر است و سه طغرا تمسک دگر نزد عالیجاه طوماس بگ ضبط است و علاوه بر این یک طغرا تمسک یکصد هشتاد تومان هفت هزار ده شای بتاریخ غره شهر شعبان ۱۳۰۵ بغایت شش ماه که در نزد طوماس بگ بود در دست نیست. هر وقت تمسک مزبور پیدا شد بطوریکه در فوق مشروح و مرقوم شده است نفع و ضرر وجه همان تمسک فیما بین مشترک است. این چند کلمه بر سیل یادداشت قلمی گردید. تحریرای هجدهم شهر ربیع الآخر ۱۳۰۸. بنده درگاه از طرف وراث مرحوم متوفا مرحوم عبدالحد افندی وکیل هستم مضمون متن صحیح است توما، چنانکه نوشته شده صحیح است طوماس بگ، بر مضمون متن صحیح است ارشاق نذر بکوف، شاهد بر این صحیح است نکاوسی، شاهد مقدس مساک، صحیح است آقا میرزا ارطون، اطلاع به مافیه یعقوب جماله، اطلاع دارم خواجه منصور، عبده الراجی الوائق بالله القادر الحی، سواد مطابق اصل است، (علی اکبر سواد مطابق اصل است).

## [دعوت از صاحب منصبان ایرانی برای افطار]

مقرب الحضرة الخاقانیة دوست مشفق مکرّما.

متمنی هستم شب دوشنبه بیست و چهارم ماه قبول زحمت کرده افطار را در دوستدار منزل



صرف و از ملاقات بهجت علامات و مصاحبت لازم المسرت خودتان دوستدار را خوش وقت و محظوظ دارید. زیاده زحمت افزا نمی شوم. (مقرب الحضرة الخاقانیه دوست مشفق مکرم حاجی میرزا معصوم نایب اول کارگذاری مهام خارجه مطالعه نمایند. علی بهجت).

### [اجابت دعوت به افطاری توسط صاحب منصب ایرانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مخلصان استظهارا مشفقاً معظماً.

شب دوشنبه بیست و چهارم ماه را دعوت فرموده بودید که افطار را در خدمت سرکار آن مخلصان استظهاری صرف نماید. بر حسب مرقوم انشاءالله تعالی شب مزبور از فیض صحبت و مودت سرکار بهره مند و از ادراک سعادت حضور سرکار آن مخلصان استظهار مشفق معظم محظوظ و متسعد خواهد گشت. زیاده چه زحمت خاطر عالی گردد. (معصوم الطباطبایی). [این نامه جواب نامه قبلی بوده و ایرانی می باشد ولی چون هردو در یک پاکت بود در نامه های عثمانی آورده شد].

### [ملاقات با شهبندر برای دیدار او با ولیعهد]

قبله گاهها

رقیمه عالی را زیارت کرده الان که خدمت سرکار آثار باش شهبندر مشرف می شوم، عرض کرده و فرمایش سرکار را حالی ایشان خواهم کرد که در سه ساعت به غروب مانده از حضور مبارک والاشراف بهروز شوند. زیاده عرض ندارد والسلام. (حاجی آقا الحسینی).

### [رد ملاقات با ولیعهد توسط شهبندر عثمانی]

فدایت شوم

فرمایشات بندگانعالی را خدمت سرکار فخامت آثار باش شهبندر دام مجده القا کردم،

برادر بزرگوار

نسخه



تاریخ

محل

بابت

سند

در تهنیت و تبریک و تحفه و هدیه و عطا و بخشش و ...

|       |      |
|-------|------|
| تاریخ | محل  |
| ۱۳۰۵  | ۱۳۰۵ |
| ۱۳۰۵  | ۱۳۰۵ |

|       |      |
|-------|------|
| تاریخ | محل  |
| ۱۳۰۵  | ۱۳۰۵ |
| ۱۳۰۵  | ۱۳۰۵ |

|       |      |
|-------|------|
| تاریخ | محل  |
| ۱۳۰۵  | ۱۳۰۵ |
| ۱۳۰۵  | ۱۳۰۵ |

|       |      |
|-------|------|
| تاریخ | محل  |
| ۱۳۰۵  | ۱۳۰۵ |
| ۱۳۰۵  | ۱۳۰۵ |

|       |      |
|-------|------|
| تاریخ | محل  |
| ۱۳۰۵  | ۱۳۰۵ |
| ۱۳۰۵  | ۱۳۰۵ |

در تهنیت و تبریک و تحفه و هدیه و عطا و بخشش و ...

در تهنیت و تبریک و تحفه و هدیه و عطا و بخشش و ...

فرمودند من شخصاً از اخلاص کیش و ارادت ورزی خود نسبت به حضرت اقدس والا روحی فداها ابداً فروگذار نکرده و خود را یکی از دولتخواهان صمیمی حضرت اقدس می دانم. ولیکن چون این فقره را سفارت سنیه به وزارت جلیله رسماً اظهار نموده و از حقوق رسمی منظور داشته اند، به واسطه اینکه شرفیابی من امروز از حضور حضرت اقدس از طرف شهبندر خانه محسوب خواهد شد، خواهش دارم پیش از بناگذاری در ترضیه کامل شهبندر خانه را معذور دارند و بطوریکه خودشان اظهار کرده اند، معذرت این فقره را در صورت استیذان<sup>۱</sup> از جانب عالی بتوسط بنده می توانند پیشنهاد کنند. زیاده عرض ندارم. والسلام حاجی آقا الحسینی.

### [درخواست طلب تاجر موصلی از فرد اشنویه ای]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکنتها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرماً.

ابراهیم نام ولد گسپر مسیحی موصلی رعیت دولت علیه عثمانی از قرار یک طغرا تمسک مبلغ سی و دو تومان از محمود نام ولد ابراهیم ساکن اشنویه طلبکار می باشد که بعد از انقضای موعده مقرر پیش از آنکه مقروض مزبور قرار در ادای وجه طلب مشارالیه بدهد به اسلامبول رفته بود. صاحب طلب مزبور هم به جهت اخذ وجه طلب خود روانه اسلامبول شده در آنجا مطالبه می نماید. بعد از چند روز محمود مزبور بدون بناگذاری در کارسازی وجه طلب او از اسلامبول به این طرف فرار کرده بوده است. صاحب طلب مشارالیه هم استشهادنامه در اینباب به اطلاع چند نفر نویسانده با یک طغرا وکالت نامه نزد بقوص نام سلمانیه برادرزن خود فرستاده است. حال نظر به عرض و شکایت وکیل مزبور زحمت افزای خاطر آن مقرب الخاقان دوستان استظهاری شده و متوقع است درباب وصول و ایصال وجه طلب ابراهیم مزبور حکم لازمی صادر و ارسال دارند که مبلغ مزبور را از مشارالیه بحیطه وصول رسانیده و بفرستند. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۲۲ شهر ذی حجه الحرام ۱۲۸۳. (عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکنتها مقرب الخاقان دوستان استظهار مشفق مکرّم میرزا ابراهیم خان نایب اول وزارت امور خارجه مطالعه نمایند. علی بهجت باش شهبندر دولت علیه عثمانیه در تبریز).

۱. استیذان = اجازه خواستن.



### [درخواست پیگیری امور عثمانی‌ها در خوی]

مطالب اظهاری شه‌بدرخانه دولت عثمانی متعلقه به خوی:

- درباب استرداد قیمت موازی شش صد و بیست هفت راس گوسفند که اولیا نام از قرار راسی یک تومن به محمد و کربلایی سلیم نامان خویی فروخته، رقم مبارک والا به مأموریت محصل صادر شد.

- درباب دولنگه ماهوت مسروقه مسیو قورسی به مأموریت محصل رقم والا صادر شد.  
- درباب موازی دویست و هفتاد راس گوسفند و سی تومن نقد که از عشایر حیدرانلو و تقوری آدم‌های نواب مستطاب معین‌الدوله به خلاف رسم گرفته‌اند، رقم مبارک صادر شد.  
- درباب استرداد اغنامی که به تحریک علی آقا شکاک، اشرار شکاک از قریه قایله لیق و استران غارت کرده‌اند، رقم مبارک به مأموریت محصل صادر شد.

- درباب استرداد معادل هفت صد و چهل و دو تومن چیزی کسر که از عالیجناب آقاسید علی حجازی به غارت برده‌اند، رقم مبارک به مأموریت محصل صادر شد.  
- درباب اموال غارت شده اهالی قریه بستکی و مقتول شدن حاجی نام چوبان رقم مبارک والا به مأموریت محصل صادر شد.

- درباب یکصد و بیست راس اغنام غارت شده و قتل زیباری قطوری که نسبت نهب و قتل به چند نفری که در زیر حمایت احمد آقا شکاک هستند، داده می‌شود. رقم مبارک والا به مأموریت محصل صادر شد.

- درباب استرداد مبلغ سی و دو تومن طلب ابراهیم نام ولدگسپر که بقوص نام سلیمانیه را وکیل کرده است، حکم لازم به مأموریت محصل صادر شد.  
- درباب اموال منهوبه ادعایی درویش نام والی از احمد آقا پسر علی آقا شکاک که رقم والا صادر شده.

- درباب اموال حاجی عباس مکاری بغدادی که هشت نفر سواره و پیاده از اکراد در هشت فرسخی ارومیه غارت کرده‌اند، رقم والا صادر شد.

مطالب اظهاری شه‌بدرخانه دولت عثمانی متعلقه به ماکو:

- درباب غارت شدن اغنام اهالی حیدرانلو و گرفتن چهل منات روسی و مقتول شدن یکی از

آنها که آدم‌های مقرب الخاقان حاجی محمود و پاشاخان را منسوب می‌دارند، رقم والا به مأموریت محصل صادر شد.

- درباب استرداد اموال عشایر متوقفین خاک عثمانی که متوقفین ماکوبه غارت برده‌اند، رقم مبارک صادر و صورت اموال منهوبه فرستاده شد که به مأموریت محصل از روی صورت مزبور مسترد دارند.

مطالب اظهاری سایر قونسولگری‌ها:

- درباب ادعای غارت مسیو ترال رعیت فرانسه که اظهار کرده‌اند در ماه محرم الحرام از تبریز به خسروآباد<sup>۱</sup> می‌رفته است، در راه سه نفر سواره تفنگ روی او کشیده و اشیاء ذیل او را غارت کرده‌اند: تفنگ دولوله، شمشیر قبضه و طپانچه.

درباب سه نفر فراریان ذیل روس:

یوسف، جعفرقلی و یعقوب.

که نوشته‌اند در قریه قراکولوک<sup>۲</sup> به سر می‌برند، ملفوفه رقم بعهدہ حاجی محمود پاشاخان سرتیپ به مأموریت محصل نوشته شده که قرار اعادت آنها را بگذارند.

### [درخواست امور عثمانی‌ها که به تعویق افتاده است]

مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

روز جمعه در ملاقات قرار دادید که در سه چهار فقره مطلب امروز بدوستان اطلاع بدهید، تا حال منتظر شدم خبری نرسید. لزوماً به مقام مزاحمت برمی‌آید درباب تتمه طلب مسیو قارطالی از میرزا عباس که می‌گوید ضامن بسپارد، اگر تا موعدی که قرار داده شود، گفتگوی خارج خود را با اصل صاحب طلب به جایی منتهی نکرد ضامن از عهده تتمه وجه نوشته برآید. دوستان بر حسب خواهش اندوستان استظهار مشفق مکرم مسیو قارطالی را خواسته کیفیت را حالی او کرد، ابداً ممکن نبوده و می‌گوید خیال میرزا عباس به جز اینکه مدتی هم ایصال تتمه وجه نوشته را بتعویق بیندازد به چیز دیگر بسته نیست و اگر من از روز

۱. خسروآباد = خسرو شهر، بخشی در نزدیک تبریز است.

۲. قراکولوک = قراکول، قریه‌ای در کردستان است.

اول بدین فقره رضا می‌دادم محتاج به عرض و شکایت نمی‌شد. قرار بدهید بطوریکه همانروز زحمت دادم و اسکات مسیو قارطالی هم به ورای این معنی حاصل نمی‌شود، میرزا عباس تتمه وجه نوشته را با تنزیل ایام گذشته آن حاضر کرده به جایی بسپارد تا به مدتی که در اینباب از صاحب طلب خبری برسد در آنجا باشد. دوستدار هم از مسیو قارطالی تعهد می‌خواهد که در صورت ظهور خلاف، تنزیل این تنخواه را هر قدر بماند کارسازی دارد و این فقره را هم لازم می‌دانم اشاره کنم که حصول اطمینان از نرفتن میرزا عباس به خارج مادام قرار انجام این امر با اندوستان استظهاری مشفق مکرم خواهد بود. دیگر فقره طلب مسیو اقسیدی از حاجی ملا محمود است که اظهار داشتید از قرارداد خودتان در اینباب امروز دوستدار را مطلع دارد، هنوز مستحضر نداشته‌اید و هم چنین دو نفر مأمور که به هشترو و سلماس بایست بروند، قرار دادید امروز آمده به اتفاق مکاری و یهودی روانه شوند، تأخیر کرده‌اند، چون مومی‌الیهما را از این جهت معطلی حاصل است. قدغن نمایید آمده و روانه شوند. زیاده چه زحمت دهد. (علی بهجت.)

### [درخواست رفع ظلم از تاجر عثمانی]

عرض می‌شود

اینکه عالیشان خواجه بدروس ارزنة الرومی که تبعه دولت علیه عثمانی می‌باشد، تاجر معتبر و آدم با کفایت است که مدت مدید است که در مملکت آذربایجان مشغول به امر تجارت است. احدی از مشارالیه مجبوری ندیده و متضرر نشده و علاوه با کمال صداقت حرکت کرده، ولی حادثه‌ای به مشارالیه رسیده است که رفع ظلم واجب آمده عرض می‌نماید و احوالات به موجب عریضه‌ای که لفاً اینکه ارسال شده به نظر مبارک سرکار عالی می‌رسد. توقع از سرکار عالی آن است که بعد از رسیده‌گی کسر تنخواه و خسارت حسابی به موافق قانون تجارت او را گرفته به مشارالیه عاید شود، چونکه در امور تبعه دولتین علیتین تفاوت منظور نشده، لهذا اظهار عرض می‌شود که با بود وجودی سرکار عالی چنین ظلم و تعدی بی‌معینی به رعیت دولت علیه وارد آید، رفع ظلم واجب است، باری فدوی عرض می‌کند که به موافق مطلب مشارالیه که عریضه نموده صورت و انجام بگیرد. زیاده زحمتی نیست و عرضی نه. (تمستقلین نقلائیدیس.)

### [ اختلاف تبعه ایرانی با تبعه عثمانی در مورد سرقت ]

مقرب الخاقانامشققا مکرّما.

درباب نسبتی که میر تقی نام سارق به سرکیس زرگردانی می دهد، اظهار داشته اید مومی الیه که دستگیر شده قرار احضار سرکیس مزبور هم به جهت تحقیق این امر از جانب دوستدار داده شود. اولاً دوستدار بنحویکه استحضار دارد قریب پنج و شش سال قبل اوقاتی که مقرب الخاقان میرزا عبدالوهاب خان نایب الوزاره متصدی امور کارگذاری بود، کراراً تحقیقات لازمه در اینباب بعمل آمده به هیچ وجه محل گفتگو بحثی نسبت به سرکیس مرقوم باقی نمانده بوده است، حتی از وزارت امور خارجه هم در عدم تعرض به مومی الیه حکمی صادر شده بوده است. با وصف این بعد از این مدت مدید حضور او به جهت تحقیق این امر زاید بنظر می آید. ثانیاً در صورت لزوم هم که مومی الیه این اوقات برای کار به خارج رفته، احضار و از کار بازداشتن او به جهت این امر واضح است به قاعده وفق نخواهد داد. بعد از آنکه مومی الیه مراجعت به تبریز کرد هرگاه میر تقی مرقوم را با او حرفی در مقابل شد، مضایقه از رسیدگی آن نخواهد رفت. زیاده چه زحمت دهد. (تمستقلیس نقلائیدیس).

### [ اختلاف بر سر حق گمرک و راهداری با تاجر عثمانی ]

تصدقت شوم

سمعان تاجر موصلی در بیست و چهارم شهر شوال المکرم موازی چهل دو فرده ابریشم و یک فرده کجی گمرک صدودوازده خود را داده و جواز هم گرفته. تفصیل این فقره بدون کم و زیاد همین است که عرض می شود، در عمل خارجه و داخله خود سرکار بندگان عالی این قواعد را از همه بهتر می دانند، معلوم است بعد از آنکه رعیت دول خارجه گمرک خود را بدهد و جواز معتبر دولتی هم در دست داشته باشد در اطراف یا راهدارخانه ساوجبلاغ چه حقی دارند مطالبه راهداری نمایند. این دست اندازی باعث ضرر گمرک تبریز هم می شود، در حقیقت رفع این فقرات بسته به التفات سرکار عالی است، اینکه مرقوم فرموده اند گمرک ساوجبلاغ جزو عمل گمرک تبریز است یا نیست، این فقره عرض شود [که] راهدارخانه

ساوجبلاغ جزو عمل گمرک تبریز نیست و هرگاه جزو عمل گمرک تبریز هم باشد یا نباشد، بعد از آنکه جواز در دست رعیت خارجه باشد، احدی نباید دیناری مطالبه نماید. انشاءالله از اهتمام سرکار عالی قراری داده خواهد شد این اقسام بدرفتاری را موقوف نمایند که ضرر گمرک دارالسلطنه تبریز می شود. زیاده جسارت است. چه عرض تمام.

### [اختلاف با شهبندر بر سر اموال]

فدایت شوم

مراسله سرکار شهبندر ملاحظه شد، محل تعجب از مضمون آن حاصل شد چه وقت نصف مال آن دریافت شد و کی نصف دیگر به امانت به بنده داده شده. مکرر از وقت مقرب الخاقان میرزا عبدالوهاب خان و کارگذاری سرکار سثوال و جواب درین فقره شده و مکرر از جانب مرحوم سردار و میرزا عبدالوهاب خان محصل به قراته رفت و چیزی معلوم نشد، ثبت نوشتجات و سثوال جواب همه در دفترهای شما ثبت و ضبط است، اگر رجوع فرمایند جواب به قاعده خواهید مرقوم فرمود، بالجمله هیچ یک از این مرقومات اصیل نیست، اگر باز لازم است شرفیاب خدمت می شوم. زیاده زحمتی ندارد.

### [صورت اموال غارت شده عثمانی ها توسط پسر علی آقا شکاک]

صورت اموال منهویه تبعه دولت علیه عثمانی که در ایاب و ذهاب از خاک عثمانی به خوی، کسان احمد آقا پسر علی آقا شکاک غارت کرده برده اند. از اهالی قریه هسیس علیا: گاو، جُل گاو، اورکن<sup>۱</sup>، جوال، ظروف مسینه، قارابچه<sup>۲</sup>، تفنگ سه لوله، شاخ قطار سه دست، خنجر ۳ قبضه، قباي گُردی بالا ۵ ثوب، قباي کمری بالا ۵ ثوب، شلوار ۵ ثوب، چاروق ۵ جفت، گوسفند، وجه نقد. از اهالی قطور: الاغ ۲ راس، جُل ۲ عدد، ریسمان ۲ دسته، جوال ۲ جفت، نقد و قمه بالا اشیا علیحده. از اهالی قریه گرلوئیک: گوسفند.

۱. اورکن = واژه ترکی = زین بند اسب یا قاطر یا الاغ را گویند.

۲. قار قاربچه = واژه ترکی = ظرف و ظروفچه را گویند.

### [دعوت شهیندر برای شرکت در افطار]

مقرب الخاقان دوست مشفق مکرّما.

محض تحصیل فیض ملاقات مسرت علامات زحمت افزا و خواهشمندم شب شنبه بیست و پنجم ماه قبول زحمت کرده افطار را در دوستدار منزل صرف و از شرف مصاحبت لازم المسرت خودتان خاطر دوستدار و سایر احباب را محظوظ و مشعوف دارید. زیاده زحمت افزا نمی شوم. (علی بهجت).

### [درخواست شهیندر از صاحب منصب ایرانی برای افطار]

مقرب الخاقان دوست مشفق مکرّما.

به جهت استدراک فیض صحبت لازم المسرت شما در این ایام مبارکه قبول زحمت یک شب صرف افطار را در دوستدار منزل وسیله حسنه داشته و متوقع است شب پنجشنبه ۲۵ ماه حوالی غروب بدوستدار منزل تشریف آورده از فیض لقای شریف خودتان خاطر دوستدار را مشعوف دارید. زیاده زحمتی ندارد. فی ۲۲ ماه مبارک. (علی بهجت).



ضمیمه چند مکاتبه فرانسه



### [اختلاف کنسول با چاپار دولت ایران]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

بر خلاف اعتقاد رقهه که بدوستانار نوشته بودید، حرکت آن چاپار خلاف آنست. اولاً چاپار خدمت آن دوستان استظهاری دروغ عرض کرده که مراتب را به محض ورود به قونسولگری اعلام داده. ثانیاً خلاف عرض کرده [که] نایب قونسولخانه به او گفته آدم بفرستم پاکت را بگیرند و کرایه به او بدهند. نایب می گوید هرگز این طور چیز به او نگفته ام. ثالثاً عوض خبر دادن می بیست خودش به قونسولخانه آمده پاکت را بیاورد. رابعاً تخمیناً یک ماه ونیم پیش از این خبر به او داده بودم که هیچ پاکت از برای دوستانار قبول نکرده و بیاورد. درین فقره از آن دوستان استظهاری خواهش دارم که به آن چاپار قدغن نمایند [که] خبر بدهند بی اذن دوستانار پاکت از برای قونسولخانه بیاورد، هر پاکتی بی اذن دوستانار برای قونسولخانه بیاورد کرایه به او نخواهم داد. البته قدغن نمایند به او بسپارند. زیاده زحمتی ندارد. فی شهر شوال المکرم سنه ۱۲۸۳.

مهر لاکي: CONSULAT DE FRANCE A TAURIS

(عالیجاه مجدت و نجدت همراه فخامت و مناعت اکتناها دوستان استظهار مشفق مکرم مهربان نایب الوزاره ملاحظه فرمایند.)

### [درخواست پاکت های کنسولخانه از چاپار ایران]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

از قرار مضمون مراسله دیروزی آن عالیجاه مجدت و نجدت همراه مهدی نام که پاکت دوستانار را آورده است، می خواهد پاکت و چیزهای دیگر که مال دوستانار است در نزد خود نگه داشته و ندهد. پاکت و چیزهای دیگر را که آورده همین حالا بطور رسمی از آن عالیجاه دوست مهربان دوستانار مطالبه می کند. زیاده زحمتی ندارد. تحریراً فی ۹ شهر ذی قعدة الحرام ۱۲۸۳.

### [درخواست دستورالعمل پرداخت کرایه به چاپار]

عالیجاه مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان  
استظهارا مشفقاً مکرماتاً مهرباناً.

در وقتیکه آن دوستان استظهاری در اینجا تشریف نداشتید عالیجاه مقرب الحضرت علیه  
میرزا معصوم رقعہ بدوستاندار نوشته به مصحوب دو بسته پاکت که چاپار تجارتی از ارزنة الروم  
از برای دوستدار آورده بود فرستاده بود. در آن رقعہ نوشته بودند که قرارداد هست از برای  
هرکس یک پاکتی که بواسطه چاپار می رسد، کرایه معین دارد و باید به او بدهد. چونکه  
قونسولخانه از این قرارداد معمول خبر ندارد که تاجر و رعیت فرانسه بر حسب آن بتواند رفتار  
نمایند از آن دوستان استظهاری زیاده ممنون می شوم سواد آن قرارداد را از برای دوستدار  
بفرستید. زیاده زحمتی ندارد. تحریراً فی ۲۰ شهر ذی قعدة الحرام ۱۲۸۳.

### \* [درخواست مجازات ساعت ساز]

تبریز ۳ مارس ۱۸۶۷ کنسولگری فرانسه در تبریز.

آقا، از گزارش رسمی میرزای کنسولگری چنین نتیجه گرفته می شود که پس از ملاقات امروز صبح  
با شما، حقانیت درخواستی را که از طرف من مأمور بود به شما اطلاع دهد پذیرفته اید. این درخواست  
درباره مجازات س. علی اکبر، ساعت ساز، بود که شما آمادگی خود را جهت اجرای مجازاتی که مرد  
مذکور به دلیل جسارت مضروب نمودن یکی از کارمندان کنسولگری فرانسه استحقاق آنرا  
داشت اظهار نمودید و نظر به اینکه این فرد در اختیار من بود شما جهت مبادرت به تنبیه منتظر  
نظریه بعدی من بودید. من این اظهارات را که توسط عامل رسمی ارتباطات ما ابلاغ شده بود  
یادداشت نمودم. کاملاً لازم می دانم که فردی را که بدون انگیزش، جرئت مضروب نمودن  
مترجم من به وسیله ضربه باتون، حتی با حضور نگهبانانم، نموده است، شدیداً تنبیه گردد، به  
دلیل اجرای عدالت درخواست می نمایم تعهدی که امروز صبح به عهده گرفتید به مورد اجرا  
درآید. تمنا دارم احترامات فائقه مرا بپذیرید، پیوست یک رونوشت از شهادت نگهبانان و  
اظهارات پزشک کنسولگری، به آقای دبیر وزارت امور خارجه. (امضاء آمده گری.)

Consulat de France  
à Tauris

Tauris, le 7 Mars 1861.

Monsieur,

Il résulte du rapport  
officiel du Mirza du  
Consulat que, à la —  
suite de l'entretien  
qu'il a eu avec vous  
ce matin, vous avez  
reconnu la justesse de  
la demande qu'il était  
chargé de vous adresser

à Monsieur le Secrétaire du  
Ministère des Affaires Étrangères  
X<sup>a</sup> ————— X<sup>a</sup> ————— X<sup>a</sup>

de ma part concernant  
 le S<sup>r</sup> ali Akber, horloger;  
 — que vous vous êtes  
 déclaré prêt à faire —  
 infliger à cet individu  
 le châtiment qu'il a  
 mérité pour avoir osé  
 frapper un des employés  
 du Consulat de France,  
 — et que, tenant cet  
 homme à ma disposi-  
 tion, vous attendiez un  
 avis ultérieur de ma part  
 pour procéder à l'appli-  
 cation de la peine.

J'ai pris acte, Monsieur,  
 de cette déclaration

transmise par l'organe  
officiel de nos rapports.  
Je considère comme abso-  
lument nécessaire qu'un  
individu qui, sans pro-  
vocation, a osé injurier  
et frapper du bâton  
mon drogman, et cela  
en présence même de mes  
gardes, soit sévèrement  
puni. Je requiers en  
conséquence que justice  
soit faite et que l'en-  
gagement pris par vous  
ce matin reçoive son  
exécution.

Veuillez

Veuillez agréer, Monsieur,  
l'assurance de ma haute  
Considération

Très humblement

J. L. G. joint une copie de  
la déposition des gardes  
et de la déclaration du  
médecin du Consulat.

Eg

## \* [ادامه مکاتبه در مورد مجازات ساعت ساز]

تبریز ۶ مارس ۱۸۶۷ کنسولگری فرانسه در تبریز.

آقا، طبق نامه‌ای که دیروز افتخار ارسال آنرا به من دادید قرار توقیف کیفری که برای آقای علی اکبر پیشنهاد می‌نمائید بدون آنکه مختصات، محل و مدت آنرا مشخص نمائید به هیچ صورت یک کیفر متداول در این کشور نیست. این کیفر هیچ مفهومی ندارد و به هیچ صورت جبران عمل خشونت آمیز و توهین آمیز این شخص را نسبت به یکی از کارمندان من نمی‌نماید. لذا آنرا به عنوان یک رضایت کامل نمی‌توانم بپذیرم و با کمال تأسف خود را ملزم می‌بینم که مجدداً ادعا نمایم، طبق تعهدی که به عهده گرفتید و مجازات آقای اکبر را در اختیار من گذاشته شده‌اید، در حضور یک نماینده کنسولگری، مجازات متشابه عمل خشونت آمیزی که انجام داده است درباره اش اعمال گردد. عدم تنبیه، در چنین مواردی، باعث تشویق ارتکاب مجدد به کار خلاف می‌گردد. من مسئولیت عواقبی را که امتناع طولانی از طرف شما در مقابل خواسته منصفانه من می‌تواند به آن منتج شود به خود شما واگذار می‌نمایم. موجب امتنان خواهد بود وصول این نامه را اعلام فرمائید. تقاضا دارم احترامات فائقه مرا بپذیرید: به آقای دبیر وزارت امور خارجه (امضاء آمده گری).

Consulat de France  
à Tauris

Tauris, le 6 Mars 1867.

Monsieur,

La détention que,  
d'après la lettre que  
vous m'avez fait l'hon-  
neur de m'adresser hier,  
vous ~~vous~~ proposez d'in-  
fliger au S<sup>r</sup> Ali Akber, sans  
en faire connaître, ni le  
caractère, ni le lieu, ni  
la durée, n'est point une  
pénalité en usage dans  
ce pays. Elle n'y a aucune  
signification, et ne répare

à Monsieur le Secrétaire du  
Ministère des Affaires Étrangères  
à Tauris, &<sup>a</sup> — &<sup>a</sup> — &<sup>a</sup>



en aucune façon l'acte violent et outrageant commis par cet individu à l'égard d'un de mes employés.

Je ne saurais donc l'accepter comme une satisfaction suffisante, et je me trouve, à regret, dans la nécessité d'avoir à réclamer de nouveau que, conformément à l'engagement pris par vous, le S<sup>r</sup> Akber, mis à ma disposition, reçoive en présence d'un délégué du consulat un châtiment d'une nature analogue à

l'acte de violence qu'il  
a commis.

Le défaut de répression  
n'étant, en pareil cas,  
qu'un encouragement  
à de nouveaux méfaits,  
je vous laisse, Monsieur,  
la responsabilité des  
conséquences que pourra  
entraîner un refus pro-  
longé de votre part de  
faire droit à une juste  
demande

Je vous serai obligé de  
vouloir bien m'accuser  
réception de cette lettre.

Veuillez agréer, Mon-  
sieur, l'assurance de



\* [شکوائیه از چاپاری که بدون اجازه پاکت‌های کنسولگری را نگهداشته]

تبریز، ۱۴ مارس ۱۸۶۷ کنسولگری فرانسه در تبریز.

آقا هم‌اکنون به اطلاع من رسیده است که شخصی که از طرف بازرگانان برای حمل نامه‌هایشان از ارزروم به تبریز استخدام شده بود از دیروز برخلاف قانون، مکتوبات متعلق به این کنسولگری را نیز در اختیار دارد و مدت دو ماه ونیم است که من به این شخص رسماً قدغن نموده‌ام که متعهد قبول نامه‌های کنسولگری نگردد. نتیجتاً از شما تقاضا دارم که این دستور را مجدداً از طرف من به ایشان ابلاغ نمائید و تمامی آنچه که متعلق به من بوده و در اختیار دارد و به من تسلیم دارید، تقاضا دارم احترامات فائقه مرا بپذیرد. به معاونت نمایندگی وزارت امور خارجه. (امضاء آمده‌گری).

Consulat de France  
à Tauris

Tauris, le 14 Mars 1867.

Montieur,

Je viens d'être informé  
qu'un individu employé  
par des négociants pour  
le transport de leurs  
lettres entre Breroun  
et Tauris tenait abso-  
lument depuis hier  
en sa possession des  
dépêches appartenant

à Monsieur le S. Délégué  
au Ministère des Aff. Françaises

au Consulat

Il y a deux mois et demi  
que j'ai déjà formel-  
lement interdit à cet  
individu de se charger  
d'aucun pli pour le  
Consulat.

Je vous prie, en consé-  
quence, Monsieur, de  
vouloir bien lui renou-  
veler cet ordre de ma  
part et me faire re-  
mettre tout ce qu'il

retient en ta possession  
et qui m'appartient.

Veuillez agréer, Monsieur,  
l'assurance de ma  
considération distinguée

Eme Lamy

✱ [درخواست نامه و اشیاء کنسولخانه که در نزد چاپار است]

تبریز ۱۵ مارس ۱۸۶۷ کنسولگری فرانسه در تبریز.  
آقا طبق نامه دیروز شما آقا مهدی تبعه ایران اعتراف نموده که نامه‌ها و اشیاء متعلق به من  
را در اختیار دارد، تقاضای دریافت فوری آنرا از طریق رسمی دارم تقاضا دارم احترامات  
فائقه مرا بپذیرید. به معاونت نمایندگی وزارت امور خارجه. (امضاء آمده گری).



ع و در ص ١٢٣

Consulat de France      Tauris, le 15 Mai 1867  
à Tauris.

Monsieur,

J'après votre lettre d'hier,  
le S<sup>r</sup> Meitthi, sujet persan,  
avouant tenir en sa possession  
des lettres et objets qui m'appar-  
tiennent, j'en réclame la  
remise immédiate par voie  
officielle.

Veuillez agréer, Monsieur,  
l'assurance de ma considéra-  
tion distinguée,

Emil Krausz

à M<sup>r</sup> le S. Délégué du Ministère  
des Affaires Étrangères &c - fa.

## \* [اعتراض به ساعت ساز که به کارمند کنسولخانه توهین نموده]

تبریز ۱۹ مارس ۱۸۶۷

آقا، بدون آنکه درخواست تلافی که علت و سبب آنرا به دفعات بیان نموده ام تجدید نمایم، در عین حال هم نمی توانم ادعای حاوی در آخرین نامه شما را درباره توهینی که آقا اکبر ساعت ساز نسبت به یکی از کارمندان من نموده بی پاسخ بگذارم. اگر شما، آقا، توجهی بیشتر به این موضوع نموده بودید، به عنوان مثال به گفته های شهودی که بنا به درخواست شما ارسال نمودم گوش داده و این گفته ها را با اظهارات شهود خودتان مقایسه می نمودید این عقیده را به دست می آوردید که آقای اکبر نامبرده از هیچ کس نمی تواند شکایت داشته باشد چون از این قرار، خود این شخص، می توانست به نوبه خود از کارمندان من شکایت نماید. او تنها مقصر است و بزدلی را با خشونت توأم کرده، خود ایشان به بهانه ای حيله گرانه از مترجم من خواسته بود به مغازه اش برود و آنچه را که یک سرباز<sup>۱</sup> از طرف من آمده بود از او مطالبه نماید، و او جرأت آنرا نداشت که مسئولیت را بعهده بگیرد، به مترجم من تسلیم نماید. ولی همینکه این مرد جوان وارد می شود به گونه ای بسیار بی ادبانه به او توهین نموده و سپس او را مورد ضرب و شتم قرار می دهد. نکته دیگری که در نامه خود به آن اشاره نموده اید و نیاز به توجه دارد آن است که می گوئید نمی توانید مسئولیت ضرب و فلک یک صنعت کار را که از احترامی برخوردار است بعهده بگیرید. اگر اخلاق این شخصی لیاقت احترامی را داشت که شما به او نسبت می دهید مقصرتر واقع می گردد که با عدم خویشتن داری خود را در موقعیت رفتار یک مردی از قشر پائین قرار بدهد. وانگهی می توان نام شخصیت های والایی را که به این گونه مجازات محکوم گردیده اند را نیز نام برد، لذا، آقا، به مناسبت دعوی خود لازم می دانم یادآوری نمایم که طبق قوانین این کشور، که همه از آن تبعیت می نمایند، هر که کسی را با چوب زد مجازاتش چوب خوردن باشد. تقاضا دارم احترامات فائقه مرا بپذیرید. به نماینده وزارت امور خارجه. (امضاء آمده گری).

۱. این کلمه درست خوانده نمی شود احتمالاً لغت سرباز است. مترجم.

Tauris, 19 mars 1867.

Montieur,

Sans avoir à renouveler  
une demande de réparation  
déjà faite et motivée par  
moi à plusieurs reprises,  
je ne puis pourtant laisser  
passer sans y répondre une  
affertion contenue dans  
votre dernière lettre au sujet  
de l'offense commise par le S.  
Akber, kourger, à l'égard d'un

à Monsieur le Délégué des Affaires  
Françaises & — & — &

de mes employés : à savoir, que  
 Cet individu aurait eu de son  
 côté à se plaindre de mes  
 gens. — Si vous avez, Monsieur  
 donné plus d'attention à  
 cette affaire, entendu par  
 exemple les témoins que sur  
 votre demande j'étais allé  
 envoyer et ceux qu'il vous  
 appartenait de faire compara-  
 traire, vous auriez acquis  
 la conviction que le susdit  
 Akber n'a eu à se plaindre  
 de personne. Il a été seul cou-  
 pable et joignant la lâcheté  
 à la violence, c'est lui-même

qui a fait venir dans sa boutique  
mon droguan - sous le prétexte fa-  
taleux de lui remettre ce que  
le perbas, à qui il n'osait s'en  
prendre, était venu de ma part  
lui redemander. A peine ce jeune  
homme fit-il entrer, qu'il l'a inju-  
rié de la manière la plus gros-  
sière et ensuite frappé.

Il y a un autre point de votre  
lettre qui réclame une observation.  
vous ne pouvez, dites vous, prendre  
sur vous de faire donner la baj-  
tonnade à un artisan qui  
jouit d'une certaine considération.  
Si le caractère de cet individu  
lui méritait la considération  
que vous voulez bien lui attribuer,

il n'estrait que plus coupable  
de s'être laiffé aller dans cette  
circonstance a l'ouportance et  
d'un homme de bon étage.  
on pourroit <sup>d'ailleurs</sup> citer les noms de  
plus grands personnages qui  
ont reçu ce châtiement et,  
je ne crois pas manquer aux  
convenances de ma cause  
en mes rappelant, Monsieur,  
que d'après la loi de ce pays,  
a la quelle j'ai été soumis,  
celui qui a frappé avec le bâton  
doit passer sous le bâton.

Veuillez agréer, Monsieur,  
l'assurance de ma haute  
considération,

Just Clair

✱ [اظهار عدم اطلاع کنسولخانه از پرداخت کرایه به چاپار]

تبریز ۲۴ مارس ۱۸۶۷

آقا، در نامه‌ای که معاونت نمایندگی وزارت امور خارجه به من نوشته که حاکی لطف جنابعالی بود و مرا مفتخر نمود و دو پاکت، که از ازروم توسط یک نامه‌رسان از طرف بازرگانان برای من ارسال گردیده بود، نیز پیوست آن نامه بود، چنین ارزیابی شده بود که طبق مقررات موجود هر شخصی که نامه‌ای به وسیله پست دریافت می‌نماید باید قیمت حمل آنرا بر اساس پایه تعیین شده بپردازد. کنسولگری کوچکترین اطلاعی از این مقررات که اتباع و بازرگانان فرانسوی بتوانند موارد خود را با آن تطبیق دهند ندارد، موجب کمال امتنان من خواهد بود ابلاغیه مذکور را برای ما ارسال فرمائید تقاضا دارم احترامات فائقه مرا بپذیرید. به نماینده وزارت امور خارجه. (امضاء آمده‌گری).

۱۹ فرانسہ

Caen, 24 mars 1864

Monsieur,

Dans une lettre que M<sup>r</sup>  
le Sous-Délégué des  
Affaires Étrangères m'a fait  
l'honneur de m'écrire  
pendant votre absence, et à  
laquelle étaient joints  
deux plis apportés par mon  
frère par un courrier

à Monsieur le Délégué des  
Affaires Étrangères, &c. —



de négociants, et il est  
que des Règlements  
existants en vertu desquels  
toute personne qui reçoit  
une lettre par le Courrier  
doit payer un prix de  
transport fixé sur une  
certaine base.

Le Consulat, Monsieur,  
n'ayant point connaissance  
de ces Règlements aux  
quels des sujets et négociants  
français pourraient avoir  
à se conformer, je vous serai  
infiniment obligé de vouloir

très mes dames Commu-  
nications.

Veuillez agréer, Mesdames,  
l'assurance de mes sentiments  
les plus distingués,

Lucy Lange

### [درخواست کنسول برای وقت ملاقات با قایم مقام ولیعهد]

تبریز ۶ ماه مارس فرانسه ۱۸۶۸ مسیحی مطابق دهم شهر ذی قعدة الحرام ۱۲۸۴ هجری  
قونسولگری فرانسه در تبریز.

به سرکار نایب الوزاره

سوء مزاج عارضه که چندی بود دوستدار را مانع از رفتن به خارج بود، تقریباً رفع شده  
می خواهم از صحت مزاج خود هرچه زودتر منتفع شده بشرف ملاقات جناب قایم مقام فایز  
شود. به کمال احترام متوقع است که مراتب را به عرض و اطلاع جناب معظم الیه برسانید. اگر  
میل داشته باشند پس فردا که روز شنبه باشد و یا دوشنبه بعد از ظهر چهار ساعت به غروب  
مانده بخدمت جناب معظم الیه رسیده ملاقات نماید.

مسیو برنی ترجمان قونسولگری که با مرخصی به فرانسه رفته و زیاد میل دارم مقرر دارند  
برادر سرکار که زبان فرانسه را خیلی خوب می دانند در وقت حضور دوستدار حاضر شده در  
خدمت جناب قایم مقام مترجم باشد و یا به جای او میرزا عباس خان<sup>۱</sup> را قرار بدهند حاضر  
باشد. ترجمه صحیح است. آقا مترجم کارگذاری مهام خارجه آذربایجان.

### [اختلاف تاجر فرانسوی با تبعه ایران]

۲۴ مارس ۱۸۶۸ قونسولگری فرانسه در تبریز.

به سرکار نایب الوزارها

در باب دعوای هانهارت و کونپانیه با ورثه حاجی نورمحمد که از قونسولگری شرحی  
تاریخ ۲۴ نوامبر ۱۸۶۷ اظهار شده بود، از قراریکه دوستدار شنید تا حال در دومجلس که به  
ریاست شما در یازدهم و چهاردهم این ماه منعقد شده در اینباب رسیدگی و بی اطلاع  
قونسولگری و با حضور طرفین و منصفین آنها مذاکره و گفتگو شده، بی اینکه دوستدار خود به

۱. میرزا عباس خان سرهنگ و رئیس تلگرافخانه آذربایجان که در سال ۱۲۹۵ ق به منصب سرتیپی  
سرافراز شد.

شخصه در آنجا حضور داشته و یا وکیلی از جانب خود موافق ماده پنجم فصل دوم عهدنامه دوازدم ژوئیه ۱۸۵۵ معین نماید، لهذا دوستدار به فراموشی چنین قاعده اصلی که بر طبق معاهده منعقد فیما بین دولتین متبوعتین ما استقرار یافته پروتست می نماید.

### [شکوائیه از مزاحمت مأمورین گمرک به چاپار دولت فرانسه]

ترجمه مراسله عالیجاها قونسول فرانسه بتاريخ ۶ شهر ژوئن ۱۸۶۸ مطابق ۱۴ شهر صفر ۱۲۸۵.

مشهدی باقر چاپار سفارت دولت فرانسه چهار ساعت قبل از ظهر از طرابزان آمده به تبریز وارد شد. وقت ورود اهل گمرکخانه او را گرفته و با اینکه مشارالیه اظهار کرده است چاپار فرانسه است و چاپار شاگرد هم که همراه او بوده به این معنی شهادت داده. با وصف اینکه مشهدی باقر به آنها گفته است اگر باور ندارید تا به قونسولگری همراه من بیائید معلوم شود من چاپار سفارت فرانسه هستم، اهل گمرکخانه او را گرفته و ترک بند اسب مشارالیه را در نزد جمعی که به جهت تماشا کردن در آن مکان ازدحام کرده بودند، در میان کوچه نزدیکی قبرستان گجّر باز کرده به زمین ریخته بودند. اشخاص مزبوره که بعضی از آنها سوار و با اسلحه بودند اکتفا به این بی حسابی به یک تابع سفارت دولت فرانسه که مدت پنج سال است در همین راه چاپاری می کند نکرده تا به قونسولگری او را تعاقب نموده بودند و بدون اینکه خودشان را بشناسانند یا اینکه سبب آمدن خود را به قونسولگری اظهار نمایند بی اذن با مشهدی باقر بلافاصله وارد اوطاق دوستدار شدند. از برای دوستدار کفایت می کند که این فقره را به شما اظهار نمایم و یقین دارم که شما تنبیه لازم را در حق آن اشخاص خواهند نمود.

### [تقریرات چاپاران دولت فرانسه در مورد مزاحمت مأمورین گمرک]

تقریرات مشهدی باقر و علی اصغر نام شاگرد چاپار از این قرار است.  
مشهدی باقر تقریر کرد که در بیرون قلعه که چار راه مشهور است یک نفر سوار حسین بیگ نام به من برخورد و پرسید کیستی و کدام چاپاری؟ گفتم چاپار فرانسه و خدمت قونسول

می‌روم، همراه من آمد تا قبرستان گجر و در آنجا گفت که باید با من بیایی برویم پیش میزان آقاسی. من گفتم من نمی‌روم تو بیا با من برویم قونسولگری. یک نفر راهدار پیاده حسنعلی نام را گفت جلوسب شاگرد چاپار را گرفتند و خورجین او را وا کردند و بند خورجین را بریدند پاکت‌ها را ریختند زمین و این فقره در جایی اتفاق افتاده است که جمعی بودند و جمعیت بود. بعد به حسنعلی گفت این را نگاهدار تا من بروم پیش میزان آقاسی و خودش رفت، بعد از رفتن او حسنعلی به من گفت چیزها را جمع کن برو. من که جمع کردم می‌آمدیم در نزدیکی قونسولگری دیدم که همان حسین بیگ با محمدباقر بیگ و یعقوب بیگ که سوار بودند و حسنعلی و یک نفر پیاده آمدند.

تقریر شاگرد چاپار هم به همین‌طور است، حتی گفت که خورجین را چنان کشیدند که نزدیک بود من زمین بخورم و از روی اسب بیفتم و حسین بیگ از قرار تقریر خودش چاپار شاگرد را می‌شناخته است با وجود اینکه گفته است چاپار فرانسه است باز حسین بیگ متحمل نشده است، تمام شد تقریرات آنها. فی ۱۳ اکتبر ۱۸۶۸.

#### تقریرات حسین بیگ:

حسین بیگ تقریر کرد که من با این چاپار آمدم تا قبرستان گجر و به این گفتم که بیا برویم پیش میزان آقاسی و باور نکردم و شناختم که این چاپار فرانسه باشد و این چاپار قبول نکرد، من به حسنعلی گفتم این را نگاهدار تا من به میزان آقاسی خبر بدهم و خودم رفتم پیش میزان آقاسی دست به خورجین او نزد رفتم پیش میزان آقاسی. میزان آقاسی هم محمدباقر بیگ را همراه من کرد که بروید ببینید چاپار فرانسه است یا نه، اگر مال التجاره دارد به قونسول بگوئید بیاورید، به میزان آمده دیدیم آنجا نیستند، رفتیم به قونسول‌خانه. حسنعلی هم می‌گوید تفصیل همین‌طور است دست به خورجین او کسی نزد. مشهدی باقر خودش تغییر کرد و خورجین را وا کرده زمین انداخت. حسین بیگ گفت که من شاگرد چاپار را می‌شناختم اما چون اغلب از این دروغ‌ها گفته‌اند و مال از گمرک گریزانیده‌اند من باور نکردم. تمام شد. تقریرات حسین بیگ و حسنعلی. فی ۱۳ اکتبر ۱۸۶۸.

### \* [درخواست تتمه طلب ضابط سنت اتین از ساعدالملک]

تبریز ۱۴ ژوئن ۱۸۷۰ کنسولگری فرانسه در تبریز.

آقا، سال گذشته در آغاز ماه نوامبر جناب آقای میرزا سعیدخان، طبق دستور اعلیحضرت، نامه‌ای به منظور اقدام برای دریافت مبلغ سه هزار تومان از وراث مرحوم ساعدالملک، که باقی‌مانده طلب آقای ضابط محکمه<sup>۱</sup> سنت اتین صادره به نام دولت ایران بوده است، را به شما تسلیم نمودند به محض وصول نامه پیش گفته افتخار آنرا یافتیم که در این مورد با شما صحبتی نمایم. اواخر ماه دسامبر شما مرا مطلع نمودید که پس از بررسی مسئله، طبق نوشته رسیده‌ها به وسیله وکیل وراث پیش گفته، چنین تشخیص داده شد مازاد باقی‌مانده دین معوق مبلغ پانصد تومان است که شما جناب آقای وزیر امور خارجه را مطلع می‌نمائید و بقیه آن بدون شک در تهران تسویه خواهد گردید. درواقع شما به من مبلغ چهارصد تومان تسلیم نمودید با قول پرداخت صد تومان مابقی در کوتاهترین مدت جهت تکمیل کل مبلغ قابل پرداخت در تبریز. شش ماه پس از گذشت از این تاریخ بدون آنکه اقدامات من برای دریافت این مبلغ ناچیز باقی مانده با موفقیت به انجام رسیده باشد سفارت اعلیحضرت امپراطور... (ناخوانا) که وزارت امور خارجه به من تأکید می‌نماید که هرچه زودتر باقی مانده این طلب را دریافت نمایم. به این دلیل از شما درخواست می‌نمایم بدهکاران را مقید نمائید که قرض خود را پرداخت نمایند یا چنانچه این پرداخت، به عقیده شما، مشکلات جدیدی را به وجود می‌آورد، مرا مطلع نمائید تا بتوانم آقای کاردار را در تهران آگاه نمایم. خواهشمندم احترامات مرا بپذیرید امضاء آمده‌گری.

اضافه می‌نمایم در آخرین پستی که دریافت نمودم مطلع گردیدم که مبلغی حدود دوهزار تومان به دفتر سفارت واریز گردیده است. (به آقای میرزا ابراهیم خان مأمور وزارت امور خارجه در تبریز.)

۱. این لغت دفتردار یا منشی محکمه نیز می‌تواند باشد. مترجم.

Consulat de France  
à Tauris

Tauris, le 14 Juin 1870

Monsieur

L'année dernière, au commencement  
du mois de Novembre, sous brillante  
Korzan Said Hachem vous a, par l'ordre  
de sa Majesté, adressé une lettre à  
l'effet d'obtenir des héritiers de feu  
Said el Kottb le paiement d'une  
somme de trois mille francs, reliquats  
d'une créance de M. Croffier, de St.  
Etienne, sur le gouvernement persan et,  
au reçu de la lettre précitée, j'ai eu  
l'honneur de vous parler de cette affaire.

Monsieur

Korzan Ibrahim Hachem,  
Agent du Département des Affaires Étrangères,  
M. M. L.  
à Paris.

Vers la fin du mois de Septembre, vous m'informâtes qu'après avoir examiné la question, il avait été convenu, sur la production de reçus faite par le mandataire des dits héritiers, que les deux tiers me demeureraient redevable que d'une somme de cinq cents Romans, que vous m'informiez tout excellentement le Ministre des affaires étrangères et que les simples décrets sans doute réglés à l'ordinaire. En effet, vous me fîtes remettre quatre cents Romans avec promesse de compléter dans un bref délai, le total de la somme payable à l'étranger, soit cent autres Romans.

Si je me suis tant humilié depuis cette époque sans que mes démarches aient obtenu le faible reliquat dont il s'agit d'aucunement. La signature de la Majesté l'Empereur auprès vous que le Ministre des affaires étrangères insistent auprès de moi afin que je m'occupe au plutôt le sort de la créance. C'est pourquoi j'ai l'honneur de vous prier de vouloir bien contraindre les débiteurs à s'acquitter ou de m'informez si, dans votre opinion, le paiement



doit remonter des nouvelles diffinitives afin  
que je puisse en instruire Monsieur le  
Chargé d'affaires à Cahir.

Veuillez agréer, Monsieur,  
l'assurance de ma haute considération,

Amédée Quarré

P. S. Par le dernier Comité, j'ai été informé  
qu'une somme d'environ deux mille francs  
a été versée à la Chancellerie de la Légation,  
Aq.

### [درخواست طلب تبعه فرانسه از ساعدالملک]

ترجمه کاغذ از مسیوگری به مقرب الخاقان نایب الوزارها بتاريخ ۱۴ شهر ربیع الاولی سنه ۱۲۸۷. عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرمًا.

پارسال در اوّل ماه نوامبر که مطابق شهر رجب المرجب باشد، از جانب اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری ادام الله دولته و از جانب سنی الجوانب جناب جلالتماب وزیر امور خارجه دام اقباله حکم محکم بعهده سرکار شوکتمدار عالی رسید درباب مبلغ سه هزار تومان مطالبه وجه مسیو اسقوفیا از عالیجاه نریمان خان سرتیپ که از وراثت مرحوم ساعدالملک باید گرفته شود. جناب جلالتماب عالی بعد از اتمامات و ملاحظه احکام دارالخلافه الباهره به مقام مطالبه برآمده چند طغرا قبض وراثت مرحوم ساعدالملک ابراز نمودند مشعر بر این بود که بعد از تفریغ حساب ملزومی وراثت مرحوم مزبور مبلغ پانصد خواهد شد و تتمه حساب زیاده از مبلغ مزبور نخواهد بود و چنین قرار دادید که پانصد تومان را در تبریز به قونسولگری بدهند و باقی سه هزار تومان را در طهران تفریغ حساب نمایند و از پانصد تومان مبلغ چهارصد تومان واصل شد و باقی که مبلغ یکصد تومان باشد کماکان ماند و مقرر فرمودیده که بعد از چند روز بحیطه وصول رسانده می‌رسانم. قریب شش ماه از این گفتگو گذشته اثری ظاهر نشد، حالا چون از جانب سفارت دولت فخمیه فرانسه و از جانب وزارت امور خارجه فرانسه هر روز علی التوالی تأکید و اصرار می‌شود که تنخواه زودتر وصول شود و تعجب دارند که تا حال چرا بعقده تعویق افتاده است و وصول نشده است. لهذا با کمال احترام از آن مشفق مکرم خواهش می‌نماید که مبلغ مزبور را که باقی پانصد تومان است هرکس باید بدهد قدغن بفرمائید گرفته بدهند و تنخواه را به قونسولگری برسانند و زیاده از این نماند، در صورتیکه گرفتن تنخواه امکان‌پذیر نبود و وصول مبلغ مزبور غیرممکن باشد به مخلص اطلاع و استحضار بدهید که به جناب جلالتماب سازدوفر دولت فخمیه فرانسه استحضار داده اخبار نماید که وصول تنخواه غیرممکن است. خواهش دوستانه می‌کنم از این دو قسم یکی را رفتار بفرمائید و اطلاع داده جواب مرحمت بفرمائید تا مخلص تکلیف خود را بداند و رفتار نماید، هر قدر زودتر جواب مرحمت دارید مایه امتنان مخلص می‌شود. زیاده چه زحمت دهد. (آمده گری).

✱ [نامه کنسول فرانسه به ژنرال کنسول انگلیس در مورد طلب تبعه فرانسه از تبعه ایران]

تبریز ۲۱ دسامبر ۱۸۸۴

آقای سرکنسول افتخار داریم به استحضار شما برسانیم که ما اطلاع حاصل نمودیم حاجی میرزا آقا هعیلی (؟) جناب آقای ساعدالملک را مطلع نمودند که دیگر ضمانت عدم سوءاستفاده از تسهیلات قانونی و اقدامات غیرقانونی شریک خود حاجی محمد رحیم را بعهده ندارند و به این دلیل از عالیجناب درخواست نمودند که مدرک او را که ضمانت نامه مذکور از حاجی محمد رحیم می باشد به او باز گردانده شود. نظر به اینکه میرزای شما در حضور خودتان به ما اطمینان داد که حاجی میرزا آقا نیز کتباً به جناب آقای ساعدالملک اعلام نموده که شریک حاج محمدرحیم است و مدرک ساعدالملک قبل از حرکتشان نیز تأکید داشتند، رونوشت تصدیق قانونی شده این نوشته به ما تحویل داده شود. علاوه بر آنکه آنگونه که ما مطلع گردیدیم جناب ساعدالملک این مورد را به دست شاهزاده نصرت الدوله سپرده اند و ایشان می خواهند طرفین را برای بررسی حساب های هر دو آقایان احضار نمایند. افتخار داریم به استحضار جناب آقای سرکنسول برسانیم نظر به اینکه حساب های این دو شریک هیچ ارتباطی به ما ندارد ما به هیچ گونه نمی توانیم آنها بپذیریم. همانگونه که مدرک حاجی میرزا آقا خطاب به جناب آقای ساعدالملک ثابت می نمایند که حاج محمدرحیم شریک ایشان می باشد قبل از هر چیز باید دیون خود را طبق قرارداد مشارکت بپردازد و اگر حسابی برای تصفیه باقی مانده این مورد به خود آقایان مربوط می شود که ترتیب آنها با شریک خود بدهند. اگر حاجی میرزا آقا قادر به پرداخت نمی باشد باید حجره ایشان بدون فوت وقت بسته شود و اعلام ورشکستگی بنمایند چون هر روز تأخیر باعث زیان ما می شود. به این دلیل، آقای سرکنسول، به خود اجازه می دهیم از شما تقاضا نمائیم برای دادن استحکام بیشتر به درخواست ما، چنانچه آنها مناسب تشخیص می دهید، یک نامه رسمی به مقامات صلاحیتدار نوشته شود و در آن تأکید گردد که پرداخت دیون ما بدون هیچ تأخیر بیشتری انجام گیرد. افتخار داریم آقای سرکنسول خدمتگذاران صدیق شما باشیم. آقای سر ژ. ابوت سرکنسول اعلیحضرت بریتانیا. (امضا هلیداستیونس).

### [درخواست طلب تبعه فرانسه از تبعه ایرانی]

مقرب الخاقانا معتمدالسلطانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرم<sup>۱</sup>.  
 درباب فقره ضامن نامچه عالیجاه مقرب المحضرة العلیه آقا میرزا هادی از بابت طلب جناب مسیو آمده خلیفه فرانسیه که دفترخانه کارگذاری مهام خارجه ضبط شده و موعد ضامن نامچه مزبورہ انتقضا یافته که دوستدار بتوسط میرزا حسن منشی شفاهاً به آن مقرب الخاقان پیغام و خواهش نمود که ضامن نامه را انفاد دارند که طلب حقیقه جناب خلیفه وصول و عاید گردد، چون دوستدار در اینباب مصابرت مناسب نداشته، علیهذا مجدداً به احترام تمام تحریراً به مقام مزاحمت برآمده که خاطر دوستدار را منظور داشته در حصول این مقصود قدری صرف توجهی بفرمایند که این فقره بزودی منقطع گردد که عین محبت و مودت خواهد بود. زیاده چه زحمت افزاید. مورخه فی سلخ رجب المرجب ۱۳۰۳. خدمت مقرب الخاقان معتمدالسلطان دوستان استظهاری مشفق مکرم معظم سرکار حاجی میرزا معصوم خان ملاحظه فرمایند. (وکیل دولت فرانسه مال پری تو).

### [درخواست اجاره ملک تبعه فرانسه از تبعه ایران]

فدایت شوم

عالیشان آقا عبدالعلی بُنابی قرینه قراچیق را به مدت سه سال اجاره نموده، به موجب یک طغرا اجاره نامچه معتبره مهموره به مهر جناب مستطاب حاجی میرزا یوسف سلمه الله مدت است وعده منقضی شده و مبلغ پانصد و شصت چهار تومان و یک هزار دویست دینار از بابت تتمه وجه اجاره دوساله سنوات سابقه باقی مانده تا هنوز قراری در ایصال وجه اجاره مزبورہ نداده بعهدہ تأخیر افتاده، دوستدار با کمال احترام زحمت می دهد که تعلیقہ جناب مستطاب

۱. یادداشت مترجم: رقم آخر تاریخ ناخوانا است. به علت کمرنگ بودن کاغذ و جوهر و هم چنین نگارش اسامی فارسی با لهجه خارجی امکان اشتباه در اسامی می تواند باشد. میرزا در گذشته به منشی ها هم اطلاق می گردید.

مغرب ما، منتهی به طایفه استانی است که

دباب فوه ضارح ناچیز است. مغرب محضه اعیانه و سرور و دایه است

خفته و اندک و قدر خفته که در سرهای خارجه ضبط شده و در سرهای خارجه

که در سرهای بر سر سرهای مغرب است که با پیغام و در سرهای

انفک دارد که کلب حقیقه حباب صفت و در سرهای و در سرهای

نسبیت نه است که در سرهای با خرام نام بخور و پیغام و در سرهای

منظر و در سرهای این مقصود و در سرهای و در سرهای و در سرهای

که بین مجت و در سرهای و در سرهای و در سرهای و در سرهای



اجل اکرم افخم اعظم شرف صدور یابد بعهدہ حکمران مراغه و بتوسط یک نفر غلام کارگذاری که وجه اجاره مزبور را از عالیشان آقا عبدالعلی اجاره‌دار بحیطه وصول رسانیده و عاید دارد. معلوم است لازمه توجه را در اینباب مضایقه نخواهند فرمود. زیاده مصدع است. مورخه هفتم شهر شعبان المعظم ۱۳۰۳. خدمت مقرب الخاقان معتمد السلطان دوستان استظهاری مشفق مکرم معظم حاجی میرزا معصوم خان ملاحظه فرمایند. (لهاندقصابوا<sup>۱</sup>).

### [درخواست رسیدگی به کار مردم خسروا و آزاد کردن دختر بچه مسیحی]

دوستا مهربانا

قونسول فرانسه مرا دیروز خانۀ نایب‌الوزارها فرستاده بود که به سرکار دو مطلب از برای کار واجب حالی کنم، تشریف نداشتید آنجا چون کوچه پر خراب و گل است، لازم دانستم این رقعہ را به سرکار بنویسم. مطلب اوّل این است که جناب نایب‌الوزارها به من وعده داده بود که کار مردم خسروا را درست فرمایند، چون حالا تشریف برده است و شما را نایب مناسب خود فرموده است، سرکار باید به این کار برسد، سواد فرمان که دارند جوف این مراسله گذاشتم که درست اطلاع داشته باشید، اگر پاره مطالب می‌باشد آورنده و حامل همین مراسله به سرکار عرض خواهد کرد. توقع و خواهش دارم که این امر را بزودی و خوبی پرداخت فرمائید و ثانی یکی از رعایای ارومیه که هم مذهب ما است، دخترش که پنج سال دارد مجتهد ارومیه با زور در خانۀ خود نگاه داشته است [که] مسلمانش بکند، این خلاف مذهب و دین است، هرگاه دختر بزرگ می‌بود و میل به مسلمان بودن می‌شد، چه عیب داشت، حالا اختیار با دست پدرش است، لیکن هرگاه اکراً این امر بشود، برائت دارد و خلاف است. باز توقع دارم همین امر را هم صورت داده و دختر را بدست پدرش بسپارند. منتظر جواب هستم مرقوم فرمائید. (امیل برنه نایب قونسول دولت خانه بهیہ فرانسه).

۱. لهاندقصابوا تاجر فرانسوی مقیم تبریز بوده است.



دست مهربان / قوندر فراتنه مراد برزخانه نایب الوزرا فرستاده  
 بهر کاره مطلب از برای کار واجب / لاکنم ترفیع اشتباهی  
 و کلام است لازم دانستم این رفقه را بر کاره بوسیله مطلب  
 در جناب نایب الوزرا مایع وعده ملاک بود کار مردم خسرو اراد  
 چون حال ترفیع برده است و ثانیاً بجناب خود فرموده است سرکار  
 باین کار بر نه سواد فران مر دارند و فراین مرا که که انتم در دست  
 داشته باشید اگر با مطاع لب جبهه آورنده و حال معنی مرا که کار  
 عرض خواهد که توقع و خواهش دارم این امر را برز در و خوب  
 برداخت فراموش نایم از عا بار او به هم نهد است و خشنی صبح  
 راه دار دهنده او به برز در خانه خوف که داشته است مسکن

### [دعوت به مراسم عید امپراطور فرانسه]

مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفق مکرما.

چون روز یکشنبه آینده پانزدهم ماه اوت فرانسه مطابق ششم شهر جمادی الاولی روز عید امپراطور اعظم می باشد، به جهت قبول تهنیت رسمیّه عید مزبور دوستدار در قونسولخانه دولت بهیه فرانسه حاضر خواهد شد، بجهة اطلاع و استحضار آن مشفق مکرّم زحمت افزا گردید. زیاده چه زحمت دهد. بتاریخ یوم پنجشنبه بیستم شهر مزبور است. (آمده گری).

### [درخواست پاکت های کنسولخانه فرانسه از مأمور ایرانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها دوستا مشفقا مکرما.

یک نفر نوکر تاجر ایرانی که برای بردن و رساندن پاکت ها ارزنة الروم تالی تبریز مأمور است، دوستدار در تازه گی مخبر شد که از دیروز تا به حال خلاف کرده و پاکت دولتی دوستدار را آورده نگه داشته است و حال آنکه مدت دوماه ونیم می شود که به آن شخص مزبور قدغن اکید کرده ام که ابدأ پاکت از برای دوستدار قبول نکرده و نیاورد. لهذا از آن دوست مشفق مهربان خواهش دارم که دوباره این سفارش دوستدار را به او حالی نمایند و قدغن اکید در این باب بکنید که پاکت دوستدار را نیاورد و آنچه پاکت دوستدار حالا نزد اوست بدوستدار برسانند. زیاده چه زحمت دهد.

### [مسافرت کنسول فرانسه به ارومیه و تعیین کنسول انگلیس به جانشینی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظهارا مشفقا مکرما مهربانا.

اولاً انشاء الله تعالی احوال آن مقرب الخاقان دوستان استظهاری بهتر است. ثانیاً امروز که روز چهارشنبه ۸ شهر صفرالمظفر است، دوستدار به عزم سیاحت و تفرج به صفحات ارومیه خواهد رفت، لازم دانست آن مقرب الخاقان دوستان استظهاری را از رفتن خود اطلاع دهد که



هر فرمایش نسبت بدوستدار داشته باشید اظهار و قلمی دارند. ثالثاً رعایای دولت بهیه فرانسه را و آنهاییکه بسته به قونسولخانه می‌باشند امورات آنها را کلاً و جزاً بعالیجاه مجدت و نجدت همراه دوستان استظهاری مشفق مکرم مهربان عامد صاحب جنرال قونسول دولت فخمیه انگلیس سپرده‌ام. هر چیز لازم باشد و یا کاری اتفاق بیفتد بخدمت ایشان بروند و مطالب خودشان را به ایشان اظهار دارند، این فقره برای اطلاع آن مقرب‌الخاقان دوستان استظهاری زحمت داد. زیاده زحمتی ندارد.

Consulat de France a Tauris مهر

عالیجاه مجدت و نجدت همراه فخامت و مناعت اکتناه مقرب‌الخاقان دوستان استظهار مشفق مکرم مهربان میرزا ابراهیم‌خان نایب‌الوزاره ملاحظه نمایند.

### [درخواست پاکت کنسولخانه فرانسه از چاپار ایرانی]

عالیجاها مجدت و نجدت همراهها فخامت و مناعت اکتناها مقرب‌الخاقانا دوستان استظهارا مشفقاً مکرم.

دوستدار شنید چاپار تجارتنی ایرانی که این روزها آمده، از ارزروم یک پاکت کاغذ برای قونسولخانه داشته از برای دوستدار تا به حال نیاورده، از آن دوست مشفق مکرم مهربان استظهاری خواهش دارد که به مشارالیه قدغن فرمایند همین حالا پاکت را بیاورد و برای معطل کردن او پاکت را، خالی از تنبیه نیست. معلوم است او را تنبیه فرموده من بعد از این گونه خلاف‌ها نکند و به سایر چاپارها هم عبرت شود. زیاده زحمتی ندارد.



***Correspondence of Three Governments  
With the Iranian Government***

**Vol. 3: Ottoman**

**With Several Correspondence  
from France with Iran**

**Compiled by**

**Abbâsgholî Sâdeghî**



**Society for the Appreciation of  
Cultural Works and Dignitaries**

**Tehran 2009**

